



بە پلېشوانزېستېن سالگرد تاسيس ح. د. خ. ۱۰



وليپ کارکوش

انگلستان و افغانستا

ديپارتمنت تاريخ عمومي
 رياست پوهنځي علومو اجتماعي
 پوهنتون کابل
 ۱۳۶۳
 سرطان

مترجم :
 پوهاند ميرحسين شاه
 همکار علي :
 شاه محمود محمود

(چاپخانه پوهنتون)

الله

AFGHANISTAN CENTRE AT KABUL UNIVERSITY



3 ACKU 00006153 0

انگلستان و افغانستان

مترجم

میر حسین شاه

د پیاوړتیا تاریخ عمومی
ریاست پوهنځی علوم اجتماعی
پوهنتون کابل
سرطان - ۱۳۶۳

مکار علی :
شاه محمود " محمود "

فهرست مطالب

<u>صفحات</u>	<u>موضوعات</u>
یکم	یادداشت
الف	مقدمه مؤلف
د	سیاست‌گذاری‌ها
	فصل اول :
۱	ظهور فارورد پالیسی
	فصل دوم :
۳۸	رشد سیاست جدید و متروک شدن آن
	فصل سوم :
۸۰	آغاز مجدد مسله افغان
	فصل چهارم :
۱۴۷	مذاکرات با عبد الرحمن خان
	فصل پنجم :
۱۷۷	حل مساله افغان
	فصل ششم :
۲۳۱	بحران پنجده
	فصل هفتم :
۲۹۳	تعیین حدود سرحدی روسیه و افغانستان
۳۰۸	فواصل
۳۰۹	منابع و مآخذ

یادداشت :

حقایق تاریخ افغانستان در قرن ۱۸ پیچیده گی خاص دارد . و دلیل آن نیز این بوده است که مطالعه آن در داخل افغانستان که منابع ارزشمندی قوی موجود نیست امری مشکل و در بعضا حالات ناممکن است . کلیه معلومات تاریخی بر نوشته ها و اسناد برتانوی ها استوار بوده است منابعی که بیطرفانه قضایا را شرح نموده باشد در اقلیت قرار داشتند . در اکثر کتب تاریخ که بوسیله افسران سیاستمداران و عمال انگلیسی نوشته شده سناریوی آن روی چند نکته می خورد . (روسای تزاری به هند حمله می کنند) - (سیاست نادرست امیر افغان خطراتی را متوجه هند - نموده) (و اینکه خود انگلیسها در برخورد غیر انسانی و تجاوز کارانه شان نسبت به مردم افغانستان و مداخله در امور آنان مستحق بوده اند) . در حالیکه واقعیت ها غیر از این است اما به صراحت باید گفت که تحلیل درست موضوعات از لحاظ مسلک تاریخ برای نویسنده افغان در گذشته کار مشکل بوده زیرا منابع دست اول که بتوان آنرا دقیق تفسیر کرد در دسترس نبوده و تعداد چنین کتب که روی منابع دقیق و معتبر متکی باشد به زبان های ملی ما بکلی انگشت شمار بوده است .

برای محیط پوهنتون که در آن محصلان تاریخ ، دوران تاریخ معاصر کشور را مطالعه و سمینار ها و ونوکراف ها تهیه می کنند و حتی برای استادان قلمت مواد خوب مطالعه جدا احساس می شود .

به یک مسئله دیگر نیز جدا باید توجه کرد : اخیرا افغانستان شناسان با اعتبار کشور دوست اتحاد شوروی چون پروفیسور اقرا موویچ ، پروفیسور تبلینسکیس و پروفیسور "هارونووا" از پوهنتون کابل دیدن به عمل آورده و صحبت های (در زمینه تاریخ و روابط دو کشور به عمل آوردند) (پروفیسور هارونووا) اظهار نمود که

او عقیده دارد که نه تنها میان افغانستان و اتحاد شوروی بعد از انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ کدام اختلافی روی مسایل در گذشته وجود نداشته بلکه حتی قبل از - انقلاب اکتوبر نیز روابط خصمانه نبوده است)) من نیز این عقیده را تأیید می کنم کلیه خصوصیات های صنعتی روی کتب حتی با روسیه تزاری نیز زاده تبلیغات انگلیس در افغانستان بوده است و لوری که تذکر دادم چون اسناد دقیقی در افغانستان یا حفظ نشده و یا کسی روی آن کار نکرده است تاریخ باقیمانده واصل می توان ادها کرد نه کسی تا قبل از انقلاب شکوهمند شورجرت سخن گفتن و بحث پیرامون آنها نداشت . اینک به کمک دوستان شوروی خود تاریخ نویسی کشور ما نیز نیرومند تر می گردد .

با مقدمه که گفته آمدیم مشخص در مورد کتاب ترجمه شده حاضر و مترجم بحث مختصر می نمائیم :

کتاب (انگلستان و افغانستان) که برسیله (دلپ کمار گوشی) بزبان انگلیسی در سال (۱۹۶۰) غرض اخذ درجه دکتورا به پوهنتون کلکته نوشته شده است از جمله کتب نادر است که پراز اسناد - معلومات جدید و شرح تقریباً مکمل قضایا می باشد . من راجع به نظر سیاسی نویسنده معلومات ندادم اما یک مسله قابل توجه است و آن اینکه نویسنده در تعبیر و تفسیر کتب اسناد زیاد داشت ها ، اصل پیدای کلی و قضاوت خوب را مراعات نموده است . از جانب دیگر و از اسنادی استفاده کرده است که دسترسی مورخان افغان در داخل کشور به آن بکلی ناممکن می باشد نه تنها نویسنده کتاب از اسناد سری انگلیس بلکه پرا مواد خوب و مختصر روسیه تزاری نیز آشنای بوده است . کار مؤلف صرف روی تذکر کرونولوژیک و قایح نبوده بلکه واقعیت های همان عصر را با ارائه اسناد بر ملا می سازد و در این کار خود موفق است .

بخش غالب توجه کتاب که برای نخستین بار اینقدر دقیق آنرا در ترجمه دري مالهه کردم بر خورد واقعینانه نسبت به قضایای سرحدی افغانستان و روسیه تزاری و سیاست روسیه تزاری در امور مربوط افغانستان است و این طرز تفکر ———— خلاف همه نوشته ها و تبلیغاتی است که انگلیس درین مورد از سالها به اینطرف نموده است تا تجاوزات خود را به کشور ما تبرئه نماید چنانکه مؤلف در فصل مربوط به بحران پنجاه به نقل قول از قاضی سعد الدین نماینده افغانها می نویسد: « انگلیس ها حق ندارد افغان ها را به جنگ تحریک کند که در مقابل روسی ها بجنگند » و با به نقل از نایب سالار افغان در پنجاه می نویسد که: « خوشوقتیم ازینکه با روسها در پنجاه جنگ کردیم زیرا هم اکنون می فهمیم که دشمن ما کی ودوست ما کیست ». مؤلف ادامه می دهد که: « چگونه افغانها می توانست برخلاف توصیه عمل کنند در حالیکه کپتان یت (انگلیسی) چون دلال حتی تا چند ساعت قبل از شروع جنگ فعالیت می نمود یت گمان می کرد وظیفه او و سایر افغانی اینست که مقابل روسی ها مقاومت نمایند اگر کپتان یت واقعا وظیفه خود میدانست که با روسی ها جنگ کند چرا افغانها را ملات می کند اینکه (یت) برخلاف امر کار کرده است هیچگاهی در حق او گفته نشده از طرف دیگر لمسدن بسیار اشتباه کرده است که جریان امور را بدست کپتان چوان گذاشته اگر لمسدن عوض اینکه وقتش را در گلران صایح کند در پنجاه می بود بحران ۳۰ مان اصلاحاتفاق نمی افتاد ». به این ترتیب نویسنده در موضوع سرحدی افغان — روسیه تزاری — همان نظری را که دکور (هارنود) افغان شناس اتحاد — شوروی در هنگام صحبت در پوهنشی علوم اجتماعی پوهنتون کابل طرح نمود و این واقعیت را که قضایای مذکره ساخته و بافته انگلیس و فرستاده گانش فرض بهره برداری سیاسی میان افغانها و روسیه تزاری است تأیید می کند . مؤرخ افغان میرغلام محمد غبار

در کتاب افغانستان در مسیر تاریخ نیز تقریباً عین مسله را قبول دارد * طرح این مطالب در کتاب برای خواننده افغان جالب و مفید است *

مسله دیگری که بخوبی در کتاب دیده می شود اینست که نویسنده سیاست انگلیس را در افغانستان با موشگافی و عمق و دید انتقادی بررسی نموده و حقایق متعددی را افشاء می کند چنانکه در مقدمه در مورد دلایل تبرئه گلادستون می نویسد (انتقاد تاریخی نمی تواند انرا قبول کند) *

بررسی سیاست های مختلف احزاب محافظه کار و لیبرال دقیق صورت گرفته در کتاب دیگر نویسنده گان انگلیسی مآب در جاییکه به اشتباهات و خیانت های - انگلیس در افغانستان می رسند گناه مسله را به صراحت تذکر می دهد که :

« قالیاء می شنوم که سیاست انگلیس راجع به افغانستان بر اساس حزی بیسود لیبرال ها وقتی خواستند از قندهار صرف نظر کنند مورد انتقاد قرار گرفتند ولی درست معلوم نیست که اختلاف واقعی بین سیاست وزرای محافظه کار و لیبرال راجع به افغانستان وجود داشته باشد » واقعیت نیز همین است که مردم و حزب برای منافع امپریالیستی انگلیس کاری کردند و تفاوت نویسنده ناملاء بجاست *

هر وقت به نقشه افغانستان در دوران معاصر نگاه میکنیم در ایجاد شکل

کنونی آن سیاست انگلیس نقش عمده داشته درین کتاب اسناد کافی در تعیین موضوعات سرحدی داده شده و دلایل واقعی مسله را بخوبی می نمایاند * ضمناً

قابل یادآوری است که در قسمت سیاست انگلیس در افغانستان و آسیای مرکزی

بواسطه مؤرخان و ترکستان شناسان^{نی} و اتحاد شوروی ازین اثر استفاده زیاد

بجمله آمده است چنانکه دیویندرا کوشک در اثر خویش بنام تاریخ آسیای مرکزی

که در اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۰ میلادی او طرف مؤسسه پروگریس طبع و انتشار

یافته است استفاده زیاد بعمل آورده است و قسمتی اثر اثر متذکره در زمین اواخر از طرف

یکی از استادان پژوهشی علوم اجتماعی ترجمه و منتشر گردیده *

بهر صورت اینها شمه از بررسی کتاب بود و اینکه تازه حد علاقمندان

تاریخ افغانستان مفید است امریست واضح.

در قسمت ترجمه کتاب باید علاوه نمود که استاد عالیقدر دیپارتمنت تاریخ

پوهنځی علوم اجتماعی (پوهاند میرحسین شاه) کتاب را سالها ^{قبل} ترجمه نموده بود

اما کتاب نشر نشده باقیماند، سال گذشته نسبت ضرورت جدی که استادان دیپارتمنت

به مواد جدید در مورد تاریخ افغانستان داشتند از استاد ارجمند تقاضا بعمل

آوردند تا زمینه حد اقل نشر گستر کتاب را بحیث کتاب معد درسی مساعد سازند

که به اثر تقاضاهای مکرر استادان دیپارتمنت استاد عالیقدر حاضر به آماده ساختن

کتاب برای نشر شد و اکنون پوهنځی علوم اجتماعی در نظر دارد انرا طبع نماید

تا تعداد بیشتر محصلین و استادان از آن استفاده نمایند.

ترجمه کتاب خیلی سلیس و روان بوده نشان دهنده آنست که مترجم به

هر دو زبان دری و انگلیسی تسلط کامل دارد مطالب در هیچ جا گنگ و مبهم

به چشم نخورد البته این اولین ترجمه استاد نبوده بلکه ما کتب و مقالات زیادی ازین

دانشمند عالیقدر خود قبلاً داشته ایم و از کار علمی شان همیشه مستفید بوده ایم.

مترجم نه تنها در داخل کشور بلکه در ممالک همجوار به عنوان یک تاریخ نویس

و استاد با صلاحیت تاریخ در مجامع علمی شناخته شده می باشد و نوشته ها و

مقالات این استاد عالیقدر بخصوص در هند و اتحاد شوروی همیشه به استقبال

مواجهه بوده است. اخیراً کتاب (لینن و جنبشهای آزادیبخش ملی در شرق)

به زبان دری در کابل در معرض فروش قرار گرفت نویسنده شوروی در صفحه (۱۵)

کتاب از نام این استاد ارجمند و مقالات وی تذکر میدهد که این خود اثبات

مدعای اینجانب می باشد و نشان دهنده آنست که در مجامع علمی و تاریخ نویسان

کشور دوست اتحاد شوروی با نام (پوهاند میرحسین شاه) بحیث یک پروفیسور و

مقدمه مولف

راجع به تاریخ روابط انگلستان و افغانستان در نیمه دوم قرن نوزدهم مطالب زیادی نوشته شده است؛ بطوریکه اقدام تازه برای نوشتن این موضوع هر چند راجع به دوره معین باشد، متضمن تکرار خواهد بود. با وجود این مطالبی است که نا گفته مانده است و نویسندگان متقدم آنرا ننوشته اند و بنابراین تحقیق جدید روی این موضوع همیشه حقایق تازه ای را روشن خواهد کرد که قبلاً شاگرد تاریخ هند جدید از آن اطلاع نداشته. در انتخاب دوره ای که به قرارداد ۱۸۸۲ روسیه و انگلیس ختم می شود سعی شده است - نشان داده شود که با وجود شکایات مکرر سیاستمداران و عوام از اینکه مخالفت بین لیبرال و محافظه کار در و ستمستر سرنوشت افغان ها در کابل و قندهار و هرات تعیین میکند سازگاری و موافقت اساسی در سیاست انگلیس در موضوع شرق میانه وجود داشته.

منظور من این است که سیاست انگلیس را در افغانستان تحلیل کنم این سیاست بصورت تدریجی توسعه پیدا کرد و بالاخره شکل معینی را بخود گرفت. برای این کار سعی کردم تمام جهات تحلیل ماهیت سیاست کدایی جنبش برای پیشرفت Farward Policy را در طول سرحدات هند بریتانوی از آغاز آن که پس از فتح پنجاب در ۱۸۴۹-۴۸ است مطالعه کنم.

فصل دوم و سوم از سعی لاردر لیتن - Lord Lytton برای توسعه حدود قارورد پالیسی و تجزیه سلطنت افغانستان برای اینکه امپراطوری هند از حمله احتمالی روسیه محفوظ بماند بحث میکند. دوره نیابت سلطنت لاردر لیتن موضوعی است که در آن بحث زیاد شده. برای اینکه سیاست او را جمع به افغانستان بطور کلی روشن شود علاوه بر لوائخ ارشید از بعضی از اوراق مهم شخصی لاردر لیتن استفاده کرده ام و آن اوراق موضوع مزبور را بخوبی روشن می سازد -

اصل کلی تجزیه افغانستان هر چند فکر جدید نبود برای اولین بار بوسیله

لارډ ليتن در ساچه سياست‌ملى داخل گرديد اين موضوع تا جاييکه از جريده

- - Friend Of India (۱) معلوم مي شود در سالهاي اخير نيمه اول

قرن نوزده به ميان آمد . راست است که هنري رالسن - Henry Rawlinson و

بارتل فرير - Bartle Frere گاه گاهي بان اشارتي دارند . ولي در انوقي

که اين سياست ضرورت غايي پنداشته مي شد (وسعي ميکردند تا حد ممکن ازان دوري

کنند) اصل کلي تجزيه لارډ ليتن تصور کلي ونهائي بود . قبل از آنکه در اداره سرحد

هند تجر به عملي داشته باشد معتقد شد که افغانستان تجزيه و تقسيم شده از نظر انگليس بهتر

از افغانستان متحد تر است که تحت فرمانرواي موثري از کابل اداره شود . ولي اين چشم انداز

خيالي که ليتن انرا روي ديوار سفيد اينده نقاشي کرده بود (۲) توجه اولياي امور انگليس را

جلب نکرد . اصلاح سرحد شمالي غربي ممکن است يکي از مقاصد اصلي بوده باشد که

دولت بيکنز فيلد - - Beaconsfield را واداشت با اميرشيرعلي خان -

بجنگد با وجود اين از فارورد پاليسي که با قرار داد گندم ۱۸۷۹ بدست آمد راضي بودند .

مذاکرات با ايران براي واگذاري هرات جزو حتمي سياست تجزيه است . چون راجع باین

قسمت جايي ديگري به تفصيل بحث نشده است سعي کرده ام انرا بر اساس لوائح ارشيف

واوراق ليتن تحليل کنم . از ماخذ ديگر استفاده نموده ام . بطور مثال موضوع موفقيت يا

عدم موفقيت سيستم سند من - Sandeman System که در فصل اول ازان بحث

شده است بايد به گوتم اثر مفيد دکتر ديويس (Dr. Davies) بنام

مشکل سرحد شمال غربي The Problem Of North-West Frontier^{ier} مطالعه شود .

۱- ۲۸ اپريل ۱۸۸۰ .

(۲) نامه ليتن به ستيفن ۷ اپريل ۱۸۸۰ . مکاتيب شخصي وادبي ارل ليتن

موضوع استعفای یعقوب خان از تخت افغانستان که در فصل سوم این کتاب مورد بحث قرار گرفته متم کتاب نظریات کلنل هنه - - Colonel Hanna است که در کتاب موسم به جنگ دوم افغان (جلد سه) Second Afghan War ' Vol 3 وی اظهار شده است .

سیاست لارڈ لیٹن راجع با فغانستان بالاخره اگر غیر عاقلانه نباشد غیر عملی ثابت شد . • تغییر حکومت در انگلستان و مقرری لارڈ رپن - Lard Ripn زمینه را برای حل و فصل امور افغانستان فراهم ساخت . • چشم انداز حکومت واحد در افغانستان با ظهور امیر عبدالرحمن خان روشن تر گردید . • لارڈ رپن از موقع استفاده کرده با امیر مزبور قرارداد بست و توانست صلح را باروشر خود مجدداً با فغانستان بیارد . • رپن که میخواست اساسات پیشرفته قرارداد گندمک را حفظ کند قراردادی با افغانستان بست که درست مثنی قرارداد ۱۸۷۹ بود .

غالباً می شنویم که سیاست انگلیس راجع با فغانستان بر اساس جزئی بود . • لیبرالها وقتی خواستند از قندهار صرف نظر کنند مورد انتقاد قرار گرفتند . • حزب محافظه کار نقص کامل سیاست خود را در آن میدید . • ولی درست معلوم نیست که اختلاف واقعی بین سیاست وزرای محافظه کار و لیبرال راجع با فغانستان وجود داشته باشد . • بیرون رفتن انگلیس را از قندهار مصلحت سیاسی ایجاب کرد و محافظه کاران خودشان هنگامیکه بر سر اقتدار بودند نگاهداری آنجا را در نظر نداشتند . • رپن بنوبه خود وقتی به هند آمد عقیده محکم داشت که نگهداری سرحدات پیشرفته که بآثر قرارداد گندمک بدست آمده است باید ضرورت سیاسی و نظامی باشد و باید با نظارت انگلیس بر روابط خارجی امیر افغانستان تعقیب شود . • با این عقیده به عقد قراردادی با افغانستان که مطابق با قرارداد ۱۸۷۹ بود اقدام کرد با عقد این قرارداد فارورد پالیسی به مدافع عالی خود رسید . • این کار علیه هدایات - صریح هرتنگن - - - Hartington مبنی بر اینکه : "از سرحد پیشرفته دست بکشد و از رقابت با قوه دیگری برای نفوذ در آسیای وسطی خودداری مینماید" .

صورت گرفت • اردو رپین عملاً • هدف اصل کلی سیاست سرحد پیشرفته قرار گرفت •

مانند طرفداران دیگر مکتب سیاست پیشرفت اردو مزبور عقیده داشت که تنها سرحدات دقیق در افغانستان می تواند مقابل پیشرفت روسیه را در آسیای مرکزی بگیرد • اوی گفت بهترین راه معامله با روسیه این است که او را با قرارداد بین المللی که بین ملکیین به امضاء میرسد مشغول کنیم • و این سیاستی بود که بعد از تقاعد رپین از هند ادامه داشت بالاخره منازعه برای اعتبارات و امتیازات سرحدی و پیدا کردن نفوذ سیاسی در آسیای وسطی به بحران پنجاه و دو فقره کشید • ولی عملاً • نه انگلیس جنگ میخواست و نه روسیه؛ بنابراین طرفین موافقت کردند ساحه های نفوذ خود را با مقاوله بین المللی ۱۸۸۷ تحین نمایند • فصل مربوط به بحران پنجاه قابل توجه است • می بیند هیئت وزیران Gladstone مسؤول این بحران بیجا بوده و با تدبیر و حزم و مال اندیشی ممکن بود ازان جلوگیری کنند • ولی اگر بخاطر داشته باشیم که ملکیت اراضی متنازعیه بین سری رود و رود امو^۹ ماده — قانونی پیدا شده می شد و بحران پنجاه بنابراین چیز عجیبی نبوده می توانیم نظر دیگری راجع به این حادثه پیدا کنیم • این که گلاستون Gladstone توانست پنجاه را برای افغانستان نگهدارد مطلبی است مسلم — راست است که در ناکامی چیزی بی پایه ناکامی نمیرسد • این نظر معاصرین او را تحت تأثیر قرارداد — اما انتقاد تاریخی نمی تواند انرا قبول کند •

فصل اخیر ادامه سیاست انگلیس را در آسیای مرکزی نشان میدهد • با وجود تغییراتی

که در کابینه انگلیس رخ داد تحدید سرحدات افغانستان بلا انقطاع ادامه داشت تا آنکه در ۱۸۸۷ ترتیب مبینی اتخاذ گردید •

د . ک . ک

کلکته ملری ۱۹۶۰ •

سپاسگزارى ها

در تهیه این اثر که بسال ۱۹۵۸ بحیث رساله دکتری به پوهنتون کلکته تقدیم گردید
معاونت های قیمتداری از جاهای زیادی رسیده است . از کتابدارو هیئت اداری کتابخانه

ملی کلکته - - National Library Calcutta ممنون . بین

ایشان شاعلی امیه کاررای - Amiya Kumar Ray وسین گوپتا Sen Gupta

مخصوصاً به من کمک نموده اند . مراتب سپاسگذاری خود را به هیئت اداری ارشیف های

ملی هند - - National Archives Of India مخصوصاً

شاعلی سورنیدرا نات رای Sri Sourindra Nath Ray معاون مدیر

ارشیف ها ، که تذکرات باارزشی به من داده است تقدیم میدام .

برای اوراق لیتن باید سپاسگزاری خود را خدمت خانم کوبولد Lady Hermoin Cobbold

نوه لرد لیتن نایب السلطنه هند و شاعلی سوتون - - Mr. S.C. Sutton

مربوط به دفتر روابط مشترک المنافع لندن تقدیم بوسیله اخیر الذکر بعضی از نسخه های

خطی باارزش سلسله - - Home-Miscellaneous Series بدست

امد . از کمپنی کوداک لندن ممنونم که به کمال مهربانی اسناد باارزش کتابخانه دیوان

هند - - India Office Library رابرای من میکروفلم

نمود .

نسخه های تایمز لندن قبل از سال ۱۸۸۱ در کتابخانه ملی کلکته وجود نداشت .

شاعلی گور - Sri A.H. Gore مربوط به انجمن آسیا بمبئی

- Asiatic Society Of Bombay مراموهون خویش ساخت و اجازه داد -

اوراق مزبور را میکروفلم کنم . به شاعلی بهت - - Sri C.J. Bhatt مربوط به

فوتو ماسترز بمبئی که از روی لطف وظیفه میکروفلم کردن این اوراق را برعهده گرفت

سپاسگزاری خود را تقدیم می کنم .

من باید رهین منت استادان خود Prof. N.K. sinha دکتر گوتا

P. C. Gupta بناغلی چکرورتی Sri . T. chakraverty

ودکتر سن S.P. Sen باشم . ایشان مرا تشویق نمودند و همیشه ملهم من بودند

از دکترای چودری - Dr. G. Raychowdhry هندی کالج هنر ادبیات

پوهنتون و استاد سوسوبهن سرکار Prof. Susobhan Sarkar رئیس شعبه

تاریخ پوهنتون جود هپور به نسبت همکاری هایی که در تهیه و نشر این کتاب نموده اند

سپاسگزارم . از بناغلی بهر اب نات گتمک Sri Bhairab Nath Ghatak که

مرحمت فرموده مراد تهیه فهرست باری کرد متشکرم .

بالاخره برای اظهار امتنان عمیق خود به استا بنرجی Dr.A.C.banerjee

مربوط به پوهنتون کلکته نمیتوانم کلمه بیایم . اگر اشتراک مساعی و راهنمایی مشارالیه نمی بود

این اثر اصلاً بوجود نمی آمد .

د . ک . گ

فصل اول

ظهور فارورد پالیسی

فارورد پالیسی از همان اوایل ظهور از نظر سیاست سوق الجیشی در طول سرحد شمالی غری هند موضوعی بوده که در اطراف آن بحث زیاد بعمل آمده بود . چون با اثر فتح سند و پنجاب سرحد هند با حلقه قبایلی که مرتفع کلات و افغانستان را از میدان های وادی سند جدا میکرد ، مجاور گردید مسئله دفاع آن مورد بحث دانشمندان علم لشکر کشی و سیاستمداران قرار گرفت . مناظره در اطراف دو وجه موضوع امپراطوری و محلی در گرفت و دلائل موافق و مخالف در اطراف احتمال حمله روس بر هند و لزوم توسعه سرحد شمال غری شنیده می شد . لارده دلهوزی^۱ Lard Dalhousie را تایمز Times به نسبت توسعه سرحد بین قبایل انبوه دره خیبر (۱) شددید . مورد حمله قرارداد . میترسیدند الحاق پنجاب به فتوحات بیشتری بکشد و تایمز نوشت که اگر « ما پایگاه های سرحدی خود را به مرکز تارتاری ببریم باز هم همسایگان ما دزدان خواهند بود » (۲) در عین حال عکس العملی مقابل روس ها موجود بود از زمان الحاق پنجاب قسمت بزرگ هند در حالت خطر دایمی بسر میبردند . « جزئی حرکتی با نظرف سرحد و کوچک ترین زمزمه ای در آسیای مرکزی علامت سیاست سنت پترزبرگ پیدا داشته می شد » (۳) معذالک تایمز خوف از روسیه را استدلال سفسطه امیز عامیانه دانست و فکر حمله روس را بر هند رد کرد (۴)

(۱) ۳ فبروری ۱۸۵۲

(۲) در همانجا

(۳) - - - The Friend Of India ۲ نوامبر ۱۸۵۴ .

(۴) دسمبر ۳۰ ۱۸۵۴ .

این کار برای این بود که قبایل سرحد سند بهتر تحت اداره باشند و عبور و مرور در معبر بولان محفوظ تر گردد . سال بعد امیر دوست محمد خان طی قرارداد ای خود را با حکومت هند متحد ساخت . مطابق این قرارداد امیر مزبور موافقت کرد که دشمنان " کمپنی هند شرقی باشد (۱) فریفتند افغانستان ادعا دارد که این قراردادها راه دسیسه روسیه را بست و استنتاج میکند که قرارداد های مزبور در تأمین امنیت هند دخیل است . (۲)

در آن وقت ها مانند امروز حلقه قبایلی غرب سند سلسله کوه های وسیعی بود که در غالب جاها دره های بزرگی از آن میگذشت و همین دره ها شمرا های بین افغانستان و هند را تشکیل میداد این سلسله کوه های بزرگ که از کوهلا Kohalla در سرحد کشمیر امتداد یافته و در حدود امب Umb به سند میرسد و در توربلا Torbela به ساحل راست رود خاوه میگذشت از این جا پس از آنکه بدو ر علاقه های انگلیسی پشاور کوه ها و بنو محیط دایروی را تشکیل میداد به فواصل مختلف از کنار رود سند عبور می نمود و تا بحیره عرب میرسید . سلسله کوه های سلیمان سدی را در جنوب و زیرستان تشکیل میداد بعد از آن صورت سطح موازی بسیار بزرگ و راه را بخود میرفست تا آنکه به بحیره عرب میرسید . از بحیره عرب به مکران و ایران میگذشت و از ناحیه جغرافیه هند دوری شد . فاصله بین کوهلا و کراچی به ۱۴۲۸ میل میرسید . که ۹۹۷ آن تحت حکومت پنجاب و بقیه آن زیر اداره سند بود (۳)

۱ - همانجا ص ۳۴-۴۱

۲ - ۱۲ اپریل - ۱۸۵۵ .

۳ - India Government Record , Note On The North West

وینکسز . ۱۸۷۷ Des, 1877 Frontier by Sir Andrew Clarke

رجوع کنید به ضمایم .

سرحد پنجاب که از سبک بارت رسید در اکثر جاها غیر علی خوانده شده است
 پناجران آمده اند و به میان می آید که آیا بیشتر بطرف غرب وسعت داده شود یا در پناهی
 کوه ها ثابت بماند. سیاست مداران و عداای علم سوق الجیشی و جنبه های مختلف مسئله
 دفاع را مورد بحث قرار داده اند. و راجع به اینکه آیا حفظ میدان مقابل کوه ها ایسانتر است
 یا از کوه ها مقابل مهاجمین اتفاق رای میسر نشد. (۱) این مباحثه به منظور و مکتب (۲)
 متمایز منتهی گردید که معمولاً آنها را مکتب پیشرفت و ثبات می نامند. باین ترتیب اختلاف
 نظردر سلسله سوق الجیشی سیاسی در طول سرحد شمال غربی افزا شد.

مکتب ثبات Stationary School با هر نوع پیشرفت با نطر طرف خط قدیم
 سبک مخالف بود زیرا عقیده داشت که انگلستان نباید از پیشرفت لشکر روسیه بترسد. حتی
 انهاییکه احتمال میدادند روسیه بزنند حمله کند. برداشتن موانع را از مقابل لشکر
 روسیه (۳) هنگام حمله ایشان بطرف شرق از راه میدانهای ایلیائی مرکزی (۴) بیجا و
 غیر عاقلانه می شمردند با اشغال پایگاه های نظامی وراء های کوه پایه های ماورای
 سند بزرور یا رضا، ازینجهت مخالف بودند که تقویه قدرت انگلیس برای حمله یا دفاع به
 مصارف هنگفت و تحمیل مالیه سنگین بر مردم هند منتهی میگردد (۵) علاوه بر این این کار
 مستلزم تعهدات نظامی و اداری می باشد. انما عقیده داشتند که کارهای لازمی
 که باید اجرا شود عبارت است از: تقویه مملکت در داخل سرحدات و برای این کار

۱- - - The Friend Of India 4 دسمبر ۱۸۵۶

۲- - - Hansard ۹ اگست ۱۸۷۷ سلسله ۳ ۲۳۶ ستون ۷۱۸

۳- - - The Friend Of India ۲۳ نومبر ۱۸۵۴

۴- - - اوراق پارلمانی ۱۸۷۸ افغانستان شمسار (۹۰۷۱) ص ۴۴

۵- - - همانجا

باید تداییر اخلاقی را با مادی یک جا ترکیب کرد (۱) تا سال ۱۸۷۷ (وقتی کویت به هند ملحق شد این سیاست که مکتب ثبات از آن آنهم طرفداری می نمود تغییر کرد) اکثر شخصیت‌های صاحب نفوذ طرفدار سیاست عدم پیشرفت بودند بسال ۱۸۵۴ - سرجمیز او ترام Sir James Outram در موضوع دفاع هند طی یادداشت مفصلی (۲) اظهار عقیده نمود که انگلستان باید قدرت خود را در سند مستقر سازد و آن جا حدود پیشرفت او بجانب غرب باشد و بر "قوای خود در سند" با اطمینان خاطر اتکا کند هرگاه خطری از غرب متوجه شود لشکریان مایه پای دره پیش بروند و پایگاه‌های جلوی ما قله‌های معابر مزبور را اشغال نمایند. از آن جا می‌توانیم از دنیا دفاع کنیم. لاردر کینگ Canning نایب السلطنه هند نیز در ۱۸۵۷ نظیر این نظریه را اظهار کرد. مشارالیه در تفصیل موضوع امنیت هند میگوید: پیشینی خط قلا نه سرحدات ما در پای کوه‌های وادی ماورای سند تعیین میکند. از آنجا می‌توانیم مقابل حمله از طرف غرب (۳) وضع محفوظی داشته باشیم. سال‌های بعد عدم مداخله با طرف کوه پایه‌های ماورای سند از طرف نایب السلطنه‌های مطلع چون لارنس مه‌یو. و نارت بروک و متخصصین نظامی مانند سرولیم منسفیلد (بعد لاردر سند هرست) سرشناسی دی‌ورند (۴) و سرهنری نارمن و اشخاص دیگری (۵) که به امور سرحد شمالی اشنایی کافی داشتند عنوان گردید

۱ - Hansard ۹ اگست ۱۸۷۷ ۲۳۶ ستون ۷۱۸.

۲ - کلکته مونخ ۸ فیبروری ۱۸۵۴ لوائح دفتر روابط مشترك المنافع C.R.O. Record.

۳ - لوائح دفتر روابط مشترك المنافع مونخ ۶ فیبروری ۱۸۵۷.

۴ - اوراق پارلمانی ۱۸۷۹ آسیای مرکزی و کویت (۷۳) ص ۲۰-۲۱.

۵ - اوراق پارلمانی ۱۸۷۸ افغانستان شماره ۱ (۱۰۷) ص ۴۶-۸۱.

6

ACKU

این جا مشابعتی موجود است که باید مختصراً از نظر گذرانده شود * مانند انگلستان هنگام فتح پنجاب در روسیه نیز * هنگام پیشرفت در آسیای مرکزی دو نظر متضاد در موضوع بهترین طرز عمل در آن اراضی (آسیای مرکزی) وجود داشت (۱) بعضی ها در وضع مشابه روابط روسیه با خان نشین های ضعیف اضطراب امیز آسیای مرکزی می گفتند راه تخیل این سیاست این است که روسیه به عملیات تجاوز کارانه مقابل خوقند بخارا و خیوه تصمیم بگیرد و همه آنها را فوراً فتح نماید * عده دیگر در حائیکه به مشابعت وضع روسیه با این خان نشین ها و لزوم تغییر فوری سیاست در روابط آن مملکت و خان نشین های مزبور معترف بودند عملیات تجاوز کارانه فوق را در آن وقت لازم - نمیدانستند * آنها نیز مانند مکتب ثبات انگلستان خیال میکردند که معلومات ناقصی که روسیه از وضع آسیای مرکزی دارد فتح آن خان نشین ها ممکن است ایشانرا به فتوحات جدید بیفایده و بی انجام بکشانند (۲)

پیشرفت روسیه باعث بیم در انگلستان و هندوستان برانگیخت * در ۱۸۵۵ افواه حرکت روسیه در آسیای مرکزی روشن تر شد این جنبش ها کافی بود اضطرابی در وضع کومت های سرحد شمالی فری تولید کند * مردم عقیده داشتند روسیه خودش یا بوسیله حلیف خود تهران جانب هرات پیش خواهد رفت (۳) با گذشت سال افواه حمله روس بیشتر تقویه یافت * در تیر ماه همین سال سفیر خان خوقند به هند رسید و پس مقابل روس ها کمک خواست (۴) قبلاً * امیر افغانستان با عجله قراردادی را با حکومت هند منعقد ساخته بود *

۱- رومینوفسکی - Romanovski در یادداشت هایی راجع به مسائل آسیای مرکزی

- Notes On The Central Asiatic Question ص ۸ *

۲- همانجا *

۳- - - The Friend Of India ۳ جنوری ۱۸۵۶ *

۴- راپوراداری پنجاب P . A . R ۱۸۵۴ - ۵۵ تا ۱۸۵۵ ص ۵۶ - ۵۷ *

بالاخره همه افتاد که هرات سقوط کرده است (۱) در وسط این هراس بیجا هنگام
 نزدیک شدن جنگ هرات جنرال جون جیکب General John Jacob فرمانده
 موفق ولایت سند یادداشت (۲) هایش را در ترتیبات دفاع سرحد نوشته و دو سال
 قبل راپور مفصلی (۳) به سرپارتنل فریر Sir Bartle Frere کشتنر آنوقت
 سند سپرده در آن نشان داده بود که وضع سرحد علیای سند رضایت بخش نیست و باید
 فعالیت های بیشتری در طول سرحدات مزبور مری گردد و وفالباء با شریکیت او بود که
 قراردادی در ۱۴ می ۱۸۵۴ با خان کلات با مضاء رسید . این قرارداد با انگلیس ها
 حق میداد که برای حفظ صلح و امنیت در طول سرحد سند در امور کلات مداخله
 مؤثر نمایند . با شرکت ایران و احتمال دسیسه سکندر در دیار تهران جیکب سفارش
 های صریح و مخصوصی برای حفظ سرحد سند داد . او به نایب الحکومه جدید لاردر کیننگ
 - Lord Canning به اصراری گفت کوبه را اشغال نماید و افغانها را به دادن
 کمک هزینه تشویق کند . این کار برای جلب دوستی افغانها را می شد او می گفت کوبه
 با روی دو مملووی جلوی را تشکیل می دهد . از آنجا می توانند به جناح عقب هر لشکری
 که بخواهد جانب خیبر پیش برود حمله کنند . با افغانستان جیکب میخواست بی تزویر
 و منصفانه باشد زیرا عقیده داشت که چون بی اعتدای از ذهن افغان دور شود سرتاسر
 مملکت بادل و زیان با ایشان (انگلیس ها) معاونت خواهد کرد و حمله هند غیر مسیر خواهد
 بود . جیکب پروان داشت از اینکه روسیه از جانب خود به خیره یا جاهای دیگر پیش میرود
 آنچه او میخواست عبارت بود از کنترل کامل افغانستان .

۱- The Friend Of India - ۳ جنوری ۱۸۵۶ *

۲- این یادداشت هادر ۱۸۵۴ نوشته شده اوراق پارلمانی ۱۸۷۹ آسیای مرکزی

و کوبه (۷۳) ص ۶-۹ و نیز Views & Opinions (۱۸۵۸) ص

۳۷۵-۸۵۰

۴- در ۱۸۵۴ نوشته شده Cons. Progs. Sec. Dept. ۱۹ جنوری ۱۸۵۵

استدلال، جیکب نه تنها بر ذهن لارډ کیننگ مؤثر افتاد بلکه بر بعضی از
اعضای کونسل او نیز تاثیر کرد و تمایل آشکار برای اعزام دسته سپاهی به کوئته (۱)
بوجود آمد. ولی این نقشه با اثر مخالفت شدید هنری دیورند منشی نظامی
کیننگ عملی نگردید. موخر اندکرتوانست نایب السلطنه را قانع سازد که این اقدام
بعیث نمایش نیروی نظامی ممکن است در مقابل ایران بجائی نکشد و باعث دشمنی
بلوچ ها و افغان ها (۲) گردد از همین جهت کیننگ، پیشنهاد جیکب را قبول نکرد
و اثر رد نمود زیرا که نقشه مزبور ممکن بود قوای مشتمل بر ۵۰۰۰ نفر را در کوئته
نگهدارد تمهیه ازوقه برای این قوا در حقیقت در کوئته و ولایت کلات بود. علاوه بران
اشغال نظامی کوئته به توسعه بیشتر سرحد بجانب غرب (۳) منتهی میکردید.
لارډ الفستین نایب الحکومه انوقت بمی که مکاتیب جیکب غالباً با و رجعت داده میشد
گمان نداشت که اساس اعتراض مهم به پلان جیکب مصارف زیاد احتمالی نگهداری ۵۰۰۰
نفر در کوئته باشد. بنظر ازار اساس مهم اعتراض خطر تجدید دشمنی با افغانها وعدم
اعتماد آنها بود (۴).

تاده سال دیگر از اهمیت کوئته خبری شنیده نشد اما بین سالهای ۱۸۶۶-۶۸
سه سند بسیار مهم یکی پس از دیگر از قلم جانشین جیکب در سند سرشناس گریسن
ولفتنت کرنل لمدن P.S. Lumsden نایب رئیس عمومی اقامتگاه لشکر بنگال
و متخصص مصروف آسیای مرکزی سر هنری راولسن نشئت کرد.

۱- اوراق پارلمانی ۱۸۷۹ آسیای مرکزی و کوئته (۷۲) ص ۲۰.

۲- همانجا.

۳- نامه ای به جیکب ۱۸ اکتوبر ۱۸۵۶ شند Shand زندگی جیکب

Life Of Javob ص ۲۵۲-۵۴.

۴- شند Shand کتاب مذکور ص ۲۵۷.

تأشکند در ۱۸۶۵ فتح گردید و سال بعد خوقند سقوط کرد. • سمرقند به همین
 سر نوشت گرفتار گردید و در ایالت جدید ترکستان روسی شامل شد. • جنرال کافمن
 را به نایب الحکومه کی ان تعیین نمودند. • پیشرفت روسیه تجدید نظر انگلیس را بر
 سیاست سرحد تقاضا می کرد. • ریناسران غارورد پالیسی ینک بار دیگر مورد بحث قرار گرفت.

نکته (۱) که نظر او مورد تأیید سر بارتل Sir Bartle Frere (۲)

نایب الحکومه آن وقت بمبئی بود طرفدار اشغال فوری کویته نبود هر چند نظر قطعی

داشت که " لازم است موقعی در پیشروی سرحد فعلی داشته باشیم نه ازین جهت

که میخواهیم پیشرفت روس را متوقف سازیم بلکه برای آن که بتوانیم با مملکت مزبور در تمام

حوادث باوری روبرو شویم که منفعت به طرف ما باشد. " • گرین و جیکب معتقد بودند که

کویته " با روی دار پهلوی " حمله جلوی است و بدین نقطه سوق الجیشی برای روبرو

شدن با روسیه از غرب بجانب شرق بیاید چه دوست باشد چه دشمن اتخاذ شده است

گرین پیشنهاد میکرد که برای اقدام فوری راه بولان باید باز گردد و برای این منظور به

خان دلات باید کمک هزینه گاهی داده و قوای زمینی سرحد بیشتر ساخته شود. • او احساس

میکرد که اگر این کار نه در روسیه " بین مردم آسیای مرکزی که تنها به پیشوایی ضرورت

دارند برای حمله برهند حاضرند. • (روح بیدارگر خواهد دید) " مانند بسیاری از

اداره کنندگان دیگر سرحد گیر ما اخلاص در ستانه را در امور قبایل لازم می شمرد.

اگر این کار نشود منظره از مردم بیابانی خط سرحدی ممکن است بمانند بریتانوی مخالف گردند.

۱- پیشنهاداتی برای حمایت از سرحد شمالی غربی هند ۱۸۶۶ اگست

اوراق پارلمانی ۱۸۷۹ آسیای مرکزی و کویته (۷۳) صفحه ۲-۶.

۲- همانجا.

لمسدن (۱) از طرف دیگر از مقاصد احتمالی پیشرفت روسیه در آسیای مرکزی به تفصیل بحث کرد و پس از مطالعه ماهیت مملکتی که بین هند برتانوی و روسیه آسیای افتاده بود به تعیین وسایل حفظ سرحد شمال غرب هند مقابل حمله خارجی پرداخت. مانند چینگ به پیشرفت روسیه در آسیای مرکزی مخالف نبود و عقیده داشت که انگیزه های تجارتی و سیاسی باعث پیشرفت روسیه تزاری گردیده است و آن درست شبه انگیزه ای است که حکومت برتانیه را در همین نقطه به فعالیت واداشته است. راجع به تدابیر دفاعی نظر پیشرفت در طول راه بولان را تقبیح نمود و تأسیس دولت قوی بیطرف را در افغانستان توصیه کرد بنا بر توصیه او وادی کرم و خوست باید اشغال می شد و مالیات آنرا به طور کومک هزینه با افغانستان میپرداختند. * لمسدن می نویسد : -----

“ با افغانستان مستقل و پایتخت محفوظ و محکم آن در حالیکه با خطوط مواصلات ما مربوط باشد حقوق ما محفوظ است و قدرت متجاوز تنها می تواند بر جناح چپ حمله ببرد ” و آن حمله ای است که به عقیده لمسدن “ جز در سرمای سال نمیتواند صورت گیرد ” و آن هم در صورتی که “ مواصلات ماکامل باشد و در بحر پایگاه قوی داشته باشیم با سانس می تواند دفع گردد ”.

لارد الارنس که نمی توانست پیشنهاد گرین را قبول کند باز اظهار داشت که حاضر نیست اقدامی بعمل آرد که استقلال افغانها را بخاطر بیاندازد. او اختلاف نظر خود را دریاد داشتی که بجواب نامه لمسدن نوشت جاداد و هردوی آنرا به حکومت مرکزی فرستاد و نقل او را که کرنل هنری نارمن (۲) و ویلیام فسفیلد (۳) به قوماندان عمومی قوای انگلیس در هند تسلیم داده بود بان ضم نمود. هردوی آنها سیاست تجاوز

۱- یادداشت ۱۵ سپتمبر ۱۸۶۷ For. Dept. Pol. A. اکتوبر ۱۸۶۷

. Cons ۱۳۳

۲- صورت مجلس سیاسی وزارت خارجه اکتوبر ۱۸۶۷ مراجعه ۱۳۴.

۳- یادداشت ۵ اکتوبر ۱۸۶۷ صورت مجلس سیاسی وزارت خارجه اکتوبر ۱۸۶۷ مراجعه ۱۳۵.

را تقييع کرده و انرا از اثر جاه طلبی هاي شخصی دو افسر ممتاز خوانده بودند
 سرستفرد نارت کوت Sir Staffor Northcote وزير امور هند نوشت
 که در هيچ صورتی اقدام پيشرفت بدون اجازه قطعی دولت مرکزی نبايد عملی گردد (۱)
 ولی با سقوط سمرقند در می ۱۸۶۱ (تاریخ قطعی جنگ سمرقند را بصورت
 مختلف نوشته اند به اساس شرحی که در - Invalide Russe مویخ ۱۷ جون
 ۱۸۶۸ داده شده است - هیلو ولد - - Heil Wald انرا اول (۱۳)
 می ۱۸۶۸ تعیین می نماید (۲) دولت انگلیس متوجه آسیای مرکزی گردید - اثر این
 اشغال - دید روسیه بحدی بزرگ بود که در مجامع اند و برتانوی شوروی تولید کرد -
 جراید انگلیس - هندی انتقاد خود را بدولت شدید تر ساختند حتی جراید
 انگلیس نیز نمیتوانستند خطر روز افزون روسیه را نادیده بگیرند وقتی روسیه مشغول
 مطیع ساختن خوقند بود - فرید اف اندیا - سیاست - افراد مبنی بر ضعف - (۳)
 دولت را انتقاد کرد و در فتح سمرقند اعتلای واقعی روسیه - (۴) را در آسیا میدید -
 حتی هند و برائیت - - - Hindoo Patriot (۵) شبه وعدم اطمینان
 خود را راجع به پیشرفت روسیه در آسیای مرکزی اعلام داشت و سیاست عدم مداخله
 را تقييع نموده اشتباه بزرگ خواند - پیترايت شکایت داشت که با این اشتباه دولت هند
 را در پیش گرفته و سعی دارد از تشیل افکار عمومی صحیح و احساسات مردم در انگلستان
 سیاست خداز ناکی - بلوگری نماید در انگلستان ریویو London Review و
 سیتزدی ریویو Saturday Review علاقه عمیق خود را به نزدیک شدن روسیه

-
- ۱- اوراق پارلمانی - آسیای مرکزی و کویت (۷۳) ص ۵۴ -
 - ۲- - - The Russians in Central Asia P. 179 -
 - ۳- ۵ جولای ۱۸۶۵ -
 - ۴- ۲۵ جون ۱۸۶۸ -
 - ۵- ۳۱ اگست ۱۸۶۸ -

به هند نشان داد (۱)۰ سردی روی می نویسد : چه ما بخواهیم یا نخواهیم این مملکت (انگلستان) پا باید سرحد شمالی غرب هند را میتر ببرد یا روسیه را بگذارد به رضا و رغبت خود هرات را تسخیر کند (۲)۰ حتی سیکتور Spectator (۳) و تایمز Times (۴) دو حامی بزرگ سیاست ثبات نتوانستند بیشتر از این احتمال حمله روسیه را نادیده بگیرند هر چند هر دو این عقیده داشتند که محل روبرو شدن با این حمله سرحد موجود خواهد بود .

در این حالت فکری حساس سر هنری راولنسن - Sir Henry Rawlinson بتاريخ ۲۸ می ۱۸۶۸ توجه دولت مرکزی را بدشمنی ها روسیه مقابل بخارا متوجه ساخت هر چند به راولنسن مزبور در پارلمان انوقت انگلیس (دارالعوام) (۵) جواب داده ای دادند ولی تجدید نظر به سیاست خارجی هند را نمی توانستند بیشتر از این معطل کنند . یادداشتی (۶) را که سر هنری در ۲۰ جولای راجع به آسیای مرکزی نوشته بود برای رسیدگی به وایسرا و کونسل او فرستاد .

راولنسن در این یادداشت خود نسبت به تقدمین از مسله پیشرفت روسیه به تفصیل بحث کرد و سیاست پیشرفت را باشکل کاملتران مقابل نظرها گذاشت پیشرفت بجانب نوبه و استقرار تفوق انگلیس بر افغانستان بدون شبه از نقاط برجسته آن بود ولی طریقی که برای این کار پیشنهاد شده بود کاملتر از انهایی بود که تا انوقت

۱- نشر در - The Friend Of India - ۱۰ اگست ۱۸۶۵ .

۲- به نقل از فریند اف اندیا ۱۰ اگست ۱۸۶۵ .

۳- همانجا .

۴- ۱۰ جون ۱۸۶۸ .

۵- Hansard - ۱۸۶۸ سلسله ها ۱۹۲ مجموعه ۹۵۵ .

۶- For, Dept, Pol, A, Jany ,1869, Cons 52 also Rawlinson

' England & Russia in the East ' pp . 271- 300 .

بیان گردیده بود * راولنسن « اندر جیکب » درین به اهمیت پانگاه جلوی در کوتله
ملفت بود و از اشغال آن اثره مداخله دوستانه بر داری می نمود * راجع به
افغانستان اصول آرد اکلند *Lord Auckland* را مبنی بر اینگونه
« قدرت قوی و دوستانه بر سرحد شجاع غریب ما مستقر شد » و باره اظهار
نمود * این کار نسبت خوف از حمله روسیه نبود بلکه برای این بود که بر نفوذ آن -
مملکت به دربار کابل پیش دستی کنند * برای اینکه اشغال حمله روسیه مرتفع گردد باید
مفاهمه ای بین دولتمندان انگلستان و روسیه راجع به ساحه های مورد فعالیت ایشان بعمل
آید (۱) برای تقویه امیر و حفظ وفاداری او پیر دازند و در صورت لزوم اسلحه بدهند و
دسته سپاه تعاونی ارسال دارند این کار بجائی نبود باین وسیله میخواستند قدرت
عالی خود را به دربار کابل مستقر سازند چیزی شبه حمایت خود را بر آن مملکت تأسیس
نمایند * برای بدست آوردن این موقف تأسیس هیئت اعزای را بکابل که وظیفه توزیع
کمک هزینه ای را به دست داشته باشند پیشنهاد کرد * این بود صورت کامل سیاست
پیشروی که در سالهای بعد بادهت و صراحت تأکید بیشتری بیان شد * باین ترتیب
سیاستی را که سر بارتل فریر در ۱۸۷۴ بیان کرد قبلاً بوسیله راولنسن بیان شده بود *
راجع به یادداشت راولنسن * آرد الا رنسن نه تنها از همکارانش اظهار رای
خواست بلکه از اشخاص ملاحظه دایه دیگری نیز چون بر گیدیر جنرال لمد (۲)
مکلاد *L. F. Macleod* (۳) وکیل نایب الحکومه پنجاب و رینال تیلور
Reynell Taylor (۴) کمشنر امباله (۴) خواهرش نمود راجع
بان نثار خود را اظهار دارند * همه آنها در موضوع اشغال کویت به نایب السلطنه
اتفاق نظر داشتند و این اتفاق نظر را نوشتند * معدا لک لمدن با مقرر کردن سفیر و

۱- راولنسن * کتاب دیوری ص ۲۰۷

۲- For. Dept. Pol. L. Jany 1869. Cons 54

۳- Ibid Cons 55

۴- Ibid Cons 56

فرستاده انگلیس در بار کابل مخالف بود . او از استخدام فرستاده محلی که از راه او دولت هند بتواند نفوذ خود را بر امیر نافذ سازد طرفداری نمی نمود . با وجود این اختلاف عقیده بخدی زیاد بود که وقتی این اوراق را نایب السلطنه با انگلستان فرستاد پیشنهاد روا لنسن نتوانست مورد قبول و ایای امور دولت مرکزی واقع شود .

تا چند سال دیگر چشم انداز سیاست پیشروی يك بار دیگر رو بزوال گذاشت . میو و نارت بروك برای مداخله در افغانستان پا جلو بردن پاسداران سرحدی محلی نمیدیدند . آنها از نظر معایر مادی از سیاست عدم مداخله که متقدمین ایشان اتخاذ نموده بودند منعطف نشدند (۱) معذالك ترتیباتی برای متوقف ساختن پیشرفت روسیه در آسیای مرکزی اتخاذ گردید . در ۱۸۶۹ مذاکراتی برای ایجاد تفاهم راجع به منطقه بیطرفی که امپراطوری آسیای روسیه و انگلستان را از هم جدا کند آغاز شد (۲) ولی فتح خیره بدست روسها در بهار ۱۸۷۳ امور آسیای مرکزی را تغییر داد . سقوط " آخرین خان نشین (۳) آسیای مرکزی " وحشت و ترس را تولید کرد بطوریکه جرارد انگلیسی - هندی فوراً سیاست پیشرفت را در لیل سرحدات تقاضا کردند و اصرار داشتند که دولت باید ترتیباتی برای جذب بلوچستان (۴) به خاک هند بگیرد . این نظر از سر بارتل فریر ، که در ۱۸۷۴ عضو شورای India Council بود نشأت کرد و آن طی اظهار نظر او در سیاست سرحد در نامه ای که به Sir John Kaye سکرتر شعبه سیاسی دفتر هند فرستاده بود بیان شد (۵)

۱- مکاتب سری وزارت امور خارجه از طرف وزیر خارجه ۱۸۶۸-۸۰ شماره ۴۹۰

۲- دفتر خارجه سیاسی ۱۸۶۹ . S . H . شماره ۳۳

۳- The Friend Of India ۷ اگست ۱۸۷۳ .

۴- همانجا .

۵- مارتینو - Martineu در زندگی سر بارتل فریر Life Of Sir B, Frere ج ۱

ص ۹۸-۹۹ و نیز The Times ۱۷ اکتوبر ۱۸۷۸ .

در این نامه مورخ ۱۱ جون ۱۸۷۴ مائیرا که به نثار او باید در دفاع
سرحد شمال غرب اتخاذ گردد بطور روشن بیان کرده بود. «اواز پیشرفت روسیه
در آسیای مرکزی شکایت نداشت زیرا بنظر او علی که انگلیس‌ها را به پیشرفت از کلکته
به پشاور واداشته بود روسیه را مجبور کرده بود در آسیای مرکزی پیش برود. آنچه
فریر می‌خواست از آن جلوگیری بعمل آید استقرار نفوذ روسیه بدربار کابل بود.
او می‌ترسید این کار ممکن است مردم ناراضی دهند را تحریک کند. برای مقاومت
مقابل این اقدام سه اساس را پیشنهاد کرد. اول پایگاه بیرونی در علاقه خان کلات
در کوئته تأسیس شود. «و آن موضع خوبی برای نظارت بر افغانستان جنوبی می‌باشد.
و اگر لازم اقتدا از اینجا می‌توانند برخیزند هر قوه‌ای که هند را از دره خیبر و کابل
تهدید کند حمله ببرند. «ثانیاً نمایندگان منتخب انگلیس باید در کابل هرات و قندهار
جاده‌ها رود. «فریر میگفت تا افسران انگلیسی در قسمت سرحدی هند که حدود
آن بخوبی تعیین شده باشد. «و بر سیاست نژاد های نیم وحشی حدود خود ما در این
سرحد کنترل مؤثر نداشته باشند و با روسیه با نظارت سرحد روابط مداوم و نزدیک
سیاسی نداشته باشیم نمیتوانیم بدسورت مؤثری جلو پیشرفت روسیه را بجانب هند بگیریم.
سربارتل توصیه میکرد که این نمایندگان باید اشخاص منتخب باشند در رشته های
علمی کار خود تربیه درست داشته باشند. «دلیور. «جسور. «قوی و فعال و زبان دان
باشد علاوه بر همه اینها باید خوش خلق و خوش مشرب باشد و بتوانند مورد اعتماد
کسانی که به ایشان تعلق میگیرند قرار گیرند. «سیاست آنها باید قبلاً بدقت تعیین
شود این سیاست باید از مداخله در امور حکومت غایب بکلی برکنار باشد ولی
فریر میدانست که شاید امیر به گماشتن نماینده انگلیسی بکابل اعتراض کند. «پس
جاده‌داننده افسران انگلیسی را در مجاورت کابل تجویز کرد تا او این جا بتواند برای
خود قضاوت کند و جریان امور کابل را خبر دهد. «ثالثاً امیر را باید قناعت داد که
در کارهای مربوط به سیاست خارجی با روحیه دوستانه‌ای با دولت انگلیس مشوره کند.

نباید سعی کنیم کشور امیر را مطیع سازیم یا اشغال نظامی نمائیم بلکه باید تاحدی اعمال نفوذ شود که رقباي ما نتوانند در آن مملکت دست بیابند و ما بتوانیم در تشکیل يك حكومت ملی با آن مملکت كومك كنيم . فروردین پایان نامه خود اظهار عقیده می نماید: که سعی ندارد اتحاد ولایات افغانستان را تحت يك امیر بر مردم تحمیل کند ولی اگر امرای برای این کار مناسب دیده شوند مخالفت نخواهد کرد . او تنها در بین موضوع بهترین مشوره را با امیر خواهد داد ولی از حمایت سبك مغز و شخصی که برای امارت افغانستان متحد محبوبیت کافی نداشته باشد خود داری خواهد کرد .

باین ترتیب فارورد پالسی بالاخره شکل معینی بخود گرفت . مقصد مهم آن جلوگیری از نفوذ روسیه بدربار کابل بود و این جاوگیری را میخواستند از راه کنترل موثر بر يك دولت قوی و متحدی که حدود آن بصورت واضح تعیین شده باشد اعمال کنند . این کنترل از راه دادن كمك هزینه بافغانها نافذ می شد و این كومك هزینه را افسران انگلیسی که در قلمرو امیر جاده شده بودند تقسیم میکردند . برای امدادگی جنگ احتمالی با روسیه نقاط سوق الجیشی مانند کویته باید جلوتر از سرحد موجود تاسیس میگردد و آن ازینجهت بود که دره هائیکه از افغانستان بواسطه ی سند منتهی می شد محفوظ باشد .

ظاهراً اینطور معلوم می شود که فرید افسری که طرفدار مداخله موثر در افغانستان و تاسیس حكومت ملی واحد در آن مملکت بود در پایان نامه خود که به Kaye نوشته است از اتحاد افغانها طرفداري نگردد . ولی نباید فراموش کنیم که طرز مداخله بنظر او مداخله در امور داخلی افغانستان نبود (۱) او مداخله را برای نداشتن بر امور جاری افغانستان و کنترل موثر بر روابط خارجی آن مملکت

۱- و نیز رجوع کنید به نامه فروردیه جیکب ۴ مای ۱۸۵۷ Shand کتاب

میخواست • مانند لارنس و پیدانست که افغانها به استقلال و آزادی خود علاقه خاص دارند و مداخله خارجی را در امور داخلی خود نمیخواهند و تا وقتی که ملت افغان با دولت برتانیه دوست باشد هر تدبیر سیاست داخلی که افغانها برای خود انتخاب کنند بر منافع انگلیس در ملک ایشان تأثیر نخواهد داشت باین ترتیب او بالا رنس هم عقیده بود که بدین راه معامله با افغانها این است که آنها را آزاد بگذارند تا امور داخلی خود را مطابق منن خودشان حل کنند •

سرانبری گرین فریرا نسبت به بیان او راجع به اساساتی که باید سیاست انگلیس را در آسیای مرکزی اداره کند تبریک گفت • گرین بی نویسد نامه شما باید بخط زرنوشته شود • قاب گردد و مقابل میز وزیر امور خارجه در وزارت خارجه گذاشته شود و چون وزیر خارجه تبدیل شود وزیر جدید باید مجبور کرده شود انرا نقل نماید تا آنکه بداند انرا یاد گرفته است (۱) حوادث بعدی ثابت کرد که پیشبینی گرین بجا بوده است • توصیه وزیر دستور (گار) وزارت خارجه گردید • توسعه سرحد شمال غربی هند وجود يك حکومتقوي در افغانستان با نفوذ مسلط انگلیس در درباران بحيث مانع مقابل روسیه بعد ها و اساس محکم سیاست خارجی انگلیس در آسیای مرکزی شد • در تحمیل اساسات دفاع سرحد ارفداران مکتب جیگی تنها جنبه وسیعتر موضوع را در نظر گرفته بودند • آنها در نظر طرف سرحد با افغانستان و آسیای مرکزی میدیدند ولی در عین حال صله دیگری جلب توجه کرد و آن دفاع داخلی مملکت مقابل قبایل سرحدی بود • در حلقه کوهستانی غرب سند قبایل زیادی اقامت دارند همه جنگجو و منتقم و متجاوز هستند • و مراقبت و مواظبت دائمی بکار دارند • این مردم به قبیله های مختلف تقسیم شده بودند و تابع مذاهب مختلف بودند و از روسای قبایلی مختلف

را اطاعت می نمودند . قبایل سرحد که مسلمان می باشند عبارت اند از دو قبیله :

بلوچ . پتان ولی در کوهستان و چترال عناصر غیر پتان نیز دیده می شود . در افغانستان و اراضی سرحدی هند کالونی های هند و سک نیز وجود داشت این مردم بیشتر به تجارت مشغول بودند . قبایل بلوچ و پتان هردو - بی پروا و موهم پرست بودند . دستور محکم آنها عبارت بود از خون عوس خون و شمشیر و تیش برای تمام کفار .

در طرز معامله با قبایلی که اینهمه غارتگر و جنگجو بودند دولت هند اول معیار های صلح جویانه را در نظر گرفت (۱) انتظام امور قبایلی به حکومت های محلی گذاشته شد . قسمت بین کرانه دریا و کسمور Kasmore (برسند) به حکومت سند گذاشته شد . علاقه بین کسمور و حدود کشمیر را به حکومت پنجاب گذاشتند . (۲)

۱- راجع به قبایل و ترتیباتی که در برخورد با آنها اتخاذ شده است رجوع کنید به راپور اداری پنجاب ۱۸۵۵-۵۶ و ۱۸۶۷-۶۸ و R. Temple در راپور روابط دولت برتانیا با قبایل سرحد شمال غربی (۱۸۵۶) و راپور جیکب بر سرحد سند ۱۸۵۴ صورت مجلس سري وزارت خارجه . مراجعه ۲۶۹ Davies ۱۸۵۵ در مسایل سرحد شمال غرب (۱۹۳۲) فصل ۳ و ۴ Bruce فارورد پالیسی - The Forward Policy فصل ۱ تارنتن Thornton زندگی سند من The Life Of Sandeman فصل ۲ .

۲- سیاست دو مملکت راجع به قبایل هر چند مبتنی بر ارزی حفظ صلح در سرحد به قیمت اقل زندگی بشربود با وجود آن در بعضی جاها با هم اختلاف داشت در جاهائی که این دو سیستم با هم تماس پیدا میکرد در تعقیب سیاست مربوط اختلاف نظریه پیدا می شد این اختلاف از راه مذاکره بین افسرهای دو دولت حل می گردیدند راپور اداری پنجاب ۱۸۶۴-۶۵ ص ۱۰۶-۷ .

افسرهای حکومت های محلی حق نداشتند از سرحد عبور کنند قبایل کو هستانی می توانستند برای تجارت یا چراندن مواشی بداخل خاک هند بیایند . تا وقتی که قبایل بر خورد خوب داشتند آنها را بحال خودشان گذاشته بودند ولی هر وقت به حمله میپرداختند یا سرحد را عبور میکردند حملات تنبیهی مقابل قبایل مجاور صورت میگرفت . (۱) غرامت با ضبط دارائی آنها یا تحویل جریمه انجام می شد این جریمه بواسطه ملك های آنها مع اوری می گردید .

سیستمی که باین ترتیب عملی میگردد " سرحد مسدود " Close Border نام داشت . این اصطلاح تا حدی صحیح نیست زیرا سرحد تنها بطرف انگلیس مسدود بود در حالیکه قبایل کو هستانی اجازه داشتند به خاک هند داخل شوند (۲) بالتجربه کشتار، رهنی و دزدی در قلمرو انگلیس زیاد گردید و انرا به مشکل می توانستند چاره و بچران کنند . اولیای امور گاهی سعی میکردند روسای قبایل را برای میانجیگری استخدام نمایند و باین وسیله غرامتی برای رعایای تاراج شده خود بدست آرند . باین ترتیب سیستم استخدام میانجیگری بمیان آمد . میانجیگرها دو جنبه کار میکردند و این عمل ایشان وضع را در سرحد بیشتر مغشوش ساخت .

۱ - میگویند بلوچ زود تر از پتان رام میشود . ولی Bruce با اثر تجربه شخصی خود می نویسد که قبایل مری Marris بگی Bughtis و ختران Khetrans با اندازه قبایل دیگر افغان جز مسعود سرکشی باشند . بروس در ۱۸۶۴ به هند آمد و تا سال ۱۸۹۶ در آن جا کار میکرد . اکثر این اوقات را در سرحد گذرانده است و بنا بر این می توانیم اوریکی از با تجربه ترین افسرهای سرحد بدانیم رجوع کنید به یادداشت بروس راجع به وزیرستان ، صورت مجلس مخفی وزارت خارجه اپریل ۱۸۹۰ رجوع ۲۳ - و نیز - Forward Policy - ۱۸۹۱ .

۲ - بروس . کتاب مزبور ص ۱۴ .

این وضع خراب سرحد ایجاب کرد که اگر بخواهند صلح و اسایش در طول
 سرحدات قائم گردد باید با قبایل روابط صمیمی و دوستانه قائم کنند و ولی برای
 بدست آوردن این منظور اقداماتی می توانست صورت گیرد تا آنکه راپرتستندیمین
 سیستمی را که بعدها به سیستم سندایمین معروف شد بمیان آورد و سندایمین -
 ادعا داشت که سیستمی که بنام او معروف شده است از خود او است و او میگفت
 در امور سیاست پرو تکلشن و اندوردز و پچر جینز = Major James حاکم پشاور (۱)
 که به رهنمائی او کار افسرداری سرحد را امضایافته است.

بقیه از صفحه قبل *

خساره انرا بدهند و معذا لك اگر این قبیله مسؤول می توانست ثابت کند که مال دزوی
 شده را کسانی برده اند که به قبیله دیگری تعلق دارند و آن قبیله از آنطرف سرحد است
 و دزدی برضایت انسان صورت نگرفته است باز هم همین قبیله مسؤول پنداشته می شد و ولی
 در این گونه موارد سعی می شد غرامت را با گرفتن قافله ای از قبیله مجرم بدست آرند و
 اگر این کار موفقتانصورت میگرفت قبیله ای که مسؤول دره بود از تعهدات بیشتر معاف -
 شمرده می شد و در مواردی که شاککی مال خود را از راه پرداخت فدیة بدست میساورد
 قبیله مسؤول دره ای که مقصر یا مقصرین از آنجا فرار کرده اند مجبور بود مبلغی را که
 باین صورت پرداخته شده است بدهند و در تمام موارد مسؤولیت اعتراف شده یا ثابت
 شده برای کشف مال را بداد که در مقصر وقت کافی میدادند و اگر قبیله مسؤول نمی توانست
 مال یا مقصر را پیدا کند غرامت با حکمت تعیین می شد و در موارد مثبتة موضوع به جرگه
 که افعای آن را در فریب محول میگردد فیصله آنها نهائی بود و انتخاب از لوائح

حکومت پنجاب سلسله مخفی شماره ۱ - ۱۸۷۲ جزو ۳-۲ *

۱- تارنتن - Thornton کتاب مذکور ص ۳۰۵ *



سندیمن وقتی در بلوک دیره غازی خان کار میکرد بیهوده‌گی سیستم سرحد

صدود راد رک کرد . از انوقت تا باز شدن دره گومل غالباً به فکر خود کار

میکرد . ولی اولیای امور انحراف او را روشن معین بجه نسبت موفقیت خارق‌العاده

سیاست او نادیده میگرفتند .

سیستم سندیمن ساده بود (۱) و بر مداخله دوستانه در امور قبایل با پشتیبانی

قوای متناوب اساس داشت . سندیمن دانند لارد رابرتس عقیده داشت که در برخورد

با قبایل انتقام و محاصره و بستن راه‌ها بیهوده است تنها راه موثری که میتوان با قبایل

سر و کار گرفت این است که قبایل وحشی را با خود دوست بسازیم (۲) ثانیاً او هیچوقت

باین فکر نبود که قبیله متجاوز همیشه مجرم است و بنابراین امدادگی خود را همیشه برای

حل اختلافات قبایلی از راه جرگه نشان میداد . ثالثاً حاضر بود بروسای قبایل

مبلغی برای نگهداری مردمان مسلح بپردازد به کمک آنها صلح را در قبیله حفظ میکرد

راه‌های تجارتی را نگهداری می نمود و اوامر جرگه را اجرا میکرد .

این بود سیستم خدمت قبایل که مختصات عمده روش اداره سرحدی سندیمن را تشکیل

میداد . گاهی هم این سیستم را بنام سیستم باج سیل یا رشوه تقییم و انتقاد میکردند .

اما وقتی بخاطر داشته باشیم که برای این ترتیبات عوض (۳) فراوان داده می شد

میتوانیم بفهمیم که اتهام مزبور تا حدی بیجاست انهاییکه مقرری و مدد معاش میگرفتند -

وظایف بسیار سنگین را برعهده داشتند (۴) .

۱- تارتن کتاب مزبور ۳۰۱ - ۵ و نیز دیوس کتاب مزبور ص ۳۳ .

۲- رابرتس چهل و یکسال در هند Forty-one Years in India ج ۲ ص ۱۰۰ .

۳- مکاتیب سندیمن به پدرش ۵ اگست ۱۸۷۶ تارتن کتاب مذکور ص ۳۱۷ .

۴- بروس دریاد داشته‌هایش بروزرستان از سیستم سندیمن مقابل اتهام رشوه دفاع

می کند صورت مجلس سیاسی وزارت خارجه اپریل ۱۸۹۸ مراجعه ۲۳ .

ازادی مراد به با قبایل بالاخره به مسئله مانده تعلو با خان کلات منتهی گردید . سندیمن به صورت تجدید قرارداد ۱۸۵۴ با خان مزبور اشاره کرد و تحت رمزهای او در ۱۸۷۶ قرارداد جیک آباد بآن نتیجه گردید (۱) . قرارداد ۱۸۵۴ قراردادی بود بین دولت انگلیس و خان کلات بر مبنای خان در آن ذکر نشده بودند . ولی در قرارداد جدید خان کلات وعده داد که در مخالفت بین خود و رعایا از مساعی نماینده انگلیس کاریگردد . و اگر باین وسیله کار بجایی نکشد نزاع را به حکمیت نماینده انگلیس بگذارد و هر پیشنهادی که از طرف او بعمل آید آنرا قبول و صیمنه اجرا کند . چون علاقه کلات باین ترتیب بصورت تحت الحاقه انگلیس درآمد میسر (بعد ها سر) را برت سندیمن به مشوره رنل تولی ، توصیه کرد که سپاهی برای حمایت امپراتوری هند در کوئته مستقر گردد (۲) . ازرد لیتن به کمک سندیمن با اشغال کوئته در ۱۸۷۷ اولین قدم را بجانب سیاست پیشروی برداشت و افسر وفادار خود را با مقرر کردن او بحیث نماینده در بلوچستان (۳) پاداش داد . سندیمن رابه نسبت متمایل تجاوزکارانه وی طی مقالات شکایت آمیزی از چراید لندن انتقاد کردند . تایمز (۴) مشتبیه بود از اینکه شاید پیشرفت بجانب بلوچستان دشواری که افغانستان مدعی است بآن علاقه تاریخی دارد عاقلانه نباشد . این قرارها امیر را دشمن می سازد و با وجود فایده هاء که دارد دارای یک نقص بزرگ است و آن اینکه ممکن است حوادثی را ایجاد کند که بنوبه خود به پیشینی های شدید دیگری منتهی گردد .

(۱) بتاريخ ۸ دسمبر ۱۸۷۶ در جیک آباد منعقد شد . اینچنین قراردادها و غیره ۱۱ ،

ص ۲۱۵ - ۱۷ .

(۲) اوراق پارلمانی ۱۸۷۷ ، بلوچستان شماره ۲ ، (۵۰۱۸۰۸) ص ۳۶۱ .

(۳) صورت مجلس سیاسی وزارت خارجه فبروري ۱۸۷۸ ، مراجعه ص ۲۸۸ .

(۴) ۵ نوامبر ۱۸۷۷ .

وزیر هند به اشغال کویت از نظر سیاسی و نظامی صریحاً اعتراف کرد (۱)

لاردر سالبری اعتراف نمود که نگهداری دسته سپاه کوچک در نقطه دور افتاده ای چون کویت خطرناک است و نیز عقیده داشت که ترتیب مزبور از نظر سیاسی هم مورد اعتراض شدید می باشد . ولی گمان نمی کرد که وجود قوای انگلیسی در کویت به امنیت در افغانستان صدمه بزند . ولی نظر حکومت با مطبوعات راجع به اشغال کویت هر چه بود سندیمن انتقادها را ناشینده تلقی کرد . صحبت از فتح کابل و الحاق آن بیجا پنداشته می شد . (۲) سندیمن عقیده داشت که تمام اراضی سرحدی تا دره گومل (۳) باید اشغال شود . تعیین خط دیورند نتیجه فرقی همین عقیده بحکم است .

بحث مربوط به سیستم سندیمن تا مسله موفقیت آن در طول سرحدات از نظر

گذرانده نشود کامل نیست . بروس اولین پیرو سندیمن مانند دکتر تارتتن سوانج نگار رابرت (۴) به ناقدان سندیمن که میگویند مشارالیه نمی توانست باندازه ای که با بلوچ موفق (۵) بود با افغان ها موفق باشد . به قول بروس این دلیل وقتی سندیمن متوجه خود افغانها بود شاید صحیح باشد . ولی پا در نظر گرفتن موفقیت

های قابل ملاحظه سیاست اود در هرنی ، کویت ، پیشین ، تل چوتلی Thal Choteali

بورې Bori و ژوب (که تمام آنها قبایل افغان سکونت دارند و بعضی ازین قبایل نسبت به تمام قبایل سرحد متعصب هستند) ارزش را از بین میبرد (۱) . برای این

۱- صورت مجلس سیاسی وزارت خارجه قبروري ۱۸۷۸ مراجعه ۲۸۸ .

۲- نامه به بروس ۲۶ نوامبر ۱۸۶۵ ، بروس کتاب مزبور ص ۱۵۲ .

۳- همانجا .

۴- کتاب مزبور ص ۲۸ - ۲۹ .

۵- بروس کتاب مزبور ص ۱۸ .

۶- همانجا .

طرفدار حدي سیستم سندیمن مدیح مبالغه امیزارل انسلو، معین وزارت هند
 که طی مناظره ای در مجلس لاردها بتاريخ ۷ مارچ ۱۸۹۸ بعمل آمد علت
 رنجیده گی گردید معین وزارت هنگام جواب به بیانیه لاردها رابرت راجع به فارود پالیسی
 (سیاست پیشروی) گفت که مشکل است بتوانیم مردی را پیدا کنیم که لیاقت اجرای سیاست
 سر رابرت را در طول سرحدات داشته باشد (۱) بروس Bruce نمیخواست
 بگوید که بین مردان لایق زیادی که در مکتب سندیمن یا آمده اند یا سیاست و روش
 او را مطالعه و تقدیر نموده اند دولت میتواند مردی را انتخاب کند که او به کمک
 ایشان موفقانه دنبال سندیمن برود و اداره سرحد را به هدف های قانونی آن در
 دست داشته باشد (۲)

این ادعای جسورانه وقتی ما انرا با بیانیه دکتر دیویس Davies بسنجیم به
 مخالفت روبروی شود. دکتر مذکور پس از اشاره به موفقیت سیستم سندیمن در بلوچستان
 میگوید: اجرای آن بوسیله آقای بروس R.I. Bruce کمشنر دیرجات در
 وزیرستان با قبیله دموکرات مسعود به ناکامی مطلق منجر شد (۳) جای شبه نیست
 که بروس نتوانست در وزیرستان موفق باشد. بروس خودش عدم موفقیت خود را میدانست
 و تا وقتی این گفته صحیح باشد دلایل دکتر دیویس (۴) به قدرت خودی ماند اما
 اگر ناکامی بتواند تعریف شود چند کلمه در توضیح ناکامی پرورد وزیرستان خارج از
 موضوع نخواهد بود.

۱- هندسرد - Hansard ۱۸۹۸ سلسله ۳ ۴۴ ر ۷۷۰.

۲- بروس. کتاب مزبور ص ۳۶۷ - ۶۸.

۳- کتاب مذکور ص ۳۴.

۴- کتاب فوق ص ۱۱۸-۱۹ ۱۲۴-۲۶.

وقتی اوضاعی را که بروس در آن به فعالیت پرداخت در نظر بگیریم اتمای که با نسبت داده شده است تخفیف می یابد . این اوضاع در هیچ جای دیگر در سرحد دیده نه شد (۱) بروس منکر نیست که بین سالهای ۱۸۹۳-۹۴ - اضطراباتی در وزیرستان وجود داشت (۲) اما در زمان عمده داری وی و بعد از او همواره تهاجم بواسطه تمام قبیله مسعود و بعضی از قبایل فرعی چون شاین خیل عبدلی، عبدالرحمن خیل (۳) ادامه داشت - اگر آنها پیروان پیرسرکش ملا پیرپوند بودند . علاوه بر آن در زمان عمده داری بروس در وزیرستان بود که برای تعیین خط دیورند مذاکرات با امیر آغاز گردید و به نتیجه رسید . امیر وانه را ادعا میکرد اما در عوض راه برمل ازان محرم گردید . امیر با این قرارداد کاملاً قانع و مطمئن نبود . نتیجه آن این شد که با اقوام سرسخت مسعود در مقابل حکومت هند به دسیسه برخاست (۴) .

- ۱- اوراق پارلمانی ۱۹۰۲ ۷۱ (CD ۱۱۷۷) ص ۸۵۱ .
- ۲- کتاب فوق ص ۲۶ ۲۸۸-۷۳ . دکتر دیویس میگوید مخصوصاً در اواخر قرن اخیر صلح در وزیرستان عملاً موجود نه بود . " حمله غارت و تاراج با خشونت کامل ادامه داشت " . راتر بالاخره محاصره ۱۹۰۰-۱۹۰۲ را ایجاب کرد . دکتر دیویس در حقیقت در اینجا به قتل رئیس قبیله که اشاره میکند که در سال ۱۸۹۳ کشته شد . او وسیله بود برای اینکه قاتلین کیلی Kelly (ناظر فواید عامه بلوچستان) و مسعودی هائیرا که برخط انگلیسی و انادر ۱۸۹۴ حمله کرده بودند به عدالت تسلیم کند . (کتاب مزبور ص ۱۱۸-۱۹-۱۲۴-۲۶) .
- ۳- بروس . کتاب فوق ص ۲۷۱ و اوراق پارلمانی ۱۹۰۲ ۷۳ (CD ۱۱۷۷) ص ۷۳۱ .
- ۴- اوراق پارلمانی ۱۹۰۲ ۵۱ (CD ۱۱۷۷) ص ۷۷۴ بروس کتاب فوق فصل

علاوه بر این بروس مأمور تعیین سرحد افغان و زیرستان بود بنابراین نمی توانست برای فیصله آید و قبایل وقت کافی داشته باشد . بروس خود میگوید « جای هزاران افسوس است که هیچیز نمی توانست با هم یک جا شود از دست دادن همین دو سال با ارزش و موار کرد هزاره برای تعیین سرحد بود که موجب بوجود آمدن این مسئله غامض گردید (۱) سیستم سندیسن در نظارت بر قبایل بدون شبهه ایستاده و تدبیری بود و برای موفقیت آن حوصله و وقت کافی بکار بود . ولی بروس تا ۲۸ اپریل ۱۸۹۶ به وظیفه اش با قیامت و تا آنوقت شغرت کافی یافت و نه موفقیت که بتواند مسایل سرحد وزیری را حل کند . با وجود آن یک کار قابل خوشنودی که بروس واقعا مستحق آن است این است که وقتی در ۱۸۹۷ تمام مناطق قبایلی در آتش جنگ می سوختند قبیله مسعود مقابل دولت انگلیس اسلحه نگرفت . ازینجا بروس می تواند ادعا کند که تاحدی توانسته است مسئله قبایلی را در سرحد وزیرستان حل کند . (۲)

حقیقت امر این است که در وزیرستان مسئله به خوبی یابدی سیستم ملکی زیاد متعلق نبود (۳) این خاصه اشکال خاص داشت . این اشکال عبارت بود از سازگاری

۱- بروس کتاب مزبور ص ۶۱-۶۲ .

۲- بروس . کتاب مذکور ص ۲۹۹-۳۰۱ .

۳- این سیستم بطور مختصر ازینقرار است : بعضی از ملکی داران زمامداران انگلیسی انتخاب میکردند قبایل این ملکیها مطابق اقتداری که داشتند دسته بندی می شدند . ثانیاً ملکی های دیگر مکلف بودند بعضی از افراد قبیله را برای بیگار حاضر کنند . ثالثاً در عوض معاشی که به ملکی ها و کسانی که برای بیگار آمده بودند پرداخته میشد ایشان مکلف بودند اشرار را تسلیم عدالت نمایند . والدین نامی که به مسعودی ها داده شده بود - را کنترل نمایند .

(اوراق پارلمانی ۱۹۰۲ ۷۱ (CD. ۱۱۷۷) ص ۷۷۵-۷۶ و نیز دیویس کتاب مزبور

بین دسته های سیاسی که یکی با دیگری اختلاف نظر فاحش دارند *مرك - Merk* خود اعتراف میکند که این وضع در جای دیگری از سرحد (۱) وجود نداشت. این دو دسته که سارت از ملك ها و ملا پونده باشد با هم مخالفت اشتی ناپذیری داشتند و طوریکه *مرك* اظهار عقیده میکند قدرت آنها با هم مساوی بود. هیچ يك از طرفین نمی توانست دیگری را ازین ببرد (۲) اشکال کار در این بود که آنچه يك طرف میکرد طرف مقابل انرا بی اثری ساخت (۳) ممکن نبود هر دو طرف را با هم یکجا کنند. تا زمانیکه ملك ها با دولت انگلیس همکاری داشتند ملا پونده دشمنی می نمود و نه تحریک او مشکلات وزیري روی کار شد و تا ۱۹۰۰ - ۲۰ باقیمانده دولت پنجاب در اضطراب سال ۱۹۰۰ سعی کرد با او مفاهمه نماید اما ملا *رول دوجانبه* (۴) بازی میکرد. با دولت مفاهمه می نمود و در عین حال قدرت خود را تقویه می بخشید. چون محاصره آغاز شد ملك ها از اعتبار افتادند ملا پونده پهلوان معرکه گردید و واقعاً با دولت انگلیس در جمع اوری جریمه ای که به نسبت تهاجمات بر بعضی از قبایل مزاحم (۵) مسعود تحمیل شده بود کمک کرد. ملك ها در این وقت فتنه را برانگیختند (۶) ملا چون دید که با اجبار مردم به تادیبه جریمه ممکن است اعتبار خود را بیازد عقب نشست

۱- اوراق پارلمانی ۱۹۰۲ ۷۱ (CD ۱۱۷۷) ص ۸۵۱.

۲- همانجا ص ۸۶۲.

۳- نامه *مرك* به دیو *Diu* سر منشی حکومت پنجاب اول جولای ۱۹۰۱ و نیز

ص ۸۲ و ۸۴ همان کتاب.

۴- همانجا ص ۷۰۷.

۵- اوراق پارلمانی ۷۱ (CD ۱۱۷۷) ص ۸۳۷ - ۴۸.

۶- همانجا.

بعد از این بادولت انگلیس مخالف شد و تاوقت مرگ با انگلیس شدیداً مجادله
داشت حتی مرگ این وطنخواه نتوانست سلسله را حل کند (۱) جانشین او مسلا
عبدالحکیم تمام سعی خود را تصرف ادا سیاست متقدمتر کرد . این سیاست
عبارت بود از متحد ساختن قبیله مسعود به دشمنی انگلیس (۲) این نوع معضلات
غیرعادی را نمی توانیم در تشخیص موفقیت "سیستم سندین" در وزیرستان
نادیده بگیریم .

از الحاق کوته دیری نگذشته بود که جنگ دوم افغان رخ داد و نتیجه آن
قرارداد گندمک (۲۶ ص ۱۸۷۹) گردید (۳) و با این قرارداد فاروردپالیسی
به دوره نهایی خود رسید . با انعقاد این قرارداد . امیر موافقت کرد سیاست
خارجی خود را مطابق توصیه خواسته و ارزوهای حکومت انگلیس طرح کند . و نماینده
انگلیس را در کابل بپذیرد . دولت انگلیس از طرف دیگر متعهد شد که نمایندگان
او هیچگاه به هیچ صورتی در کارهای امیر مداخله نکنند . قندهار و جلال آباد
به امیر گذاشته شد . ولی علاقه های گرم پیشین سیبی تحت اداره حمایه و نظار
انگلیس باشد . این علاقه را بعد از این علاقه های "محول شده" میگویند . باین
معنی که مالیات انجاشا را بعد از تقابل مصارف اداره ملکی به امیر میدادند در عوض
تمام این ها دولت انگلیس قبول کرد که با امیر و جانشین های او در سال شش لک رویه
کمک هزینه بدهد .

۱- مرگ ملا پونده را وطنخواه میخواهد . همانجا ص ۸۶۸ .

۲- دیویس کتاب مزبور ص ۱۳۰ .

۳- Aitchison - - - کتاب مزبور ۱۱ ص ۳۴۴-۴۷۰ .

در انعقاد معاهده گندمك ليتن و نوسد كه " جنگ دوم افغان براي بدست آوردن " منظور صورت گرفت : اولاً " جلوگيري از دخول هر نوع " نفوذ خارجي در افغانستان " ثانياً " تعين سرحد افغانستان بنحويكه نفوذ انگليس در اينسده نتواند ازان برداشته شود " هردوي اين منظورها تا حد قابل ملاحظه يي با مصارف نسبتاً كم و ضياع جاني ناچيز بدست آمد (۱) لارډ بيكسفيلد ادعا نمود كه اين قرارداد توانست سرحد علي و مناسب را براي امپراطوري هند ما تايمين كند (۲) .

اما بعد از مرگ كيوناري - - - Cavagnari قرارداد گندمك ملغي قرار داده شد . حمله دوم با افغانستان بعمل آمد و قندهار را تسخير كردند . چون مسله نگهداري قندهار مطرح گرديد سنديمن شديد اء مخالفت كرد با اينجفت كه الحاق قندهار باعث رنجش امير ميگردد و حكومت هاي انگليس محافظه كار يي كارگر اصلاً " الحاق انرا در نظر نداشته (۳) راجع به پيشين وسيلي اصرار داشت كه دولت مركزي بايد انرا نگهدارد سعی ميكرد ادعاي انگليس را براي اين جاها بيه سه دليل موجه بداند (۴) از نظر سياسي ادعاي افغان براي اين علاقه ها كه مبني بر اشغال وسنن محلي است دليل ندارد . از صد سال باينطرف اين جاها جزو لايتجزئي - افغانستان نبوده و كوهاي بزرگي بين ان مملكت و اين اراضي واقع شده " از نظر نژاد شناسي نيز سنديمن مدعي است كه ادعاي افغان بجايي نئي كشد . بنظر او مردم پتان پيشين وسيلي با افغان ها همدرد ي قبيلوي ندارند از نظر سوق الجيشي است

۱- ضمايم سري دفتر خارجه جولاي ۱۸۷۹ مراجعه ۱۸۵ .

۲ - نامه بيكسفيلد به ليتن ۱۴ - اگست ۱۸۷۹ بكل Buckle در زندگي دزرايلي

Life Of Disraeli ج ۶ ص ۴۷۵ .

۳- اسلا حقه سري دفتر خارجه ، جنوري ۱۸۸۱ ، نمبر مراجعه ۹۰ .

۴- تارتن كتاب مذكور ص ۱۶۷ - ۷۰ .

که نگهداری این جاها ارزش خاص دارد. سندیم می نویسد: «با تصرف پیشین و سببی و کنترل قبایل می توانیم در عرض ۲۰۰ مایل سرحدی که قوای غیر مکی با هوای خراب سند در آن تمرکز یافته ۳۰۰ مایل سرحد داشته باشیم در این سرحد - قوای کافی را با شرایط صحی بهتری تمرکز داده می توانیم»

اهدای افغان برپیشین و سببی باطل نیست بلکه استدلال خود سندیم غیر مکی و باطل می باشد. از نظر سیاسی و نژادی این جا قلمرو قانونی امیر واقع شده بود و ما مورین او مشغول جمع مالیه آنها بودند (۱) اارلین (۲) و ما مورین سرحدی (۳) او در موقع مختلف اعتراف کرده اند که پیشین و سببی جز ملطنت افغان بوده (۴) هنگام اصرار به نگهداری اینجا سندیم ممکن است بیان نداشته که یک وقتی گفته بوده است: جاها می مذکور در داخل سرحد افغانستان واقع و نیز مشکل است بفهمیم چه چیزی سندیم را مجبور کرد گمان کند که بین بنان پیشین و سببی و افغانهای پیوستگی قبیلوی موجود نیست. تا جاییکه همه میدانند، تانهای سرحد هند به همین نژادی که افغانها متعلق هستند تعلق دارند با وجود آنکه باشندگان افغانستان مردمان نامتجانسی هستند و از تـ ر ک و تاجیک و سـ ک و افـ گـ ا ن

- ۱- صورت مجلس سیاسی دفتر خارجه جون ۱۸۷۷ مراجعه ۳۵-۴۵.
- ۲- نامه لیتن به سالزبری ۱۰ می ۱۸۷۷ اوراق پارلمانی ۱۸۷۸ - افغانستان شماره ۱ (۹۰۷) ص ۱۷۱-۷۲.
- ۳- بیدلف - - - - - 20, Biddulph To Lyall, دسمبر ۱۸۷۸.
لاحقه سری دفتر خارجه - جنوی ۱۸۸۹ نمبر مراجعه ۴۶۰ ونیره Monro به تارتن ۴ سپتمبر ۱۸۷۶ اوراق پارلمانی ۱۸۷۷ بلوچستان نمبر ۲ مراجعه - (۱۸۰۸ C) ص ۲۷۶.
- ۴- نامه سندیم به تارتن ۱۵ می ۱۸۷۷ صورت مجلس سیاسی دفتر خارجه جون ۱۸۷۷ نمبر مراجعه ۴۵ و نیز سندیم به مبرو ۱۴ - اگست ۱۸۷۶ اوراق پارلمانی ۱۸۷۷ بلوچستان نمبر ۲ (۱۸۰۸ C) ص ۲۷۶.

وازيك (۱) تركيب يافته است پتان ها افغان هاي واقعي هستند وني از عناصر
 اصلي مردمان مختلف ان مملكت را تشكيل مي دهد (۲) . حقيقت امر اين است
 كه به ملحوظ اهميت سوق الجيشي پيشين وسيلي سندنيم نكهداري انرا تقاضا
 مي كند . وي مي گفـت كه از نظر مصلحت سوالي در اهميت نكهداري اين جاها تحت
 اداره انگليس باقى نـي ماند (۳) اين جا سوال حق درين نيست بلكه موضوع
 موضوع سياست است . اين سياست سياست مجري يا تحلي نبود بلكه جزواي تجزي
 مسله امپراطوري بود كه حل ان به سياست خارجي دولت عليا حضرت ملكه تعلق
 داشت (۴) . پيشنهاد لارډ رابرتس موضوع نكهداري قندهار را مشكل تر ساخت (۵)
 او مانند راولنس (۶) وضع بين الين پيشنهاد كرد . در حاليكه مواظبت خطر
 الحاق قندهار بود اشغال نظامي ان چاراي پيشنهاد كرد . اوي نويسد :
 حتي در انجا بايد وجود ما حس نشود . و تنها بر سياست خارجي فرمانروايي انجا بايد
 نظر داشته باشيم . ولى اين پيشنهاد غير قابل عمل بود . زيرا اجراي ان غير ممكن

۱- ديويس كتاب مذكور ص ۴۴ . دكتور ديويس در فصل سه " سرحد شمال غرب "

خود مسله نژاد و زبان افغان ها را به تفصيل مورد بحث قرار داده است . در واقع

در سرحد شمال غرب تقسيم نژادي دقيق مبسر نيست . در طول قرون مردم سرحد

بطوري بهم مخلوط شده اند كه در افغانستان و سرحد هند نه مي توانيم پيوستگي نژاد را

معياريان بدانيم و يا نه پيوستگي زبان راه معيار نژاد . و نيز رجوع كنيد به يلو Bellow

در تحقيق نژاد هاي افغانستان ^{Afghanistan} Aneguiry into the ethnography of ص ۲۰ .

۲- تايـتـلـر Fraser Tytler افغانستان ص ۴ : " مليت هاي مختلفي كه

اهالي افغانستان را تشكيل مي دهد افغان و پتان اند . نژادي هاي افغانستان ص ۱۲ .

۳- تارنتن كتاب مزبور ص ۱۶۹ .

۴- نامه ليتن به سالزبري ۲۳ مارچ ۱۸۷۷ - اوراق پارلماني ۱۸۷۷ بلوچستان نمبر ۲ (۱۸۰۸) ص ۳۵ .

۵- يادداشت مورخ ۱۲ ص ۱۸۸۰ - اوراق پارلماني ۱۸۸۱ - افغانستان نمبر ۱ (۵۲۷۷۶)

ص ۷۲ ، ۶۵ .

۶- يادداشت راجعه قندهار ۲۵ سپتمبر ۱۸۸۰ - اوراق پارلماني ۱۸۸۱ - افغانستان

شماره ۲ (۲۸۱۱) ص ۶۱ - ۶۵ .

شمرده می شد : « نپیرازمکده Magdala انرا بدترین سیاست
می دانستون ابرار اصرار داشت که باید اصلاً روی آن بحث شد (۱) واقعه چگونه
می توانست انگلیس ها قندهار را تصرف شوند و در عین حال این کار تاحدی مخفی بماند ؟
مسئله روی اشغال قندهار یا ترک آن است بین این دو نه می توان حد بین الین پیدا
کرد »

لاردر و برترس طی مذاق که راجع به فارورد پالیسی بتاریخ ۱۷ مارچ ۱۸۹۸ (۲)
ایراد کرد ظاهره نظرش را تغییر داد . او صفات اختصاصی این سیاست را اینطور بیان
می کند : « و آن سیاستی است که سعی می شود نفوذ ما توسعه یابد نظم و قانون در آن
حصه های سرحد تأسیس کرد که در آن شور و کشتار و زد و تاحال دست بزرگ
داشته این سیاست را که در بلوچستان و سرحد گلگت نتیجه منوری داده است - حقیقت
مسئله دیگری احباب میکند و آن اینکه قدرت اروپایی دیگری به دستملکات هندی ما نزدیک
می شود این قوه به کشوری به تماس آمده است که به سلاطین آن ما خود را مسؤول می شناسیم »
خلاصه سیاست مزبور را سیاستی میدانند که بواسطه آن نفوذ سیاسی را بر اراضی
که دزدان در آن وقت و آمد دارد و بی صاحب است تأمین میکند . این اراضی در مجاورت
سرحدات ما افتاده و ما انرا از نتیجه بکار می اندازیم که قدرت دیگری به درهای هند
نرسد و سلاطین کشور مجاور افغانستان را که ما خود را برای آن مسؤول می شناسیم ازین
نبرد »

سیاست پیشروی بصورت تدریجی اما استوار و مداوم انگه اف کرد . منظور آن نه
تنها دفاع سرحد شمال غربی - مقابل حمله خارجی بزد بلکه باین وسیله میخواستند مقابل

۱- همانجا ص ۷۷ - ۷۹ .

۲- Hansard - ۱۸۹۸ سلسله ۳ ۵۴ ستون های ۷۴۹-۷۶۲ .

چپاول و قارتگری قبایل سرکشی را که در طول سرحد هند جای داشتند بگیرند • برای این منظور باید دولت متحد و قوی در افغانستان تأسیس شود • سرحدات آن بدقت تعیین میگردد نفوذ انگلیس در آنجا نافذ می بود و این کار را تنها از روی مطلق می شمردند بلکه باید بر سیاست و روابط خارجی امیر نظارت میکردند • ثانیاً سرحد باید محدود طبیعی خود از راه مداخله مؤثر در امور قبایل قارتگر و شجاع شمال غرب توسعه می یافت •

این جا می خواهیم با تحقیق مختصر از آتمای که در مواقع مختلف بنا بر پیشرفت روسیه در آسیای مرکزی بان مملکت نسبت داده شده است به بحث خود خاتمه دهیم غالباً گفته شده است (۱) و هرجا مردم عقیده دارند که در فتح تاشکند و سمرقند کلجر (۲) Kuljar و خیوه روسیه با عبور از خط نظای که گورتچکوف^{ov} Gortchak در مکتوب متحد المال ۱۸۶۴ (۳) آنرا حدود توسعه جوئی روسیه تعیین نموده بود از وثیقه معینی تجاوز کردند • نامه گورتچکوف خطی را بین جمیل اسک کول و سیرد را ذکر میکند • روسها گفته بودند • که در اینجا توقف خواهند کرد • با وجود این نباید فراموش کرد که اعلام يك تضمین وثیقه ملی نیست • اعتبار آن بحیث تعهد بین المللی از انهم کمتر است • راست است که گورتچکوف اظهار امید نموده بود که روسیه از توسعه سرحدات خود اجتناب خواهد نمود • اما طوری که رئیس وزرای روسیه طی یادداشت

۱- مالین Malleson مسئله روسیه و افغان و حمله دهند Russo - Afghan

Question & The Invasion Of India --- - ص ۳۱-

راولنس کتاب مزبور ص ۱۸۰ فریر تایتلر کتاب فوق ص ۱۲۹ •

۲- کلجر را روسیه در ۱۸۷۱ بخود ملحق کرد •

۳- اوراق پارلمانی ۱۸۷۳ - آسیای مرکزی نمبر ۲ (۷۰۴ C) (لاحقه ص ۷۰-۷۵) •

۱۵- مایرل گفت : « زاربا هیچ يك از قوا راجع با اتحاد سیاست عدم تجاوز تعهد یا انترانی را اشتهاء نموده بود (۲۴) لکن نامه دلالت ندارد بر اینکه روسیه در معامله با ممالك آسیای مرکزی (۲۵) آزادی کامل دارد . در اخر نامه با تجمیع قطعی میگردد .

« پایتخت امپراتوری در تقبل این وظیفه مشافع روسیه را رهنمای خود میداند . »
 آنچه گوییم کوچک میگردد مظهر عدم رضایت روسیه در مقابل با مشکلات طبیعی و -
 سیاسی است که از سیاست توسعه در آسیای مرکزی بوجود آمده . اینکه این منظوری
 توانست عملی شود از اثر حقیقی بود که وقایعی در آسیای مرکزی دولت امپراتوری را
 مجبور کرد از پروگرام ۱۸۶۴ خود دست بکشد . اساس خان نشین های آسیای
 مرکزی بحدی سست و متزلزل (۲۶) بود که هر نوع تماس آنها با قوای متعدد با اصطکاک
 روبرو می شد . مشکل اساسی روسیه این جا است . سیاستی را که این مملکت بخواهد
 در مورد این اصطکاک اتخاذ نماید تنها خود اوست تواند تعیین کند و تا وقتی که
 پیشرفت روسیه با جریان سیاسی عصر مطابق باشد . اعتراض قانونی مقابل آن صورت گرفته
 نمیتواند . در حقیقت انگلستان نمی تواند ادعایی بر اساس سیاست احتمالی روسیه
 در عدم تجاوز داشته باشد . تنها التزام رسمی که خواست قبل از تعیین سرحد
 افغانستان پیشرفت روسیه را در آسیای مرکزی متوقف سازد قرار داد ۱۸۷۲-۷۳ -

۱- اوراق پارلمانی ۱۸۷۸ - سیاسی مرکزی نمبر (۲۱۶۴) - ص ۲۷-۴۰

۲- آرژیل . مسایل شرق ج ۲ ص ۳۰۵

۳- رسول رسمی Official Messenger ;

سنت پتسبورگ ۳۰ نومبر ۱۸۷۳ به نقل از علت جنگ دوم افغان The Causes

Of The Second Afghan War - - - - - کمیته فرعی

افغان ص ۲۷۳

۴- رجوع کنید به Noyce در انگلستان هند و افغانستان England , India

& Afghanistan . ص ۶-۷

(۱) کلرندن - گرتچکوف است. این قرار داد عوض اینکه دولت روسیه را ببندها و امید داد که سرحد خود را به قلمرو قانونی سلطنت افغان برساند. اگر پیشرفت روسیه در آسیای مرکزی مورد اعتراض باشد این پیشرفت مخالف روحیه قرار دادی است که انگلستان خود در آن شریک بوده.

در واقع روسیه را همان منافع سیاسی (۲) و تجارتي مجبور کرده بود در آسیای مرکزی پیش بیاید که انگلستان را مجبور واداشت بجانب سرحدات افغانستان پیشرفت کند. فتح دولت های نیمه وحشی آسیای مرکزی بواسطه مدعیت عالیت قریب این دو - قدرت بزرگ اروپایی را مجبور کرد برای مدست آوردن متصرفات امپریالیستی مقابل يك دیگر به منازعه برخیزند. در این منازعه هر دو طرف سعی داشتند موازنه سیاسی خطای در آسیا برقرار شود. در تعیین این نقطه موازنه این دو مملکت مجبور بودند رول خود را بازی کنند. این نقطه را نمی توانستند به تصادف یا انتخاب بگذارند. در حقیقت منطق سخت دقیق ظهور و انکشاف امپراتوری آسیای این نقطه موازنه را تعیین می نمود. همین قوه غیر قابل مقاومت آنها را مجبور کرد پیش بروند تا آنکه سرحد طبیعی ساحه نفوذ آنها را تعیین نمایند. افغانستان اکثر اوقات هدف -

۱- صورت مخفی دفتر خارجه ۱۸۷۳ مراجعه A. ۱۶۰ و نیز صورت مجلس سیاسی

دفتر خارجه مارچ ۱۸۷۳ مراجعه ۲۸۸.

۲- تیرنتیف Terentyeff انگلستان و روسیه در آسیای مرکزی

England & Russia in Central Asia ج ۲ ص ۱۵۴-۵۵.

و نیز یادداشت های لاسدن ۱۵ سپتمبر ۱۸۶۷ صورت مجلس

سیاسی دفتر خارجه اکتوبر ۱۸۶۷ مراجعه

پیشرفت این دو قوه بزرگ غربی قرار میگرفت • و چون منافع سیاسی رقبای
 نزاع کننده در آسیا و اروپا و تصمیم افغانها برای نگهداری استقلال شان
 از اهم قوای سیاسی شد حدودی برای تجاوز امپریالیستی انگلیس و روس تعیین
 گردید •

در این دوره که در آغاز قرن بیستم میلادی بود، روسیه و انگلیس در آسیای میانه و خاور میانه با یکدیگر درگیر شدند. روسیه به منظور گسترش نفوذ خود در آسیای میانه و خاور میانه، اقدام به تاسیس راه آهنی کرد که از روسیه به سمت خاور میانه می‌رفت. انگلیس نیز به منظور حفظ منافع خود در خاور میانه، اقدام به تاسیس راه آهنی کرد که از خاور میانه به سمت روسیه می‌رفت. این دو راه آهن به یکدیگر در آسیای میانه و خاور میانه برخورد کردند و منجر به تنش و درگیری بین روسیه و انگلیس شد. این درگیری منجر به تاسیس سازمان ملل متحد شد.

قصه دوم

رشد سیاست جدید و مشروط شدن

آن

لا رد لیتن طرفدار افراطی مکتب (فارورد پالیسی) شد . حتی قبل از آنکه وایسرای جدید سواحل انگلستان را ترك بگوید پیش خود باین نتیجه رسیده بود که پیشرفت روسیه در آسیای مرکزی مداخله جدی را در امور افغانستان ایجاب می کند و اگر امیر نخواهد تحت نفوذ حکومت هند بیاید سعی شود ترتیبات دیگری اتخاذ گردد . از بخت خوش لا رد لیتن نظریه او اتفاقاً به نظر سر بارتل فریر و یادعای خود او با نظریه لا رد سالزبری و دیزرایلی مطابقت کرد (۱) شاید ازین جابجود که یقین پیدا کرد ممکن است حکومت علیا حضرت سیاست او را (که معلومات بعدی و تجربه موثر او در اداره سرحد انرا تقویه کرد) حمایت کامل بنماید (۲)

لا رد لیتن وقتی به هند آمد از دولت مرکزی با و هدایت داده شده بود که روابط انگلیس را با امیر شیرعلیخان بهتر سازد . امیر ازینکه انگلیسها سیستان را بایران گذاشته بودند و با خان کلات که افغانستان آنرا جزو خاک خود میدانست مذاکره نموده و یعقوبخان (۳) را در حمایت خود داشتند از ایشان (یعنی انگلیسها) بیزار بود . حمایت انگلیس از پسر امیر مخالف بلا تعهدی بود که قبلاً

۱- نامه ای به فریر ۲۶ مارچ ۱۸۷۶ مارتینو کتاب مزبور ج ۲ ص ۱۵۵ - ۵۶

۲- نامه به کرینبروک Cranbrook ۳ - اگست ۱۸۷۸ - وراق لیتن

لوايح دفتر روابط ممالك مشترك المصانف

۳- یعقوبخان به نسبت فعالیت های متخاصمانه ای که با پدر داشت تحت

مراقبت بود .

صورت گرفته بود مبنی بر اینکه دولت انگلیس تمام مساعی را که باختلال قدرت امیر
 منتهی شود بارجیدگی کامل خواهد دید (۱) سالزبری وزیران وقت هند وقتی
 مسوده هدایاتش (۲) را برای لیتن ترتیب میداد از ییزاری امیر اطلاع داشت به طوری
 که به وایسرائی جدید هدایت داد عدم اعتماد شیرعلی را در راست بازی و صداقت
 انگلیس در نثار بگیرد • لارده لیتن وظیفه داشت این اعتماد از دست رفته را تا مین
 کند و آن ناروا یا اظهار امیدهای بی ریا و اجتناب از ابهام و تجاهلی که شیرعلی را
 به پیشنهاد هائی که با وی شود بی اعتماد بسازد بر سر رساند •

لارده سالزبری به لزوم قدرت قوی و دوستانه در افغانستان که غایه سیاست
 انگلیس بود معترف بود • وعده داشت که برای بدست آوردن این منظور بایست
 اوضاعی که باشر پیشرفت سریع لشکر روسیه در آسیای مرکزی بجانب سرحد هند
 ایجاد شده است در نظر گرفته شود • لیتن بنا بر آن مجبور بود باب مذاکره را با
 امیر برای استقرار نمایندگان دائمی انگلیس در افغانستان باز کند • در عوض آن باید
 خاطر جمعی های بامیر داده می شد • این اطمینان ها عبارت بود از:

وعده پرداخت کمک هزینه معین و اضافه شده به امیر، نایب السلطنه حق دارد شرایطی
 را که این کمک هزینه پرداخته می شود تعیین نماید، حکومت هند بعد از این حقوق
 جانشینی با لفظ راد افغانستان بواسطه يك حکومت بالفعل با قطعیت بیشتری

۱- اوراق پارلمانی ۱۸۷۸ - افغانستان نمبر ۱ (۹۰۷) ص ۱۸۰

۲- نامه سالزبری به لیتن ۲۸ فبروری ۱۸۷۶ - اوراق پارلمانی ۱۸۷۸ -

افغانستان نمبر ۱ (۹۰۷) ص ۱۵۶-۵۹ و نیز بلفور اداره ^{در} هند

لارده لیتن Lord Lyton's Indian Administration ص ۸۸-۹۳ •

خواهد شناخت و وعده خواهد داد که در صورت حمله بیجهت و واضح یکی از قوای خارجی بر افغانستان با این مملکت/مادی نباید دولت انگلیس حق قضاوت موجبات ایجاب این کمک را خواهد داشت بنابراین در حالیکه لیتن از ابهام و تجاهل در معامله با امیر افغانستان منع شده بود هدایت داشت اطمینان های مهم و مشکوک به وی (بامیر) بداد • و با علاوه حق قضاوت موجبات که به لیتن داد شده بود مشارالیه نیز حق داشت که بر سیاست مربوط به افغانستان از نگاه جدید نظر کند • و آن در صورتی بود که نایب السلطنه خوف داشته باشد از اینکه امیر نمایندگان انگلیسی را در افغانستان قبول ننماید • این آزادی را اگر به مردی بدهند که با مفکوره های قبلی راجع به سیاست آسیای مرکزی به هند میاید حتماً به بحران منتهی می شود • منافع مسلم دولت انگلیس معذالک درین بود که ازین بحران خود را دور نگذارد •

فعالیت های تازه روسیه در میدان های انطرف خزر بیمان آمد موجب این هدایات سالزبری گردید • حمله جنرال لوماکین - Lomakin مقابل تکه ترکمن ها و اشغال قزل اورت بدست او (که بعد ها عقیم و بیفایده ثابت شد) اولیای امور انگلیسی را مشتبه ساخت • آنها گمان می کردند روس ها میخواهد مرورا بگیرند و هرات را تهدید نمایند و آنرا مقدمه استقرار نفوذ روسیه در کابل قرار دهند (۱) علاوه بر آن اوضاع در شبه جزیره بالقان نیز به سرعت تغییر می یافت و احتمال می رفت تضاد بین دولتین روسیه و انگلیس واقع شود • بنابراین توسعه مسکو واقوای جمع شدن روسیه بر رود آمو بغرض حمله بر مرو در حلقه های اندو - انگلیسی به مثابه اعلان خطر تلقی گردید •

اسنامه به وزیر خارجه ۲ جولای ۱۸۷۷ - اوراق لیتن لویج دفتر روابط معالک مشترک المنافع و نیز صورت مجلس سیاسی دفتر خارجه نومبر ۱۸۷۷، نمبر مراجعه ۱۲۹ و ۱۸۷۵
نمبر مراجعه ۲۲-۲۶، جولای ۱۸۷۴، نمبر مراجعه ۱۰۱ •

لارډ ليتن هنگام ورود به هند (١) اوضاع سرحد شمال غربي را مطالعه کرد اين مطالعه از اوضاع هند تحت مذكوره قبل او راجع به خطر روي سياهه قرار داشت . حوادث به عقیده او ممکن بود روسيه را با دولت هاي سرحد شمال غربي هند نزديك بسازد و اشغال افغانستان چه نظامی باشد چه سياسی اگر تسلط شبه جزيره هند را بان مملکت ندهد وسيله با لقوه را با اختياروي گذاشت (٢) او بی ترسيد مبادا زار قورا دست با قدام بزند و با وسايلی که با اختيار او است نفوذ انگليس را در کابل ضعيف و نفوذ روسيه را قوي بسازد . (٣) او مکاتبات بی ضرري را که بين شيرعلي خان و کافمن - - Kaufmann از ١٨٧٠ باينطرف مبادله شده بود و حکومت هند از ان خبر داشت بنظر بی اعتمادی میديد و به حکومت مرکزي اصرار داشت که توجه روسيه را باين نقض فاحش پيمان جلب کند و در نتیجه اظهار داشت که سوال اين جا است که ايا لازم است جاي نفوذ انگلستان را در دربار کابل نفوذ روسيه بگيرد؟ (٤)

بحلوي اين جريات لارډ ليتن باب مذاکره را با مير شيرعلي خان براي پذيرفتن سفير و نماينده انگليس در بار خودش باز کرد و از امير خواهش نمود سرلپس پيلی - Sir Lewis Pelly را در ماموريت موقتش براي مذاکره در اطراف موضوعات مورد علاقه طرفين پذيرد . (٥)

١- وقتی لارډ ليتن به هند آمد از ان جزا فسانه هاي ان چيزي نيدانست بلفور کتاب مزبور ص ٤٠

٢- مسوده يادداشت ١٢-اگست ١٨٧٦ جريان خفي دفتر خارجه ١٨٧٧ نمبر مراجعه ١٠٦ ر ١٠٢

٣- همانجا .

٤- نامه ليتن به سالز بري ١٨٢ سپتمبر ١٨٧٦ صورت مجلس سياسی وزارت خارجه اگست ١٨٧٧ نمبر مراجعه ١٠٦ ر ١٠٦

٥- اوراق پارلمانی ١٨٧٨ - افغانستان شماره ١ (٩٠٧ I) ص ١٧٤

شیرعلی خان در قسمت خود از سلامت شخصی نماینده انگلیس مطمئن نبود بدو دلیل یکی تعصب مردم و دیگری دشمنی بعضی از مردم این مملکت بخودش ولی در عین حال بی دانست که اگر تقاضای انگلیس را رد کند ممکن است روابط او با حکومت هند خراب شود . پس چاره دیگری را در پیش گرفت و پیشنهاد نمود که نماینده خود را بفرستد تا آنچه را حکومت هند میخواهد باو ابلاغ کند (۱) بفهمد . لیتن با امر درباره اعزام نماینده خویش ، مخالفت کرد و او را تهدید نمود باینکه افغانستان را مملکتی خواهد دانست که خود را با او طلبانه از حمایت و اتحاد با او دور داشته است (۲) بنا بر این امیر پس از منجش و غوررسی زیاد برای تامین حسن نیت و دوستی بین دولتی او پیشنهاد متناوب دیگری را طرح نمود : اول مامور سیاسی انگلیس و نماینده خودش (امیر) در سرحد بایک دیگر ملاقات نمایند . و باینکه نماینده نماینده هندی در بار کابل را وایسرا احضار نماید و " جریان امور را شرح " دهد تا این نماینده در - مراجعت بکابل انرا باطلاع امیر برساند (۳)

لیتن پیشنهاد امیر را قبول کرد و تاریخ ۱۰ و ۱۳ - اکتوبر ۱۸۷۶ دوبار با عطا محمد خان نماینده هندی به دربار کابل در مسئله ملاقات نمود . در جریان این دو مصاحبه لهجه نایب السلطنه تهدید امیز بود (۴) و اصرار داشت که افسران انگلیسی باید در سرحد متمرکز شوند در غیر انصورت مناسبات دوستانه بین مملکتین بوجود نخواهد آمد . و با خشونت روش خود را در مقابل امیر با این کلمات

۱- همانجا . صفحه ۱۷۵ .

۲- همانجا ص ۱۷۶ .

۳- همانجا ص ۱۷۹ .

۴- همانجا ص ۱۸۲ - ۸۵ .

اظهار نمود :

بمجردیکه دلیلی برای عدم صمیمیت او پیدا شود، یا فایده عملی اتحاد او مورد اشتباه قرار گیرد، علاقه ما طور دیگر خواهد شد، این کار ممکن است خطری را که قبلاً در داخل و خارج با آن تهدید شده است زیادتر سازد (۱). راجع به خطر خارجی نایب السلطنه اینطور اظهار عقیده نمود : « علاقه ما به نگهداری استقلال افغانستان برای این است که بتوانیم وسایل امنیت سرحدات خود را تهیه کنیم . اما وقتی افغانستان را کشور دوست و متحد جدی ندانیم مانع نمی ماند که برای حفظ سرحدات خود با روسیه داخل مفاهمه شویم و ممکن است نتیجه آن این شود که افغانستان بکلی از روی نقشه محو گردد . اگر افغانستان نخواهد با ما بزودی توافق نظری پیدا کند روسیه باین توافق نظر راضی نخواهد شد و ممکن است این خواهران مملکت به هزینه افغانستان تمام شود . اینکه روسیه به تنهایی با اشتراک مساعی انگلیس تقسیم افغانستان را میخواهد یکی از عقاید محکم لاردر لیتن بود که قبل از نیابت سلطنت هند (۳) برای او پیدا شده بود . ولسی در مکاتیب رسمی روسی به مشکل می توان سندی یافت که این ادعا را ثابت کند تنها علاقه مفروض لاردر لیتن به استعاره شیرعلی خان را باین عقیده واداشت که قوای نظامی انگلیس چون حلقه آهنی به گردن او افتاده می تواند او را چون فی خورد کند .

۱- همانجا ص ۱۸۳ .

۲- همانجا .

۳- این عقیده بر مکتوبی از جنرال کفمان مبنی بود . مکتوب مزبور را کونب شوالوفسکی

روسیه طی ملاقاتی که لیتن قبل از حرکت بجانب هند داشت . با وجود آنکه شوالوفسکی اینان داد که کوفمان نباید با نظر دولت روسیه تلقی شود و راجع با افغانستان وضعی را که لاردر لیتن تعیین نموده بود قبول کرد ازین ملاقات در ذهن لاردر لیتن این عقیده ثابت باقی ماند که روسیه میخواهد برای تقسیم افغانستان و تأسیس سرحد مشترک بین مملکتین با انگلستان داخل مذاکره گردد . بلفور کتاب مزبور ص ۳۳-۳۸ .

نواب عطا محمد خان در حالیکه مأموریت داشت امیر را مجبور به قبول افسران انگلیسی در افغانستان بنماید از سمله حرکت کرد در غیران دولت انگلیس به هیچ صورتی حاضر نبود روابط خود را با امیر نگهدارد (۱) لیکن صریحاً اظهار داشت که هرگاه امیر افسران مزبور را قبول نکند وی در ترتیب مجدد روابط سرحد براه خود خواهد رفت و به منافع افغانستان بی اعتنا خواهد ماند (۲) . در عرض این امتیاز نایب السلطنه موافقت کرد امیر را هنگام حمله بیجهت از داخل با خارج مملکت کمک نماید و نیز فرزند مقرب او عبد الله خان را وارث سلطنت بشناسد (۳) بر اساس این شرایط متقابل با میر اجازه داده شد نماینده خود را برای مذاکره و انعقاد قرار داد با دولت انگلیس بفرستد . و نیز علاوه گردید که تا امیر حاضر نباشد قرار داد مجوز جلا لیماب (وایسرا) را امضاء کند نباید نماینده خود را برای مذاکرات بیشتر ای اعزام دارد زیرا مذاکره روی شرایط دیگری صورت نخواهد گرفت (۴) امیر که با این تقاضای روشن تعدد شده بود با افسران خود مشوره کرد و بالاخره موافقه نمود که صدر اعظم خود، نور محمد شاه را با میر اخور احمد خان جهت نمایندگی از نظریات حکومت کابل و حل مسله اقامت افسران انگلیسی بر سرحدات افغانستان اعزام دارد (۵)

بین فرستاده سیاسی افغانستان و وزیر مختار انگلیس ستر لیوس ویلی، مذاکره آغاز گردید . موضوع استخدام نمایندگان انگلیسی در افغانستان که لیکن بران اصرار میکرد ویلی انرا ادعا مینمود در مقدمه مذاکرات قرار داشت (۶) نور محمد شاه معذالک

۱- همانجا ص ۱۸۳-۸۴ .

۲- همانجا ص ۱۸۰-۱۸۱ .

۳- همانجا .

۴- همانجا ص ۱۸۴ .

۵- همانجا ص ۱۹۲-۹۳ .

۶- همانجا ص ۱۹۶-۲۱۳ .

میخواست قرارداد های سابق بین ملکیان را مآخذ قرار دهد و عقیده داشت که ترتیباتی که در کنفرانس امباله و سمله اتخاذ شده بود افغانستان را تحت حمایت انگلیس قرار میدهد (۱) او به بند هفت قرارداد ۱۸۵۷ (۲) اشاره نمود این ماده تقرر فرستاده سیاسی انگلیس را ممنوع قرار میدهد و استخدام نماینده محلی را در کابل تدارک می بیند . مقابل این استدلال ها پیلی میگوید : «خاطر جمعی هایی که به سمله و امباله داده شده است با قرارداد معینی تصریح نگردیده و باین ترتیب با اختیار دولت انگلیس وثیقه ای را که از هر طرف با احتیاط کامل محافظت شده باشد نمیگذارد (۳)» راجع به قرارداد ۱۸۵۷ پیلی استدلال می نمود که این قرارداد برای مقصد مخصوص و محدود با مضاء رسیده است و «بر واقعه مخصوصی که وقت آن گذشته است (جنگ ایران) مبنی می باشد و بنا بر آن به دسته قرارداد های تعلق دارد که قرارداد انتقالی نامیده می شود . تعهداتی که در آن قرارداد هر دو طرف بان موافقه نموده اند بمرور زمان از بین رفته (۴) تنها قراردادی که بین ملکیان برجای ماند ماست قرارداد ۱۸۵۵ است و آن تعهدی را بر ذمه دولت انگلیس نمیگذارد .

۱- اوراق پارلمانی ۱۸۷۸ - افغانستان نمبر ۱ (۱۰۷ I) ص ۲۰۴-۲۰۶ .

۲- بند ۷ قرارداد ۱۸۵۷ - ازین قرار است :

« هر وقت گوشت گوزنه متوقف گردد افسران انگلیسی از مملکت امیر بیرون خواهند شد . ولی بخواهر دولت انگلیس و کیلی که افسران رویایی نباشد از طرف حکومت مزبور در کابل و کیلی هم از طرف حکومت افغانستان در پشاور باقی خواهد ماند . » (ایچسین کتاب مزبور ص ۳۴۳) .

۳- اوراق پارلمانی ۱۸۷۸ - افغانستان نمبر ۱ (۱۰۷ I) ص ۲۱۹ .

۴- همانجا ص ۲۱۶ .

مریض بود، قبل از آنکه به نتیجه برسد دستغما، وفات نیسرن کفرانس ممکن بود نتیجه دیگری میداد. اما نور محمد شاه متأسفانه در ۱۶ مارچ ۱۸۷۷ وفات نمود (۱).

لارڈ لیتن که همیشه گمان میکرد بیگانگی امیر از حد گذشته است از این موقع استفاده کرد و چهار روز بعد کفرانس را ختم نمود و به سرلیویس پیلی اسر داد فرستاده جدید امیر را قبول نکند (۲). نایب السلطنه در عین حال خبر داشت که فرستاده سیاسی جدیدی از کابل، جانب پشاور برای مذاکره حرکت کرده است و این فرستاده بالاخره تمام شرایط انگلیس را قبول می کند (۳). پس چرا لارڈ لیتن باب مذاکرات کفرانس پشاور را باین زودی بست. این سوالی است پیچیده مخصوصاً آنکه وایسرا میدانست امیر با وجود آنکه با اقامت افسران انگلیسی در افغانستان مخالف است اگر پراوفشار آورده شود این شرط را میپذیرد و فایده اتحاد دولت با انگلیس را که از مدتی آنرا ارزو میکرد از دست نمیدهد. وایسرا البته رفتار خود را با این اظهارات شرح داد:

تصدهاتی که دولت انگلیس میخواست از طرف امیر فعلی افغان قبول شود. (اگر امیر مزبور علاقه خود را به استحقاق و تلافی دوستی انگلیس نشان میداد) با وضعی که با اثر تحقیقات دقیق سرلیویس پیلی روشن گردید نمیتوانست (با داشتن صرفه یا بدون ترس از اشتباه) مورد قبول قرار گیرد. ازین جهت ادامه کفرانس پشاور ممکن بود به مزاحمت و اشفتگی منتهی گردد. پایان دادن مذاکرات کفرانس می توانست ازین مزاحمت و اشفتگی جلوگیری کند. (۴) ولی در آنوقت تحقیقی صورت نگرفت و نیز نمی توانیم

۱- همانجا ص ۲۲۲.

۲- همانجا.

۳- لیتن به سالزبری ۱۰ می ۱۸۷۷ - اوراق پارلمانی ۱۸۷۸ - افغانستان نمره ۱*

(۱۸۰۷) ۱۷۱.

۴- سنه لیتن به سالزبری ۱۰ می ۱۸۷۷ - همانجا ص ۱۷۱.

بفهمیم که لاردر لیتن چه اشفتگی و مزاحمتی را می توانست در توضیح نظر افغانستان بوسیله نور محمد شاه پیشینی کند .

مشکل است بتوانیم ذهن لاردر لیتن را هنگام پایان دادن به کنفرانس پشاور واری می کنیم . ولی از مطالبی که قبل ازین واقع و بعد از آن نوشته شده است روشن میگردد که امیر شیرعلی خان را امیر مطیع می خواسته است . امیری که همیشه حاضر باشد او امر حکومت انگلیس را در تعقیب سیاست ایشان برای شکست دادن روسیه در آسیای مرکزی اطاعت کند . در غیران صورت با امیری که لیتن او را " وحشی " (۱) درک کرده است کاری نخواهد داشت . لاردر لیتن بیگانگی ، تبدل ناپذیر ، امیر را منبع خطر بزرگی میدانست این خطر بیشتر ازین جهت بود که امیر میخواست نفوذ روسی را بدر بار خوش قبول نماید . (۲) این مفکوره به ذهن لاردر مزبور قبل از آنکه نایب السلطنه هند شود . (۳) نقش بسته بود . نزد او نظریه حکومت مستقل و قوی در افغانستان تصور موهوم بود او متیقن بود که افغانستان یا باید بر روسیه متکی باشد یا بر انگلستان با وجود آن امیر را نمیگذاشت که اله دست روس شود . شکستن این اله را قبل از آنکه بدست روس بیفتد وظیفه خود میدانست . (۴)

لاردر لیتن شیرعلی خان را وحشی که تاحدی کودن بود . " می نویسد . ولی این اتهام هیچوقت نمیتوانست در مورد شیرعلی خان صدق کند . فریزر تایتلر کتاب مزبور ص ۱۳۲ .

۲- اوراق پارلمانی ۱۸۷۸ افغانستان نمبر (۱۰۷) I ص ۱۷۱ و نیز

Balfour کتاب مزبور ص ۳۸-۴۰

۳- بلفور کتاب مزبور ص ۳۸-۴۰

۴- نامه به Girdstone , C ۲۷ اگست ۱۸۷۱ بلفور کتاب مزبور ص ۲۹-۳۰

باین نوع افکار لیتن کنفرانس پشاور را بست و نسخ آن اگر راجع بان فکر قبلی هم نبوده باشد (۱) ازینجهت بود که از آن وضعی بزاید که سیاست آسیای مرکزی بتواند در آن پخویی اجرا شود . اندکی قبل از آنکه این کنفرانس را نسخ کنند به پیلی هدایت دادند به نور محمد شاه بگوید که دولت انگلیس تعهدات امیر و خانواده او را قبول ندارد - " با وجود این آزادی و اقتدار امیر را علاقه های که تا حال ملک قانونی او شناخته شده است برسمیت می شناسند . و از مداخله تا وقتی که امیر بنوبه خود (در امور قبایل یا علاقه های که با او مربوط نیست مداخله نکند) خود داری میکند (۲) . و این پیشنهاد خطرناکی بود که اگر با قرینه اشغال کویت و توضیح سیاست آسیای مرکزی لیتن دیده شود انگیزه نایب السلطنه را در نسخ کنفرانس پشاور روشن می سازد . شیرعلی خان که قلمرو او بدرستی تعیین نشده بود ایمن سیاست را طبعاً بنظر تردید و اشتباه میدید . پس نسخ ناگهانی کنفرانس پشاور رخنه بین حکومتین افغانستان و هند را وسیع تر ساخت .

در همین وقت ها جنرال لوماکین - General Lomakin بر قبایل قزل اروات ترکمن حمله کرد . این حمله نظریات لارڈ لیتن را نسبت به آسیای مرکزی روشنتر ساخت . اشغال قزل اروات هر چند موقتی بود مقدمه فتح مروتلی شد . و این کار که مستلزم فتح هرات و توسعه نفوذ روسیه در افغانستان

۱ - ریچاردسن - Richardson کابینه لازد بیگسفیلد در روابطان

با افغانستان - Cabinet Of Lord Beaconsfield In its

۲ - اوراق پارلمانی ۱۸۷۸ - افغانستان نمره ۱ (۱۰۷) ج ۱ ص ۲۲۰ Relations With Aghanistan ,

می باشد به گرفتاری های با حکومت کابل منتهی خواهد گردید، (۱) نفوذ روسیه را در افغانستان تنها می تواند استقرار نفوذ انگلیس در هرات خنثی کند و از همین جهت بود که لیتن ادعا داشت : نفوذ روسیه در آسیای مرکزی باید متوقف شود (۲) لیتن در حقیقت یقین داشت که مستملکات روسیه و انگلستان در آسیای مرکزی دیر یا زود با هم، هم سرحد خواهد شد و مقابل این بخت برگشتگی معین حکومت هند باید خط دفاعی در طول سرحدات شمال غربی آن مملکت داشته باشد (۳) او می گفت : " هند و کشر حصار طبیعی هند است برای استفاده از آن باید کابل، فزنی و جلال آباد را بحیث استحکامات اصلی و کویته را بحیث جدار بتصرف داشته باشیم قندهار، هرات و بلخ و امثال آن باید پاسگاه های جلوی ما باشد " (۴) این فرضیه ها معذالک مورد قبول وزیر هند و سالزبری - نایب السلطنه را از مشوره های نظامی که ممکن است گاه گاهی با و داده شود، اخطار داد . و این برای لارڈ لیتن بحدی خشم آورد که کابینه انگلیس رایه ضعف و تردید وی تصمیمی معتمد ساخت و شکایت نمود که اگر سیاست هند مطلقاً از دوندگستریست نشأت کند و نایب السلطنه در آن آزادی عمل نداشته باشد روسیه به پیشرفت خود و ضعیف ساختن موقف انگلیس ادامه خواهد داد (۵) .

۱- لیتن به سالزبری ۲ جولای ۱۸۷۷ - اوراق لیتن دفتر روابط مشترک المنافع .

۲- لیتن به سالزبری ۱۶ جولای ۱۸۷۷ - اوراق لیتن دفتر روابط مشترک المنافع .

۳- همانجا .

۴- همانجا .

۵- همانجا .

پس از بحث مفصل در اهمیت هرات لیتن تاکید کرده که چون استقرار نفوذ انگلیس در اینجا بعد از این با اثر مخالفت امیر شیرعلیخان میسر نیست ترتیب دیگری (که بر اشتراك مساعی مبنی نباشد و به مخالفت امیر توجه نگردد) اتخاذ شود در غیران افغانستان از دست هند بیرون خواهد رفت (۱) ازینجا اظهار عقیده می نمود که دور نیست وقتی برسد که برای نگهداری قدرت انگلیس در هند مجبور شویم سلطنت افغانستان را تجزیه کنیم و خان نشین های جداگانه در افغانستان جنوبی با استقرار نفوذ و سلطه انگلیس در هرات قایم نمائیم (۲).

د ولت مرکزی معذالك در اینکه امیر بصورت اشتی ناپذیری بیگانه شده است با نایب السلطنه موافقه نداشت. سالزبری نظریه حرکت فوری روسیه را بجانب مرورد کرد و به نایب السلطنه هدایت داد که از عملیات تجاوز کارانه در آسیای مرکزی دست بکشد (۳) به قول خود لیتن پریشانی اش "کابوس" و "پیشبینی" اش "انحراف" پیش از وقت و هم "تلقی گردید" (۴) با وجود این پرهیز از عملیات تجاوز کارانه با این تعایل فکری که باید آمادگی لازم مقابل هر نوع خطر احتمالی گرفته شود. مخایر نبود و بنابراین لارد سالزبری اصرار داشت که وایسرا باید "نفوذ دوستانه" بر فرمانروای افغانستان داشته باشد (۵) ارزی لارد لیتن برای تأسیس ریاست نشین مستقل در افغانستان جنوبی رد گردید و مشارالیه مجبور گردید منتظر فرصت باشد.

۱- لیتن به سالزبری ۲ جولای ۱۸۷۷ لوائح روابط مشترك المنافع.

۲- همانجا.

۳- صورت مجلس مخفی وزارت خارجه اکتوبر ۱۸۷۸ مراجعه ۲.

۴- لیتن به سالزبری ۳ اگست ۱۸۷۸ - اوراق لیتن د فتر مشترك المنافع.

۵- صورت مجلس مخفی دفتر خارجه اکتوبر ۱۸۷۸ نمبر مراجعه ۲.

در این هنگام مکاتیبی از کابل و پشاور به نایب السلطنه رسید و او را از

احتمال ورود هیئت روسی با شهر مطلع ساخت (۱) دیری نگذشت که اخبار دیگری

ورود این هیئت را در ریاست افغانستان تأیید نمود تا اواخر جولای (۲) درست معلوم

نبود که ریاست هیئت را کافمین بر عهده داشت یا ابراموف - Abramof

نایب الحکومه سمرقند • ولی در ۲ - اگست ۱۸۷۸ لیتن متیقن بود که هیئت روسی

تحت ریاست ابراموف (۳) به کابل رسیده و ورود این هیئت روسی بکابل با موقع داد

از حکومت مرکزی جدا^۱ بخواند که بر سیاست آسیای مرکزی خود تجدید نظر نماید •

درین ضمن لارڈ سا لژیری بوزارت خارجه رفت و وینسکنت کرینبروک^k V.Cranbrook

وزیر هند شد • لارڈ لیتن وزیر جدید را طرفدار خوش یافت و بنا بر این میخواست

با قدرت بیشتری عقیده خود را بجایی برساند • بتاريخ ۲ - اگست ۱۸۷۸ بوزیر

منبر اینطور تلگراف کرد: «معنی عاقل ماندن - این است که اجازه دهم

افغانستان تحت نفوذ و قدرت روس برود (۴) بعداً در حالیکه در افغانستان -

ازادی عمل میخواست لزوم اعزام هیئت انگلیسی را بکابل تأیید نمود • این موضوع

طی نامه مفصلی که لیتن انرا بتاريخ ۳ - اگست نوشت تکرار گردید (۵) در این نامه

فرضیه یازده ماده ای را در سیاست آسیای مرکزی جهت تعمق دولت علیا حضرت تقدیم

داشته بود و در آن یازده ماده نظر خود را راجع به موضوع مذکور گنجانیده بود • در

مقدمه این فرضیه نامه صریحاً گفته بود که قبل از آمدن به هند این را پیدا کرده^{نظر}

۱- اوراق پارلمانی افغانستان نمره ۱ (۹۰۷) ص ۲۲۶

۲- همانجا ص ۲۲۷

۳- همانجا ص ۲۲۸

۴- همانجا •

۵- اوراق لیتن • لوائح دفتر مشترك المصانف •

و عقیده داشته که نظر رئیس محترم او دی اسرائیلی - - - Israeli نیز

همین بوده * با وجود این متیقن نیست که نظریات مزبور تنها مورد تأیید دولت

علیا حضرت است یا افکار عمومی نیز از آن حمایت می نماید (۱) *

لا رد لیتن سیاسی را که در نامه مزبور طرح کرده بود این طوری بیان می کند :

(۱) هر چند دولت نسبتاً ضعیف و دوستانه آسیای برای هند انگلیسی

همسایه مناسبی شمرده می شود ولی یقین است که در جریان حوادث ناخوارو شاید

بمبادی ناپذیر حکومت های بین امپراطوری آسیای روسیه و برتانیه بزودی بوسیله

یکی از دو قوه رقیب از بین برود * و در آنوقت روسیه و برتانیه خون را در طول

سرحدات شمال غربی خود همسرحد بین *

۲ - بنابراین خط تماس با روسیه باید با اقل ناراحتی و گزند تعیین گردد *

۳ - خط تماس بین دو امپراطوری باید خط قوی نظامی باشد *

۴ - ولی سرحد پنجاب خطی است بسیار خراب زیرا این خط مدخل

منبرها می باشد که به هند منتقل می شود با اختیار روسیه می گذارد * سرحد طبیعی

هند در قسمت شمال غربی حد فاصل بزرگی است که با کوه هند و گس و شاخه های آن

ساخته می شود * این سلسله کوه با پایگاه هایی که ممکن است برای نگهبانی

دره ها لازم افتد باید سرحد نهایی ما باشد *

۵ - اشغال تدریجی اراضی ترکمن بواسطه روسیه تا مرز استقرار خطوط

مواصلات از آنجا تا چار جوی و کیکی با اثر ملحوظات سیاسی و لوازم خردی بر روسیه

تحمل شده است *

۶ - روسیه این توسعه جوی اراضی را حتی در صورتی که انگلستان به نتایج آن بر اعتنا باشد دفعته اکمال خواهد کرد - قدرت از مای برای بدست آوردن تفوق در افغانستان بین ما (انگلستان) و روسیه آغاز خواهد شد و آن تحت شرایطی خواهد بود که از لحاظ افغانستان غربی برای ما بسیار نامساعد خواهد بود .

۷ - چس لا زم است که قبل از وقوع حادثه نقطه نهایی را که ازان جاپیشرفت روسیه باید متوقف گردد تعیین نمائیم و الی ممکن است به نتیجه ای برسیم که دقت اجرای آن گذشته باشد .

۸ - هر چند مرونسبت به نقاط دیگری که برای تقاضای هند اهمیت حیاتی دارد بیرون ساحه فعالیت ما افتاده باوجود آن معطل کردن اشغال مرون بواسطه روس ها با تمام وسایل ممکن به فایده مالمست .

۹ - بین امپراتوری آسیای بر تانیه و روسیه هرات واقعه نقطه قاطع به حساب میاید . هر چند ملحوظات نظامی بیشتری طرفدار خط مقاومت در محلی است که پیشتر به هند نزدیک باشد ولی ملحوظات سیاسی علیه گذاشتن هرات به قوه دیگری ایران یا روسیه می باشد .

۱۰ - " سرحد جدید تر نفوذ سیاسی ما " موضوعی بود که تصمیم قطعی را تقاضا میگرد زیرا شورشی در بلخ و بدخشان بر همنامی عبدالرحمن خان و حمایت روس ها ممکن است در هر لحظه ای آن ایالات را بطور جبران ناپذیری تحت نفوذ دائمی روس بیارد .

۱۱ - بالاخره سه راه و تنها همین سه راه برای بدست آوردن سلطه موثری در سرحد شمالی مناسبی موجود است .

الف) تا مین یک نوع اتحاد با میر شیرعلی خان که بواسطه آن نفوذ روسیه بطور موثر و نافع از افغانستان دور شود این اتحاد چه از نظر خوف باشد چه رجا .

ب) اگر این کار نتواند صورت گیرد مساعدت های خود را باید با او (امیر) قطع کنیم و سلطنت افغانستان را تجزیه نمائیم (لیتن گمان میکرد این کاری تواند با سانی صورت گیرد) • و بجای امیر شیرعلی خان امیری را که بیشتر برای منافع انگلیسی زیر بار برود بگذاریم •

ج) در صورتیکه امیر شیرعلی خان نتواند این کار را به سرانجام رساند (که در صورت نظام موفقیت دو طرح احتیاطی فوق) برای نگهداری دائیم سرحدات شمال غربی لازمی شمرده شود •

در شرح جزئیات این فرضیه لیتن میگفت (۱) تیوری • ایستادن عقب کوه در وقت مدافعه • نظریه قبل از زمان ناپولئون است در عصر جدید هر وقت انرا بکار برده اند به ناکامی کشیده است • پس او به پیشرفت در طول سرحدات شمال غربی اصرار داشت • و با ملاحظه راه هایی که حمله خارجی را آسان می ساخت خط دفاعی خود را به سه قسمت تقسیم نمود • بطرف چپ • لیتن اظهار عقیده داشت که جناح ما باید تا خلیج فارس برسد ما که بیابان ریگستانی بلوچستان غربی بران مسلط است و ما بران دست داریم • اشغال کوئته بدست سپاهان ما موقوف نظامی قوی را بانطرف باختیار ما میگذارد زیرا از آنجا هر وقتی خواسته باشیم می توانیم بمیدان بیرون ایم و اگر دشمنی بخواهد از منظر به هند داخل شود مجبور است اول کوئته را اشغال نماید و بعد از آن از گردنه های دره بولان بگذرد و تا وقتی این کارها انجام میدهد ما فرصت کافی داریم برای مقابله با او خود را آماده سازیم • در واقع من ناظر سرحدات خود از ملتان به طرف بحر هستم و انرا با داشتن پایگاهی در کوئته بحدی محفوظ می یابم که نمی توانم چیزی دیگری را از روکم •••

۱- لیتن به کرنبروک ۳ اگست ۱۸۷۸ - اوراق لیتن لوائح دفتر روابط مشترك المنافع •

برگردیم با قصی راست؛ لیتن در اینجا اظهار عقیده می نماید که سلسله کوه
همالیه و بیابان تبت از این طرف امپراطوری ما رابخوی حمایه می نماید. * اواشغال
گردنه های را که به کاشغر و میدان های پامیر منتهی می شود لازم نمیدانند. * علاوه
بر این دره ها بحدی کم و صعب العبور است که هر وقت لشکری بخواهد از آن
بگذرد باسانی می تواند متوقف ساخته شود. * از تمام این ملحوظات لیتن نتیجه میگیرد
* که سرحد نهایی در این قسمت سلسله کوه بزرگ یا مقسم این خواهد بود که
ابهای سند را از ابهای که بطرف شمال می رود جدا میکند.

و چون به مسئله قلب خط دفاعی که لیتن آنرا مسئله بسیار مشکل میداند
بیائیم عقیده نایب السلطنه را اینطور می یابیم: " ادامه سلسله کوه هندوکش و شاخه
های آن خط دفاعی مهم ما خواهد بود. * پایگاه های جلوی ما باید در بلخ و میمنه
و هرات باشد و موخط سرحدی معلوم ما قرار گیرد. " ... این جا باید ازین دو خط،
خط بیرونی مذکور فوق و خط داخلی که به امتداد سلسله کوه ها از هندوکش تا هلمند
واقع است یکی را انتخاب نمائیم. * ولی در عوض آنکه نقطه مدافعه به خط داخلی (که
هندوکش و هلمند آنرا تشکیل میدهند) محدود شود او ترجیح میداد این نقطه نهایی
مدافعه هرات باشد. * به عقیده او روسیه با دو سال دیگر به مرو خواهد رسید و اشغال
انجا بدست روسها امنیت هرات را تهدید می کند. " ولرزه به قلب هند میاندازد. " لیتن
نتیجه میگرفت که مسوولیت نگهداری هرات باید همین حالا بر عهده گرفته شود. " و
چون این کار انجام شد " شبه نمی بینم که يك وقتی به نوعی از انواع بالا خره مجبور
شوم مملکت کوهستانی بین هرات و کابل را بگیرم. " *

خان

در موضوع افغانستان نایب السلطنه میدانست که مردی به لیاقت و کفایت شیرعلی
پیدا نمی شود. * و ممکن است تا سالهای دیگری امیری به قدرت او پیدا نشود. * می فهمید
امیر شخصی است که او میخواهد او می تواند تمام افغانستان را اداره کند بشرط آنکه

نایب السلطنه اورا طرفدار خود تشخیص دهد * ولی می تواند امیر را طرفدار خود سازد یا نه برای این کار از آخرین سلسله خود بگریزید و میخواست هیتو را بکابل بفرستد و فرستاده سیاسی انگلیس را مأمور کند تا امیر و ازادانی را با مضاء بکابل بفرستد * مطابق این وارد * می خواست امیر را از زندان آزاد یا عقد قرارداد با شور دیگر منع نماید * امیر باید به افسران انگلیسی اجازه دهد که در کابل برای مقام مخصوصی مقرر شوند * به اقامت دائمی نایبده * انگلیس در صورت موافقت کند * نایب السلطنه میخواست به امیر ضمانت خانوادگی یا کمک هزینه بدهد * میخواست به فرستاده سیاسی اختیار داشته باشد * بهر شیرعلی صریحاً فشار بیاورد که اگر در صورت عدم قبول افسران انگلیس حکومت دهند عطاء با او روابط خویش را قطع خواهد کرد (۱) *

اگر سعی فرستاده برای مضاء با امیر ازینراه بجایی نکشد (چه این عدم موفقیت ازینجهت باشد که امیر فرستاده سیاسی را قبول نکند یا ازینجهت که مذاکرات بی نتیجه ماند) * باید به تجزیه افغانستان اقدام نماید * لیکن عقیده داشت که این کار تجربه لازمی است چه بسیار ناکامی مذاکرات صورت بگیرد چه * پس از آنکه شیرعلی خان ازین مأموریت بنا بران از روی پیشبینی با بعضی از جمعیت ها یا اشخاص افغانستان اخراج مذکور شد * تمام آنها با این مردم برای این بود که بتوانند نظیر آنها را راجع به وارث آینده سلطنت معلوم کند * به لاردر کریپروک اصرار داشت که وزارت امور خارجه در اروپا یا مضاء رسید است و اکنون وقت آن است که برای فشار بیاوریم * بیشتر ازینجهت که از پایگاه خود در کوته می توانیم هر وقت

۱- لیتن به کریپروک ۳- اگست ۱۸۷۸ - اوراق لیتن - لوائح دفتر

خواسته باشیم دست خود را جانب قندهار دراز کنیم در آن جا اسلحه و انتظامات بهتری می تواند لشکراو (امیر) را که اسلحه و تجهیزات کافی با اختیار ندارد و تربیه نظامی درست ندیده است چون مگس از مقابل خود بردارد (۱).

رد شدن هیئت چمبرلین از علی مسجد حقیقتی است روشن و لازم به بیان ندارد ولی مایوسی که باشران در حکومت مرکزی پیدا شد قابل ملاحظه است . دیزرایلی میدانست که وجود هیئت روسی در کابل مطلب جدی نیست و احساسی را که تولید کرده است متدرجا از بین میرود اگر نقشه روسی ها ازین اقدام به منظور جنگ با انگلیس باشد این جنگ در آن وقت مورد ندارد (۲) اعتراضی مقابل فعالیت روسها در کابل از لندن صورت گرفت و از لیتن خواستند تا وصول جواب آن منتظر باشد . علاوه بر آن از وایسرا خواش شد ، که هیئت پیشنهاد شده را از راه قندهار بفرستد نه از راه خیبر (۳) ولی او هر دو ی این هدایت را نادیده گرفت . بطوریکه مارگوس سالزبری بالحن محکایت امیزی گفت که نایب السلطنه دولت را برخلاف میلش به انجام کاری وادار میکند و این کار را از اول تا حال کرده است (۴) دیزرایلی از ینهم پیشتر رفت و اظهار داشت که لیتن با سرکشی از او امر حکومت بهشورش نظامی دست زده است (۵) .

۱- لیتن به کرنبروک ۳ اگست ۱۸۷۸ - اوراق لیتن - لوائح دفتر مشترك المنافع .

۲- از دیزرایلی به کرنبروک ۱۲ سپتمبر به ۱۸۷۸ بکل Buckle زندگی دیزرایلی .

- Disraeli ص ۳۸-۸۱ .

۳- دیزرایلی به کرنبروک ۲۶ سپتمبر ۱۸۷۸ همانجا ص ۳۸۲ .

۴- بکند فیلد به ملکه ۲۶ اکتوبر ۱۸۷۸ همانجا ص ۳۸۷ .

۵- دیزرایلی به کرنبروک ۲۶ سپتمبر ۱۸۷۸ گذاص ۳۸۲ .

هیچ کس در کابینه انگلستان نتوانست برای جنگ با ایران سبب پیدا کند و از همین جهت وزیر جنگ آنکه پارلمان را برای اجازه جنگ احضار نماید * لارن کریشبروک - معذالك نظر بدی نریخته است و حمایت مردم که جنگ را مجموعه ای از کارهای خصمانه امیر تشکیل داده است و با این اظهار دیده و خود طرفدار جنگ فوری و کامل است. همه را تکان داد (۱) در زبانی شاه شوق را از اینکه مسأله افغان باین صورت درآید بنظر او همه این کارها بیجا میآمد (۲) اکثریت کابینه انگلستان متوجه بودند از اینکه لیتن بدون جهت اظهار باین کار را داشته است (۳)

معذالك چون مهره افتاد همه موافق شدند باینکه سیاست لیتن باید حمایت شود و آن سیاست را به اصرار ملکه و موافقت بیکس فیلد بجای حمایت کردند که گویا اصلاً * مخالفت در بین نبوده (۴) باین ترتیب جنگ را کابینه تصویب کرد و در توجیه اقدام وزیران * بیکس فیلد در نطق گیلد هالی خود آنچه را لیتن در ذهن داشت بحیث علت جنگ بیان کرد * جنگ برای از بین بردن اضطراب در سرحد شمال غربی هند است * این سرحد * بجای است تصادفی و غیر علمی * تصمیم جنگ قبلاً گرفته شده بود (۵) * تمام مردمی که نطق او را شنیدند ناخدا می نمودند *

۱- همانجا ص ۳۸۷-۳۸۸

۲- همانجا ۳۸۸

۳- همانجا

۴- همانجا

۵- همانجا ص ۳۹۰

کرینبروک، سالزبری و کراس بر فقره تصویب چهره جدی بخود گرفته بودند (۱) مملتی که به امیر برای جواب التیما تم داده بودند هنوز تمام نشده بود و گریه را گذاشتند خواه ناخواه از کیسه بیرون بیرون (۲) •

بافتح قوای جنرال رابرتس در کوتل پیوار در ۲ دسمبر اولین دوره جنگ دم افغان عملاً • پایان رسید • پس از اعلان جنگ در مدت دو روز انتقام هتک حرمتی که به هیئت سرنیویل چمبرلین در علی مسجد شده بود گرفته شد • در دو هفته دیگر پس از این تاریخ دره های خیبر و کم کا ملا • بدستان گلیس ها افتاد • دیری نگذشت که جلال آباد و قندهار بدون آنکه مقاومتی از خود نشان دهد اشغال شد • و هنوز ماه جنوری تمام نشده بود که قسمت بزرگ افغانستان جنوبی از هلمند تا کلات غلزایی بتصرف حکومت انگلیسی درآمدند •

هنوز جنگ تمام نشده بود که کابینه انگلیس بر سیدگی ترتیباتی که باید بعد از جنگ اتخاذ شود پرداخت (۳) • نایب السلطنه طرفدار تجزیه نسج سیاسی این مملکت بود ولی درین سیاست با مخالفت اولیای امور مرکرو برو گردید •

۱- همانجا ص ۳۹۱ •

- ۲- به نسبت هتک حرمتی که به هیئت سرنیویل چمبرلینⁿ Sir Neville Chamberlain شده بود به امیر التیما تم دادند و تا ۲۰ نومبر برای او وقت گذاشتند جواب امیر در طول این مدت به نایب السلطنه نرسید و قوای انگلیسی در ۲۱ نومبر ۱۸۷۸ بر افغانستان حمله بردند • دیزرایلی نطق خود را در گیلد هال در اوایل نومبر هنگامی که هنوز منتظر جواب التیما تم بودند ایراد کرد •
- ۳- ضمیمه صورت مجلس سري وزارت خارجه • دسمبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۴۱۳ •

انها عقیده داشتند که « هر نوع عمل ما (انگلستان) که به بران دور کردن امیر

شیرعلی خان باشد ممکن است باعث مشکلات و گرفتاری های بزرگ گردد و همین عمل

برای رویکار آوردن رقیب او باشد چه برای تجزیه مملکت (۱) »

این مناسبت نیست که این جا در موضوع تجزیه افغانستان اسرار عقیده کنیم .

لارڈ لیتن به نسبت پیشینی که از بحران افغان نمود بود بر تاج عقیده ای که در -

تجزیه نتایج سیاسی افغانستان داشت در زمان حیات بعد از آن مورد انتقاد شدید

قرار گرفت * مارتینو - Martineau (۲) سوانیچ نگار سربارتل فریر

- Sir Bartle Frere عقیده دارد که اگر فریر در ۱۸۷۶ بحیث نایب

المنطقه به هند میرفت از جنگ جلوگیری می نمود و انگلستان را از بحرانی که -

سیاستمداران آن مملکت را یک و نیم سال گیج کرد نجات میداد : این گفته خان بیٹی

- Lady Betty Balfour را بجای ادیت کرد که (هنگام

عطف به فقره نامه ای که فریر برای رهنمایی لارڈ لیتن به لارڈ سالزبری نوشته بود) در

دفاع پدر اظهار داشت : « اگر سربارتل فریر می توانست این نظریات را در ۱۸۷۶

اجرا کند به جنگ ۱۸۷۸ زودتر اقدام می نمود و قدمهایی را که به تجزیه افغانستان

منتقمی می شد برپا داشت (۳) »

این فقره در نامه فریر باین ترتیب ادامه می یابد : اگر امیر ملام می میلی را

برای اصلاح روابط خود با ما نشان دهد من آنرا دلیلی این میدانم که عامل خصمانه ای

بیشتر از آنچه ما گمان می کنیم در کار بوده است . پیش از این بیجاست با وچاپلوسی نمایم یا

۱- همانجا

۲- اثر مذکور ۲۹ خرداد ۱۳۰۶ - ۶۰

۳- کتاب مذکور ص ۴۸

نه هیت بهتری نسبت باو پیدا کنیم پس نقطه نفوذ خود را باید جای دیگری غیر از کابل، در کلات، قندهار، هرات و ایران سراغ نمائیم و من وقت را در مواظبت آنها از دست نیدهم (۱) • ازین جای توایم استنتاج کنیم که فریر به سیاست تجزیه سلطنت افغانستان اشاره دارد و درین موضوع پیشرو لارڈ لیتن بوده است نظریه تجزیه افغانستان از لیتن نشئت نکرده است هر چند وقتی نایب الطلحه باین سیاست دست زد تحت نفوذ قدرت خارجی قرار نگرفته بود • حتی در ۱۸۷۴ سر هنری راولنسن Sir Henry Rawlinson تذکر داده بود که اگر امیر را نتوانید

طرفدار خود سازد قندهار و هرات را از زیر اثر کابل بیرون خواهد آورد • (۲)

با وجود این اختلاف قابل توجهی در نظر سربارتل فریر و لارڈ لیتن موجود است • سیاست پیشنهاد شده فریر در حالیکه احتمالی بود سیاست لارڈ لیتن استقلال بیشتری داشت • سربارتل آنحراف از سیاست ایجاد دولت متحد و قوی در افغانستان (۲) به حالت اضطراری مطلق اشاره می کند که از عدم موافقت امیر در اتخاذ ترتیبی با حکومت انگلیس بوجود آید • اویگانگی امیر را پایان کار نمیدانست سیاست خود را وقتی

۱- نامه مورخه ۳ مای ۱۸۷۶ مارتینو کتاب مذکور ص ۲، ص ۱۴۸ و نیز بلفور کتاب مزبور

ص ۴۸-۴۶

۲- انگلستان و روسیه در آسیای مرکزی England & Russia in Central Asia

P. 162

۳- سربارتل فریر قبل از آنکه یادداشت ۳ مای ۱۸۷۶ خود را بنویسد حتی بعد از آن گفته بود که قوی و متحد در افغانستان با ارزش تر از افغانستان غیر مستقل و مفتوح است • عین این نظر را در همین نامه باز تکرار کرد • رجوع کنید به مارتینو مزبور

ص ۱۴۹

بکار می‌انداخت که تمام مساعی اثر برای آوردن امیر به نقطه نظر خود را از کارمانده بود . لیتن از طرف دیگر عقیده داشت که برای بدست آوردن خط دفاعی قوی در سرحدات شمال غربی هند تجزیه افغانستان بهتر از وجود یک حکومت قوی در آن مملکت است (۱) و با این مقدمه که او را افغانستان را بیشتر از دوست دولت انگلیس ساخت بدون آنکه زمان و حوادث را بنظر بگیرد به اجرای ترضیه خود پرداخت . اگر فریر بجای لیتن میبود قضیه را میگذاشت رشد کند . (۲) و با سیر وقایع انرا تطبیق میداد . لارڈ لیتن از نظریات از پیش داشت شد آغاز کرد پیخواست وقایع را طوری بسازد که خود را میخواست . اختلاف بین این دو سیاست شبهه است به اختلاف بین تصدیع و وسوسه‌افزینی و عملاً در اندیشه نخستین - پیگانگی امیر برای لارڈ لیتن باعث وسوسه و تصدیع گردیده و مشارالیه را فکر سرحد طبیعی برای جلوگیری از پیشرفت روس‌ها بجانب هند انداخت و بنابراین سیاستی را طرح کرد که تخم مشکلات آینده در آن نهفته بود . نایب السلطنه نتوانست نقشه خود را باخبر برساند و وقتی این سیاست متروک شد و از نظرها افتاد که انرا عملاً بی اثر یافتند .

۱- لیتن به کرنبروک ۱۰ جنوری ۱۸۷۹ اوراق لیتن لوائح دفتر روابط مشترک المنافع .

۲- لیتن خود به زرنگی این سیاست اعتراف کرده بود . وقتی کنفرانس پشاور را برهم زد به وزیر هند نامه نوشته و لزوم انتظار را تا سرحد طبیعی و وقایع در کابل تاءکید کرد معذالک دیری نگذشت که سعی کرد سیاست دیگری را تعقیب نماید .

رجوع کنید به ناو به وزیر هند مورخه ۱۰ مئی ۱۸۷۷ - اوراق پارلمانی ۱۸۷۸ - افغانستان - شماره ۱

وقتی حکومت مرکزی از پلان او راجع به قرارگذاری های آینده با افغانستان می پرسید لیتن به لزوم الحاق پشین و سببی را به بلوچستان و نگهداری کوتل پیو ارداوای کم اصرار می نمود .^۱ می خواست قبیله های چون خیبری، شنواری و مهمند از کابل جدا نگه داشته شود و تمام نمایندگان خارجی فیراز انگلیسی از ورود به افغانستان محرم باشند (۱) با این شرایط لیتن حاضر بود باب مذاکرات را با یعقوب خان پسر بزرگ شیرعلی خان با تو کند و به میجر کیوناری (۲) هدایت داد با امیر مزبور (یعقوب خان) تماس بگیرد .^۲ نایب السلطنه یعقوب خان را تنها شخص می دانست که در غیاب امیر شیرعلی خان می تواند قدرت مرکزی را بدون حمایت خارجی نگهدارد .^۳ شخص دیگری هم بنظر لیتن برای سلطنت افغانستان مناسب می رسید و آن عبارت بواز ولی محمد خان برادر اندر شیرعلی .^۴ این امیر بارکزی به نسبت همدردی ها که با انگلیس داشت از مدت ها طرف توجه وایسرا بود .^۵ (۳) و راجع به اولارد لیتن می توانست نظریه خوبی به اولیای امور انگلیس بدهد (۴)

هنگامیکه کیوناری مامور مذاکره با یعقوب خان شد لیتن نتیجه گرفت که وضع افغان بسیار مهم شده است و دران کار مهم این است که مرد لایقی را برای اداره کردن سلطنت افغانستان پیدا شود .^۶ با وجود این شخصاً معتقد بود که

۱- ضمیمه سری وزارت خارجه جنوری ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۵۰۰۳۵۰۰ K و نیز ضمیمه

سری وزارت خارجه دسمبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۴۱۷ .

۲- لیتن به لیبرد ۲۴ دسمبر ۱۸۷۸ - اوراق لیتن، لوائح دفتر مشترك المنافع .

۳- لیتن به کرینبروک ۳ اگست ۱۸۷۸ - اوراق پارلمانی، لوائح دفتر مشترك المنافع .

۱ - لیتن به کرینبروک ۱۰ جنوری ۱۸۷۹ - اوراق لیتن لوائح دفتر

اتحاد سیاسی
 « آخرین راه حل مسئله افغان به منفعت انگلیس شکستن (و منتهی افغانستان) است »
 در تأیید این نظریه دلیلی که نزد او بین دلایل دیگر بیشتر اهمیت داشت این بود که
 امپراتوری قوی ممکن است منفعت دوستی انگلیس را در کند و دوستی روسیه را در -
 عاقبت کار سودمند تر تشخیص دهد (۱) راجع به ماهیت قرار دانی در افغانستان که
 بواسطه آن ممکن بود منافع انگلیس در این مملکت تأمین شود * لیتن بی گفت که سه
 هدف جنگ عبارت بود از: (الف) مجازات کردن شیرعلی * (ب) اصلاح دایمی
 سرحد شمال غربی (ج) استقرار نفوذ نهائی سیاسی بران قسمت از اراضی مردم -
 افغانستان که بین سرحد شمال غربی و رود امود افتاده * برای بدست آوردن این
 منظور ها بود که مذاکرات باید بدون امتداد مطالب غیر مسلمی که در آن وقت ها
 در افغانستان وجود داشت هدایت میشد *

۱- لیتن به گرینبروک ۱۰۴ جنوری ۱۸۷۹ - اوراق لیتن لوائح دفتر مشترک
 المنافع * لیتن نامدتی اصرار میکرد که وقت آن رسیده است که از سیاست
 قیومیت در افغانستان دست بردارم * رجوع کنید به مکتوب او به ملکه
 ۲۴ اپریل ۱۸۷۷ * بلفور ، لیدی ییتی ، نامه های شخصی و ادبی ارل لیتن

Personal & Literary Letters Of The Earl Of Lyton .

۲ - لیتن به گرینبروک ۳۰ جنوری ۱۸۷۹ - اوراق لیتن

دفتر مشترک المنافع *

درین ضمن یعقوب خان به پیشنهاد کیوناری به اداب دوستی متعارف جواب داد (۱) این جواب به مکتوب کیوناری جواب مناسبی بود زیرا در پیشنهاد روابط دوستانه انگلیس اساس محکم برای رفع تقاضات بین دو مملکت وجود نداشت (۲) معذالک کیوناری ولیتن از تمایل فکری یعقوب خان درباره هند راضی نبودند : با ستاد اولی (۳) لیتن گزارش نامساعدی راجع باین امیر به کابینه انگلستان نوشت و اصرار داشت به وی اجازه دهند که با ولی محمد خان داخل مذاکره شود او می نویسد : یعقوب خان خود سری و دشمنی به سلطه انگلیس را از پدرش بارش برده و در مدت چند هفته با اشتباه محض وجه ملی خود از دست داده است . و قدرت شخصی را که پدرش در طول سالها بدست آورده بود اصلاً ندارد . وی بدون حمایه ما نمیتواند خود را نگهدارد . ما نمیتوانیم شخصی را که وجه ملی و لیاقت ندارد حمایت کنیم (۴) لیتن یعقوب خان را معامله داری اعتمادی خواند که هر وقت ناپدید شود مثل آن است که از دست او نجات یافته ایم . (۵) ازین جا میتوانیم بفهمیم که چرا لاردر لیتن نظر خوبی نسبت به یعقوب خان نه داشت . او هنوز هم بین دو سیاست : سیاست تجزیه افغانستان و سیاست گذاشتن امیر دست نشانده در آن مملکت متردد بود . این امیر نباید از نوع شاه شجاع باشد بلکه باید شخصی

- ۱- ضمیمه سری وزارت خارجه ۲ دسمبر ۱۸۷۹ نمبر مراجعه ۵۰۷ .
- ۲- ضمیمه سری وزارت خارجه ۲ دسمبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۴۳۷ .
- ۳- ضمیمه سری وزارت خارجه ۳۰۰ جنوری ۱۸۷۹ - اوراق لیتن لوائح دفتر مشترك المنافع .
- ۴- لیتن به کرنبروک ۳۰۰ جنوری ۱۸۷۹ - اوراق لیتن لوائح دفتر مشترك المنافع .
- ۵- همانجا .

باشد مانند خداداد خان فرمانروای کلات (۱) نایب السلطنه میسرید میبادا یعقوب خان (که به نظر لیتن بعد از شیرعلی خان برای اتحاد افغانستان بهترین شخصی بود) مرد قوی و مستقلی شود و بالاخره بخواهند با روسها داخل مفاهمه گردند • بنابراین میخواست او از بین برود همچنانکه لیتن خواسته بود شیرعلی خان از صحنه بیرون شود •

دولت مرکزی را معذالك ادامه بحران افغانستان به ستوه آورد و به نایب السلطنه مرغوبیت ختم جنگ را در صورتی که پیمان یا قرارداد مناسبی میسر نباشد توصیه کرد • این سیاست در صورت جنگ دم بر ما نیز تطبیق شده بود • (۲) ولی لیتن استدلال میکرد که ما جنگ دم افغان را درست طوری ختم کنیم که لاردهلموس جنگ دم بر ما را ختم نموده بود پیشامدهای این دو جنگ در جزئیات با هم اختلاف زیاد دارد (۳) و پس از آنکه دلائل خود را برای گرفتن این نتیجه ارائه میدهند اینطور استدلال میکند : جای شبه نیست که جنگ افغان هرچه زودتر باید ختم شود • ولی تا قراردادی از طرف افغانستان نباشد نمیتوانیم انرا بصورت اطمینان بخشی ختم کنیم • و قرارداد با افغانستان تا حکومت افغانی موجود نباشد که انرا امضاء کند و به امضاء خود معتقد باشد میسر نیست • تا سپس مقاماتی این حکومت بدست ما است و به سیاست ما مربوط است • بنابراین آنچه برای ترقی و ایجاد این حکومت لازم است از جانب ما نباید دریغ شود (۴)

۱ - همانجا •

۲ - ضمیمه سری دفتر خارجه جنوری ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۴۸ •

۳ - لیتن به ترنبروک ۳۰ جنوری ۱۸۷۹ - اوراق لیتن لوائج دفتر مشترك المنافع

۴ - همانجا •

بعد از آن هنگام بحث از ولی محمد خان اظهار عقیده می نماید که این شهنشاه تنها مرد صاحب نفوذ و لایقی است که از خانواده امیر باقیمانده • او واضحاً امروز دارد که به سلطنت برسد و میداند که سر نوشت او با داشتن روابط دوستانه با ما مربوط میباشد • تا حال پیشنهاد هایی به ما نموده و عده داده است به منافع ما کمک کند و مطیع خواسته های ما باشد و آن در صورتی است که ما خواسته های خود را با اطلاع او برسانیم

ولی محمد را نمیخواستند برای خود شرا میسر سازند • لیکن باین وسیله میخواست افغانستان را چون کلات سلطنت دست نشانده بسازد • و بدین نظر داشتن این فکر پیشنهاد کرد که سردار های افغانستان باید مورد اعتماد باشند و در استقرار مجدد روابط انگلیس با کابل چه بحیث شریک امضاء در قرارداد یا طرح ماده که در آن رضایت ایشان از قرارداد و مسوولیت آنها در انجام (۱) آن قید گردد بحیث طرف بر همیت شناخته شوند • نایب السلطنه میدانست که اگر ولی محمد نتوانست خود را امیر بسازد یا فرمانروای بی کفایتی ثابت شود (۲) حکومت هند به چه مشکلاتی روبرو خواهد گردید • ولی به وزیر هند اطمینان داد که با شریک قراردادن سردار ها با ولی محمد در قراردادی که بعد از آن گذاشته می شود نگرانی آینده را تا حد ممکن تقلیل خواهد داد • با وجود این مطمئن نبود که ولی محمد بتواند در قندهار و هرات خود را محکم کند • و با آنکه به توافق اطمینان بخشی در افغانستان امید وار بود • میدانست که هر نوع موافقایی با ولی محمد ممکن است به تجزیه افغانستان منتهی شود • لارڈ لیتن از احتمال شورش یعقوب خان برای برهم زدن اتحاد لیتن - ولی نیز غافل نبود • و در آن

۱- همانجا •

۲- ضمیمه سری دفتر خارجه • دسمبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۴۳۴ •

صورت ممکن بود لازم بیفتد لشکر انگلیس بجانب کابل پیش نرود و قرار نهایی در افغانستان هنوز هم بعید تر گردد (۱)۰

وزیر هند بتاريخ ۲۰ فبروري ۱۸۷۹ (۲) مذاکره با ولی محمد خان را تصویب کرد . لیکن به جنرال رابرتس که رانوت در ترکم (۳) بود و پیشتر سنت جان را در قند هار گذاشت داد که راجع به امکانات موافقه با ولی محمد و نفوذ از بیم مردم به وی خبر دهند . هر دو آنها رابرتس و سنت جان را خبر دادند که ولی محمد نه پیرو دارن و نه نفوذ بطوریکه برای رویکار آمدن او امیدي نیست جز اینکه این کار بحمايت انگلیس صورت گیرد (۵)۰ با کمال تعجب می بینیم که کیوناری که برای ولی محمد ان همه را به میگرد بالاخره قانع شد که شهزاده مزبور واقعا قدرت ندارد به مشکل می تواند به خود متکی باشد .

درست وقتی که نایب السلطنه میخواست مسئله افغان را بصورت اضعیان بخشی حل کند از لندن با و اشاره شد که امکان انتقالات ارضی را با ایران برای اصلاح روابط انگلیس با آن مملکت در نظر بگیرد . این پیشنهاد بعیث جزو لا یتجزی سیاست لارده لیتن راجبه تجزیه افغانستان داده شد و از تلقین لارده تندرین Lord Tenterdon در اوایل جنوري ۱۸۷۹ وقتی در تلر بود اصلاح سرحدات افغان - ایران به ارقداری شاه بیکی از شرایط صلح با افغانستان قرار داده شود نشست گرد مبود (۶)

۱- همانجا .

۲- ضمیمه سری وزارت خارجه دسمبر ۱۸۷۱ نمره مراجعه ۴۳۵ .

۳- ضمیمه سری وزارت خارجه مانج ۱۸۷۴ نمره مراجعه ۱۰۱۶ .

۴- ضمیمه سری وزارت خارجه مانج ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۱۶۱ .

۵- ضمیمه سری وزارت خارجه مانج ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۱۶۶ و ۱۶۹ .

۶- ضمیمه سری شعبه خارجه جولای ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۵۰۲ .

با این کار میخواستند روابط سیاسی را با ایران که باثراعطای سیستان گولد سمت
 - Gold Smith متشنج شده بود درست کنند (۱) ایران اصلاً از قرارداد
 ۱۸۷۵ که توسط آن هرات بافغانستان داده شده بود خوش نبود (۲) و اینرا همیشه
 دلیل دشمنی ایران با انگلیس میآورد. در انگلستان میترسیدند که مبادا روسیه
 از گرفتاری ای انگلیس در افغانستان و روابط متشنج با ایران استفاده کند و نفوذ
 بیشتری در دربار شاه بدست آرد (۳).

لارڈ لیثن بنابران راجع به مسله انتقال ارضی بایران از رونالد تامسن
 Ronald Thomson سفیر انگلیس در آن مملکت مشوره خواست (۴) اخیرالذکر
 اظهار عقیده نمود که انتقال سیستان (با تصمیم قطعی انگلیس با اینکه هر وقت منافع
 او در ایران بخطر بیفتد بران مملکت فشار بیارد) روابط او را بیشتر مطمئن خواهد
 ساخت. او انتقال هرات را معدالت تصویب نکرد زیرا بنظر او عوض دور کردن نفوذ
 روسیه از ایران انتقال انجام ممکن است منبع خطرات دیگری گردد. (۶) به عقیده وی
 نمیتوان اعتماد کرد وجود آنها در هرات باب دسیسه روس را باز خواهد نمود میگفت
 ازین لحاظ برای اینکه از طرف روسها مطمئن باشیم باید هرات تحت نفوذ ما باشد (۷)

۱- ضمیمه سری شعبه خارجه ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۵۱۴.

۲- ضمیمه سری شعبه خارجه دسمبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۵۳۲.

۳- ضمیمه سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۵۲۴.

۴- ضمیمه سری دفتر خارجه ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۵۱۳.

۵- ضمیمه سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۵۱۴.

۶- همانجا مراجعه ۵۲۵.

۷- همانجا.

چون نایب السلطنه مسنده را مقابل اعضای کونسل خود شرکت داشتند و ارشاد نمود
 Alexander Arbuthnot عقیده مخالف داشت و میگفت هر پیشنهادی که به
 انتقال اراضی افغانستان بایران منتهی گردد غیر موجه است و مخالف اعلامیه ای
 است که در آغاز جنگ اخیر صادر گردیده (۱)

هنگامیکه انگلستان به مسئله انتقال اراضی افغانستان بایران رسیدگی
 میکرد وزیر خارجه شاه بارون لاد تامسن تماس گرفت با و تذکر داد که موقع آن رسیده
 است که هرات را به شاه بگذارند و باین وسیله به بیگانگی بین دو مملکت پایان بدهند
 در عوض وزیر خارجه ایران وعده نمود قرارداد اتحاد با انگلستان را امضاء کند • این
 پیشنهاد خواهد بود براینکه بدون مشورت با تصویب انگلستان به هیچ کار سیاسی اقدام
 نخواهد کرد نفوذ و وضع سیاسی آن مملکت را در ایران باعلی درجه خواهد رسانید
 به گماشتگان یا سیاحان روسی یا خارجی جز انگلستان اجازه نخواهد داد به هرات
 وارد شوند یا در آنجا اقامت کنند • در یکی از روزهای ماه مای وقتی شهرتیافت
 که روسها میخواهند برای حمله بر مرو خود را آماده سازند تماس مشابهی از طرف
 ایران صورت گرفت • وزیر مختار ایران در انگلستان نگرانی خود را از این حمله اظهار
 داشت و پیشنهاد نمود که اساساً برای قراردادی طرح گردد تا بوسیله آن جلو
 پیشرفت روسها را بجانب ایران و افغانستان بگیرند وزیر موصوف عقیده داشت که اگر
 انگلستان از قرارداد ۱۸۵۷ صرف نظر نماید ایران نمیکند روسها مرور بگیرند و

۱ - ضمیمه سری وزارت خارجه بهروری ۱۸۷۹ نمبر مراجعه ۲۸۵-۸۹ (K.w)

این اعلامیه میرساند که دولت انگلیس با مردم افغانستان جنگ ندارد • و به
 جنگ از منجعت متوسل شده اند که امیر متمرّد را تنبیه کنند •

علاوه بران سیاست خارجی خود را با سیاست خارجی انگلستان یکی می سازد *
 ازین جا بود که از نایب السلطنه خواسته شد تا بدولت علیا حضرت اطلاع دهد که
 اتحاد چنین سیاستی در ایران تاجه حد با سیاست آن ها در افغانستان سازگار
 و موافق است (۱) مذاکرات با یعقوب خان تا این وقت تاحدی پیشرفته بود بنابراین
 لیتن تلگرافی مخابره کرد مبنی بر اینکه انتقال هرات درین موقع به انتظاری که از
 توافق با امیر داریم صدمه میزند * با این توافق لیتن میخواست بهتر از ایران نفوذ
 خود را بر هرات قائم سازد (۲)

لیتن دلایلی خود را که علیه انتقال هرات داده بود طی مراسله مورخه اول
 می ۱۸۷۹ (۳) بخوبی تحلیل میکند * این دلایل ازیک نظر مهم است زیرا دران
 غایه سیاست تجزیه افغانستان را که خود طرفدار جدی آن بود ازین می برد لیتن
 می گفت این سیاست علاوه بر اینکه افغان ها را با زمی رنجاند موضوع قابل تعمق
 این جا است که آیا اتحاد با ایران برای هند انقدر نایده دارد که بیاع فایده صریح
 و روشن تفاهم مستقیم و دوستانه را با حکومت کابل جبران کند و نیز علاوه می نماید که از
 حکومت هند نخواسته اند بگویند که آیا ایران صمیمانه می خواهد یا قدرت انرا دارد
 که آنچه را می خواهد تعهد کند اجرا نماید اما ممکن است بگویند که اگر انرا موثرانه
 اجرا کند صدمه شدیدی به روسیه زده است * هدف اساسی و شاید تنها هدف مادی

۱- ضمیمه سری شعبه خارجه دسمبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۴۴۰ *

۲- ضمیمه سری شعبه خارجه دسمبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۴۵۱ *

۳- ضمیمه سری شعبه خارجه جولای ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۵۲ *

اتحاد با «آی ایسیای ماورای سرحدات غربی هند» این است که جلوی پیشرفت روسیه را بطرف سرحدات مزبور بگیریم اگر وسیله رسیدن باین هدف تحت اوضاع واحوالی که وزیر ایران بیان میکند اتحاد ایران باشد دولت «لیا حضرت» بنظر من باید راجع بآن درست فکر کرد . دوزیمت سیاستی به میان آید که حکومت کابل را بیگانه کند و روسیه را برنجاند . دوزیمت هرد و قوه را براساس عدم رضایت مشترکی که دارند باهم نزدیک سازد و به تفاهم مشترکی مقابل انگلستان وادارد . ممکن است امیر را باین عقیده مجبور کنند که با رفع اختلافات ذات البینی با روسیه می تواند ایالت از دست رفته خود را بدست بیاورد و هرات محکمتین و با ارزشترین حصار خود را حفظ کند . نمیتوانیم غافل باشیم ازینکه روسیه می تواند اهمیت این موقع را برای حفظ توقعات و تاءمین مقاصد و منافع خود درک کند ، از این اوضاع شاید وضعی بعیان آید که روسیه بتواند ازان استفاده نموده مرو را متصرف شود و افغانها و باره خود را در سیستان مستقر سازند . مقابل این دسته بندی شاید ایران قدرت کافی یا اصیلا^۱ قدرتی نداشته باشد تا مقاومت کند مگر اینکه از روی احتیاط حمایت کاملی از او بعمل آید .

لیتن اگر چه میخواست وسایل جلوس ولی محمد را بر تخت افغانستان فراهم

کند به توصیه Seinidia (۱) باب مذاکره را با یعقوب خان بازگذاشت .

Seindiaⁱ میگفت به یعقوب خان باید موقع مناسبی داده شود و اگر این کار

صورت نگیرد افکار عمومی در هند شدیداً جریحه دار خواهد شد . لیتن را قانع

ساختند با اینکه پیشنهاد کیوناری متضمن اظهار شرایط صریح نبوده و بنا بر آن نمیتوان

گفت که یعقوب آن پیشنهاد را صریحاً رد کرده (۲) « ولی نایب الحکومه مزاحمت فتح -

۱- از لیتن به کرنبروک ۳۰ جنوری ۱۸۷۹ - اوراق لیتن لمائیج دفتر مشرت رك المنافع .

۲- همانجا .

باب مذاکره را با یعقوب خان زيادي دانست^۱؛ اگر فبروري مکتوبی ناشی از طیب خاطر از امير افغان با ورسيد اين مکتوب مضمن پیشنهاد صريح برای رفع اختلافين دو مملکت بود • میجر کیوناري، بنا بران از طرف لارډ ليتن اجازه یافت به جواب پیشنهاد - یعقوب خان شرایط مقدماتی را که وایسرا روی ان حاضر بود مذاکرات صلح را آغاز کند (۲) ابلاغ نماید • • مطابق این شرایط امير باید از ادعای خود بر دهره های خیبر و میچنی دست بردارد و نیز قدرت خود را بر قبایل مستقلی که به انما مربوط است ادعا نکند - ثانیاً • علاقه های گرم پیشین و سببی باید تحت حمایت و کنترل حکومت انگلیس بماند • در مرحله دوم روابط خارجی حکومت کابل باید بعد از این مطابق توصیه و ارزوهای - حکومت انگلیس هدایت شود • به افسر های برطانوي حکومت انگلیس که دارای اعتبار نامه نزد حکومت کابل هستند باید اجازه داده شود بجاهائی که بعد از این تعیین میگردد مقيم شود •

یعقوب خان موافقه کرد روابط خارجی خود را تحت کنترل انگلیس بگذارد و نیز شرط احترام او نمایندگان انگلیس را در افغانستان از روی اساس قبول نمود • و با وجود این راجع به شرط ارضی ناسازگاري قابل ملاحظه خود را نشان داد و از - حکومت هند جدا خواهش نمود انرا فسخ کند (۳) ازین جهت به کیوناري هدایت داده شد نامه دیگری به یعقوب خان بنویسد و او را توصیه کند که بر شرط ارضی تجدید نظر نماید و از وپرسد که آیا مایل است افسر انگلیس برای مشوره شخصی دعوت نماید دعوت این انگلیسی و مشوره او با امير برای رفع موانع استقرار مجدد بین دو مملکت خواهد بود (۴)

۱- ضمیمه سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۷۹ - نمره مراجعه ۵۴۸ •

۲- ضمیمه سری دفتر خارجه مانج ۱۸۷۹ - نمره مراجعه ۱۴۴ •

۳- ضمیمه سری دفتر خارجه مانج ۱۸۷۹ - نمره مراجعه ۱۵۱ •

۴- ضمیمه سری دفتر خارجه اپریل ۱۸۷۹ - نمره مراجعه ۲۲۶ و نیز اوراق پارلمانی ۱۸۷۹

بجواب این نامه یعقوب خان ارزوي صمیعی خود را بدوستی انگلیس اظهار داشت ولی يك بار دیگر ابلاغ کرد که نمی تواند شرط ارضی را قبول کند . محذالک خواهش پذیرفتن فرستاده سیاسی انگلیس را در کابل قبول نمود (۱) .

لارډ ليتن حاضر شد ازین فرصت استفاده کند . به میجر کیوناری هدایت داده

نماینده محلی بختیاری را برای تهیه وسایل کنفرانس مزبور نزد یعقوب خان بفرستد

با او اقتدار کامل داده شده بود که با فرمانروای کابل از طرف حکومت هند بحث کند (۲)

ولی درین ضمن فعالیت قوای انگلیسی در افغانستان باعث تجدید حملات اضطراب

اورور و رنجش را میز قبایل مجاور گردید . این حملات به دو فعالیت منتج شد . میجر

جنرال تایتلر در ده سرک بر شنواری ها خسارات سختی را تحمیل نمود و برگردید

جنرال گوف Gough همین کار را در حق خوگیا نی ها کرد . مقارن همین

احوال به جنرال سر ساموئیل برون G. Sir Samuel Browne اجازه

داده شد تا گند مک پیش برود . این جارا پس از مدت کوتاهی اشغال نمودند .

پس از چند روز مکتوبی از یعقوب خان رسید که اراده امیر را به آمدن به

گند مک ابلاغ میکرد . امیر با این آمدن میخواست کیوناری را شخصاً ببیند (۳) و بی به

اثر تجدید مشکلات در اطراف کابل باین کار مصمم شده بود و آن با اثر توصیه

فرستاده کیوناری به بختیار خان بود . این عمل امیر را نایب السلطنه مرتیب

اطمینان بخشی دانست و به کیوناری هدایت داد که باتفاق میجر جنرال سر ساموئیل برون

۱- همانجا و نیز اوراق پارلمانی همانجا ص ۱۵۰

۲- ضمیمه سری دفتر خارجه اپریل ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۳۲۶

۳- ضمیمه سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۴۳۷

ترتیب پذیرایی مجلل یعقوب خان را در گندم بگیرد^(۱) در سرتاسر مذاکره
امیر مایل نبود اعتبارات ارضی قایل شود و از حکومت هند جدا خواهش کرد که
نباید علاقه و قلمروی را از او بگیرند (۲) پس از بحث زیاد کیوناری در مسله قبایل
برای او امتیازی قایل شد : کرّم پیشین و سببی را نباید رسماً از سلطنت او جدا کنند
اگرچه اداره انهارا مطابق انتقال قانونی حکومت انگلیس بر عهده خواهد گرفت (۳)
در معنی یعقوب خان باید با آنچه از او خواسته شده بود موافقت میکرد و چه
« با و عتاب کرده باشند یا به دلیل قانع شده باشد » یعقوب خان پیش از این
نخواست مجادله کند (۴)

قرارداد صلحیکه بتاريخ ۲۶ ص ۱۸۷۹ در گندم امضاء شد بروز ۳۰
همین ماه نایب السلطنه انرا تصویب کرد (۵) موادی داشت که دران امیر متعهد شده
گذشت پیشتر، برای مردم خود قایل شود و تسهیلات تجارتی با تباع انگلیسی بدهد
و اجازه دهد خط تلگرافی از کرم به کابل ساخته شود • قندهار و جلال آباد البته
باید مجدداً باو (امیر) گذاشته شود ولی دولت کنترل دره های خیبر و میچنی و
نظارت روابط تمام قبایل مستقلی را که باین شهرها مربوط است حفظ خواهد کرد •
در عوض حکومت هند به امیر وعده داد مبلغ شش لاک رویه در سال کمک هزینه بدهد
و افغانستان را مقابل حمله خارجی (بصورت موثر) ضمانت کند •

-
- ۱- ضمیمه سری دفتر خارجه • جولای ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۱۸۵ •
۲- ضمیمه سری دفتر خارجه ص ۱۸۷۹ ص ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۱۹۸ ۲۰۶ ۲۰۹ ۲۱۳ •
۳- ضمیمه سری دفتر خارجه ص ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۲۰۹ •

۴- هند - - Hanna جنگ دوم افغان - - Second Afghan War

ج ۲ ص ۳۴۱ •

۵- اوراق پارلمانی ۱۸۷۹ افغانستان نمره (۶ ۲۳۶۲) ص ۳-۵ •

با استقرار صلح سیاست تجزیه افغانستان بطور مطلب عادی هرگز گردیده .
 لیکن پس از ملاحظه قرارداد های که با اعتدال پیشینی شده امضا شده بود رضایت
 خاطر خود را ازینکه توانسته است از اشفتگی شدیدی که ممکن بود دولت انگلیس
 در صورت تجزیه افغانستان بان روبرو شود جلوگیری کند اظهار داشت . او
 یعقوب خان ازینکه سیاست خارجی خود را از روی میل تحت کنترل انگلیس نگذاشته
 و اتباع غیر مهاجر انگلیسی را در مملکت اجازه اقامت داد تبریک گفت . هم تمام
 در پذیرفتن این شرایط به قول او با هدف هایی که جنگ برای آن صورت گرفته
 تا سازگار بوده دور کردن نفوذ روسی از کابل و تصویب سرحد شمال غربی ایجاد
 میکرد که تضمین های مادی قوی درین باشد . این تضمین ها باید بدون توجه
 به هوس های شخصی امیر منافع انگلیس را در افغانستان تأمین کند . لیکن اظهار
 میدارد که اعتبار ارضی وثیقه ای را تضمین می کند که مطابق آن هیچ امیر افغان
 نمی تواند نفوذ انگلیس را از کابل دور کند (۱) . وادی کرم که از سرحد پنجاب
 بین کوهات و تل بجانب شرق بر میخیزد از یک طرف بر کابل و غزنی و از طرف دیگر بر راه
 اسان هند مسلط است . لیکن علاوه بر این اظهار عقیده میکند که " سرحدات
 غربی ما با قراریکه با کلات گذاشته ایم بسیار تقویه شده است به این ترتیب که
 دره بولان موقف بزرگی به ما میدهد . تمام را هائیکه از افغانستان غربی
 قرارگاه منتهی میگردند به علاقه حاصل خیز پیشین منتهی میگردد . پیشین که سلسله کوه
 کوچک ، عمران انرا احاطه کرده است انبار طبیعی مهم غله گوته می باشد . باید ست
 داشتن پیشین راه های دره کوچک هر وقت خواسته باشیم می توانیم بر میدانهای
 قند مار فرود ایم و در میدان باز مقابل دشمن را بگیریم . در حالیکه هیچ دشمنی

۱- ضمیمه سری دفتر خارجه جولای ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۱۸۵ و نیز قسماً در کتاب

نی تواند از راه بولان بر اراضی ما حمله ببرد مگر اینکه کوته را محاصره کند و انرا متصرف شود (و ان کار آسان نیست) و بعد از ان در راه طولانی و صعب العبور که راه ان بدست ما است بگذرد (۱)

هنگام بحث برواگذاری قندهار و جلال آباد لیتن ادعا داشت که "تجارب تازه ای که از حمله ما بر افغانستان غریب بدست آمده است نظر سابق ما را راجع باینکه ارزش سوق الجیشی قندهار مربوط به سیستم دفاعی سرحدی و سیفتری است که تا حال بآن احتیاج داشتیم یا انرا در نظر گرفتیم • خبر رسیده است که قندهار پایگاهی است بدون قدرت مادی • می تواند باسانی تغییر کند • اراضی نزدیک نمیتواند قدرت نظامی بزرگی را نگهدارد • به قندهار فعلاً • می توانیم از پایگاههای جلوی خود در پیشین بزودی برسیم و هر وقت خواسته باشیم انرا بدون اشکال تسلیم شویم • ولی اشغال دائمی که متضمن نگهداری خطوط مواصلات طولی است (مصارف نظامی ما را) بدون آنکه موقف نظامی را تقویه کند (به مقدار قابل ملاحظه ای زیاد می سازد • معذالک خروج قندهار از شرایط قرار داد کند مک • بیشتر روی زمینه های سیاسی بود • این ماده ممکن بود به قدرت و اعتبار حکومت امیر صدمه بزند و اورا ساخت متاذهی بسازد • بدون قندهار حکومت مرکزی در کابل نمی تواند هرات را بدست داشته باشد • و اشغال خارجی شهری باین اهمیت مخالف روابط دوستی و اعتماد باهمی است که قرار داد میخواست انرا بین حکومت انگلیس و امیر افغانستان دایر کند • راجع به نگهداری جلال آباد نیز این نوع اعتراض ها موجود بود • بحیث پایگاه نظامی این شهر بهتر از پادگانی که در لندی کوتل متمرکز باشند نیست هر وقت بخواهند می توانند این شهر را با حمله سریعی از خیبر بگیرند • و نگهداری ان بحیث پادگان نشین دایمی سرحدی تمدید خط مشکل مواصلات نظامی را تاگند مک ایجاب می کند (۲)

۱- همانجا •

۲- ضمیمه سری دفتر خارجه جولای ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۱۸۵ •

خلاصه ارد لیتن عقیده داشت که قرارداد گاندی «تسهیلاتی برای رسیدن به نتایج فراهم کرده است که برای هند و مملکت بسیار مفید می باشد» (۱) در انگلستان اکثر مردم همین نوع رضایت خاطر را از این قرارداد نشان میدادند. «از گذشته که شرایط این قرارداد به امیر قابل شده بود خوش بودند» احساس میکردند که شرایط آن برای انگلستان ابرو مندان و مایه سرفرازی و مفادی که از آن بدست آمده است واقعی و مهم می باشد (۲) با این قرارداد حزب محافظه کار به استواری و استحکام خود اعتماد پیدا کردند و غالب مردم از چند جنگ جوان جنگ نامحرم نجات یافتند. اشخاصی که ازین قرارداد رضایت نداشتند انهایمی بودند که از دولت ناراضی بودند. این عده مردم را می توان بین ارفداران - سیاست پیشروی (فایرورد پالیسی) انوقت و انهایم که تا انوقت گمان میکردند سرحد باید در گوه دامنه های هند باشد پیدا کرد

-
- ۱- هما نیوز
 - ۲- تایمز - The Times ۲ جون ۱۸۷۹
 - ۳- نامه دیزرائیلی به لیتن مورخ ۱۴ اگست ۱۸۷۹ بکل Buckle
 - کتاب مزبور ۶ ص ۴۷۵ قسمتی این نامه را ضمه بلفورد در اداره هندو لاریتن ص ۳۳۱ نیز نقل کرده و نیز رجوع کنید به هغه کتاب مذکور ۲ ص ۳۴۴

فصل سوم

آغاز مجدد مسله افغان

ایا یعقوب خان وقتی از گندمک بیرون رفت از قرارداد راضی بود (۱)

جواب مثبت این سوال بسیار شبه ناک است . در نامه خدا حافظی (۲) امیر جدید
اقرار می کند کلمه تعریف موجود نیست که بر قدردانی از وسیله ای که صلح بان تامین
شده است (قرارداد) دلالت کند . از طرف دیگر در مکاتیب اردر رابرتس شواهد
زیادی موجود است که نشان می دهد یعقوب خان قرارداد مزبور را تقبیح کرده و
اظهار داشته است که قرارداد قدرت او را در افغانستان محدود کرده (۳) با وجود
این فکر واقعی یعقوب خان نسبت به قرارداد صلح هر چه باشد اونیخواست
این قرارداد را بطور کلی ملغی قرار دهد یا کاری کند که روابط او را با حکومت انگلیس
به مخاطره اندازد (۴) .

اگر معاهده گندمک در بعضی از مراکز مورد تجدید قرار گرفت در بعضی دیگر
از آن عیبجوی نیز بعمل آمد . در اطراف این معاهده اختلاف نظر موجود
بود Spectator (۵) بر معاهده شدید حمله کرد در حالیکه

اسخان بیٹی بلفور سوانج نگار لیتن میگوید : " امیر از گندمک بیرون رفت در حالیکه
نه تنها فروتن و حلیم بنظر می آمد بلکه راضی و معتمد و صمیمی بود " اداره هند -
لار د لیتن ص ۳۲۶ .

۲- اوراق پارلمانی ۱۸۷۹ افغانستان نمره ۷ (۲۴۰۱ C) ص ۲۲ و نیز هنه جنگ دوم افغان
ص ۳۴۲ .

۳- ضمایم سری دفتر خارجه نومبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۳۴۹ .

۴- ضمایم سری دفتر خارجه جنوری ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۵۵۵ .

۵- رجوع کنید به The Friend Of India - اول جولای ۱۸۷۹ .

فرند افانديا Friend Of India (۱) از بياکي که ميگفتند

اين قرارداد قاطع و ايمان بخش است و نتيجه ميبرد. محذرات نادر معتد ليري ميگفت
موفقيت يا عدم موفقيت به لياقت و فطرت و توانايي جديد افغانستان در اجرائي شرايط مربوط
است. اگر يعقوب خان لياقت پيمايي را با اين قرارداد به ورقي که روي
ان نوشته شده است نمي آرد (۲) و بگويزد Moscow Gazette
راجع به نتايج سياسي اين عهد بشنيد. بود (۳) و ميگويد که قرارداد صلح ممکن است
انگلستان را به مشکلات و فعاليت هاي پر مصرف مجبور کند.

امير باتفاق بختيار خان ساينده محلي در خدمت سرولري يوناني Sir
Louis Cavagnari به کابل برگشت بختيار خان موصوف ماموريت
داشت براي پذيراي هيئت انگليسي ترتيبات بگيرد (۳) مطابق ماده چهار قرارداد
گندمک لاردينتن لازم دانست نماينده سياسي انگليس را در کابل بدون معطلی
اعزام دارد. • کيوني را مکتب پيش فرستاده سياسي وزير مختار نزد امير فرستاد.

ملترمين او که جمعيت کوچکی را تشکيل ميدادند عبارت بودند از جنکينز Mr. Jynkyns

منشی، دکتر کيلي Dr. Kelly طبيب، و هاملتن Lieutenant Hamilton
اتشده مملوفا تي با ۲۵ هزار نفر سواره نظام فرپياده از لشکر پيشرا اندک
سرلوي بتاريخ ۱۴ جولاي ۱۸۷۹ از سرحد انگليسي جانب کابل حرکت کرد.

۱- همانجا.

۲- همانجا.

۳- منشی بختيار خان متاء مفايه ناوود هيئت سياسي انگليسي بکابل زنده نماند و
چند روز قبل از آنکه نيوناري بکابل برسد. باشر تعاون در گذشت.

لارډ ليتن په موفقيت هئيت سياسي انگليس درکابل مطمئن بود ولی کيونياري
 که با وضع افغانستان اشنايي بيشتري داشت دورنماي اينده ان را با چشم بصيرت
 ميديد . او اوازه اين اشتباه را به گوش امپرشنيز رساند ولی بعضی از
 دوستان او که او را ديدند ميدانستند که کيونياري عقیده دارد جانب مرگ ميرود . . . (۱)
 اين جا در آسمان سرخ زافى پديد ارشد . سرلوی هرچند در ظاهر از اين
 شگون بد (۲) حالت اضطرابی نشان نداد ولی در اين شگون بد که براي هئيت
 اينده (۳) خوی نميديد . . . با سر رابرتس شريك بود . قلب سر رابرتس وقتي با
 کيونياري خدا حافظي ميکرد افتاد بطوریکه چون از هم جدا شدند با شرا نگیزه
 ناگهانی باز برگشتند با هم مصافحه کردند و براي ايد جدا شدند (۴) فرستاد ما
 در اين منظره اشخاصی بودند که انهمانيز به حرکت هئيت رضایت نداشتند
 لارډ لارنس فریاد ميزد . . همه آنها یکی یکی کشته خواهد شد . . (۵)

- ۱- هغه کتاب مزبور ۳ ص ۱۵ وقتی او (کيونياري) با امتيازات خاصی که در ان نزدیکی ها
 بان نایل شده بود جانب کابل حرکت کرد بدوستانش گفت سه ربع احتمال موجود است که ازین
 سفر برنخواهیم گشت . . . The Pioneer ۳ جولای ۱۸۹۹ به نقل از هغه .
- ۲- رابرتس نویسد : . . چون (از کوتل سرکی) پائین آمدیم بازافى روبرو شدیم . من
 این زاغ را اگر کيونياري اشاره نمیکرد نمیدیدم . لواز من خواهر کرد این حقیقت را به
 خانمش نگویم . زیرا وي حتماً انرا علامه فال بدی خواهد دانست . . . چهل و یک سال
 در هند . . . ج ۲ ص ۱۷۸ .
- ۳- رابرتس کتاب مزبور ۲ ص ۱۷۹ .
- ۴- همانجا .

۵- بوئورث سمت Bosworth Smith در Life Of Lord Lawrence

زندگی لارډ لارنس ۲ ص ۴۹۴ +

و چون گفته این مرد قریب الموت (۱) حقیقت پیدا کرد تا سالیان درازی چون خطاری
مقابل سیاست استخدام نمایندگان انگلیسی در افغانستان با قیامت • بیان است
Statesman نیز که بطور عجیب بروز شورش نظامی در کابل تصاویر کرد
صحیح ثابت شد • جریده مزبور نوشت • « مردم افغانستان ممکن است قیام کنند
ونمایند سیاست ما ملتزمین او را بقتل برسانند » (۲)

هئیت سفارت انگلیس بتاريخ ۲۴ جولای بکابل وارد شد و در آنجا
استقبال گرمی از ایشان بعمل آمد (۳) امیر وضع دوستانه داشت و اوضاع و احوال تا
مدتی خوب بود • اوضاع همزی واداری مملکت معذالك بنظر کیوناری ناقص
می آمد • اصلاح انرا لازمی می شمرد (۴) شهر کابل را کولیرا خراب کرده بود •
و ناراحتی های به نسبت باقیات معاش واداره سر بازگري اجباری وجود داشت •
(۵)

۱- لارډ الارنس در انوقت مریض بود و دیري نگذشت که وفات کرد •

۲- - - - - The Friend Of India ۹ سپتمبر ۱۸۷۹ •

۳- اوراق پارلمانسی ۱۸۸۰ افغانستان نمره ۱

(۲۴۵۷) ص ۷ •

۴- ضمیمه سری شعبه خارجه جنوری ۱۸۸۰ نمره مراجعه

• • • • •

۵- اوراق پارلمانی ۱۸۸۰ - افغانستان نمره ۱ (۲۴۵۷)

ص ۱۹ و ۲۵ •

در اوایل اگست ۶ تولى عسکراز هرات به کابل وارد شد . این سپاهیان در برخورد
 بی انضباط بودند و به نسبت باقیات معاش فغان میکردند . بعضی از آنها با
 شمشیرهای کشیده شهر کابل را دوره کردند و کلمات بسیار تندي مقابل امیر و -
 مهمانان انگلیسی او استعمال میکردند بطوریکه به کیوناری شدیداً توصیه شد یکی
 د روز از خانه بیرون نیاید (۱) امیر که در آن وقت به بحران مالی گرفتار بود نمی
 توانست معاش عساکر را فوراً پردازد با وجود این برای محافظت کیوناری تدابیر
 لازمه اتخاذ گردید و تمام این سپاهیانرا از اطراف اودور کردند (۲) درین وقت
 در کابل شهرت یافت که چون هیئت انگلیسی بکابل رسیده است معاش عساکر
 پرداخته خواهد شد . نایب السلطنه برای اینکه امیر را درین مشکلات کمک کند
 تجویز کرد مقداری پول باختیار کیوناری بگذارد . ولی نماینده سیاسى این
 تعارف را قبول ننمود باین دلیل که می تواند این پول را در اصلاحات اداری امیر
 استعمال کند (۳) .

با پول کمی که امیر باختیار داشت شروع کرد باینکه معاش (تولى)
 های هراتی را که به مرکز برای دریافت باقیات معاش خود آمده بودند پردازد .
 نزاع بین افغان ها و ملا زمین کیوناری دیده میشد و حتی اوازه
 خیانت یعقوب خان به گوش نماینده سیاسى رسید ولی علی الظاهر مطلبی موجود

۱ . همانجا ص ۱۸ .

۲ - ضمیمه سري وزارت خارجه سپتمبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۲۸ .

۳ - بلفور کتاب مزبور ص ۳۵۴ .

نمود که باعث شکایت از امیر یا وزرای او گردید . در هیچ يك از مكاتیب يك —
 تیلگرامهاي کیوناري مطلبی راجع به بیم یا بدبینی او دیده نمی شد . بزرگس در
 غالب آنها مطالبی راجع به گردشرازی او در داخل و اطراف شهر کابل و مناسبات
 دوستانه بین آدم های او و عساکر امیر دیده می شد . در اکثر مواقع همراهان او با
 عساکر امیر در مسابقه های ورزشی شرکت میکردند (۱) . در مکتوب شخصی (۲) کیوناري
 به نایب السلطنه (این مکتوب ازینکه آخرین (۲) نامه ای است که از طرف نمایند
 سیاسی کابل به نایب السلطنه نوشته شده است و تاثر همیشگی با خود دارد قابل
 توجه خاص است) کلامه شکایتی از کارهای حکومت افغان دیده نمی شود نمایند
 از هیچ نوع خطري که در آینده او را تهدید کند اظهار بیم نه نموده است . کابل
 طوري که کیوناري می نویسد آرام و فرمانرواي آن یعقوب خان مرد خوش نیتی بود اما
 در سرتاسر مملکت اداره ضعیفی داشت . کیوناري در دید یعقوب خان چیزی محسوس
 نمی دید که حقیقت این را پیرامون او میگفتند . « امیر یعنی خیانت » ثابت کند .
 سرلیوس شخصاً تا این اندازه به امیر محبت نمود که میگفت وی متحن خیر شد (۴)
 حتی نامه شخصی — — Lieutenant Hamilton بد پدرش
 صریحاً نشان داد که خطري که باید از آن ترسید در این نیست و سرایوي کیوناري و

۱- ضمیمه سیاسی دفتر خارجه سپتامبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۹۸ .

۲- بلفور کتاب مذکور ص ۳۴۴-۵۳ .

۳- هته کتاب مذکور ص ۲۸ .

۴- بلفور کتاب مزبور ص ۳۴۴-۵۳ .

وهمراهان او به کمال اشتیاق بنظر ورود خانم کیوناری و خواهرش می باشند (۱)
 آخرین تلگراف کیوناری مورخ ۲ سپتمبر می رسد که عناصر نا امنی در کابل
 بمعنی شرارت موجود باشد . این تلگراف را بین کلمات : " از هر طرف خیریت
 است " ختم میکند . اما فقط بروز دیگر (۳ سپتمبر) سپاهیان سه تولی هراتی
 که برای دریافت باقیات معاش خود به دفتر تادیات در بالا حصار آمده بودند به
 شورش نظامی دست زدند و سر لوی کیوناری و همراهان او را کشتند .

در دو روز بعد از کشتار کابل دو مکتوب خطاب به جنرال رابرتس به
 علی خیل رسید (۲) . این دو مکتوب متضمن تاثر و حیرت و شرح مختصر حادثه
 ۳ سپتمبر بالا حصار بود . مکتوب اول با عجله شرح مختصر حادثه را اینطور
 می نویسد : لشکریانی که برای دریافت معاش خود به بالا حصار جمع شده بودند
 در وقتاً به شورش نظامی دست زدند . افسران خود را سنگ باران کردند و بعد از
 آن بر نمایندگی سیاسی انگلیس حمله بردند . در آن جا زیر باران تیر گرفته شدند از
 قشله های مجاور سپاهیان جمع شدند و تعداد شورشیان بیشتر گردید مردم شجر
 و اطراف نیز بانها پیوستند این جمعیت محوطه توخانه انبار مهمات و کارخانه ها
 را خراب کردند برای فروشاندن شورش امیر به سه اقدام غیر مؤثر دست زد . در
 اول قوماندان قوای نظامی دودشاه را فرستاد . شورشیان او را شکست دادند .

۱- اوراق لیتن لوائج دفتر مشترك المنافع کرینبروک به

لیتن ۱۲ - اکتوبر ۱۸۷۹ .

۲ - مورخ ۳ و ۴ سپتمبر ۱۸۷۹ .

بعد از آن پسرش را با نایب‌الحکومه کابل در حالیکه قرآن بدست داشت در نزد آنها فرستاد و بالاخره سید ها و ملا ها اعزام گردیدند. (۱) ولی التبعای او همه بیفایده شد جنگ تا سقف نمایندگی سیاسی رسید و محل اقامت نماینده را آتش زد بالاخره عمارت نتوانست خود را نگه دارد و دافحین مغلوب گردیدند *

حمله بر نمایندگی تا سائیکه مقاومت ادامه داشت در نزدیکی های

چهاربند از ظهر پایان یافت * راجع به وضع امیر در این ساعات روایات مختلف

موجود است اگر همه متفق اند بر اینکه وحشت زده و مضطرب بنظر میرسید * روایتی

میگوید میخواست شخصا برود و عساکر را از حمله بر نمایندگی سیاسی منصرف سازد (۲)

روایت دیگری هم میرساند که امیر در حالیکه مهمانان او کشته می شد بیچارگی و ناتوانی

را بدانه ساخته بود (۳) از وقایع ۳ سپتمبر معلوم می شود که امیر عملاً نخواست

است با سفارت کمک کند حتی راپور کمیسیون تا مپسن Thompson Commission (۴)

میرساند که یعقوب خان " خود شرتاد رقص رفت و میخواست بر اسپش " که در آنجا

" حاضرین کرد " نگه داشته بودند سوار شود ولی یحیی خان او را نگذاشت -

بین عساکر شورش برپا شود * زیرا میترسید مبادا به سرنوشت داود شاه گرفتار

گردد * اینکه میگویند کوچکترین اقدام امیر سرنوشت هیت سیاسی را تأخیر میداد

بعید بنظر نمیرسد * تنها امیر شاید می توانست در ربع ساعتی که عساکر میخواستند

خود را مسلم کنند چهار نفر اروپایی رانجات دهد ولی وقت بجای کوتاه بود که

حفظ همراهان خدمه ملتزمین رکاب در احاطه قصر بعید بنظر میامد *

۱- ضمیمه سری دفتر خارجی ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۴۰ *

۲- اوراق پارلمانی ۱۸۸۰ افغانستان نمره ۱ (۲۴۵۷ ج) ص ۸۷ *

۳- منه کتاب مزبور ص ۳۷ *

۴- ضمیمه سری وزارت خارجه جنوری ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۵۵۵ *

از طرف دیگر کیوناری (جنکنز) هاملتن و کیلی اشخاصی نبودند که از موقع تنها برای نجات خود استفاده کنند (۱) بعدها چون مردم شهر با عساکر در حمله نمایندگی سیاسی کمک میکرد قوه ای وجود نداشت که برای نجات آنها بفرستد و ایشانرا مامور سازد که بر مردمان مسلحی که آنها را احاطه کرده اند گلوله باری نمایند . و اگر این کاری شد او مرثرا در مصیبتی که مقابلش جریان داشت گرفتار کرده بود - و این قربانی بود که شاید ابروی اسلام را حفظ میکرد ولی نمیتوانست جان مهمانان او را نگهدارد " (۲)

خبر کشتار کابل قلب ما را تکان داد (۳) در هند و انگلستان بر ضیاع کیوناری مصیبت گرفتند و همه جاتقاضای انتقام نمودند (۴) نایب السلطنه بحدی متأثر شد میبود که از وطنداران خود خواهر نمود انتقام این بیعدالتی و ظلم را بگیرند (۵) ملکه شدیدا متأثر شد و تاثر خود را به خانواده های اشخاص مشغوف ابلاغ کرد (۶) و صدر اعظم خود را مامور ساخت اقدامات مقتضی و جدی بعمل آرد (۷) لارده بیکنزفیلد کاملاً بیچاره شده بود . معذالك باثر اصرار ملکه به نایب السلطنه اطمینان داد که در

۱- هنه کتاب مزبور ۳ ص ۳۸۰

۲- همانجا .

۳- دیزرایلی به سالزبری ۹ سپتمبر ۱۸۷۹ بکل زندگی دیزرایلی ۶ ص ۴۷۹ .

۴- The Englishman - ۱۲ سپتمبر ۱۸۷۹ - The Times

۱۰ سپتمبر ۱۸۷۹ - The Friend Of India - ۱۶ سپتمبر ۱۸۷۹ .

۵- لیتن به بیکنزفلد ۴ سپتمبر ۱۸۷۹ - بلفور کتاب مزبور ص ۳۷-۶۰ .

۶- The Englishman - - ۱۱ سپتمبر ۱۸۷۹ .

۷- Buckle - - کتاب مزبور ۶ ص ۴۷۹ .

صورت اتخاذ تداییر جدي از او حمایت خواهد کرد (۱) حتی لیبرال ها متأثر بودند از اینکه پیشینی های معاهده گندمⁿ صحیح ثابت شد (۲) Lord Hartingtonⁿ خواست کشتار کابل را موضوع بدگویی جزئی قرار دهد و تقاضا نمود که اولین اقدام باید انتقام از شکست ملی باشد (۳) .

بعضی از جراید اروپا کشتار کابل را از اثر دسیسه روس دانستند (۴) اگرچه بر این مصیبت اظهار تأثر نمودند ولی مطبوعات ایتالیه و فرانسه این حادثه را از اثر نفوذ زبان اورلارد بیکنزفیلد و خوشبینی بیجای لاردرلین دانستند (۵) جرایچه روسی قتل کیوناری را باصرار غیر مدبرانه کابینه انگلستان در تحمیل نمایندگی سیاسی بر امیر نسبت دادند و اظهار عقیده نمودند که انگلستان جز اینکه برگردد نمیتوانست کار دیگری بنماید (۶) The Novoe Vremya (۷) عقیده داشت که فاجعه کابل ممکن است به انحلال - کابینه بیکنزفیلد منتهی گردد . این جریده می نویسد که جنگ ممکن است تجدید گردد . در جریان جنگ

۱- همانجا .

The Friend Of India^۲

۳- همانجا .

۴- The Englishman -- ۱۰ سپتمبر ۱۸۷۸ .

۵- The Friend Of India - ۱۰ اکتوبر ۱۸۷۹ .

۶- همانجا .

۷- جریان سـری دفتر خارجیه نومبر ۱۸۷۹

نمره مراجعه ۱۲۸ .

انتخابات آغاز خواهد شد در آنوقت ممکن است انتخاب کنندگان مشوره حزب لیبرال را مقابل خود داشته باشند • The St. Petersburg Gazette (۱) • متعجب بود ازینکه چگونه می تواند سفارت انگلستان پس از آنکه با احترام پذیرفته شده است برای بقای خود جان اعضای خود را بیازد • بین جراید دو استثنای که دیده شد ویراین واقعه اظهار مسرت کردند مطبوعات ملی ایرلند و جراید هسپانیه بود • اخیرالذکر با شادمانی کینه جویانه ای از این واقعه صحبت کرد • در حالیکه جراید ایرلند از رفتار شجاعانه افغانها مسرور بودند و محو سریع قدرت انگلیسی را در هند میخواستند (۲) •

به مجرد وصول حرقاجه کابل لارڈ لیتن به جنرال رابرتس امر داد به قصد حمله بر کابل بجانب کرم پیش برود • جنرال ماسی Massy مامور شد شتر گردن را فوراً متصرف گردد و در محل حمل اموات و مصدمات تمرکز را از گیرد • به جنرال ستیوارت امر داده شد از احضار عساکریکه پس از امضای قرارداد میخواستند جانب هند حرکت نمایند خود داری کند • از او خواش شد قندهار را دوباره متصرف شود و از آنجا بخوبی نگهداری نماید •

مقارن این احوال قوای مشتمل بر ۶۵۰۰ نفر علاوه بر سا خلوی پشاور و قوای که دره خیبر را تالند ی کوتل بدست داشت برای گردش در طول آن خط -

تخصیص یافت • این لشکر را تحت فرماندهی جنرال گوف Brigadier Gen. Gough

۱ - همانجا •

۲ - The Englishman - - - ضمیمه

قرارداده بودند و مأمور حفظ جاده پشاور - گندمک بود . تمهید صف سیار و استقرار خطوط مواصلات با کابل و نیز برعهده ایشان بود (۱) .

عملیات نظامی دوباره آغاز گردید اوضاع در کابل، تعیین خط مشی سیاست آینده قبل از موقع معلوم می شد . لاردر لیتن البته میخواست نسج افغانستان متحد را برهم بزند (۲) . به لاردر رابرتس قبل از آنکه جانب کابل حرکت کند گفت :
 « می توانی بایشان (افغانها) گوئی که ما بعد ازین تمام قوای خود را از افغانستان بیرون نمی بریم و آنانکه با تو کمک میکنند دوست حکومت انگلیس خواهند بود و از ایشان حمایت بعمل خواهد آمد (۳) . در تعقیب سیاست تجزیه، نایب السلطنه از طرف کرینبروک وزیر هند تشویق می شد . وزیر موصوف عقیده داشت که افغانستان بعد ازین نمیتواند بحیث واحد جداگانه باقی بماند . و بیکترفیلد و سالزبری خواستند بر سیاست تجزیه لاردر لیتن اظهار عقیده نمایند و ترجیح دادند تا وصول اطلاعات کابل راجع به کشتار کابل انتظار بکشند (۴) . دیزرایلی مسلم
 افغان را « Tabula Rasa » (۵) دانسته از اساسات عمومی

- ۱- ضمیمه سری دفتر خارجه سپتمبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۹۸ .
- ۲- از لیتن به بیکترفیلد ۱۴ سپتمبر ۱۸۷۹ بلغور کتاب مزبور ص ۳۵۹ و نیز کرینبروک به لیتن ۱۲ اکتوبر ۱۸۷۹ - اوراق لیتن لوائح دفتر مشترک المنافع .
- ۳- رابرتس کتاب مذکور ۲ ص ۱۸۷ .
- ۴- اوراق لیتن لوائح دفتر مشترک المنافع . کرینبروک به لیتن ۱۲ اکتوبر ۱۸۷۹ .

سیاست آینده بحث کرد . تعهدات قرارداد گندمك را ملفی دانست واشغال
 نظامی افغانستان را تا مدتی حتی شمرده . معذالك الحاق قسمتی از قلمرو
 افغانستان را جایز نمی دانست و عقیده داشت که اگر امیرزنده (۱) باشد و دلیل
 ملزم بودن او بدست نیاید یعقوب خان را نباید از میان بردارند . اگر امیر
 فوت رده باشد یا حاضر نباشد حکومت انگلیس نباید امیر دیگری را تعیین کند
 پس از آنکه قندهار از افغانستان جدا شد بگذارد بقیه مملکت بین خود بچنگد
 و به میل خود ترتیبی میخواهند اتخاذ کنند . Sir Stafford Northcote
 هنگام صحبت در Exeter به مستعین خود اطمینان داد که
 هر کفیری را که با افغانها به نسبت مرگ کیوناری بدیم ما را از سیاست عمومی
 که تاحال حکومت گرفته است دور نمیکند و نیز راجع بالحاق افغانستان سماید اقدامی
 بعمل آید .

مقالاتی در تایمز نشری شد و استدلال میکرد که در افغانستان چیزی
 اتفاق نیفتاده است که باعث الفای قرارداد گندمك گردد . يك قسمت قرارداد که
 ازین رفته قسمتی است که به وجود فرستاده سیاسی بدربار امیر متعلق است (۲)
 به تائید ادعای خود تایمز دلیل میآورد که : کشتار پنجاه سال قبل سفارت روسی
 در تهران پس از يك جنگ و انعقاد قرارداد صلحی که ایران انرا با تردید
 قبول نمود " به توقف روابط سیاسی بین ایران و روسیه منجر شد (۳) این جا

۱- پس از شورش نظامی کابل شهرت یافت که امیر وفات نموده .

۱۰ سپتمبر ۱۸۷۹ .

The Englishman

۱۲ سپتمبر ۱۸۷۹ .

The Times

-۲

ضمیمه ۱۳- اکتوبر ۱۸۷۹ انشر شد .

۳- راپور تایمز که در The Englishman

مقصود قتل گریبیدوف است که بسال ۱۸۲۸ اتفاق افتاد (۱) در انسال باشر قرارداد ترمن چای روسیه هیئت سیاسی را تحت ریاست M. Grebaiodov به تهران فرستاد * ولی دیری نگذشت که شورشیان ایرانی کشتاری در سفارت روس برپا کردند * با وجود این روابط سیاسی با ایران پررسم نوزد * بزودی سفارت دیگری بایران آمد و برای سالیان در اتری روسیه و ایران با هم روابط دوستانه داشتند * با وجود شباهت ظاهری که بین این دو واقعه (یکی آنکه بسال ۱۸۲۸ در تهران اتفاق افتاد و دیگری در ۱۸۷۹ در افغانستان واقع شد) دلیل تایمز از نظر انتقادی ضعیف است * در زمان قتل گریبیدوف روسیه با ترکیه دشمن بود و نمیخواست با اظهار خشونت ایران را با خود دشمن و با ترکیه متحد بسازد (۲) ولی در ۱۸۷۹ بین روسیه و انگلیس در اروپا صلح حکم فرماید * روسیه مغرور بود باینکه ————— « صلح را با افتخار » از برلین آورده است علاوه با متصرفات جدیدش در — اروپای شرقی ما « مون و د لیلی » نداشت که ب انگلستان باین زودی قطع کند * مطابق قوانین بین المللی انگلستان کا ملا * حق داشت که با مرت کیوناری قرار داد بکند که را لغو کند * اگر چه فسخ قرارداد از طرف یکی از دو تین متعاهد تین عملاً به الغای قرارداد منتهی نمیگردد مطابق قوانین بین المللی طرف وفادار می تواند — قرارداد را (هنگامیکه یکجا از مواد لازمی از جانب طرف مقابل منسوخ شود) لغو

کند (۳)

۱- رجوع کنید به Sykes ایران ۲ ص ۲۲۱-۲۲ (انگلیسی) *

۲- همانجا ص ۳۲۲ *

۳- اوپنهم Oppenheim قوانین بین المللی —————

ج ۱ ص ۹۴۷ International Law

با وجود آنکه لارډ هارتنگتن Lord Hartington انقدر نظر بلند داشت که کشتار کابل را موضوع عیبجوئی جزئی قرار ندهد لیبرال ها فعالیت های انتخاباتی خود را پس از تعطیل پارلمان در ۱۵ اگست ۱۸۷۹ آغاز کردند .

گلادستون Glodstone نطق در مجمع بزرگ لیبرال هادر - Chester ایراد کرد در حالیکه بناغلی موندیلا - - - - - Mr. Mundela و سرچارلس دیک Sir Charles Dilke در حوزه های انتخابی خود طی نطق تاریخ جلسات پارلمان اخیر را مورد تجدید نظر قرار دادند . (۱)

Times مقابل ان اعتراض نمود و شکایت داشت از آنکه بواسطه فوغای سیاسی - محلت کافی داده نشده است . ولی مطبوعات لیبرال این انتقاد را نادیده گرفتند و اصرار داشتند که پارلمان باید منحل گردد . - - - - - گلادستون صریحاً به ارباب جراید گفت اگر حزب لیبرال با تصمیم جدی حملات خود را ادامه دهد دولت مجبور به استعفی میگردد و اداره خود را به خزانه های انتخابی میگذارد (۲) راجعه افغانستان - - - - - Lord Hartington - - - - - هموطنان صریحاً میگفت که حکومت دیگر لیبرال هیچگاه قسمتی از ان مملکت را (۳) به (هند) ملحق نخواهد کرد و قانون و سیاست شرارت امیز دولت فعلی را ملغی قرار خواهد داد و گرانٹ دلف - - - - - Grant Duff و Elgin و Peterhead بر سانزیری ولتن دیدار حمله نمودند و انهارا مسؤول فاجعه کابل خواند (۴)

-
- | | | | |
|------|----------------|---------------------|-----------|
| ۱۸۷۹ | ۱۶ سپتمبر | The Friend Of India | ۱- |
| | | | ۲- همانجا |
| | ۲۶ سپتمبر ۱۸۷۹ | The Friend Of India | ۳- |
| | ۱۳ و ۱۴ اکتوبر | The Englishman | ۴- - - - |
| | | | • ۱۸۷۹ |

توری ها نیز در داخل شدن به مکرکه کوتاهی ننمودند * مشاجرات پینهم سیاسی * در انگلستان ادا، مه داشت (۱) زمانی بعد از قتل کیوناری در سخنرانی * بسیار بارور * بود (۲) با ثران انحلال پارلمان انگلستان را قریب الوقوع یاد ر یکی در روز میدانستند (۳) عقیده داشتند که حتی به نفع حزب ساقم انحلال پارلمان پسندیده و مرفوب است (۴) *

در این ضمن لارڈ قوای زمینی خود را بین علی خیل و شترگردن تمرکز داد (۵) حرکت خود را بجانب کابل تا وقت تحیه مهمات و وسایل در خوشی محطل کرد * کارها برای پیشرفت سریع جانب کابل رو براه بود * برای اینکه خطر را از حمله کابل مرتفع سازد رؤسای قبایل اطراف علی خیل را جمع نمود و با وعده بخشش فراوان در مقابل هر نوع خدمت آنها را طرفدار خود ساخت ولی با طرفداری روسای قبایل اطراف قانع شد * خواست با صد و راعلامیه ای مبنی بر اینکه : میخواهد انتقام عمومی کشتار سفارت را بگیرد و اقتدار امپرا را (تا وقتی که مشارالیه دوستی خود را با دولت انگلیس حفظ میکند) مستحکم سازد موافقت مردم را بخود جلب کند * او به خورد و وزیرک اطمینان داد که اگر مقابل پیشرفت قوایا نگیرد هیچ کسی را جز آنهاییکه در کشتار سفارت سهم داشتند مجازات نخواهد کرد *

۱- - - - The Englishman ۲۵ - اکتوبر ۱۸۷۹ *

۲- همانجا *

۳- همانجا ۲۸ - اکتوبر ۱۸۷۹ *

۴- نظر بودجه پالمال که در - - - The Englishman ۱۱ *

اکتوبر ۱۸۷۹ داده شده *

۵- ضمیمه سری دفتر خارجه سپتمبر ۱۸۷۹ نمبر ۴۲۴ *

اگر جنرال را برتس میخواست به افغانها اینطور وانمود کند که بافغانستان برای حمایت امیر داخل شده است بیشتر ازین فایده متبقی شود که یعقوبخان به این طریق دوستانه اعتراف دارد یانه . برای اینکه درین موضوع نسبت به تبادل مکاتیب قضاوت بهتری کرده باشد نامه ای به یعقوبخان نوشت و ازو خوااهش کرد نمایند که محرمانه ای جهت مذاکره نزد او اعزام دارد تا او (رابرتس) را از نظریات امیر مطلع سازد (۱) امیر بجواب این خواهر مرزا حبیب الله خان مستوفی و شاه محمدخان وزیر را به علی خیل فرستاد (۲) ایشان در آنجا در ۲۳ سپتمبر جنرال رابرتس را ملاقات نمودند (۳) .

مستوفی که از جانب دولت افغانستان صحبت میکرد اعلام داشت که امیر حاضر است آنچه را حکومت انگلیس میخواهد اجرا کند . یعقوبخان ازو داشت مقام دولت انگلیس با وسایلی که نایب السلطنه داشت حفظ گردد ولی در عین حال امیر نمی تواند این مطلب را از جنرال رابرتس پپوشاند که شورشیان فطامی و عموم مردم رعیت و عساکر از انتقام ناشی از عدم تشخیص میترسند . و چون رابرتس مفاد اعلامیه خود را مجدداً یادآوری کرد مستوفی خاطر نشان ساخت که افغانهایی خبر تر از آنند که با اعلامیه ای مطمئن شوند . بعد از آن اصرار کرد که پیشرفت دولت انگلیس برای مدت کوتاهی (پنجروز) به تعویق افتد . این تعویق برای این است که امیر بتواند عساکر همیشگی خود را خلع سلاح کند عساکر نو جمع آوری نماید

۱- ضمیمه سری دفتر خارجه اکتوبر ۱۸۷۹-نمره مراجعه ۶۳ .

۲- ضمیمه سری دفتر خارجه اکتوبر ۱۸۷۹-مراجعه ۵۸۶ .

۳- ضمیمه سری دفتر خارجه اکتوبر ۱۸۷۹-نمره مراجعه ۶۴۷ .

و به کمک ایشان آنها که در بلوای زشت اخیر سخم گرفته اند مجازات نماید . امیر در خواست خود برای استقرار قدرت نمیخواست لشکر افغان را در قدر قوی بهم باشد مقابل انگلیس احتمال کند بلکه میخواست بدوستان انگلیسی خود بفهماند که لشکر شورشی ازین تمام قبایل افغان جمع شده است تمام مملکت ممکن است مقابل انگلیس و نیز مقابل امیر که او را کافر میدانند دست یکی کنند (۱) توصیه یعقوب خان توصیه دوست صمیمی و بهترین توصیه ای بود که در این موضوعی توان سراع کرد . مستوفی علاوه نمود که اگر به توصیه امیر عمل نشود لشکر انگلیس باید با قدرت کامل جانب کابل حرکت نماید تا آنکه بتوانند تمام مقاومت هائیرا که در مقابل ایشان بعمل میایند بدون انتظار کمک و تجدید قوا خورد کنند (۲) .

رابرت پس از آنکه صحت و اهمیت نظریات امیر را تصدیق نمود به اطلاع نمایندگان که در حرکت لشکر انگلیس جانب کابل نمی تواند بدو جهت محطی رخ دهد . اول آنکه اگر به امیر نسبت به عدم حمایت انگلیس ضرری برسد نایب السلطنه بسیار متاثر می شود . ثانیاً اینکه تالشکر انگلیس داخل کابل نشود و مرتکبین کشتار کابل را مجازات نکند مردم انگلیس قانع نمی شوند . (۳) وزیرای افغان پس از اجرای وظیفه عازم کابل گردیدند . ولی طوری شد که نتوانستند امیر را ببینند . زیرا یعقوب خان در ۲۷ سپتمبر با پسرش موسی خان - سردار یچی خان ، داود شاه و چهل پنج نفر دیگر بصورت غیر مترقبه در خوشی به خیمه بیکرا آمدند (۴)

۱- اوراق پارلمانی افغانستان نمره ۱ (۲۴۵۷) ص ۱۰۸-۹ .

۲- کذا ص ۱۰۹ .

۳- اوراق پارلمانی ۱۸۸۰ افغانستان نمره ۱ (۲۴۵۷) ص ۱۰۱ .

۴- ضامین سری دفتر خارجه اکتوبر ۱۸۷۹ . نمره مراجعه ۱۷ .

بتاریخ ۱۶ اکتوبر قوای انگلیس در ارتفاعات چهار اسیا زد و خوردی داشتند .
 افغانها بخوبی جنگیدند ولی بالاخره مغلوب شدند . خسارات زیادی بر آنها
 تحمیل گردید . در چهار روز جنگ جنرال رابرتس پرکوه سیاه سنگ که بر بالا حصار
 شهر کابل مسلط بود خیمه زد . روز دیگر جنرال انگلیسی به بالا حصار رفت و خرابه
 های نمایندگی سیاسی را که هنوز از آن دود بیرون میآمد معاینه نمود . بتاریخ
 ۱۲ اکتوبر فریدریک رابرتس رسماً به بالا حصار داخل شد (۱) و طی اعلامیه (۲)
 تصمیم خود را به مجازات شورشیان و استقرار صلح و امنیت ابلاغ کرد . مشاورین مهم
 امیر - مستوفی ، وزیر ، یحیی خان و زکریا خان را تاروشن شدن حوادث مربوط به
 حمله سفارت توقیف کرد (۳)

مقارن این کارها رابرتس میجر جنرال جیمز هل Major Gen. J. Hills
 را نایب الحکومه نظامی کابل مقرر نمود و نواب غلام حسین خان دیپلومات ممتاز هند (۴)
 را با او همکار قرارداد . محکمه های تحقیق را تاسیس نمود . این محکمه ها عبارت
 بود از (۱) - محکمه سیاسی که در آن کرنیل مگگریگر Colonel Macgregor
 سرجن میجر بیلو Surgeon Major Bellew و محمد حیات خان
 عالم فارسی پنتون مشغول به کار شدند

۱- ضمیمه سری دفتر خارجه اکتوبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۴۶۶۰

۲- ضمیمه سری دفتر خارجه اکتوبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۴۰۳ و ۴۰۷ و ۵۰۲

۳- ضمیمه سری دفتر خارجه اکتوبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۴۰۴

۴- ضمیمه سری دفتر خارجه اکتوبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۳۶۹

و ۲- محکمه نظامی که پریگیدیر جنرال ماسی Brigadier General Massy

در رأس آن قرار داشت (۱) این محکمه اخیر رؤسا و عساکری را که به سهم داشتن

در گشتار متهم بودند محاکمه می نمودند (۲) *

رابرتس از مشاورین مهم یعقوب خان دودشاه قوماندان قوای امیر را رها

کرد * زیرا این شخص سعی کرده بود سفارت را حفظ کند * راجع به سرنوشت امیر

جنرال انگلیسی اشفته وحیرت زده بود (۳) لار دلیتن باو تأکید نموده بود که مصلحت

قطع مناسبات قبل از موقع را با او بدستی سنجد (۴) اما تردید او راجع باینکه چه

سیاستی را باید در مورد یعقوب خان اتخاذ کند با اقدام خود او (امیر) در ۱۲

اکتوبر مرتفع گردید (۵) مطابق آنچه سرفریدریک در آنوقت (۶) و بعد از آن (۷) نوشت

صبح روز ۱۲- اکتوبر به خیمه او داخل شد و تصمیم خود را به استعفاء نشان داد *

رابرتس بر او فشار آورد که بر این تصمیم تجدید نظر نماید * در ملاقات دوم

امیر دوباره اظهار نمود که میخواهد از تخت کابل کناره گیرد و خواهرش نمود که او را به

حضور در دربار که همانروز در بالا حصار منعقد میگردد تکلیف نکنند *

۱- اعضای دیگر کمیسیون نظامی عبارت بودند از میجر مورارتی Morarty

لشکر نگهبان بنگال و کپتان کوینس هفتاد و هفتمین کوهستانی *

۲- رابرتس کتاب مزبور ۲ ۲۳۹ *

۳- همانجا ص ۲۳۴ *

۴- همانجا *

۵- همانجا *

۶- ضمیمه سری دفتر خارجه نومبر ۱۸۷۹ مراجعه ۳۰۲ *

۷- رابرتس کتاب مزبور ۲ ص ۲۳۴-۳۶ *

کناره گیری یعقوب خان مرموز است اگر بروایت سر فرید رک بتوانیم یقین کنیم این کار او ناشی از طایب خاطر بوده و خود شربان کار راضی شده است • ولی بعد ها یعقوب خان شکایت کرد •• که کناره گیری او با اثر فشار پیر رحمانه و تعصب امیزی صورت گرفت •• و نیز دولت انگلیس حق نداشت او را با ینکار مجبور کند و دلیلی در بین نبود که از او انجام این کار را توقع داشته باشند (۱) در جون ۱۸۸۰ یعقوب خان به نایب السلطنه نامه سر کشاده ای نوشت و از نایب السلطنه تقاضای عدالت نمود و تاهکید کرد که او را باید بر تخت پدری وی برگردانند • (۲)

اینکه استعفای یعقوب خان بگفته رابرتس واقعا بر ضایت خاطر او صورت گرفته است مورد تردید می باشد • راجع به پیشرامدی که امیر در آن استعفا کرد شاید دیگری جز رابرتس موجود نیست • جنرال انگلیسی هر قدر سعی کند نشان دهد که با یعقوب خان در اردوگاه انگلیسی احترام کارانه معامله شده است مدرك دیگری - در دست نیست که انرا تأیید کند • علاوه بر این در بیشتر از یک فقره در یاد داشت مگرگوری (۳) آمده است که او را محبوس کردند و با او بد رفتاری می نمودند • (۴)

محکمه یعقوب خان که مگرگور بر آن اصرار داشت به تحویق افتاد زیرا ممکن بود با اثر این محاکمه طوری معلوم شود که گویا امیر در اردوگاه انگلیس محبوس است • (۵)

۱- بلفور کتاب مزبور ص ۲۹۸-۲۹۹ و نیز هنه کتاب مزبور ص ۹۲ •

۲- - - The Friend Of India ۲ جون ۱۸۸۰ •

۳- خانم مگرگوری - - Lady Macgregory زندگی

سر چارلس مگرگور - - Sir Charles Macgregor Life Of ۱۲۵-۱۳۰ •

۴- همانجا ص ۱۴۶ •

۵- همانجا ص ۱۳۵ •

دور از جمعیت در زاویه تنهایی اردوگاه سیاه سنگ قوماندان اردو نظریه شخصی خود را اینطور نوشت که امیر تحت مراقبت شدید گرفته شده است وزیر نظر قراولان (الم) را برتس قرارداد . یکروز قبل از آنکه امیر استعفا کند مگر یگوری در سفرنامه اش حسب اتی یادداشت نمود : مورتی راجه با میر بسیار نگران است با او بد رفتاری شده است و بدون محاکمه او را محکوم کرده اند (۲) قوماندان قوای انگلیس وقتی از کنفرانس کهران سر نوشت امیر و وزرای او تعیین شده بود برگشت و نظر سکرتر سیاسی مار تیمر دیورند - - - Mr. Martimer Durand را

یادداشت میکرد نظر خود را صریحا اظهار داشت که " محاکمه این شیطان ها در این نوع محکمه عالی بیزاری اوراست (۳) چند سطر بعد تصمیمی کدر کنفرانس تعیین پروگرام مراسم ۱۴ اکتوبر بالا حصار اتخاذ گردیده بود ثبت گردید . مگر یگوری می نویسد : " لشکریان باید در طول جاده صف ببندند توپ ها به علامت سلام فیر شود و بیرق را برافرازند بعد از آن ما باید به دیوان عام برویم و امیر طرفداران او را - توقیف کنیم (۴) ."

این تصمیم وقتی اتخاذ کرد که کیسون مگر یگور موضوع امیر را تحقیق ننموده بود و رابرتس خود یقین داشت که اشتباه در مقابل یعقوب خان کافی نیست باعث کار گیری او گردد .

۱- همانجا .

۲- خامک مگر یگر کتاب مزبور ۲ ۱۳۰ .

۳- همانجا ۱۳۱ .

۴- همانجا ص ۱۳۲ و نیز منه کتاب مزبور ص ۸۷ .

دور نیست که آوازه سرنوشتی که در روز ۱۲ اکتوبر به انتظار او وزیرش را داشت
 به گوش یعقوب خان رسیده باشد (۱) و در اندوه تحقیریکه باشر توقیف در تالار
 خود ^{دشمن} مقابل دوستی و متوجه او بود نزد جنرال انگلیسی رفته و از همراهی او در بار
 جدا^۱ انکار نموده و با استعفای خود با مارت اصرار نموده باشد (۲) *
 چارلس مگرگر که باندازه - - Sir Fredrick Robert از
 یعقوب خان متنفر بود با وجود آنکه یقین داشت حمله سفارت قبلاً^۱ ترتیب نشده (۳)
 بود در تحقیق مردیکه بجرم نجات یافتن از سفارت (۴) متهم بود با آمرسی خود
 شریک شد * با وجود این چون مدرک صحیح مقابل یعقوب خان وجود نداشت کمیسون
 مزبور نتوانست این جرم بزرگ را بامیر نسبت دهد که قصد^۱ اتلاف نمایندگی را اراده
 کرده است (۵) محکومیت او از نجهت بود که نتوانست اقدامات لازم برای حفظ سفارت
 بنماید و آن خبط بزرگی بود که در غیران صورت ممکن بود برای تخفیف جرم اوشفاعت
 کند (۶) *

وقتی راپور مگرگری به وزارت خارجه فرستاده شد در آنجا انرا چیز حاصل
 خواندند (۷) *

- ۱- ضمایم سری دفتر خارجه اکتوبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۲۲۳ *
- ۲- Hanna کتاب مزبور ۳ ص ۹۲ *
- ۳- لیدی مگرگر کتاب مزبور ۳ ص ۹۴ *
- ۴- راپور کمیسون مگرگر ضمایم سری دفتر خارجه فبروری ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۷۴ *
- ۵- همانجا *
- ۶- همانجا *
- ۷- بولگر Boulger زندگی گوردن Life Of Gordon ۲ ص ۴۶ *

چون تناقض واضح در آن وجود داشت لارڈ لیتن مجبور گردید راپور مزبور را به

کمیسون دیگری Rivers Thompson در آستان قرار داشت

بسیار د (۱) کمیسون جدید پیشنهاد کمیسون مگرگور را نادرست و خالی از روش

صحیح (تحقیق) دانست . بنظر ایشان در این کار تنقیه مقایسه و آزمایش خواهد

نادرست و اظهارات متناقض بکار ترفته بود . اینها شواهد زیادی بدست آوردند مبنی

بر این که شتار سفارت را امیر تحریک ننموده . محرک واقعی شورش احساسات خود

شورشیان بوده . و اظهار عقیده نمودند که راجع به حمله مزبور پیشبینی بعمل نیامده

بلکه حمله قوراء و تصادفاً صورت گرفت جائیکه برای یعقوب خان محل ملا مت یافتند

این بود که مشارالیه تعهدات خود را راجع به حفظ سفارت انگلیس در کابل عملی ننمود .

ولی این حقیقت را نتوانستند نادیده بگیرند که اوضاعی و احوالی که امیر در آن قرار

داشت مشکل و خطرناک بود و مشارالیه مجبور بود اعتدال را بین وفاداری خود بسا

انگلیس (که انرا وسیله نگهبانی خود میدانست) و نفرت عساکر خود حفظ کند . این

اجبار به تزلزل در داف متممی گردید و علاوه بر آنکه ذهن او را که حبس تازه پریشانی

ساخته بود این کارها امیر را به بحران فوری گرفتار ساخت و نتوانست با حادثه ناگهانی

موفقانه روبرو گردد و سعی لازم برای از بین بردن شورش بنماید . (۲)

نایب السلطنه قبل از آنکه راجع به استعفای امیر اقدام نماید میخواست

بوسیله را برتر بفهمد که مردم کابل ازین واقعه خبر شدند یا نه . و نیز میخواست

بفهمد که استعفای امیر بر شهر کابل و اراضی مجاور چه تاثیر خواهد داشت . راجعه

اقدامات بعدی برای تأسیس حکومت مؤقتی در کابل لارڈ لیتن شخصاً حمایت

دایی حکومت هند را به یکی از امرای افغان قبل از موقع میدانست و از رابرتس

۱ . اعضای دیگر کمیسون عبارت بودند از : A.C. Lyall و D. Fitzpatrick

۲ - ضمیمه سری دفتر خارجه جنوری ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۵۵۵ .

خواهش نمود نظر خویش را راجع به خطوط اساسی سیاست آینده افغانستان

اظهار کند (۱) توأم با این به دونالد ستیوارت - Donald Stewart

هدایت داده شد از تاثیر احتمالی استعفای یعقوب خان در افغانستان جنوبی
خبر دهد و نیز اگر اشکالی در اداره مملکت بواسطه شیرعلی یا نایب الحکومه محلی
دیگری (۲) موجود باشد با اطلاع برساند . با خبر دادند که اشغال قندهار -
دائمی خواهد بود و بنابراین باید اعلان شود که قدرت انگلیس در قندهار ر قدرت
نمای است و خزانه و مالیات را حکومت دهند اداره خواهد کرد (۳) .

نایب السلطنه به حکومت مرکزی خبر داد که اوضاع تثبیت فوری خطوط اساسی
سیاست خارجه را ایجاب میکند . احتمال اثبات جرم امیر بحدی قوی و حکومت آینده
بواسطه او بحدی ضعیف شده بود که گمان میرفت کتاره گیری او وسایل اقدامات
آینده را فراهم خواهد کند . نایب السلطنه اصرار داشت که قندهار و اراضی مجاور
آن فوراً باید به حکومت انگلیس ملحق شود و خط امنی به سمت قندهار تکمیل گردد .
و نیز به رابرتس باید اختیار داده شود که اعلامیه ای باین مضمون صادر کند :
استعفای امیر و وظیفه اداره افغانستان را برعهده انگلیس گذاشته است در اجرای
این سیاست حکومت انگلیس مردم افغانستان با عدالت و نیکوکاری رفتار خواهد
کرد . نایب السلطنه میخواست این اراده دولت علیا حضرت را بلکه که مبنی بر
نکات فوق بود با اطلاع برساند و علاوه نمود که هر نوع تعمیق در ابلاغ این خبر
علامت ضعف و تردید خواهد بود و ممکن است برای حکومت انگلیس مشکلات ایجاد کند .

۱- ضمیمه سری دفتر خارجه نومبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۳۰۴ .

۲- ضمیمه سری دفتر خارجه نومبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۳۰۷ .

۳- همانجا .

سرالکزاندر اربثنوت Sir Alexander Arbuthnot عضو

کونسل اجرائیه لارڈ لیتن به نظریه فوق مخالفت کرواخانه، هر نوع تصمیم را درالحاق
قندهار قبل از موقع دانست . او مسؤولیت هائیرا که سیاست جدید راجع بافغانستان
بر عهده حکومت انگلیس گذاشته است تقبیح کرد و انرا از نظر مالی و سیاسی بیجا
خواند . او استدلال میکرد که باثرکناره گیری امیر قدرت با انگلیس منتقل نمی شود و اگر
الحاق اراضی افغان را کابینه علیا حضرت قبول کند عمل غیر قانونی و مخالف با
قوانین و حقوق بشریت انجام داده است وی با لحن شدیدی عبارتی را که در ان —
استعفای امیر انتقال قدرت به حکومت هند تلقی شده بود تقبیح کرد . این عبارت
به نظر او نه تنها خلاف سیاست بود بلکه با واقع نیز مطابقت نداشت . استدلال
او این بود که هیچ امیری حق ندارد اراده کند که مردم او به تحت تسلط خارجی
بیاید و نیز علاوه می نمود که در تلگرام یعقوب خان وقتی استعفای امیر مزبور را
خبر میدهند عبارتی موجود نیست که در استعفا مملکت و مردم خود را به
حکومت انگلیس سپرده باشد (۱) .

کابینه انگلیس پس از آنکه به سفارش های نایب السلطنه بدقت رسیدگی کرد باین
نتیجه قطعی رسید که هنوز وقت ان نرسیده است که بگویند کدام قسمت افغانستان
ملحق گردد . ایشان عقیده داشتند که ادعای قدرت سیاسی بر منطقه ایکه بیرون
ساحه فعالیت های نظامی باشد خطرناک است و نمیتوانند قضاوت کنند که آیا
امیری می تواند در انجا نفوذ یابد و قابل قبول واقع شود یا اینکه چند امیر
مملکت را بین خود تقسیم کنند و اگر تقسیم شود این تقسیم روی چه اساسی باشد .
به گمان آنها برای رسیدگی به موضوع سیستان باید اطلاعات بیشتری راجع به وضع

فزنی و هرات با اختیار آنها گذاشته شود و حتی باید با اقدامات تازه ای افغانستان
توجه ایران را جلب کرد . به رابرتس معذالك اختيار داده شد که بافغان ها
ابلافيه صادر نماید و دران فعلا * اعتلاي قدرت سياسي انگليسي راد افغانستان
اعلام دارد و اينده را باينده بگذارد ()

قبل از آنکه رابرتس استعفای امیر را قبول کند و اعلامیه را که از طرف کابینه
تجویز شده بود ابلاغ نماید به گورنر جنرال و کونسل او یاد داشتی (۲) فرستاد که
دران نظریات و سفارش های خود را در موضوع اقدامات آینده انگلیس در افغانستان
بیان داده بود . وی خبر میدهد که چگونگی استعفای امیر معلوم نیست تنها ولی محمد
و سرداران مطلع از آن خبر دارند ولی در عین حال میدانیم (رابرتس) (که این
استعفا) بر اوضاع کابل قبایل اطراف آن شهر و افغانستان بطور عمیق تاثیر ندارد
رابرتس علاوه بر این نماید که استعفای امیر ایجاب می کند شخص دیگری بجای او بیاید .
بطور کلی هر که بر تخت افغانستان بنشیند نمیتواند خود را بدون حمایه و کمک انگلیس
نگهدارد . فرمانروای کابل به عقیده رابرتس امیر بنام خواهد بود و هر که نام امیر را
بر خود بگذارد باید با قدرتی که وعده بر سمیت شناختن استقلال او را میدهد توطئه های
داشته باشد . و نیز هیچگانی او (امیر) از شوراندن مردم افغانستان و قبایل
مجاور علیه حکومت انگلیس دست بردار نیست .

۰۱ ضمیمه سری وزارت خارجه نومبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۰۳۱۳

۰۲ ضمیمه ^{سری} وزارت خارجه نومبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۰۳۴۱

از منجبت رابرتس استدلال میکرد که حکومت هند حق دارد قرارداد گندمک را ملغی بشمارد و نیز (علاوه می نمود) در عوض اشتباه ایجاد یک سلطنت قوی برای جلوگیری از حمله خارجی بهتر است منافع خود را تعقیب نمائیم و طرز حکومتی را دائر کنیم که برای ما خطر نداشته باشد امیر یا اموائی بر سر اقتدار این که با ملا بر حکومت هند متکی باشند • رابرتس اصرار داشت که این نوع حکومت می تواند با تجزیه نسج سیاسی افغانستان و تاءسیس نایب الحکومه گی های کوچکی که هر یکی از آنها با اراده و رضایت حکومت انگلیس دایر گردد به میان آید •

بتاریخ ۲۸ - اکتوبر به یعقوب خان خبر دادند که استعفای او قبول شده

است •

در همین روز ابلاغیه ای که به امر حکومت علیا حضرت به رابرتس فرستاده شده بود به غرض اطلاع مردم نشر گردید • اداره مملکت موقتاً تحت نظارت مستقیم رابرتس بدون نفوذ یا کمک یکی از روسای افغان صورت میگرفت امر نهایی حکومت هند را نسبت به از دست دادن مملکت مجمل گذاشتند (۱) •

اگرچه حکومت مرکزی اعلان سیاستی را که مبنی بر تجزیه افغانستان باشد تصویب نکرد ولی این حقیقت را نتوانست نادیده بگیرد که پیشنهادات لاردر لیتن بالاخره باید قبول شود (۲) ولی در آنوقت آنرا قبل از موقع دانست (۳) در اول میخواست اشغال نظامی را در افغانستان با گرفتن پایگاه های مهم تاءمین کند (۴) •

۱- ضمائیم سری وزارت خارجه نومبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۲۶۸ •

۲- بیکنز فیلد به ملکه ۲۳ - اکتوبر ۱۸۷۹ Disraeli , Buckle 6, ۴۸۲ •

۳- همانجا •

۴- همانجا •

تا جائیکه با افغانستان و آسیای مرکزی مربوط است پیشی و سبقت های زیادی قسمت
 ما شده . اکنون چنان را باید به مداومت و ثبات قدرت خود در انجا عادت دهیم (۱)
 حتی لاردر کرینبروک بالارد لیتن نظر مشترک داشت و میگفت افغانستان پیش ازین
 نمیتواند باقی بماند راه دیگری جز اشغال نظامی افغانستان نبوده . و عقده
 داشت که همین اشغال ممکن است در آینده معبر حکومت انگلیس را حل کند (۲) او با
 سالزبری ویکتورفیلد باین نظر موافق بود که : " در اوضاع و احوالی که در آنوقت
 در افغانستان وجود داشت تنها می توانیم از عمومیات صحبت کنیم بشرطیکه حکومت
 نفوذ که ما متحدی با یعقوب خان داریم و باین ترتیب تنها کاری که میتوانیم بکنیم
 این است که کابل را تا مدتی نگذاریم و در طول آن مدت سیاست داخلی و خارجی
 اثر اداره نمائیم (۳) سر هنری راولسن که لاردر کرینبروک در این مورد با او مشوره
 نمود در اظهار نظر قطعی راجع باین موضوع محتاط بود و از مصرف الحاق اراضی
 افغانستان میترسید . (۴)

در واقع محافظه کارها مشغول بودند اعتماد ملت را که با تبلیغات لیبرالها
 بعد از مرگ کیوناری جریحه دار شده بود دوباره بدست آرند . مخالف توقعات عمومی
 انحلال کابینه انگلیس در پاییز سال ۱۸۷۹ واقع نشد . و محافظه کارها از راه جبران
 موقف خویش در آن مملکت نفی بپراخت بکشند در هفته سوم اکتوبر میتنگ بزرگی
 از محافظه کاران در منچستر بهم گرد آمدند (۵) لاردر سالزبری از سیاست خارجی

۱- کذا ص ۴۸۲-۴۸۳
 ۲- کرینبروک به لیتن ۱۲ اکتوبر ۱۸۷۹ - اوراچی لیتن لوائج دفتر کا منولت .

۳- همانجا .

۴- همانجا .

۵- The Friend Of India - - - ۲۱ نومبر ۱۸۷۹ .

دولت دفاع کرد و ضربات بسیار ماهرانه و قابل ملاحظه بر حزب مخالف وارد آورد (۱) هنگام رجوع به بعضی از نطق های اخیر پیشوایان لیبرال اظهار داشت که انتقادات آنها بسیار زیاد بود ولی چون نیت به تجویزات مثبت رسید بطور عجیبی خاموش ماندند (۲) لاردر بیکنزفیلد از موفقیت منچستر بسیار خوش بود در ۲۳ اکتوبر ۱۸۷۹ به ملکه نوشت این نطق برار* عمومی بسیار تاثیر داشت و با حرافسی اشکار - - - Sir W. Harcourt - - - ورد ابطال آن قر ق روشن دارد (۳) *

وضع افغانستان دوباره مسله هرات را رویکار آورد * بروز ۲۲ اکتوبر ۱۸۷۹ لاردر سالزبری به سفیر انگلیس در تهران اینطور نوشت: شاید ممکن نباشد تمام افغانستان را مطمئناً یک فرمانروا متحد سازیم در آن صورت بیشتر علاقه است هرات را با قید شرطی بایران بگذاریم عوض اینکه امیر کوچکی موقع بیابد انرا متصرف شود و بتواند بیشتر مورد تطمیع روسیه قرار گیرد * مانسبت به کنترل بر چنین امیری می توانیم بر ایران کنترل بیشتری داشته باشیم * ولی قبل از آنکه چنین کاری اقدام نمائیم باید بفهمیم روسیه چه شرطی را قبول می کند * بنابراین به رونالد تامسن - - Ronald Thompson هدایت داد شد وزیر خارجه ایران را بر اساس پیشنهاد مالکم خان (۴) که در تابستان سال قبل به سالزبری داد بود امتحان کند * علاوه برین به سفیر انگلیس هدایت داد شد که در تمامیت دایمی هرات ۳ نکته اساسی را حاصل کند * اول اشغال نظامی هرات در صورتی که خطر متوجهمانجا باشد *

۱- - - The English Man , ۱۷ نومبر ۱۸۷۹ *

۲- همانجا *

۳- - - Disraeli , Buckle , ۶ ص ۴۸۳ *

۴- وزیر مختار ایران در لندن *

حق نگهداری افسران انگلیسی در هرات تا باین وسیله دفاع موثر همیشه باشد . سوم

کشتی رانی در رود کارون (۱) .

به فرض امثال از این اوامر تا مپسن نظریات خود را برای انتقال مجوز (هرات)
به حکومت مرکزی تقدیم نمود . واگذار دانستن هرات را به ایران نیکوندانست . با
این پیشنهاد که ایران باید بطور موقت بر هرات تسلط بیابد و اشغال دائمی هرات
مربوط به طرز عملی باشد که اندولت مطابق آن شرایط دولت علیا حضرترا گه
بران (دولت) تحمیل شده است انجام میدهد . برای اینکه نظر وزیر خارجه ایران
را پیدا کند تا مپسن اظهار داشت که انتقال هرات موقتی خواهد بود . انگلیس حق
خواهد داشت هرات را هنگام خطر اشغال نظامی بنماید و ایران باید ضمانت کند که
از حمله روسیه بر مرو جلوگیری خواهد کرد . و نیز علاوه نمود که روسیه در تمام مسائل
سیاسی به توصیه دولت انگلیس در صورتی که به یکی از شرایط فوق حمل نشود . این
قرارداد باید کنار گذاشته شود و ایران به شرایطی که در قرارداد ۱۸۵۷ امضاء نموده
است عمل کند (۲) . در ملاقات دیگری که بین این دو شخصیت بزرگ صورت گرفت وزیر
خارجه ایران تخیراتی را بحیث اساس قرارداد آینده پیشنهاد نمود که این تخیرات
عبارت بود از : (اول) اشغال موقت هرات باید به منظور اشغال دائمی آن باشد .
(ثانیاء) اوبه ضمانت ایران برای اینکه سیاست خارجی آن مملکت در تمام مسائل سیاسی
به مشوره انگلیس باشد اعتراض نمود (ثالثاء) ایران نمیتوانست قبول کند که در صورت
بیرون رفتن هرات باید به قرارداد ۱۸۵۷ رجوع نماید (۳) .

۱- ضمیمه سری وزارت خارجه جولای ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۶۸ .

۲- ضمیمه سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۷۳ .

۳- ضمیمه سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۴۳ .

طرح انتقال هرات بایران مسله دیگری را بمیان آورد . شاه خواهرش کرد که دولت انگلیس سیستان را نیز با و بگذارد . و تامدتی کا بینة انگلیس باین پیشنهاد نظر مساعد نشان داد (۱) بنابراین از رونالد تامسن خواهرش شد نظر خود را راجع به انتقال سیستان بنویسد . مسوده قراردادى که به هدایت سالتزبری بوسیله سفیر انگلیس تهیه گردید انتقال سیستان افغانی را با ایران تجویز نمود در عوض ان از ان مملکت خواهرش شد که رود کارون را بروی تجارت تمام ملل بازگدارد . (۲)

وقتی این پیشنهاد های از مایشی برای انتقال هرات و سیستان بعمل میامد لارڈ کرینبروک از نایب السلطنه خواهرش نمود روی این مسله مهم اظهار راءى بنماید . لیکن قبل از آنکه نظریات خود شر را بیان کند اظهار عقیده نمود که موضوع قرارهای سرحدی با ایران کلاً باید تابع مسله مقدماتی افغان باشد خواه دولت انگلیس به قرارداد گندمک (تاجائیکه این قرارداد بعد از کشتار ۳ سپتمبر بتواند با اوضاع متخیر مطابقت کند) مقید باشد خواه باشرکشتار اقدام کا ملا تازه ای بنماید .

لیکن شخصاً عقیده داشت که سیاست پشتی بانی متحد و دوستانه تحت اثر یک فرمانروایی محلی بجایی نکشیده است و بنابراین نمی تواند دوباره احیا شود (۳)

پس از آنکه این نکته را قطعی گرفت منظور او از طرفداری از مواد اصلی قرارداد گندمک این بود که سیاستی را طرح نماید که مطابق ان غایه ان قرارداد از راه ایجاد روابط با ایالات افغانست ان مجزئی بدست آید نه اینکه الحاق بیشتری بوسیله دولت انگلیس

۱- ضمیمه سری دفتر خارجه مارچ ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۰۱ .

۲- ضمیمه سری دفتر خارجه مارچ ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۰۳ .

۳- اوراق لیکن لوائح دفتر مشترك المنافع . لیکن به کرینبروک ۵ نومبر ۱۸۷۹ .

یاد دولت دیگری صورت گیرد و منظور او از پیشرفت بانظرف سرحدات افغانستان سیاست بدست آوردن همین منظور از راه مذاکره با یکی از دو قوای مجاور روسیه و ایران است (۱)

لارد لیتن با این استنتاج موضوع انتقال اراضی افغانستان را با ایران مورد

رسیدگی قرار داد. «^۱ لیتن در این باره میگوید: اگر با استقلال خود را داخل افغانستان

توسعه ندهیم می توانیم بهانه روسیه قوای دیگری بدخاک افغانستان آن اعتراض نمایم. هرات

اگر بحال خود سرگذاشته شود، آنچه در آن واقع می شود غیر از اشغال خارجی نمی

تواند به مضر رساند. «^۲ از پایگاه جلوی پیشین نسبت به روسیه در سال های آینده

موقف بهتری برای حمایت نظامی بهی با اختیار ما است بر ایران نسبت به امیر تسلط

بیشتری داریم. «^۳ (۲) اگر از طرف دیگر دولت علیا حضرت به الحاق قندهار تصمیم

بگیرد بهتر است سیستان و هرات را با ایران بگذاریم (۴) لارد لیتن متأسف بود

از آنکه دولت انگلیس مسئله سیستان را از مسئله هرات جدا بداند و اظهار عقیده نمود

که چنین قضیه ای قضیه ای است غیر عملی. «^۵ او استدلال میکرد که ولایت سیستان در

سابق همیشه تابع هرات بوده و قسمت هایی از آن که تاحال به هرات داده نشده است

همیشه زیر دست هرات بوده. «^۶ از اینجا لیتن نتیجه میگرفت که اگر بنا باشد که هرات

با ایران داده شود سیستان طبعاً با آن همراه است (۴).

۱- اوراق لیتن ۴، اوراق دفتر مشترك المنافع. نامه لیتن به کرینبروک. ۱۰ نومبر

۱۸۷۹.

۲- اوراق لیتن ۴، اوراق دفتر مشترك المنافع. لیتن به کرینبروک. ۵ نومبر ۱۸۷۹.

۳- همانجا.

۴- همانجا.

یکی از شرایط مهمی که لارڈ لیتن آنرا جزو انتقال اراضی افغانستان بایران میدانست این بود که ایران باید متقبل شود مصرف خط آهن هرات را کاملاً یا قسماً بپردازد . لیتن عقیده داشت که با چنین خطی هر ترتیبی را که دولت انگلیس با ایران بخواهد اتخاذ کند می تواند باسانی وبدون خطر اجرا شود . هرگاه چنین خط ارتباطی وجود نداشته باشد افسران انگلیس که قوای ایران را در هرات اداره می کنند واز طرف اداره ای که دولت هند در آن مداخله و کنترل ندارد وضع خائرنامی خواهد داشت (۱) سهم ایران به خط آهن هرات به عقیده لیتن نباید از وعده هایی اوجدا پنداشته شود . تا وقتی که مقدار سهمیه او پرداخته می شود حق تصرف ملکی چون محصول گمرکی یا مالیات بعضی از ایالات باید از او گرفته شود (۲) .

مهذا لك لارڈ لیتن تاجائیکه بخودش مربوط بود عقیده داشت که انقیاد به مواد قرارداد کند مک نسبت به قسمت های تجزیه شده افغانستان آن عا قلا نه ترو محفوظ تر است مگر اینکه تجزیه افغانستان عملی باشد . گمان میکرد که دولت هند اگر مدتی آرام بماند می تواند منافع بیشتری نصیب خود سازد می تواند وضعی را که تاحال بدست آورده است تقویه کند . پایگاه های جلوی را استقرار بخشد . عوض اینکه قطار را بانطرف پایگاه های سرحدی (۳) توسعه دهد بحتراست نقشه قطار سرحدی را تکمیل کند . احتمال مرو بواسطه روسیه بنظر او بسیار ضعیف بیامد . میگفت : "مشکلات ما برای رسیدن هرات نسبت به مشکلات روسیه برای رسیدن مرو بسیار ناچیز است من عقیده دارم که اگر چنین کاری صورت گیرد دولت هندی می تواند خط آهن را به

۱- همانجا .

۲- همانجا .

۳- همانجا .

هرات زودتر از آنکه روسیه میتواند به مرو لشکر پیاده کند برساند^۱ (۱)

ولی نایب السلطنه بیاد داشت که اندکی قبل بر این لزوم الحاق قندهار را جهت رسیدگی به کابینه انگلیس فرستاده بود . برای اینکه عذر این دارخواستیه باشد در این وقت نوشت : هنگامیکه در ۱۹ - اکتوبر الحاق فوری قندهار را پیشنهاد کردم میخواستیم از واقعه مهم و غیر قابل اجتناب پیشبینی نمایم از حسن تصادف این واقعه اتفاق نیفتاد . (۲) ولی عذر آورنده فراموش کرده بود بگوید چه واقعه مهم و غیر قابل اجتناب و غیر قابل جلوگیری بنظر او بود که با اینهمه بی صبری الحاق قندهار را پیشنهاد کرد .

در همین حال بحیث تحقیقاتی و نظای مشغول بود حقایق سرنوشت کیوناری را پیدا کند و شورشیان را که با حکومت انگلیس مخالفت نموده اند مجازات نماید . با وجود آنکه مگرگور شخصاً عقیده داشت که شورش در مقابل سفارت قصداء و از روی سنجش صورت نگرفته (۳) و یعقوب خان تنها مسوول بی علاقهگی (۴) و بیچارگی خود است را بر تظاهر داشت که^۵ راپور کیسون جنم امیر (۵) را روشن ساخته است و اصلاً^۶ این موضوع را بیچون و چرا دانست (۶) در تقبیح امیر بخت برگشته فرید ریگ رابرتس

۱- همانجا .

۲- اوراق لیتن دفتر روابط مشترك المنافع از لیتن به کرنبروک ۱۰ نومبر ۱۸۷۹ .

۳- یادداشت مگرگور ۵ نومبر ۱۸۷۹ خانم مگرگور اثر مذکور ۲ ص ۱۴۷ و نیز راپور

کیسون مگرگور دفتر خارجه خبر و لواحق فبروری ۱۸۸۰ مراجعه ۳۷۲ .

۴- همانجا .

۵- خانم مگرگور اثر مذکور ۲ ص ۱۵ .

۶- همانجا ص ۱۵۱ .

بارئیس ارکان خود شراجع باینکه یعقوب خان باید هیچوقتئ امیر افغانستان نشود هم عیدیه بود وینا بران بهتر بود امیر را از کابل بیرون ببرند (۱) لار د لیتن با این نظر بحدی موافق بود که قبل از آنکه راپور کمیسون با ویرسد و حتی قبل از آنکه راپور را چارلس مگر یگور و هم کاران او ترتیب دهند از حکومت مرکزی اجازه انتقال - یعقوب خان را به هند گرفت زیرا تبعید او را از چند جهت مقرون به صلاح میدانستند (۲) فرید ریک رابرتس قبل از آنکه راپور کمیسون مگر یگور را به نایب السلطنه بفرستد امر مشارالیه و کونسل او را راجع به سفر امیر قبلی به هند دریافت داشت (۳) در اول دسمبر یعقوب خان به "فرض سفر به هند" از کابل حرکت کرد (۴) یک هفته بعد یحیی خان ذکر با خان وزیر به دنبال او به این تبعید رفتند • مستوفی اجازه نیافت باقی بماند • زیرا رابرتس در این کار نظری داشت و آن اینکه ممکن است مستوفی در اداره مملکت برای او مفید ثابت شود (۵)

افکارها به در هند (تاجائیکه به هند آن وقت متعلق است) به تبعید یعقوب خان تسلیم شد ولی مجازات مصوبه کمیسیون - - Massy Commission مورد تقییم مطبوعات هند قرار گرفت (۶) •

۱- خانم مگر یگور کتاب مذکور ۲ ص ۱۴۷ ۱۵۱-۵۲ ویر رابرتس کتاب مذکور

ص ۲۵۵ •

۲- لواحق سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۷۹ مراجعه ۲۷۴ •

۳- رابرتس به لیتن ۱۸ نومبر ۱۸۷۹ خانم مگر یگور کتاب مذکور ۲ ص ۱۵۰-۱۵۲ •

۴- لواحق سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۲۸۷ •

۵- رابرتس کتاب مذکور ۲ ص ۲۵۹ •
The Friend Of

۶- India جنوری ۲۸ و ۲۹ ۱۸۸۰ و نیز هنه کتاب مذکور ص ۱۴-۵۰ •

بدارزدن صد ها افغانی که بدام کیسون نظامی (۱) می افتاد و بنام شورشی مجازات می شدند مورد اعتراض مردم هند بود . نامه هایی آنها ستون های مطبوعات (۲) راپر کرد . غالباً مردم از مطبوعات می پرسیدند آیا کلمه یافعی می تواند در مورد افغان های که میخواستند جلو پیشرفت لشکر انگلیس را وقتی که ایشان پس از قتل کیوناری (۳) به مملکت آن ها حمله کردند بگیرند اطلاق شود . فرزند اف اندیا می نویسد :^۴ « آنها (افغان ها) حق نداشتند از این حقیقت که امیر در و گاه ما است نتیجه بگیرند که او حمله ما را بر مملکتش میسر ساخته است زیرا ممکن است امیر موصوف نزد ما اسیر باشد . و حقیقتاً تا جائیکه حالا روشن شده است او آزادی مطلق نداشته و اگر به عملیات ما راضی بوده باز هم وظیفه مردم است که از مملکت خود دفاع کنند . امیر افغانستان حق ندارد بدون رضایت سردار های خود اجازه دهد که لشکر متخاصم مسیحی بر مملکت حمله نماید و اگر به چنین کاری راضی شود باید در مقابل او قیام کرد و او را از تخت برکنار نمود (۴)

البته جز اینکه استنتاج هنرمند را مبنی بر اینکه « آنها ئیکه جنگ را با ما برگزیدند ممکن است در وقایع قبلی دیگری شریک جرم باشند »^(۵) صحیح بدانیم نه میتوانیم افغانها را که جلو پیشرفت انگلیس را بعد از قتل کیوناری گرفتند شورشی بدانیم .

۱- - - Hensman ، جنگ افغان ص ۱۳۲ .

The Friend Of
21, India جنوری ۱۸۸۰ .

۳- همانجا .

۴- ۲۸ جنوری ۱۸۸۰ .

۵- جنگ افغان - - - The Afghan War ، ص ۸۳ .

اگر این مسئله از نظر قانون بین المللی قضاوت شود باز هم این مردم یافی نیستند .
 تا وقتی که لشکر انگلیس کابل را اشغال نموده بودند و حکومت بالفعل بواسطه رابرت
 دران جاتاه سیمین نشده بود افغانها حق داشتند با انگلیس وضع جنگ را داشته
 باشند . در دوران شورشیونان مقابل ترکیه کیتک جق یافی برای اینکه با طرف مقابل
 خود در حالت جنگ باشد برسمیت شناخت . وان در مکتوبی که دران وقت بوسیله
 او به سفیر انگلیس در قسطنطنیه نوشته است روشن میگردد . در این مکتوبی نوشته
 که به قدری قوه و مقاومت مردمی که مشغول جنگ باشند بان مردم حق میدهد
 که با طرف مقابل خود حالت جنگ داشته باشند (۱) این اظهاریه حقیقی را بیان
 میکند و لازم نیست که باین حقیقت ارزش زیادی بدهیم که این اظهاریه از طرف یک
 مامور مسوول انگلیسی به مامور مسوول دیگری ابلاغ گردیده (۲) ارزش آن بحیث
 اظهاریه قانونی از جای دیگری معلوم میگردد و آن اینکه از آن یک مرتبه دیگر
 بسال ۱۸۶۱ استفاده شده (۳) .
 حتی قبل از آنکه انگلیس هادر کابل مستقر شدند حق مجازات متجاوزین
 بیرون احاطه پایتخت افغانست آن اعمال نمی شد . بیرون احاطه هادر دولت به اطاعت
 افغان ها ادعائی نداشت . پس اشرار و قرا (۴) بدارزدن افغان ها که حتی مگرگور
 نتوانست از آن حمایه کند (۵) .

۱- لوترپاخت - Lauterpacht : "اعترافد رقانون بین المللی"

• Recognition in International Law

۲- همانجا .

۳- همانجا .

۴- یادداشت های مگرگوری (خانم مگرگور اثر مزبور ص ۱۷۱) .

۵- همانجا ص ۱۳۸ .

جز اینکه دشمن افغان ها را مقابل انگلیس ها برانگیزد نمی توانست کار دیگری بکند .
 رئیس ارکان عرب که بتاريخ ۳۱ دسمبر ۱۸۷۹ یادداشتش را نوشته صریحاً اعتراف
 می کند که ما نتوانستیم حتی يك دوست در این مملکت پیدا کنیم (۱) .

در این وقت ها پارتی لیبرال ، عاهدات انتخاباتی خود با قدرت تازه ای شروع
 کرد . در هفته آخر اکتوبر میتنگی در چستر (۲) منعقد شد . در این میتنگ الارڈ
 هرتنگن به نطق سالزبری که یک هفته قبل در همین جا ایراد شده بود جواب گفت (۳)
 زعمای مخالف که در اینجاها نطق های عمومی ایراد کردند طرح سیاست حکومت
 را تقبیح نمودند و به ملت خاطر نشان ساختند که اگر حزب لیبرال بر سر اقتدار بیاید
 کارهای محافظه کاران را باطل خواهند کرد (۴) . لیبرال ها متدراجاً شهرت خود
 را بدست آوردند و در هفته اول نومبر اکثریت انتخابات بلدیہ را بدست آوردند (۵) .
 توقعات عمومی بسیار بلند رفت . گمان میکردند پارلمان قبل از عید میلاد مسیح منحل
 شود (۶) . حسب المسؤل در ۱۳ نومبر دعوت روز کولستن Colston Day
 در برستل دایر شد . جوزف چمبرلین والویلین اشلی نطق های اتشین مقابل
 سیاست حکومت ایراد کردند . روز دیگر تظاهرات شدید لیبرال ها در لیدز صورت
 گرفت در این تظاهرات دیوگ اف ارگیل و مارکوس اف لین شرکت کردند (۷) .

همانجا ص ۱۷۱

۲- The Friend Of India ، ۲۱ نومبر ۱۸۷۹

۳- The English man ، ۳ نومبر ۱۸۷۹

۴- The Friend Of India

Dec. 1

۵- Home News ، ۷ نومبر ۱۸۷۹ ، The Englishman, Supp. ۷

The Friend Of

۶- India ، ۲۸ نومبر ۱۸۷۹

۷- همانجا

همه اینها راه را برای اقدامات گلاذ ستن در مدلولتین هموار کرد . این کار
در هفته های اخیر نومبر صورت گرفت .

بروز ۲۴ لارد گلاذ ستن به قصد اشغال کرسی لارد روزی از لیورپول -

جانب دیلمنی پارک ادنبره حرکت کرد . در سفر قطار د و نطق مختصر اما قوی و

اتشین ایراد نمود . سومین نطق او به دروازه دلینی پارک ادعا شده است . بروز

۲۵ نو صر نزدیک بد و ساعت در ادنبره سخن رانی نمود . نطق لوشش ستون Times

را اشغال کرد . روز بعد یک ساعت ونیم در Dalkieth صحبت نمود و به

تاریخ ۲۷ ماه مزبور سخن رانی مفصلی در مقابل انتخاب کنندگان خ——ود

در West Calder ایراد نمود . در روز بعد در د و میتنگ عمومی

در ادنبره صحبت کرد و بهترین سخن رانی اش را در مجامعات انتخاباتی ایراد کرد (۲)

موفقیت او در مدلولتین شور و تاثیری در انگلستان و هند تولید نمود این شور بعدی بود

که نامه نگار - - Englishman در لندن ادعا نمود : " راجع باین - -

مرد خارق العاده می توانیم بگوئیم مالیه خار او است و سیاست خارجی نوك شمشیرش (۴) .

حرکت موفقانه گلاذ ستن به سكاتلند مورد تمجید غالب حلقه های سیاسی

قرار گرفت - - Sir Wilfrid Lawson که یکی از بهترین

رادیكال های عصر خود شرمی باشد طی نطقی در میری پورت اظهار داشت . ترقی

که نصیب آقای گلاذ ستن گردید یکی از وقایع مهم سیاسی این قرن است و اگر

• ۱ The Englishman لواحق ۲۲ دسمبر ۱۸۷۹ •

• ۲ The English man لواحق ۲۹ دسمبر ۱۸۷۹ •

علامه عصر جانب مخالف را نمیگرفت بزودی سیلی از افکار عمومی بجانب او سرازیر شد بطوریکه او را اینک باردیگر در کونسل ملکه و مملکت جامیداد (۱) این نظر صحیح در آمد . حتی در اهجه Times تخیر فاحش دیده شد و تاریخ ۵ دسمبر ۱۸۷۹ از لیبرال ها طرفداری نمود و گفت " اینده لیبرال افعلاء روشن است " از تصادف روزگار روز ۵ دسمبر ۱۸۷۹ را گلدستون در دایری خود روز شکست دادن نوشت (۲) و درست هنگامی که این پیشوای لیبرال مشغول فعالیت در سکاٹلند بود " بکنزفیلد به ملکه اینطور نوشت ۵ دسمبر ۱۸۷۹ که لارڈ کرینبروک میخواهد امور افغانستان را بطور عموم بزودی فیصله کند تا اینکه ما با پارلمان با سیاست روشن روبرو شویم " (۳)

اشغال مداوم کابل و کشتارهای بالا حصار روح مقاومت راد افغان ها بیدار ساخت " تحت رہنمائی ملا ی. معروفی از غزنی مشك عالم روح مقاومت متدرجا شکل قوه ای را بخود گرفت بطوریکه نایب الحکومه دست نشاندہ را برتس خود را در مقابل ان ضعیف یافت (۴) " نارای در دہات اطراف کابل برخاست (۵) کوهستانی ها اراده خود را به جهانمحو قوای انگلیسی در کابل ابلاغ کردند (۶) و یکی از سردارها محمد حسین خان در شور شر مشك عالم کشته شد (۷) مردم خروار وزیر مست حکومت را به

۱- The Friend Of India ۳۱ دسمبر ۱۸۷۹

۲- مورلی زندگی گلدستون ج ۲ ص ۵۹۰

۳- Buckle کتاب مزبور ج ۴ ص ۴۸۴

۴- اوراق پارلمانی ۱۸۸۰ افغانستان شماره ۱ (۲۴۵۷) ص ۱۷۷-۸۲ ۱۸۶-۹۱

۵- لواحق سري دفتر خارجه دسمبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۱۲۹

۶- اوراق پارلمانی ۱۸۸۰ افغانستان نمره ۱ (۲۴۵۷) ص ۱۷۶

۷- لواحق سري دفتر خارجه دسمبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۱۲۹

شورش تهدید نمودند . داور شاه از نا امنیتی کوهستان / وردك و میدان / لوگریشینی
 میکرد (۱) مردم تحت رهنمایی روحانیون (۲) جمع شدند و اجتماع آنها بخدی زیاد
 گردید که رابرت مجبور شد وضع را وخیم بخواند (۳) . این جنرال میترسید مباد اشورش
 با اراف انتشار پیدا کند (۴) این توقع که شاید انتقال امیر بر اوضاع تأثیر داشته -
 باشد و مردم را آرام کند مفید ثابت نشد (۵) حرکت یعقوب خان به جانب هند وضع
 را بدتر ساخت . رابرتس بزودی فهمید که این حرکت جهادی (۶) بوده است مقابل
 قوای انگلیس .

در گیر و دار این وضع مزاحم محافظه کاران سیاست خود را بر مسله افغانستان
 اساس گذاشتند . بزودی مهیب جلو برنده گلاستن در - - Middothian
 حصار کابینه را با خاک برابر ساخت . از او ملتی پستی بانوینمود (۷) آنچه راجع به
 لاردر بیکنزفیلد شبهه مبهم پیدا شده می شد جامه حقیقت را بخود گرفت . سیاست او در
 قسطنطنیه ، کابل یا دامغه تقبیح شد (۸) محافظه کاران نه تنها در خطابه ها شکست

۱- اوراق پارلمانی ۱۸۸۰ - افغانستان شماره ۱ (۲۴۵۷) ص ۱۶۱ .

۲- همانجا .

۳- ضمایم سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۱۴۱ .

۴- همانجا .

۵- ضمایم سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۱۹۰ .

۶- لواحق سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۱۴۱ .

۷- مورلی - - Life Of Gladstone , ج ۲ ص ۵۹۴ .

۸- همانجا .

خوردند بلکه استعداد تشکیلاتی خود را نیز از دست دادند • از منظم خود
که استعداد تشکیلاتی او راه را برای موفقیت در ۱۸۷۴ هموار ساخته بود جدا
شدند • برای اصلاح تشکیلات حزبی اقدام لازم بعمل نیامد • زیرا یکنفر فیلد
که شاید بار حکومت او را ضعیف ساخته بود نمی توانست از کارها شخصا نظارت کند (۱)
یکنفر فیلد هنگام بحث از خطابه های گلاستون در - Midlothian به
لیدی برید فورد (طی نامه ۲۸ نومبر ۱۸۷۹) ممکن است به سهل انگاری تظاهر -
« همه این فعالیت ها روی مفکوره انحلال پارلمان اساس داشت در حالیکه پارلمان
به احتمال قوی تا سال بعد منحل نخواهد شد (۲) اما به ملکه خاطر نشان ساخته
بود که حزب او را ملت « ضعیف و عجله کار » میدهد (۳) بطوریکه لیبرال ها وقتی به
مجاهدات شدید پارلمانی دست زدند کابینه محافظه کار سیاست جدیدی را طرح
کرد و آن ازین جهت بود که موفقیت لیبرال ها در حوزه های انتخابی اعصاب ایشانرا
خراب ساخته بود •

کابینه انگلستان با اتفاق آراء تصویب نمود که « قرارداد گندم باید ملغی
تلقی شود و تجزیه افغانستان را دولت علیا حضرت (۵) حقیقت مبرم بداند » •
بتاریخ ۱۱ دسمبر تصمیم کابینه رسماً به نایب السلطنه ابلاغ گردید • اینکه چگونه
ایالات مختلف افغانستان اداره شود مربوط به بصیرت لاردرلین گردید •

۱- - - Bukle کتاب مذکور ۶ ص ۵۱۹-۵۲۰

۲- همانجا •

۳- همانجا ص ۴۸۲ و نیز از Beaconsfield به ملکه ۲۳ اکتوبر ۱۸۷۹ •

۴- از Beaconsfield به ملکه ۲۳ اکتوبر ۱۸۷۹ •

۵- از یکنفر فیلد به ملکه ۵ دسمبر ۱۸۷۹ همانجا ص ۴۸۴-۴۸۵ •

عقیده داشتند که اومی تواند منافع روسای قبایل و مردم افغانستان را با شرایط ضروری حفظ و برقرار بامپراتوری انگلیسی درهند موافق بسازد (۱) در همین وقت به لارده سالزبری اختیار داده شد که باب مذاکرات را با ایران باز کند/ باشد که شاه تیمولدار مله گردد (۲) •

قبل از آنکه دولت هند سیاست آینده افغانستان را مورد مطالعه قرار دهد اظهار نظر قطعی نمود که فعالیت مطلق سیاسی تا اینکه به مقاومت افغان ها مقابل انگلیس در کابل خاتمه داده نشود و مملکت آرام نگردد نه مؤثر است نه بجا و مناسب • گفته می شد که بنابر عدم استقرار وقایع در افغانستان طرح سیاست آینده باید مبهم و نامعلوم باشد • بنابراین به اساسات عمومی مشغول شدند این اساسات می توانست به اثر تجربه و معلومات بعدی تغییر داده شود (۳)

عدم امکان تعامیت ارضی افغانستان تحت اثر يك رهنا اساسی نهایی تجدید تشکیلات سیاسی قرار گرفت • معذالك حکومت هند میخواست از سیاست الحاق ارضی و قبول مسوولیت اداری افغانستان خودداری نمایند توسعه مادی سرحد نظامی بانظر قرارداد خط گندمك در نظر گرفته نشده بود و راجع به هرات که از ساحه کنترل سیاسی و نظامی دور بود وایسرا خواهرش نمود که کابینه انگلیس ان منطقه را بایران بگذارد • ولی این نکته را لازمی می شمرد که سرحدات هرات با موافقه حکومت هند تعیین گردد • بقیه افغانستان بدو ایالت تقسیم گردد و از کابل

۱- اسوراق پارلمانی ۱۸۸۰ - افغانستان نمره ۱ (۲۴۵۷) ص ۱۶۸ •

۲- بیکنزفیلد به ملکه ۵ دسمبر ۱۸۷۹ Buckle کتاب مذکور ص ۴۸۹ •

۳- لوائح سری دفتر خارجه جنوری ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۵۵۶ •

وهرات اداره شود . لیکن اظہار نظر نمود کہ قندهار بحیث
ایالت جداگانه باید تحت اثر درانی های کہ با افغانستان
جنوبی متعلق باشد گذاشته شود (۱)

راجع بہ کابل لیکن نتوانست اظہار نظر کند زیرا
درانجا هنوز ہم عملیات نظامی در حوالی حصاران شہر ادامہ
داشت . معذاً لك عقیدہ داشت کہ عملیات نظامی
کابل باید ادامہ یابد تا اینکه مردم بہ مقاومت خود
مقابل قوای انگلیس خاتمہ دهند و مردم سرکشان بہ
قدرت نظامی انگلیس قانع گردند و بیہودگی مقاومت خود را درک کنند . او
توضیح داد کہ عقیدہ حکومت این است کہ سوءولیت اشغال افغانستان
را کمتر بسازد و ادارہ داخلی را بہ امیری کہ مطیع و متحد باشد
بگذارد . این امیر را پایگاہ قوی نظامی انگلیس کہ در جای مناسبی تاسیس
خواهد شد حفظ و کنترل خواهد نمود . راجع بہ ایالات رود امو عقیدہ داشت
کہ ہر نوع تصمیم باید بر اطلاعات بعدی در موضوع اوضاع آن جا و عملیات روسیہ
مبنی باشد و انہم بنظر او از طرف دولت علیا حضرت ملکہ ادارہ خواهد
گردید . راجع بہ وضع سہ ناحیہ ای کہ در قرار داد گندم
تعیین شدہ تخیری را پیشنہاد نکرد و گفتار خود را با این تذکرہ خاتمہ داد .

۱- لواحق سری دفتر خارجه دسمبر ۱۹۸۰ - نمره مراجعه ۳۲۹ و لواحق سری

دفتر خارجه جنوری ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۵۵۶

ترتیبات راجع به رات وقتند هار اگر لازم باشد می تواند بزودی اجراء گردد (۱)

در این ضمن دونالد استیوارت Donald Stewart به وزیر

خارجه اطلاع داد که شیر علی نایب الحکومه قند هار کا ملا حاضر است آن جارا تحت

شرایط حکومت هند اداره کند (۲) شیر علی عقیده داشت - و این عقیده راستیوارت نیز

تائید نمود که از استعفای امیر مردم قند هار حسن استقبال خواهد نمود (۳) بنابراین

حکومت آن ایالت به سردار گذاشته شد و ابلاغیه تقرر او در اواخر نومبر بر جمعیتی

از رؤسای غلزائی قرائت گردید (۴).

در همین وقت رونالد تامپسن باب مذاکره را با وزارت خارجه ایران مجدد

باز کرد . سفير انگلیس از وزارت خارجه نامه ای بدستخط شاه (۵) دریافت که در آن

به شکل موقتی اشغال هرات موافقه شده بود . حق حکومت انگلیس برای اعزام لشکر -

هنگام خطر قبول گردید . تنها تغییری که در این وقت رخ داد عبارت بود از این

شرط که وقتی خطر رفع شد لشکر هرات را ترك خواهد گفت . علاوه بر آن ایران قبول

کرد که هرگاه روسیه هرات را متصرف شود ایران از هرات بیرون خواهد رفت و به قرار

های ۱۸۵۷ بر خواهد گشت (۶) کابینه انگلیس پیشنهاد تامپسن را بایران مورد

۱- لواحق سري دفتر خارجه جنوري ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۵۵۶ .

۲- همانجا ص ۷۴ .

۳- لواحق سري دفتر خارجه نومبر ۱۸۷۴ نمره مراجعه ۳۱۲ .

۴- اوراق پارلمانی ۱۸۸۰ - افغانستان نمره (۱) ۴۵۷ (C) ص ۱۸۳-۸۴ .

۵- لواحق سري دفتر خارجه مانچ ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۰۸ .

۶- همانجا مانچ ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۱۳ .

بحث قرارداد و به بحث مجدد بر قرارداد ۱۸۵۷ نظر مساعد نشان داد (۱) مسوده
 قرارداد را شعبه خارجه انگلیس ترتیب داد . این مسوده را جهت اظهارنظر به
 تامپسن به ایران فرستادند (۲) .

تامپسن پس از تکه تخیراتی در مسوده قرارداد وزارت امور خارجه وارد کرد
 از طرف سالزیری مأمور گردید در پرتو مشاهدات خودش (۳) مسوده دیگری ترتیب
 دهد . یک نسخه این مسوده را جهت ملاحتاله به وایسرا فرستادند در مقدمه
 قرارداد مراتب تذیری از قرارداد گندم رفته بود مطابق آن قید گردید که
 علیا حضرت ملکه بر شهر و ایالت مرات بحیث جزئی از خاک افغانستان حقوق دارد .
 این حقوق را فعلاً مطابق قرارداد مجوزه ایران حمایت می کند (۴) . لار دلیتن
 باین قرار مخالف شد باین دلیل که این قرارداد اگر موثر تلقی گردد اشغال خارجی
 افغانستان را عوض اینکه جلوگیری کند تاهمین می نماید (۵) .

پس از تخیراتی که در مسوده قرارداد وارد گردید تامپسن انرا طی ملاقاتی
 که با وزیر خارجه ایران بعمل آورد به وی سپرد . این مسوده مشتمل بر
 پیشنهادات اتی بود :

- ۱- همانجا مانچ ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۰۳۰۹
- ۲- همانجا جولای ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۰۴۳
- ۳- لواحق سری شعبه خارجه مانچ ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۰۳۳۱
- ۴- کنذا
- ۵- لواحق سری دفتر خارجه مانچ ۱۸۸۰ نمره مراجعه

(۱) با وجود موادی که در قرارداد ۱۸۵۷ گنجانده شده است شاه

می تواند موئقتاً شهر و علاقه هرات را اشغال نماید و ملکه تا وقتی که شاه مورد اعتماد او باشد و متحد و وفادار ثابت گردد از حقوق خود در این موضوع چشم خواهد پوشید *

(۲) ملکه حق خواهد داشت نماینده سیاسی در هرات مقیم سازد مستحفظین

کافی با این نماینده سیاسی همراه خواهد بود *

(۳) عده ای از افسران انگلیسی ممکن است از طرف ملکه اعزام گردد * این عده

را هر وقت ملکه لازم ببیند می فرستد * کار آنها عبارت است از کمک به فرماندهی نظامی محل در تهیه عساکر و در صورت لزوم در ساختمان استحکامات *

(۴) هرگاه ملکه هرات را در خطر ببیند می تواند آنها را با قوای خود اشغال نماید *

(۵) به نماینده یا افسر سیاسی غیر از انگلیس اجازه داده نخواهد شد که به شهر یا علاقه هرات داخل گردد *

(۶) اگر بنا باشد که در آینده هرات به شاه گذاشته شود شهر فراه و علاقه

آن باید از این امر مستثنی باشد *

(۷) شاه باید متقبل شود که تحمیل مالیه بر هرات و علاقه آن به موافقه

ملکه صورت خواهد گرفت * در مبلغی که باین ترتیب تعیین میگردد نباید تزئید بعمل

آید و مبلغ لازم که برای مصارف اداری و غیره جدا می شود باید طرف اعلیٰ حضرتین

تعیین گردد * علاوه بر آن اگر قطار آهن یا تلگراف یا یکی از آنها تا قندهار

ساخته شود شاه بخواهر ملکه تسهیلاتی برای تمدید آن به تمام وسایلی که با اختیار

دارد به هرات فراهم خواهد کرد و حتی الوسع از مازاد مالیات هرات در آن سهم

خواهد گردید *

(۸) شاه با ملکه قراردادی برای فراهم کردن وسایل رابطه تجارتي بین

مملکتین منعقد خواهد نمود (۱) *

وزیر خارجه ایران با رونالد تامپسن در اطراف شرایط قرارداد هرات مفصلاً مذاکره نمود و بر ماده اول و چهارم و مخصوصاً هفت اعتراض کرد * او میگفت در آن قسمت این ماده که میگوید : «ملکه تا وقتی که شاه مورد اعتماد او باشد و متحد وفادار ثابت گردد از حقوق خود در این موضوع چشم خواهد پوشید» باید فقره‌ای علاوه گردد و در آن حدود مسئولیت شاه راجع به هرات تعیین شود * در غیران صورت اگر شاه در بعضی از موضوعاتی که به شرایط این قرارداد مربوط نباشد برخلاف خواسته های دولت علیا حضرت عمل کند اخیر الذکر گمان نماید که اول الذکر بحیث متحد وفادار ^{عمل} ننموده است و بنابراین او را مجبور نماید که از هرات بیرون برود * راجع به ماده ۲ قرار دیگری پیشنهاد گردید و آن اینکه وقتی خطری که در آن جاذب گردیده است بتکدر قوای انگلیس از هرات بیرون خواهد رفت * وزیر خارجه ایران علاوه بر این اصرار داشت که ماده هفت از قرارداد هرات باید حذف شود * اما چون قرارداد تصویب شده بود بالاخره فتره مربوط به قطار آهن هندوستان - هرات را قبول کرد و سه شرایط مربوطه و وضع مالیات اعتراض نمود (۲) *

پس از آنکه بحث کامل در اطراف متن انگلیسی قرارداد هرات بعمل آمد مسوده فارسی آن بامر شاه تهیه گردید و در آن تعهداتی که باید در قرارداد گنجانده می شد پیشنهاد گردید (۳) به قرار گفته تامپسن این پیشنهاد و از پیشنهادات انگلیس بسیار

۱- لواحق سری دفتر خارجه مای ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۳۱ و همانجا دسمبر ۱۸۸۰ نمره

مراجعه ۳۴۹ *

۲- لواحق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۴۳ *

۳- لواحق سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۷۳ *

فرق نداشت و تاحدی در پرتو اعتراضاتی که وزیر خارجه ایران نموده بود انرا تغییر داده بودند ولی ماده ۷ جهت فراهم کردن تسهیلات برای تجارت انگلیس انعقاد قرارداد تجارتی را ایجاب میکرد (۱).

تامپسن در ملاقات بعدی که با وزیر خارجه ایران بعمل آورد درك کرد که تنها مراعاتی که دولت ایران میخواهد در حق او بشود این است که دو فقره اول - ماده ۷ قرارداد حذف گردد . در عین حال اعتراض ایران را به سوده انگلیس به سالزبری ابلاغ نمود و عقیده خود را باین ترتیب اظهار داشت : در حالیکه به قرارهای دیگر ممکن است رسیدگی شود ماده ۷ را خوب است نگذاریم (۲). سالزبری طی جوابی نظر او را تائید نمود و اظهار عقیده کرد که تغییر ایران در ماده ۴ می تواند بدون خطر قبول گردد . در این جا تامپسن پس از آنکه راجع به دو فقره ماده هفت جدا اظهار نظر نموده بود پی برد که نظر قبلی خود را تغییر دهد . ضمن مکتوبی که بتاريخ ۲ فیبروری ۱۸۸۰ به سالزبری نوشت مطالبی را که مربوط به محقولیت علاوه کردن فقره در ماده ۷ بود مطرح کرد و نیز تقبل عینی مسوولیت مالیات هرات را خاطر نشان ساخت (۳) . لاردر سالزبری از اظهار نظر راجع باین موضوع خود داری نمود و به تامپسن هدایت داد که در زمینه طوریکه لازم می بیند اجراء کند (۴) .

۱ - لواحق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۴۳۰

۲ - همانجا .

۳ - همانجا .

۴ - همانجا .

در این وقت جاد در افغانستان صورت بسیار جدی بخود گرفته بود * علاوه بر تعلیمات مشی و ملا برای دیگر به قول رابرتس عوامل دیگری هم موجود بود که احساسات افغان ها را مقابل قوای انگلیس در کابل برانگیخت (۱) مهمترین این عامل احساسات ملی و عشق آزادی خود افغان ها است * علاوه بر این انتقال یعقوب خان وضع را بسیار خراب ساخته بود (۲) تقریباً در وقت حرکت یعقوب خان اشوب کابل بسیار وخیم شد * رابرتس عقیده داشت که برای قسمت بزرگ و مؤثر یافعی ها وضع بد امیر ماضی کافی بود لذا را علیه حکومت انگلیس برانگیزد (۳) عنم راسخ یافعی ها را مقابل لشکر انگلیس در کابل رابرتس در کتاب خود بنام "چهل و یک سال در هند" (۴) بیان کرده است * پس از جنگ به یار سخت و خسارات سنگین یافعی ها عقب زده شد و شیرپور و باره اشغال گردید و رابرتس از جنگ حوالی کابل بخدی بسته آمده بود که پس از پایان جنگ به کمال عجله به تعمیر سه حصار (۵) پرداخت یکی از آنها - حصار رابرتس - شیرپور را مقابل حملات آینده محفوظ ساخته بود *

رابرتس در حالیکه به فکر استقرار مجدد اوضاع افغانستان بود ولی محمد خان پروده انگلیس را جهت تأمین امنیت به ایالت دوردست ترکستان فرستاد * ولی وقتی اشوب در اطراف کابل برخاست با تغییر اوضاع فعلی مخالفت نمود * ولی محمد خان را برای تصفیه امور حوالی کابل نگه داشت و هاشم خان را نایب الحکومه ترکستان مقرر نمود (۶)

۱- لواحق سری دفتر خارجه فیبروری ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۶۴ *

۲- همانجا *

۳- همانجا *

۴- ج ۲ فصل ۵۵ *

۵- رابرتس کتاب مذکور ج ۲ ص ۴۰ *

۶- لواحق سری دفتر خارجه ۱۸۷۹ نمره مراجعه ۱۲۹ و نیز اوراق لیثن لویج دفتر

کامبولت لیثن به کریستبروک ۱۰ نومبر ۱۸۷۹ *

اما هیچ یکه از این اقدامات بر جریان امور افغانستان موثر نبود • اعتماد رابرتس به وفاداری ولی محمد به حکومت انگلیس به تاریخ ۱۱ دسمبر متزلزل گردید • امروز پلان اقدام مقابل افغان های یافى به نسبت عدم وجود اطلاع کافی نتوانست صورت بگیرد تهیه این خبر ها را ولی محمد و رفقای او برعهده گرفته بودند (۱) پس وقتی سیاست تجزیه مورد قبول واقع شد و مسله پیدا کردن فرمانروایی لایق و مقتدری که بتواند کابل را اداره کند به میان آمد رابرتس دچار تردید بود • ولی محمد را - ضعیف پی وفا و حرص (۲) یافت • او نمی توانست بدون حمایت مطلق انگلیس خود را در کابل نگهدارد • تحت این شرایط رابرتس مناسب دید با پیشوایان دسته جدید باب مذاکره را باز کند این جمعیت در غزنی جمع شده بود • موسی خان وارث جوان سلطنت با ایشان بود (۳) در این وقت از طرف روسای قبایل دو پیام باورسید و در هر دو آنها تقاضا شده بود که امیر ماضی یعقوب خان را به حال اول برگرداند ولی لارڈ لیتن تصمیم گرفته بود که بازگشت یعقوب خان را موافقت نکند • چون سردار دیگری نبود که بتواند جای شیرعلی را بگیرد رابرتس فیصله کرد از ولی محمد بحدیث چاره موثقی استفاده کند (۴) این ترتیب را نایب السلطنه تأیید نمود اما ترتیب مزبور البته موثقی بود نه اینکه توافق دایمی سیاسی باشد که بعد از این در کابل بعمل میاید (۵)

۱ - رابرتس کتاب مذکور ج ۲ ص ۲۷۹ •

۲ - لواحق سري دفتر خارجه اپريل ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۲۹۰ •

۳ - رابرتس کتاب مذکور ج ۲ ص ۳۱۳ - ۱۴ •

۴ - لواحق سري دفتر خارجه جنوري ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۵۳۲ •

۵ - لواحق سري دفتر خارجه جنوري ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۵۳۴ •

رابرتس مستوفی را مؤسسه ساخت به غرضی برود باین امید که شاید او بتواند پیشوایان را مجبور کند پیشنهاد مناسبی برای تأسیس یک حکومت در مملکت بنمایند (۱) ولی حبیب الله خان خود شرعیده داشت که بهترین راه حل مسئله افغان آوردن دوباره یعقوب خان است (۲) ولی لارڈ لیتن در تصمیمش قائم بود که یعقوب خان نباید دوباره امیر شود و در توضیح علل این تصمیم به لارڈ گرین بروک پس از بیان خلاف رفتاری های یعقوب خان پرسید آیا پس از آنکه او بینیم او فعلاً جز زندانی در میرت پیش نیست اگر دوباره او را با فغانستان برگردانیم راضی می شود به شرایطی که منی بر تجزیه مملکت اوست و گنج از ایالات او را به رقیب دیرین و مغرور او ایرا هدیه می دهد ؟ تن در دهد (۳) بنابراین از رابرتس خواهر شد در کابل اعلان کند که استعفای امیر یعقوب خان تخییر ناپذیر است و افغان ها نباید منتظر باشند دوباره بر سر اقتدار آید (۴)

دو عضو کونسل استرانیة لارڈ لیتن الیکزدر اربوت نات Alexander Arbuthnot و مستر وایتلی ستوکس Mr. Whitely Stokes باین تصمیم که استعفای یعقوب خان تخییر ناپذیر است اختلاف عقیده داشتند . اختلاف عقیده اربوت نات بر زمینه های وسیع سیاست بنا داشت در حالیکه ستوکس به فیصله اکثریت کونسل وایسرا اعتراضات تخنیکی وارد نمود

۱- رابرتس کتاب مذکور ج ۲ ص ۳۱۴-۱۵۰

۲- لواحق سری دفتر خارجه فبروري ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۷۹۰

۳- لیتن به گرینبروک ۲۰ جنوري ۱۸۸۰ بلقور کتاب مذکور ص ۳۹۹

۴- لواحق سری دفتر خارجه فبروري ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۶۹۰

سرالکراندر فیصله کمیته تاسمن را برای اینکه بدولت هند حق بدهد یعقوبخان را از تخت کابل دور نموده/ افغانستان بیرون کند کافی نمیدانست. * لار بوتلات استدلال میکرد که سحره برای یافتن فرمانروایی در افغانستان که قابل اعتماد باشد و در سیاست خارجی یا موضوعات دیگر از طرف دولت انگلیس هدایت شود کاری است بیهوده مگر انگیزه اینکه/ قوی و ساده مقام شخصی او را با ما متحد بسازد. * اعتراض مهم دیگر به نفی یعقوبخان از تخت اشکالی بود که ممکن بود به دور کردن دایمی او از سلطنت رخ دهد. * اگر یعقوبخان نتواند دوباره پادشاه افغانستان شود و به وطن خود برگردد باید او را در هند بحیث محبوس دولتی نگهدارند و آن کاری است که مقاومت افغانها را مقابل دولت انگلیس شدیدتر می سازد و ممکن است باعث رنجش مسلمان های هندوستان نیز شود. * اربوتلات میدانست که تصمیم تازه تجزیه افغانستان برای رویکار آوردن - یعقوبخان روی تخت فرمانروایی سرزمین کوچکی تحت اداره حکومت کابل باقی می ماند مانع بزرگی شمرده می شود - ازین جهت وی جدا شدن قندهار را وقتی ایمن موضوع تحت مآلعه حکومت هند بود صلاح نمیدانست (۱).

در تخمین اداره یعقوبخان سرالکراندر از تاریخ گذشته مسله افغان فافل نبود - اخطارهای متواتری که راجع به اعتماد به نماینده سیاسی انگلیس در کابل رسید نفرتی که افغانها در مقابل انگلیسها داشتند و مشکلاتی که ممکن بود امیر یعقوبخان در صورت اقامت نماینده سیاسی انگلیس بان مواجه شود همه مطالبی بود که سرالکراندر از ان اطلاع داشت و همیشه مد نظر او بود. * بالاخره باین نتیجه رسید که دلیلی برای جرم یعقوبخان وجود ندارد. * شاید رویه او انسان را باین فکر - بیاندازد که امیر با احتمال به خطر جان خویش در نگهبانی نمایندگان سیاسی

ناخواسته بی تمس کرده است ولی این مطلب این معنی را نمیدهد که مودی که چند سال قبل به شجاعت و صانیت شهرت داشته نتواند قدرت خود را وقتاً مامورین سیاسی انگلیس بهم مزاحم او نباشد حفظ کند

واتیل، ستوکس Whitely Stokes به نظریه کمیته تاپسن راجع

باینکه افسران بازجویی که در تول وارسی به ورقه استشهاد بودند به تحقیقات قضایی اشنایی نداشته اند و بنا بر این از شواهد یک مقابل تاپسن و همکاران را گذارند تاپسن و همکاران او بی درانستند 'سفتاجی' بنمایند که دولت بتواند با اطمینان خاطر روی ان اجراءات کند • بنظر ستوکس و تقصص صریح در روش وارسی کمیته مذکور بینه ورقه های استشهاد که تاپسن و همکاران او رجوع نکردند عبارت بود از: (۱) تعصب بسیار قوی و غیر قانونی افسران در مقابل امیر (۲) اینکه هیچ یک از ورقه های استشهاد بر اساس قسم ترتیب نیافته بود • نتیجه ان این شد که شواهد جرم یا براءت یعقوب خان بحدی میرقابل اعتماد بود که در برابر برگرداندن او به سلطنت نتوانست خفیف ترین اثر داشته باشد • برگرداندن او به سلطنت به قول ستوکس خواه صلاح باشد خواه نباشد مانیاد برین اعتنایی او به کشتار یا عدم او به تعهد اثر در حمایت سفارت اعتماد داشته باشیم • (۱)

لار دلیش قبل از آنکه به اعتراف همکاران خود جواب دهد موضوع را به مدعی العموم G.C. Paul مشاور حقوق حکومت هند محول کرد • مینوت نظریه مدعی العموم جواب اعتراضات ستوکس شمرده میشد • پال میگوید: تحقیقاتی که ورقه های استشهاد بر اساس آن در کابل ترتیب یافت تحقیقات قضایی نبود و بنا بر ان نباید تحقیق قضایی شمرده شود • دلایل کافی موجود نیست برای اینکه حکومت

هند تحقیقاتی را بلند تراز آنچه که در مواد تعلیماتنامه ۳، ۱۸۱۸ (مربوط
توقیف محبوسین دولتی) آمده دایر کند. راجع به فصل ۴، (۱) قانون سوگند هند
مربوط ۱۸۷۳ مدعی العموم استدلال میکرد و کلاهی که در کابل مقرر شدند قانوناً
حق اجرای سوگند را نداشتند. علاوه بر این فصل ۱۳ قانون نامه ۱۸۷۳ میگوید:
غفلت از قسم یا تصدیق جریان محکمه را باطل و شاهد را رد نمیکند. بنابراین نمی
توانیم اعتراض کنیم که سوگند یا تصدیق در ترتیب ورقه های استشهاد کابل وجود
نداشته. کمیته به قول تامپسن مشتمل بود بر تامپسن، لسیال، فیتز پتریک. این ها
شواهد را ارزیابی کردند و به نتایجی رسیدند و به اتکالی آنها دلایل خود را نوشتند.
به همین ترتیب اشخاص دیگری که بخواهند نظریه قائم نمایند می توانند همین کار را
بکنند. اگرچه با بکار بردن ترتیبات بهتری می توانستند روایت واضحتر و صریحتری ترتیب
کنند. عدم وجود چنین ترتیبی در کابل دلیل این نیست که از مطالعه پارسیدگی
به اوراق موجود خود داری^{شود} یا وجود آنکه ماده ۱۳ قانون سوگند هند یا تایید را در
جریان محکمه لازمی نمی شمارد - Sir Fredrick Roderts، اگر
میخواست می توانست به صلاحیت خود بحیث فرمانده قوای کابل قسم یا تایید را -
مطابق به فصل ۴ (ب) قانون ۱۸۷۳ - اراکند: و آن حقیقی بود که در مینوت
مدعی العموم دانشمند به وضاحت دیده شد. علاوه بر این همین حقیقت که صورت
مجلس کمیسون مک گرگور در کابل تحقیق قضایی نبود واضح می سازد که یعقوب خان
بر اساس ادعای موجه نما که شواهد کافی هم برای آن موجود نبود تحت نظارت به
هند آورده شد و مطابق تعلیماتنامه ۳، ۱۸۱۸ محبوس دولتی ساخته شد. اما
روح سوال این جا است که آیا فرمانده خارجی که در مسله استعفی او اصلاح تحقیق
رسی نشده است می تواند به هند آورده شود و مطابق قانونی که راجعه تبعه هندی
است و در مورد اشخاصی بکار میرود که راجع بانها شواهدی موجود نیست که بتواند

محکمه حقوق را دایر کده زندانی شود . هذا لك استدلال مدعي الصوم بحدي
 قانع کننده وقوي بنظر امد که نایب السلطنه در مطالعه نکات اختلاف نظر واتیلی
 ستو کبر نظر شخصی خود را نگفت و به نظر C. C. Paul که در مینوت
 جواب همکاران او موجود بود اشاره کرد . (۱)

راجع به اختلاف نظر الکرا ندر اربو تنات لیتن می گفت که : حقیقتی است
 صریح که یعقوب خان تعددات خود را راجع به حمایت نمایندگی سیاسی انگلیس
 در پایتخت خود شرفش کرده است . وان مخالف است باینکه یعقوب خان را بعد از
 این متحد انگلیس بدانیم و این تنها صحتی است که به اتکای آن مشارالیه می تواند
 بکابل برگردد . برگرداندن یعقوب خان بر تخت کابل مطابق خواست مردم کابل
 و سردارهای افغان این معنی را خواهد داد که کشتار کابل ارزشی واقعی ندارد .
 وان مقدمه جراتی می نظیر این کشتار میگردد .

لیتن میگفت از طرف دیگر نه می توانیم این حقیقت را نادیده بگیریم که سیاستی
 را که دولت هند برای روابط آینده خود با افغانستان اتخاذ نمود و دولت علیاحضرت
 در مرکز آنرا تأیید کرد مبنی بود بر تجزیه سلطنتی که شیرعلیخان آنرا برای
 یعقوب خان بآتش گذاشته بود . ترتیبات مقدماتی برای تشکیل این دو حکومت
 در دو ایالت مهم افغانه تان تحت فرمانروای جداگانه گرفته شده است . رویکار
 کردن یعقوب خان بنا بر این غیر ممکن می شود و اگر ممکن باشد بدون تغییر شرایط
 با ایران و تعددات معتده با فرمانروای فعلی قندهار میسر نیست . باین ترتیب
 کاری جز این نه می توانیم بکنیم که امیر تاجی را روی تخت ایالت کوچک شده و نسبتاً
 کم اهمیت بیاریم . درست معلوم نیست یعقوب خان بخواهد با چنین شرایطی روی

چنین تختی بیاید . و اگر چنین ارزی هم داشته باشد با اشخاصی که این روز را

نصیب او ساخته روابط دوستانه نخواهد داشت (۱)

لین بالا خره اظهار داشت که مطالعه این مطلب که بازگشت یعقوب خان
به افغانستان تا چه حدی می تواند به امنیت دایمی افغانستان مفید ثابت شود از
مطالب مهم بحساب میاید . " با بازگشت او به کابل بحیث فرمانروای سلطنت
تجزیه شده و قار او از بین میرود و نزد پیروان بیچاره و مصیبت زد هجر سمبول فلاکت
و حقارت چیز دیگری نخواهد بود " . و نیز مشارالیه علاوه نمود که با چنین وضعی
امیر مشکل است بتواند بدون کمک مادی انگلیس قدرت خود را حفظ کند . و اگر
با آن وضع بتواند آن قدرت را نگهدارد ممکن است با تکیه احساسات جنون آمیز
و متخاصم پیروان و هموطنان او باشد . به هر صورت روی کار کردن مجدد امیری که
سلطنت تمام افغانستان را بارث برده است و این سلطنت را قبل از استعفی با اختیار
داشته و دولت انگلیس و رعایای امیر او را وارث واقعی سلطنت پنداشته برای دوام و ثبات
ترتیباتی در قندهار و هرات گرفته می شود ، خالی از خطر نیست . خطر محقق و بجایی
که از این اقدام متوجه شیرعلی و ایران بود نزد لارڈ لیتن بزرگترین دلیل علیه روی کار
کردن مجدد یعقوب خان شمرده می شد . او گمان میکرد افغان ها این کار را اعلامت
تزیب انگلیس ها خواهند دانست و این فکر خواهند افتاد که همین سیاستی که
یعقوب خان را از وضع فرار روی تخت افغانستان آورده است ممکن است يك قدم
به عقب برود و ایالاتی را که از قلمرو او به نسبت تخلاف رفتاری اش جدا کرده است
دوباره باو بر گرداند (۲)

۱. لواحق سري دفتر خارجه فيبروري ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۷۱ - A

۲. همانجا .

بحث روی استدلال های قبل الذکر لاردر لیتن بیجا است . در مینوت واتیلی ستوکس مطلبی موجود نیست که رویکار کردن مجدد یعقوب خان را به قسمتی از سرزمین خودش برساند . الکزندرا پوت نات از طرف دیگر صریحاً با سیاست تجزیه افغانستان مخالفت میکرد . او نتیجه ای را که از کیسون تامپسن گرفته شده بود برای دور کردن یعقوب خان از تخت افغانستان کافی نمیدانست و صریحاً تقاضا داشت که امیر ماضی دوباره به مملکتش برگردانده شود . واد شاه تمام افغانستان ساخته شود . لاردر لیتن وقتی استدلال میداد که اگر پسر شیر علی خان به قسمتی از قلمرو مملکتش برگردانده واد شاه ساخته شود در افغانستان مشکلات تولید میگردد مطلبی را ادعا کرده است که واقعیت آن ثابت نشده . حقیقت امر این است که وقتی لیتن اجازه اجرای نقشه های مرفوب خودش را بگیرد برای او آسان است که یعقوب خان را از سلطنت دور نماید . سیاست لاردر لیتن در حقیقت با رویکار کردن مجدد امیری که سلطنت کامل افغانستان را بارش برده است و قبل از استخفی آنرا بدست داشته مخالف بود .

دور کردن یعقوب خان از تخت سلطنت آسان بود ولی پیدا کردن امیری که قدرت نگهداری تخت کابل را داشته باشد کاری بود مشکل ولی محمد مودی بود ضعیف و تقریباً بی نهایت حکومت کابل امری موقت .

لاردر لیتن میخواست اشغال نظامی افغانستان شمالی را خاتمه دهد و برای این کار به سراغ مودی میبرد که بتواند جانشین ^{ولی محمد} گردد . در این ضمن تصمیم گرفت لیبیل گریفن سکرتری پنجاب را برای یافتن راه حل

Lepe1 Griffin

به افغانستان شمالی اعزام دارد (۱)

هنگام ورود به کابل از گرفتن خواهرش شد نکات اساسی سیاست انگلیس را اعلام نماید .
 • این نکات عبارت بود از: ۱ - امیر ماضی دوباره نخواهد آمد
 ۲ - افغانستان شمالی بطور دائم از افغانستان شمال غربی جدا خواهد شد .
 ۳ - اخیر الذکر بطور دائم ملحق یا اشغال نخواهد گردید ۴ - حکومت انگلیس از روز منتهی هر فرمانروایی را (غیر از یعقوب خان) که افغانها بخواهند و تقویه کنند برای احیای مجدد افغانستان و تخلیه قوای انگلیس از آن مملکت قبول نماید (۱) .

درست وقتی که لاردرلین راجع به آینده افغانستان شمالی فکر میکرد خبر رسید که عبدالرحمن خان برادرزاده و رقیب شکست خورده شیرعلیخان از امو عبور نموده و غوری را متصرف شده است و سلطان مراد خان با و پیوسته و لشکری را که فلام خیدرخان مقابل او فرستاده با و ملحق گردیده است (۲) عبدالرحمن پس از شکست در جنگهای داخلی که پس از مرگ دوست محمد در ۱۸۶۳ به وقوع پیوست به یکی از علاقه های روسیه پناه برد . در آن جا به مدد معاش روسیه امرار حیات میکرد و ناظر وقایع افغانستان بود . پس از آنکه تخت افغانستان باثر استعفیای یعقوب خان خالی ماند عبدالرحمن موقع را برای بدست آوردن سلطنت افغانستان مناسب دانست . بنا بر آن عبور از امور برای اینکه خود را به سلطنت افغانستان کاندید کند در موقع بسیار مناسبی صورت گرفت .

۱- کذا .

۲- اوراق پارلمانی ، ۱۸۸۱ ، افغانستان ، نمره ۱ (۲۷۷۶ C)

نظریه کنار آمدن با امیر عبدالرحمن به وسیله St , John

که در آن وقت در کلکته مشغول بحث در اطراف امور قند هار بود به میان آمد .
 ولارد لیتن که نظریه مزبور را مفید میدانست تصمیم گرفت انرا عملی کند بتاريخ
 ۶ مای به گرفتن به کابل نوشت که ظنور عبدالرحمن خان تاثير عملی بسیار مهم
 بر صورت حل قبلی مسله افغان دارد (۱) و نیز علاوه نمود تمام صفات امیر را که
 سلطنت باید با و منتقل گردد دارد . و باروی کار آمدن او بالاخره می توانیم لشکر
 انگلیس را از آن مملکت بیرون بیاوریم . بنابراین تصمیم گرفت که بمجودی که سردار
 با فغانستان (۲) میرسد پیام های اشی امیزی از کابل و قند هار بار ابلاغ گردد .
 ولارد لیتن از حکومت مرکزی اجازه خواست که عبدالرحمن خان بحیث وارث قانونی
 دوست محمد (۳) بر سمیت شناخته شود . و این بنظر او تنها راهی بود که می توانست
 این مملکت را از انارشی (۴) نجات دهد . وزیر خارجه اجازه الانم را بتاريخ
 ۱۵ مای ۱۸۸۰ (۵) اعطا کرد ولیپل گرفتن هنگام ورود به کابل بروز ۱۹ (۶) ماه
 مذکور به فکر حل دائمی مسله افغان افتاد .

دیوئی نگذشت که اثر ناراحتی کابل در قند هار محسوس گردید . اجتماعات
 تحریک امیزی در مساجد صورت گرفت . این اوضاع برای سردار شیر علیخان
 اعلام خارج گرد . استیوارت بنابراین لازم دید که از سیاست انگلیس به قند هار

۱- بلفور کتاب مزبور ص ۴۱۲ .

۲- کنذا .

۳- اوراق پارلانی ۱۸۸۱/۲ - افغانستان نمره ۱ (۲۷۷۶) ص ۹ .

۴- همانجا .

۵- همانجا .

۶- لواحق سری دفتر خارجه ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۲۶۰ .

اطمینان دهد و از طرف خود پیشنهاد کرد که بهتر است قندهار را از ایالات دیگر افغانستان جدا کنند و تحت فرمانروایی دایی ارش او بگذارند (۱) این نظر را -
 نایب السلطنه تأیید نمود و بوسیله Gen. Stewart بشیرعلی ابلاغ
 گردید . اندکی بعد کرنل سنت جان نیز آنرا تأیید نمود . اخیر الذکر بسمه
 سردار مکتوبی از طرف واسرا داد که در آن ابلاغ شده بود :

« علیا حضرت امپراطور خرسند است از اینکه سردار را فرمانروایی مستقل قندهار
 بشناسد (۲) »

راجع به تخیراتی که ایران میخواست در مسوده قرار داد وارد کند رونالد -
 تامپسن با وجود آنکه اختیارات کافی باو داده شده بود نتوانست
 امیدی به شاه بدهد (۳) او تنها و قشرا میگذرانید ظاهراً باین امید که شاید
 با وزیر خارجه ایران قراری گذاشته شود . اما در این ضمن مخالفت شدیدی در کابینه
 شاه علیه قرار داد مجوزه موجود بود . ناصرالدین آنرا به انجمن دوازده عضوی
 سپرد و در این انجمن مناقشات شدیدی راجع به مواد مسوده گرفت . در این انجمن
 اختلاف نظر وجود داشت هشت نفر آن یک طرف و چهار نفر دیگر طرف دیگر بودند
 اکثریت به اشغال هرات راضی نبود باین دلیل که این اشغال پر مصرف خواهد بود
 و واگذاری آن چادر اصل قرار داد یقینی نیست (۴)

۱- اوراق پارلمانی ۱۸۸۱ - افغانستان نمره ۱ (۲۷۲۳ C) ص ۱۰۱

۲- همانجا .

۳- لواحق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۴۳ .

۴- لواحق سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۷۴ .

تغیر فوری در مذاکرات ترتیبات قبلی را کاملاً * تغییر داد و سفیر انگلیس در تهران آنرا به فشار روسیه نسبت داد (۱) حدسی که با افکار مکرر ایرانیان تقیض بود (۲) * به گمان اینکه ممکن است مذاکرات از راه تأمین بجای نرسید فشار آورده شد که ایران درباره آن تصمیم فوری بگیرد در اواسط فبروری نامه بدون امضاء از پادشاه ایران رسید که در آن صریحاً اظهار شده بود که دولت ایران مناسب نمیداند سیاست هرات را بر اساس اشغال احتمالی آن جا قبول کند (۳) *

خواه تصمیم شاه بواسطه رفتاری کابینه هدایت می شد خواه نمی شد جرایم هندی آن وقت سیاست ایران را راجع به هرات شدیداً انتقاد نمودند بیست و ناصردین شاه اخطار داده شد که هرگاه در مقابل همسایه شمالی خود روسیه با انگلیس متحد گردد عوض اینکه منفعتی نصیب او شود خساره مند خواهد شد (۴) در این وقت شاه از پایتخت برای یک هفته یاده (۵) روز بیرون رفت و امکان آغاز مجدد مذاکرات تا اواخر فبروری غیر متصور بود *

تا آن وقت وزارت خارجه در انگلستان برخورد سردی را در پیش گرفت * علاقه زیاد به ادامه مذاکرات نشان نداد * تا اوایل مانج اوضاع همه تغیر کرده بود

۱- لواحق سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۷۳ *

۲- همانجا جولای ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۴۳ *

۳- همانجا مانج ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۴۷ *

۴- - - - - The Friend Of India ۱۸ فبروری ۱۸۸۰ *

۵- لواحق سری دفتر خارجه مانج ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۴۷ *

the following is a summary of the results of the
analysis of the data collected from the
survey of the population of the city.

The first result is that the majority of the
population of the city is of the age group
of 18 to 25 years. This is due to the fact
that the city is a young city and has a
high birth rate. The second result is that
the majority of the population of the city is
of the race of the white race. This is due to
the fact that the city is a white city and
has a high birth rate. The third result is
that the majority of the population of the
city is of the religion of the Christian
religion. This is due to the fact that the
city is a Christian city and has a high
birth rate. The fourth result is that the
majority of the population of the city is
of the sex of the male sex. This is due to
the fact that the city is a male city and
has a high birth rate.

The fifth result is that the majority of the
population of the city is of the income
group of the low income group. This is due
to the fact that the city is a low income
city and has a high birth rate. The sixth
result is that the majority of the population
of the city is of the education level of the
low education level. This is due to the fact
that the city is a low education city and
has a high birth rate. The seventh result
is that the majority of the population of the
city is of the occupation of the low
occupation. This is due to the fact that the
city is a low occupation city and has a high
birth rate.

The eighth result is that the majority of the
population of the city is of the marital
status of the single marital status. This is
due to the fact that the city is a single
marital status city and has a high birth
rate. The ninth result is that the majority
of the population of the city is of the
marital status of the married marital status.
This is due to the fact that the city is a
married marital status city and has a high
birth rate.

The tenth result is that the majority of the
population of the city is of the marital
status of the divorced marital status. This
is due to the fact that the city is a
divorced marital status city and has a high
birth rate. The eleventh result is that the
majority of the population of the city is of
the marital status of the widowed marital
status. This is due to the fact that the city
is a widowed marital status city and has a
high birth rate.

The twelfth result is that the majority of the
population of the city is of the marital
status of the remarried marital status. This
is due to the fact that the city is a
remarried marital status city and has a high
birth rate.

لارډ ليتن به نايب السلطنه جديد اصرار داشت که به قولش باور کند و بداند که دست يعقوب خان به خون کيوناړي معصوم و همکاران دلير او الوده است. ايسن گفته علاوه نمود که بحيث دوست شخصي مقتول را بايد به مخالفت خود از مجلسي که منظور ان روئکار آوردن مجدد يعقوب خان / يا عفو او از کشتار نمايندگان سياسي باشد ادامه دهد.

فصل چهارم

مذاکرات با عبدالرحمن خان

پس از آنکه لارډ ليتن از حکومت مرکزی اجازه یافت با امير عبدالرحمن کنار
بیاید به جنرال ستیوارت و لیبل گرفتن هدایت داد باب مذاکره (۱) را با امیر
مزیور بازگذاشت * نایب السلطنه میخواست قوای انگلیس را قبل از ماه اکتبر از افغانستان
بیرون ببرد و در همین حال بهترین ترتیبات سیاسی را که تحت شرایط عصر میسر
است اتخاذ نماید * توسعه ارضی با نظریه خطی که در قرارداد گذاشته تعیین
شده بود در نظر نبود ولی لارډ ليتن اصرار داشت که لازم است انگلیس ها
قوای در قندهار داشته باشند * اساسی که سیاست آینده افغانستان در نظر
بود مبنی باشد عبارت بود از تجزیه آن مملکت به سه ایالت جدا یا بیشتر (۲)

برای اینکه اخراج لشکر انگلیس از افغانستان شمالی بزودی عملی شده
بتواند باید امیری برای کابل بیا بند (۳) * بنابراین ستیوارت قصدی را با
پیام شفاهی نزد عبدالرحمن خان فرستاد و باو پیام داد که اگر سردار بخواهد

۱ - با تصویب مکاتبه با عبدالرحمن خان حکومت هند فیصله کرد که این مکاتبه نباید
شکل مذاکره را برای تعیین شرایط یا بحث در اطراف یک قرارداد داشته باشد
همچنانکه بعد از این خواهم دید این هدایات بدقت محدود شده بود و عبارت بود
از یک پیشنهاد و دعوت بدون شرط *

۲ - یادداشت به لیبل گرفتن مانع ۱۸۸۰ بلفور کتاب مذکور ص ۴۰۳-۸ *

۳ - یادداشت ليتن ۳۰ مانع ۱۸۸۰ - اوراق پارلمانی ۱۸۸۰ - افغانستان ۱

بکابل برگردد نباید فرصت را از دست دهد و بزودی ممکنه ارزوی خود را با اطلاع جنرال رابرتس برساند (۱) لیلل گرفتن معذالك پس از ورود خود بکابل با بعضی از سردار های بزرگ و رؤسای قبایل ملاقات بود منظور او این کار بود که نظر عمومی راجعه وضع پایتخت افغانستان پیدا کند . پس از ملاقات باین اشخاص حس کرد که بین مدعیان (۲) تخت شمال افغانستان هیچ کس نمیتواند با عبد الرحمن خان مقایسه شود . از رفا و نماینده گان سردار مذکور تحقیق نمود که سردار به حکومت انگلیس علاقه دارد و حاضر است به پیشنهاد آنها جواب مساعد بدهد (۳) .

برای افاز مذاکرات مقدّماتی با امیر عبد الرحمن خان لیلل گرفتن محمد سرور خان غلزی را که پدرش از خدام معتمد سردار افضل خان بود انتخاب نمود (۴) نمایند ه مزبور بتاريخ ۲ - اپریل از کابل حرکت کرد و بروز ۱۰ ماه مذکور به قندز شهری که عبد الرحمن خان در آن استراحت داشت رسید . سردار از وحسن استقبال نمود و علاقه خود را بدوستی انگلیس ها اظهار داشت . عبد الرحمن به سرور خان تذکر داد که ملاقاتی بین او و افسران انگلیس برای حل مسایل جانبین ممکن است در چار یکبار صورت گیرد و اگر این تجویز مورد قبول واقع شود ولی محمد و هاشم خان که در آن وقت بر سر اقتدار بودند باید به منظور صلح کتار بروند و نیز علاوه نمود که از دوازده سال

۱- لواحق سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۴۱۱ .

۲- لیلل گرفتن عقیده داشت که مشکلات افغانستان بیشتر معلول دسیسه های بوده

است که از طرف این سردار ها برپا میشد . او نام عده ای را ذکر کرد که برای تخت افغانستان باید نام آنها ذکر گردد این اشخاص عبارت اند از: ولی محمد خان ، ابراهیم خان (پسر امیر شیرعلی خان از زن محمد زایی او) محمد هاشم خان (برادرزاده شیرعلی عبد الله خان (نوه سردار مقتدر بارکزی محمد هظیم خان) ایوب خان (برادر کوچک امیر ماضی یعقوب خان و نایب الحکومه درات) و محمد موسی خان (پسر بزرگ امیر مخلوع یعقوب خان)

۳- لواحق سری دفتر خارجه اپریل ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۲۶۰ .

۴- همانجا افضل خان پدر عبد الرحمن خان است .

باینطرف مهمان روسیه بوده است و بنا بر آن حکومت انگلیس نباید شرایطی را بر او تحمیل نماید که روابط او را با روسیه خراب سازد (۱) *

عبدالرحمن خان برنامه شخصی که به لیپل گرفتن نوشت و آنرا به سرور خان سپرد از روی خود را برای صلح با انگلیس تکرار نمود و علاوه کرد وقتی امپراطوری انگلیس و روسیه وجود داشته باشد تحت حمایت آنها هموطنان او در صلح و آرامی بسر خواهند بود * اخیر موصوف اظهار نمود که افغانها نمی توانند با این امپراطوری های قوی - بجنگند و او بنا بر آن امیدوار است که با کمک و همکاری دولت انگلیس بتواند صلح و امنیت را در افغانستان تأمین کند (۲) *

سرور هنگام مراجعت به کابل رویداد و ملاقاتش را با میر عبدالرحمن خان نوشته بود * این نوشته برای از روی خالص عبدالرحمن خان به مصالحه با انگلیس سند بسیار خوبی شمرده می شود و نشان می دهد که کومک روسیه وقتی عبدالرحمن خان سرزمین آنها را ترک گفت بسیار ناچیز بود سرور خان به سختی زیر تأثیر خلوص عبدالرحمن خان در نیتش واقع شده بود * و پس از آنکه بکابل برگشت ادعا کرد : «جای شبه نیست که قلب و روح عبدالرحمن خان دوستی با انگلیس را می خواهد (۳) *

در همین وقت ها مکاتیبی از میر عبدالرحمن خان که به عنوان بعضی از اشخاص در گوهستان و کوه دامن نوشته شده بود بدست گرفتن افتاد * محتویات یکی از این نامه ها

۱- بیانیه محمد سرور ۲۲ - اپریل ۱۸۸۰ لواحق سری دفتر خارجه جون ۱۸۸۰

نمره مراجعه ۲۴۵ *

۲- نامه موع ۱۵ - اپریل ۱۸۸۰ - اوراق پارلمانی ۱۸۸۰ - افغانستان نمره ۱

(۲۷۷۶) ۴۶ *

۳- لواحق سری دفتر خارجه جون ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۲۴۵ *

به مخالفت انگلیس بود و بر عکس نشان میداد که عبدالرحمن میخواهد با ایشان داخل مقدمه شود (۱) لیل گرفتن این مکاتیب را جهت مشوره به جنرال رابرتس فرستاد و با او در سفارش به وایسرای برای اعزام دو یاسه نفر نزد سردار اتفـاق نظر داشتند و از فرستادن این سه نفر این بود که تحت کابل را با شرایط دوستی به وی تقدیم کند . او اصرار داشت که ملاقات با عبدالرحمن خان حتی استو ممکن است این ملاقات در کابل یا چاریکار صورت بگیرد . و اگر سردار نخواهد با انگلیس کاریابد با دو باره به با میان فرستاده شود و بالاخره از ترستان افغانی تبعید گردد (۲) .

با وجود تذکر عبدالرحمن از حمایت با همی امپراطوری های انگلیس و روسیه لیل گرفتن با رابرتس اتفاق نظر داشت که روابط او با روسیه حق او را از تحت افغانستان شمالی سلب نمیکند . این مطلب حتی است که امیر مؤبور پس از آنکه مدت ها از روسیه مهمان نوازی دیده است باید بان مملکت روابط دوستانه نشان دهد . لیل گرفتن به هیچ صورت عقیده نداشت که عبدالرحمن خان با انگلیس احساسات خصمانه داشته باشد . جواب او به مکتوب گرفتن دوستانه بود و اگر به قول سرور خان بتوانیم باور کنیم عبدالرحمن به کاری که باو پیشنهاد شده بود بسیار اطمینان خاطر در هیچ يك از متحد المال و مکاتیب او مطلبی پیدا نمی شود که مستیما علیه انگلیس باشد در اکثر آنها سردار صریحا علاقه خود را به موافقت با دولت انگلیس نشان داده است (۳) .

۱- لواحق سري دفتر خارجه اپریل ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۲۹۲ .

۲- لواحق سري دفتر خارجه می ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۱۱ .

۳- گرفتن به رابرتس ۲۴- اپریل ۱۸۸۰ لواحق سري دفتر خارجه جون ۱۸۸۰

در این ضمن تصمیم گرفته شد که جنرال ستیوارت و دیوین (۱) او جهت
اشتراک به کار تاهمین صلح در افغانستان شمالی به کابل فرستاده شود * منگوره
دور کردن لشکر ستیوارت از قندهار این بود که او بتواند غزنی و کابل را متصرف
شود و فرماندهی قوای زمینی کابل را بدست گیرد * دیوین را برترس باید در گورستان
به سمت با میان اجرای وظیفه میکرد و جنرال برای مقابله غزایی ها میجنگید * امید
وار بودند باین وسیله مملکت را آرام بسازند و در حالیکه این فعالیتها ادامه داشت
تخلیه افغانستان شمالی تکمیل می شد * (۲) *

بتاریخ ۳۰ مارچ لیتن به جنرال ستیوارت اجازه داد جانب کابل -
حرکت کند و با وعدایت داد ده هر نوع مقاومتی که در مقابل او در غزنی یا حوالی
ان بعمل میاید در هم شکند و رابطه مستقیم با جنرال رابرتس قائم کند (۳) همان روز (۴)
ستیوارت از قندهار حرکت کرد بین راه برور ۱۹ اپریل قبایل افغان در احمدزی
نزدیکی غزنی مقابل او را گرفتند (۵) * پس از جنگ بسیار سختی انگلیسرها غزنی را
اشغال کردند و ستیوارت محمد علم خان عموی موسی خان را نایب الحکومه ان جا
مقرر نمود * در این وقت رابرتس دسته کوچک سپاه را بتاریخ ۱۶ ماه مزبور تحت
رهنمایی کرنل راس به کومک قوای قندهار فرستاد * خبر رسیدن عبدالرحمن به کابل

۱- بجای سپاهیان سرد و نالک ستیوارت لشکر دیگری از بمبی آورد مشد *

۲- رابرتس کتاب مذکور ۲ ص ۳۲۵ *

۳- اوراق پارلمانی ۱۸۸۱ - افغانستان نمره ۱ (۲۷۷۶ ج) ص ۱۹ *

۴- رابرتس کتاب مذکور ۲ ص ۳۲۱ و نیز Elsmie در کتاب قبل الذکر ص ۳۲۴ *

۵- رابرتس کتاب قبل الذکر ۲ ص ۳۲۴ *

هیجانی در مملکت تولید کرد بطوریکه لیتن به خوف که دیر یا زود ممکن است مورد م
 فزنی بدور او جمع شوند و او با قوای متحد قبایل مقابل حصار کابل (۱) ظاهر
 شود . رابرتس نیز به فکر بود که شاید قبایل بر قوای را مس حمله کند . به
 پیشینی ان قوای را مشتمل بر ۱۲ هزار نفر تحت رهنمایی جنرال جنکز جانب
 چهار اسیا فرستاد (۲) این جاقوای انگلیس با جمعیت مهمی روبرو گردید و مقاومت
 شدیدی از طرف ایشان بعمل آمد . جنرال ستیوارت بتاريخ ۲ می ۱۸۸۰ به
 کابل رسید و پذیرایی گرمی^(۳) برای او از طرف بابس گرفتن و جمعیتی که برای دیدن
 او آمده بودند بعمل آمد .

وقتی ستیوارت جانب کابل میرفت لاردر لیتن در نامه نیم رسمی به لیبیل گرفتن
 نکات مقدّماتی را که باید در جواب عبدالرحمن در نظر گرفته شود یاد داشت داد .
 در اول حکومت هند تصمیم قطعی گرفته بود که تمام قوای خود را قبل از ماه اکتوبر از
 افغانستان شمالی بیرون کند . ثانیاً آنها نمیخواهند قرارداد معینی با
 عبدالرحمن خان عقد نمایند بلکه میل دارند افغانستان را بدون قید و شرط ترک
 بگویند . به لیبیل گرفتن بنابر ان هدایت داده شد که از مکاتبه طولانی و مرنوع -
 بحث یا مذاکره عبدالرحمن خان خود داری نماید . زیرا به نظر لیتن سعی برای
 هر نوع مذاکره با امیر موصوف راجع به شرایط ورود او به شمیریکه انگلیس ها میخواهند

۱- لیتن به کرینبروک ۱۲- اپریل ۱۸۸۰ بلفور کتاب مذکور ص ۴۱۳ .

۲- رابرتس کتاب مذکور ص ۳۲۲ .

۳- دونالد ستیوارت به خانم ستیوارت ۲ می ۱۸۸۰ Elsmie کتاب مذکور

انرا بزودی ترک بگریند حکومت هند را بوضع بیچارگی قرار میدهد (۱) •

به تحقیق این هدایت نامه مفصلی از طرف حکومت هند رسید و در آن جهت
رعنمای گرفتن خطوط سیاسی که باید در برخورد با عبدالرحمن خان تحقیق
می شد داده شده بود در آن جا تصریح شده بود که دو هدف مهمی که برای —
بدست آوردن لشکر انگلیس داخل افغانستان شده بود عبارت بود از: (۱) انتقام —
گشتار هیئت سیاسی انگلیس در کابل (۲) استحصال تاءمیندگی که از راه قرارداد
گندم بدست آمده بود • البته برای نگهداری آن میخواستند ضمانت های مستحکم
و یقینی وجود داشته باشد • پس از آنکه این منظور از راه اشغال کابل وجدان نمودن
قندهار از آن بدست آمد حکومت هند نخواست قرارداد جدیدی با فرمانروای کابل
منعقد نماید • و چون اوضاع سرحدی قندهار و کم اهمیت سیاسی کابل را نسبتاً •
کم ساخته است پیش از این لازم نیست نمایندگان انگلیس در قلمرو فرمانروایی —
کابل باقی بماند •

وسیله

با نتیجه نایب السلطنه و کونسل اول نمود که تخلیه کابل باید قبل از ماه اکتوبر
عملی شود • ارزوی عبدالرحمن برای تاءمین صلح و امنیت در افغانستان تحت حمایت
متفقانه امپراتوری های انگلیس و روسیه نباید در جواب های سردار مورد بحث

۱- نیم رسمی به لیپل گرفتن ۲۵ - اپریل ۱۸۸۰ لواحق سری دفتر خارجه می

۱۸۸۰ ۳۱۸-۴۲۲ (A.K.W.) •

لیتن انرا با وضع بیچاره قماربازانی مقایسه میکند که میخواهند بانک را بدزدند ساعت
ده دزدی بانک را در حالیه میدانند چه بازی را ببرند چه ببازند ساعت دوازده
باید انرا ترک دهند آغاز می نمایند •

قرار گیرد • دور کردن نفوذ خارجی یا مداخله از راه افغانستان اساس سیاست انوقت انگلیس در آسیای میانه بود • باین ترتیب ستم شدن باقوای دیگر مغایر سیاست اساسی انگلیس قرار میگیرد • این مطلب البته این معنی را نمیرساند که حکومت هند حاضر نیست به احساسات شخصی عبدالرحمن خان مقابل روس ها اعتنا کند حتی گفته شده بود که تا وقتی که امیر کابل به نصایح حکومت هند گوش نمیدهد حکومت هند ارزو ندارد با احترام او از حقوق وفادار مسلم همسایه او روسیه اعتراض نماید (۱)

راجع به نوع دوستی انگلیس با سردار و شرایطان به لیبیل گرفتن صریحاً اختیار داده شده بود تصریح کند که حکومت هند نمیخواهد افغان ها را مجبور کند باقوای که واضحاً میگویند افغانستان بیرون ساحه نفوذ ما است وضع خصمانه داشته باشند • نقص تجارت افغان ها به نسبت اضطرابی که در افغانستان برخاسته بود کاملاً محسوس بود و بنا بران به عبدالرحمن اطمینان داده شد که در تجدید صلح بین ملکین روابط تجارتی آنها احیا خواهد گردید • اگر سردار بدوستی خود صمیمی باشد تا وقتی که این صمیمت ادامه دارد از طرف مقابل نیز صمیمانه استقبال خواهد شد • اما هیچ شرطی با آن توأم نیست • عبدالرحمن باید بداند از کسی چیزی نمیخواهد و چیزی قول نمیدهد (۲)

در موضوع قندهار و علاقه هایی که از راه قرار داد گندم بدست آمده است از لیبیل گرفتن خواسته شد صریحاً بگوید که هیچ یکی از این علاقه ها هیچوقت به فرمانروایی کابل گذاشته نخواهد شد • راجع به قندهار به عبدالرحمن باید فهمانده شود که دولت علیا حضرت ملکه به حکومت هند اختیار داد ما ست شیرعلی والی قندهار

احسانجا •

را حمایت نماید و اگر مانند یعقوب خان گمراه شود و جانشینانش در کابل سعی نماید
دوستان انگلیس را تحت فشار بگیرد قوای انگلیس به حمایت یا انتقام قیام خواهند کرد.
راجع به مسأله رات نایب الماطن و کونسل او اجازه نداد که لیبل گرفتن راجع بان در
جواب خود یا عبد الرحمن بحث کند از عبد الرحمن بخواهد آن موضوع را مطرح
نماید. راجع به موضوع تخلیه کابل نیز گرفتن مزبور اجازه بحث نداشت. این ترتیب
را حکومت هند، وقتی گرفته بود که هنوز موضوع عبد الرحمن خان بعیث گانیدیک تخت
کابل در بین نبود. باینهم حکومت انگلیس حاضر بود تخلیه قوای او از کابل طوری
صورت بگیرد که بنفع عبد الرحمن باشد (۱).

تغییر

در این وقت در انگلستان / کابینه صورت گرفت . دولت لارد بیکنزفیلده سقوط کرد و جای آنرا Gladstone گرفت . در هندوستان نیز مروض Marquis Of Ripon , Cranbrook آمد . وایسرائی معزول محذالك پیشنهاد کرد که تا ورود رپین به وظیفه خود در هند باقی بماند . شخصاً عقیده داشت که جانشین او تا ختم موسم گرما نخواهد توانست به هند بیاید زیرا به قول لارده لیتن هند در آن وقت گرم از آتشدان ها (۱) Nebuchadnezzar است . تا آن وقت وظیفه ملی خود میداند که اجرای امور را بدست داشته باشد بشرط آنکه در دوران این وقفه که دوره بین دو حکومت شمرده می شود کاری را بر عهده او نگذارند که اجرای آن برای او غیر ممکن باشد (۲) .

هیئت مأمورین سیاسی ترکستان (۳) صبح ۳ می ۱۸۸۰ (۴) از کابل حرکت کرد و تاریخ ۱۶ می به خان آباد رسید . سردار عبدالرحمن با احترام زیاد از ایشان پذیرایی نمود . از پیشنهاد دوستی اظهار امتنان نمود و میخواست مسوولیت خود را راجع به روابط خود با قوای دیگر بفهمد . او سریرحاً به هیئت سیاسی همانند که بدون اجازه رؤسای قبایل افغانستان ترتیبی اتخاذ نخواهد نمود .

- ۱- از لیتن به کرینبروک ۲۰ - اپریل ۱۸۸۰ بلفور کتاب مذکور ص ۴۲۲ .
- ۲- همانجا .
- ۳- گرفتن به وزارت خارجه ۲۳ می ۱۸۸۰ لواحق سری دفتر خارجه چون ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۲۶۳ . این هیئت مرکب از اشخاصی بود که فوقاً ذکر شد .
- ۴- لواحق سری دفتر خارجه چون ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۲۵۱ و ۳۰۵ .

و به کابل وقتی خواهند رفت که رؤسای قبایل از او خواهش کنند بازجا بروند. در ۱۷
 همین ماه سردار در دربار عالی که منعقد ساخته بود اظهار داشت که اگر -
 حکومت انگلیس بخواهد او بتابل بروند باید او را از وضع سرحدات افغانستان ترتیبات
 قندهار نمایند. انگلیس در کابل مطلع نگازد (۱).

هیئت راپور (۲) مذاکرات خود را با عبد الرحمن خان بتابل فرستاد و علاوه
 نمود که جواب تحریر ی سردار بزودی به تعقیب آن خواهد رسید لیبل گرفتن
 راپور مذکور را به حکومت هند تقدیم کرد و اظهار نظر نمود که سردار تاحدود قلمرو
 خود در وحدت مسوئلیت او در بطنش با حکومت انگلیس (۳) تعیین نشود و اطمینان خاطر
 پیدا نمیشد. عقیده او این بود که موفقیت مذاکرات او با عبد الرحمن با مسئله هرات
 رابطه نزدیکی دارد (۴).

در این وقت مردم در سراسر افغانستان می فهمیدند که حکومت انگلیس
 با عبد الرحمن داخل مذاکره شده است. ابهامی راجع به نتایج مکاتبه وجود داشت
 و به نظر گرفتن مکاتیب سردار بدوستان و منسوبینش این ابهام را بیشتر ساخت. ولی
 گرفتن اعتراف میکند که تا جائیکه به حکومت انگلیس مربوط است مضمون این مکتوب ها
 دوستانه بود. عبد الرحمن ارزو میکرد که مذاکرات او با انگلیس به نتیجه میرسد.

- ۱- لواحق سری دفتر خارجه جون ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۲۶۴ و ۲۶۵.
 - ۲- این راپور به ۱۸ می ۱۸۸۰ موخ است.
 - ۳- لواحق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۳۰.
 - ۴- لواحق سری دفتر خارجه جون ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۲۶۴.
- راجع به هرات حکومت هند حاضر بود عبد الرحمن را بگذارند و آنرا اشغال نماید
 بشرط آنکه بتواند این کار را بدون کمک حکومت انگلیس صورت دهد.

سردار تقاضا میکرد که از تولید هر نوع اضطراب خودداری شود و اظهار امید
میکرد که اکنون که باب دوستی بین او و حکومت انگلیس بازگردیده است صلح و امنیت
بزودی در افغانستان تاءمین خواهد شد .

راجع به بعضی مکاتیب عبدالرحمن که بد رستان نشر نوشته شده بود محمد سرور
باو نوشت که عبارت تی دران جاها مربوط به دین و وطنخواهی هست که قابل
انتقاد میباشد . عبدالرحمن بجواب اظهار داشت که این عبارات را انگلیسها طوری
که او تعبیر میکند تعبیر نخواهد کرد . زیرا هنگام خطاب به رؤسای قبایل لازم
است که بعد حس وطنخواهی و مذهب دوستی آن ها متوسل شوند . سردار میگفت
این کار به فرز شوراندن قبایل علیه انگلیس صورت نگرفته بلکه باین منظور است که
اگر باین عبارت نمی نوشت خواهر او مورد توجه واقع نمی شد . (۱)

جواب عبدالرحمن (۲) به نامه مؤرخ ۳۰ اپریل گرفتن که بوسیله خان بهادر
ابراهیم خان فرستاده شده بود محتوی اظهار دوستی عمومی و امید حمایت بود اما
مطلب معینی نداشت (۳) معذالک مطالبی به ابراهیم خان سپرده بود که شفاها
به لیبل گرفتن برساند . ابراهیم خان هنگام ورود بکابل راپوری محتوی تاءثرات خود
تقدیم نمود . این راپور پس از اظهار امتنان از مهمان نوازی که در خان اباد نصیب
هئیت سیاسی شده بود میرساند که حرکات اعضاء به شدت تحت نظارت گرفته شده بود .

۱- لواحق سری دفتر خارجه جون ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۱۱ .

۲- مؤرخ ۱۶ می ۱۸۸۰ - اوراق پارلمانی ۱۸۸۱ - افغانستان نمره ۱

(۲۷۷۶ ج) ص ۴۷ .

۳- لواحق سری دفتر خارجه جون ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۱۵ .

اعضا اجازه نداشتند با مسا کریا مردم وطن تماس بگیرند • عبدالرحمن با وجود
آنکه مخلوق روس ها نیست اما به نسبت کمکی که از آنها دریافت داشته است بان ها
سخت علاقمند می باشد • او مردی است بسیار لایق باطمینان خاطر کار حفظ صلح
در افغانستان می تواند با و سپرده شود • اما اگر قندهار در قلمرو او داخل
نگردد • سردار امارت را از حکومت انگلیس قبول نخواهند کرد •

باستناد راپور هیئت ترکستان لیبیل گرفتن مزاج عبدالرحمن خان را ناراضایت
بخش تشخیص داد • او جنرال ستیورات هرد و عقیده داشتند تدبیری است برای اینکه
موقع مشوره یا هدایت از روسیه پیدا شود • بنابراین تجویز کردند التیماتی به
عبدالرحمن ارسال و از او خواهر شود که جواب قطعی خود را راجع به رد یا
قبول پیشنهاد انگلیسی وسیله نمایند انگلیس که با و فرستاده شده است ارسال دارد •
و از حکومت هند مصرانه خواهر کردند که در صورت عدم قبول عبدالرحمن شخص
دیگری را برای تخت افغانستان در نظر بگیرند • بیرون رفتن و مملکت را در انارشی
گذاشتن از نظر سیاسی و نظامی خطرناک است و در آن صورت عبدالرحمن کابل را
بحیث دشمن اشغال خواهد کرد نه دوست (۱)

در این وقت ها نظر شخصیت های انگلیسی در کابل تغیر فاحش ریافت •
روز هایی که همراهانی می توانست با جزئی ترین دلیل بدار زده شود (۲) از بین
رفته بود بعد از این هم مشکل بود همراهی را از تخت موروثی اش بیرون کنند (۳)

۱- لواحق سری دفتر خارجه جون ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۲۸۵ •

۲- هغه اثر قبل الذکر ۳۷۶ قیلا ۳۰ ، ۸۲-۸۴ • بعدا ۳۰ ، ۹۲-۹۸ •

۳- هغه کتاب مذکور ۳۷۶-۷۷ •

افدازه مؤلفیت میجر جنرال واگهان - - Major . Gen . Vaughan

نامه نگار Times در کابل از نامه ها و تلگرام های او معلوم میگردد (۷) اما جای تعجب است که ستیورت رابرتس و مگرگور اشخاصی که تاحال استحقاق یعقوب خان را غیر قابل برگشت میدانستند احساس کردند که تنها شخص که بجایه عبدالرحمن می تواند بیاید همان امیر محکومی است که در میرت بحیث زندانی دولت بر سر می برد (۱)

دولت هند تصمیم گرفت که چون اتمام حجت بر مجرای فعالیت اینده انگلیس بر افغانستان شمالی اهمیت حیاتی دارد بهتر است انرا تا ورود لاردرین (۲) به سمله به تعویق نیاندازند. با این اوضاع و احوال که در این وقت وضع بحرانی بخود گرفته بود پس از ورود لاردرین دولت هند به کمال احتیاط به تحقیق و مشوره پرداخت. روح سواهل این جا بود که تا این حد مکاتبه که رسیده اند ایا بآب مذاکره را با عبدالرحمن ببندند یا همچنان ادامه دهند. چون سند صحیح راجع به بازی دو جانبه عبدالرحمن در دست نبود حکومت لاردرین تصمیم گرفت که به موضوعاتی که او اهمیت قایل است جواب ساده بدهد (۳)

وقتی نایب السلطنه جدید کونسل خود ش را احضار کرد تا جواب گرفتن رابه عبدالرحمن مورد تحقیق و تعمق قرار دهند مراسله وزیر هند جدید با و مواصلت کرد (۴)

۱- اسلیدی مگرگور کتاب مذکور ۲ ص ۲۱۷ و ۲۱۹.

۲- لاردرین به ۸ جون ۱۸۸۰ به سمله وارد شد.

۳- لواحق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۳۰.

۴- مونیخ ۲۱ می ۱۸۸۰ لواحق سری دفتر خارجه جون ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۲۴۲.

مارکومس ریچمن پسر از ملا حظه فعالیت های جدید در افغانستان اظهار نظر می نماید. نه پسر از استعمال قوه زیاد و مصرف پول زیاد آنچه بدست آمد عبارت بود از تجزیه دولتی که باید قوی و دوست مستقل می ماند • گمان مسوولیت های جدید و نا مطلوب راجع به یکی از ولایات آن و وضع انارشی در بقیه ایالات آن مملکت نتیجه در جنگ موفقانه ای است که در این اواخر در افغانستان صورت گرفته است •

مشارالیه ازین مقدمه آغاز نموده لزوم ادامه این سیاست را مورد مطالعه قرار میدهد • اولین منظوری که حکومت انگلیس میخواست بدست بیاید عبارت بود از بیرون کشیدن قسمت بزرگ قوای که در افغانستان بکار رفته بود و نیز عقب کشیدن تمام قوای که در ایگای جلوی انطرف سرحد مقیم بودند • علاوه بر این — امروز داشتند که در صورت ممکن در سرحد شمال غرب مملکت دوستی را ببینند که — بتواند استقلال خود را حفظ کند و کارهای خود را بدون کمک نظامی انگلیس اداره نماید (۱)

لاردر ریچمن البته نمیخواست که ترتیباتی که با شیرعلی در قندهار — گرفته شده تازک داشته شود • او به نایب السلطنه جدید اصرار داشت که در مقدمه هر نوع تغییری که در سیاست وارد میکرد باید خود را از ماهیت تعهدی که با ن امیر اتخان میکرد مطمئن سازد و نیز باید بفهمد که این تعهد تا چه حدی میتواند از تعهد دیگری که لازم دیده شود دور بماند (۲) •

۱- همانجا •

۲- همانجا •

راجع به کابل وزیر خارجه اظهار کرد که با عبدالرحمن خان هنوز تعهدي امضاء نشده است تا حکومت انگلیس به حمایت از الزامی حسن کند . حکومت هند بنا بر این برای بدست آوردن هدفی که در نظر دارد میتواند هر سیاستی را که خواسته باشد اتخاذ کند . هدف آنها عبارت است استقرار صلح و امنیت در افغانستان و صلح و امنیت در سرحدات انگلیس . (۱)

معدا موضوع هرات نزد لاردر هرنگین از مشکل ترین قسمت های مسلمانان شمرده می شود . تعهدی که بایران پیشنهاد شده بود به تعویق افتاد و دیگر امکان تجدید مذاکرات با آن مملکت در بین نبود . هرنگین عقیده داشت که بهترین راه حل مسئله هرات این است که آن شهر و ایالت خزو سلطنت متحد افغانستان باشد . او میگفت برای امیر کابل یا قندهار در صورتی که آن دو ایالت از هم جدا باشد مشکل خواهد بود قدرت خود را بر آنجا نافذ سازد و اگر سردار مستقلی اقتدار هرات را بدست بگیرد عملاً برای حکومت انگلیس غیر ممکن است بر سیاست آن امیر نفوذ نظارت پیدا کند . (۲)

بنابر این ملحوظات از حکومت لاردر چنین خواهر شد که اگر با تعهدی که زیر نظر است مساعد دیده شود و از نظر سیاست موافق باشد دوباره به نظریه سلطنت افغانستان واحد برگردند . اگر مذاکرات با عبدالرحمن خان بجای نکشد موضوع یعقوب خان باید تحت مباحثه قرار گیرد . هرنگین میدانست که لاردر لیکن گناه گیری یعقوب خان را غیر قابل برگشت اعلام نمود . با وجود این به مارکوس رپین تاء کید نموده بود که اگر امیر مستعفی بتواند نسبت به رؤسای دیگر حمایت

۱- لواحق سري دفتر خارجه جون ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۲۴۲ .

۲- همانجا .

بیشتری را چند لحظه و دلیل قطعی برای اشتباهات را که او در قتل Sir Louis Collignon در میان نباشند

ادعای او و پسرش و پسر پسران به تخت افغانستان نباید، تاکید و توثیق شود (۱)

راجع به پایگاه های جلویی که در قرارداد داد گندم بدست آمده است
هرنگستن اظهار نظر کرد که وایسرای جدید مسئله اشغال دایمی انرا «مخصوصاً»
از نظر نظامی تعیین نماید به لاردریچن پیشنهاد شد تصمیم او تابع مواد -
قرارداد داد گندم یا اعلامیه های دیگری که در مواقع مختلف حملات اخیر
افغانستان داده شده است قرار گیرد . وزیر خارجه به فایده نگهداری پایگاه های
جلوی در نیمه وخیبر متردد بود باوجود اینکه اهمیت علاقه پیشین از نظر او دور
نبود . بنابراین به لاردریچن تأکید نمود که ممکن است نگهداری پایگاه های جلوی
در پیشین مناسب دیده شود بهر حال وجود چنین پایگاهی تا وقتی راجع به
قندهار سیاست معینی اتخاذ نمی شود حتمی است . (۲)

باین ترتیب لارده هریندختن در رهنمایی و ایسرای جدید برای تعیین سیاست
افغانستان از پیشنهاد اساس معینی غیر قابل تخیر که این سیاست برای مبنی
باشد خود داری نمود. او ریحاء اعزاف کرد که اوضاع در افغانستان بخدی مهم
است که دولت علیا حضرت نمی تواند جز آنکه انرا باختیار گورنر جنرال و کونسول
او بگذارد کاری بکند. دولت اطمینان کامل دارد که انها سیاستی را که مورد قبول
حکومت مرکزی باشد و صلح و امنیت را در سرحد شمال غربی هند تامین نمایند
تحقیق خواهد نمود (۲)

۱- لواحق سري دفتر خارجہ جون ۱۸۸۰ نمبر مراجعہ ۲۴۲.

٢۔ همانجا •

۳۔ مہمانیہ

حکومت لارډ رېښ بر تقاطی که نزد عبدالرحمن خان لازمی بود هدايات
 قاطع فرستاد . آنها از او خواهش کردند به تعقيب هدايات ایشان مکتوبی
 به عبدالرحمن خان ارسال دارد . به شخصی که این مکتوب را میبرد باید امر شود
 که عبدالرحمن خان در مدت چهار روز پس از وصول این مکتوب جواب بدهد . چه
 جانب
 عبدالرحمن جواب بدهد چه ندهد قاصد باید بروز پنجم کابل حرکت نماید (۱)

نایب السلطنه مطابق این هدايت بتاريخ ۱۴ جون ۱۸۸۰ نامه ای
 به عبدالرحمن فرستاد . این نامه مشتمل بر نظريات حکومت راجع به فرمانروایی
 کابل بود . به عبدالرحمن صریحاً گفته شده که چون حکومت انگلیس به قوای خارجی
 حق مداخله نمیدهد . فرمانروائی کابل نباید با هیچ يك از قوه خارجی دیگر فیر از
 انگلیس رابطه داشته باشد اگر با وجود قوه خارجی دیگری در امور افغانستان
 مداخله کند و این مداخله به حمله فوری بر حکومت کابل منتهی گردد حکومت انگلیس
 با او کمک خواهد کرد . و اگر لازم بیفتد آن حمله را دفع خواهد نمود و آن در -
 صورتی است که امیر کابل در سیاست خارجی خود نصایح حکومت انگلیس را قبول
 کند . راجع به حدود سرحدی به عبدالرحمن اطلاع داده شد که فیر از قندهار و
 علاقه های معینه اوی تواند قدرت خود را بر ایالات افغانستان به شمول هرات
 نافذ سازد . حکومت انگلیس نمیخواهد در امور داخلی فرمانروایی کابل مداخله
 نماید و نیز از رونداری که ریزیدنت انگلیسی را در داخل قلمرو او مقیم سازد .
 مهذا لك اگر فرمانروای کابل بخواهد نماینده مسلمانی در پایتخت او مقیم ساخته
 خواهد شد . در اخر به سردار فهمانده شد که اگر بخواهد این مواد طور رسمی
 با و ابلاغ گردد در اول باید دعوت او لیاي امور انگلیس را قبول نماید .

یکروز بعد از آنکه این مراسله فرستاده شد نامه ای از عبدالرحمن
مؤرخ ۹ جون (۱) به کابل رسید و به اولیای امور انگلیس اطلاع داد که پس از اجرای
کارهای خود در جانب کابل حرکت خواهد کرد . لیبیل گرفتن باین مکتوب جواب داد
و مسرت (۲) خود را از این فکر اظهار داشت ضمناً به مکتوبی که از طرف سردار به
رو ساي قبایل تگا و فرستاده شده بود اشاره نمود و اظهار کرد که اگر چه در مکتوب
مطالب قابل اعتراض موجود نیست ولی هیجانی بین مردم تولید کرده است . آنها
کلمات ترغیبه سردار را به رو ساي قبایل تگا و برای آماده گی به فعالیت بدرستی
تفهیمه بودند . از عبدالرحمن بنا بر این خواسته شد که این شورش ها را آرام کند .

مکتوب ۱۴ جون لاردرین را که بتاريخ ۲۰ ماه مذکور به خان اباد
رسید سردار عبدالرحمن در همان مدت چهارم^{روز} جواب داد (۳) و از اینکه شفور
افغانستان مطابق قرار یک با پدر بزرگش منعقد گردید بود با اختیار او گذاشته
شد رضایت خاطر خود را اظهار داشت . راجع به شرایط دیگر نمایندگی
مسلمان روابط خارجی و مسئله هرات اظهار داشت که ابلاغ این مطالب باعث
مسرت فراوان او گردیده و اطلاع داد که به قبایل افغان همین مقامیم را رسانده (۴)
و بزودی خود ش نیز به پروان، دامنه های جنوبی هند و کش خواهد آمد . توأم با
این اخبار یکی از منابع موثق اطلاع داد که عبدالرحمن خان در قول خود صادق نیست .

۱- همانجا .

۲- همانجا .

۳- مکتوب مؤرخ ۲۲ جون ۱۸۸۰ لواحق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۲۶۳ .

۴- به ریز شروع کنید .

بتاریخ ۲۶ جون نامه ای رساله وار افضل خان مواصلت کرد که در آن نماینده کابل پس از شرح ملاقات خود با عبدالرحمن طی متممی علاوه نموده بود که عبدالرحمن در ظاهر دوست و در معنی دشمن انگلیس است (۱)

مکتوب متحد المالیه که از طرف عبدالرحمن خان بتاريخ ۲۲ جون جهت - هدایت قبایل افغانستان (۲) صادر شد خبر ورود نمایندگان انگلیس را به خان اباد بایشان ابلاغ نمود . محتویات آن عبارت بود از مضمونی که به لیبل گرفتن در همین روز نوشته شده بود و غالباً از سرحدات افغانستان و مسایل روابط خارجی بحث میکرد . او از ایشان خواهر نمود کاری نکند که ملت افغان را بدنام سازد در خاتمه از خداوند میخواست افغان ها را همیشه مغرور و مرفه داشته باشد .

متمم در نامه افضل خان با مکتوب عبدالرحمن به رؤسای قبایل شمال افغانستان ستیوارت و گرفتن رابه اشتباه انداخت . آنها عقیده داشتند که عبدالرحمن در مکتوب و متحد المال ۲۲ جون خود متقلب بوده بنابراین اعتماد با او یا کار آمدن با او را خطرناک تشخیص دادند و فعالیت فوری را تقاضا نمودند زیرا اگر محطی بعمل آید عبدالرحمن و حزب او قوی تر میگردد . آنها وانمود کردند که طرفداران یعقوب خان در آن وقت قویترین دسته افغانستان بوده و اگر حکومت یعقوب خان یا پسرش موسی خان را

۱- لواحق سري دفتر خارجه جولاي ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۲۶۴ . این متمم به مشکل این معنی را می فهماند زیرا عبدالرحمن میل داشت با انگلیس ها موافقه نماید
بذیل ۱۸-۱۹ .

۲- لواحق سري دفتر خارجه جولاي ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۲۶۵ .

قبول کند با نظارت نیابت سلطنت انگلیس می تواند افسران سیاسی را اختیار
بخشد که پلان دیگری را برای افغان ها طرح نمایند (۱) *

حتی اگر ردیپین و سکرتر خارجه او الفرد لیال - Alfred Lyall
از ایهام در نامه و متحد المال ۲۲ جون عبدالرحمن متعیر بودند * نایب السلطنه
از متمم نامه افضل خان متادی بود زیرا این متمم نیات سوء را در آن نشان میداد *
لیال از طرف دیگر ذکر ایهام امیز سرحدات افغانستان را در نامه عبدالرحمن
به لیپل گرفتن دوست نداشت *

او با این مطلب اشاره کرده اظهار داشت که حدود سرحدی یا امثال آن
بادوست محمد فیصله نگردیده و این امیر بارکزائی قندهار (۲) را اشغال نموده و
این کار پر از امضای قرارداد ۱۸۵۵ با انگلیس صورت گرفته (۳) *

حکومت هند به پیشنهاد لیپل گرفتن و ستیوارت بدون شبهه به کمال اختیاط
و علاقه توجه کرد * آنها بالاخره باین نتیجه رسیدند که مکاتیب سردار میخواست
است عقیده او را مبنی بر اینکه میخواهد با حکومت انگلیس به موافقه ای برسد ابلاغ
کند این مفاهیم بر اساساتی که با او ابلاغ شده است مبنی خواهد بود و موضوع
بصورت صلح امیز حل خواهد گردید * عبدالرحمن گمان میکرد از او دعوت شده
است اراضی افغانستان را تاحدودی که بادوست محمد موافقه گردیده به تصرف

۱- لواحق سری دفتر خارجه جون ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۶۰ *

۲- قندهار به سال ۱۸۵۶ اشغال گردید * لواحق سری دفتر خارجه جون ۱۸۸۰

K.W./۵۰۱ نمره مراجعه ۳۵۶ *

۳- لواحق سری دفتر خارجه جون K.W. I. ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۵۶ *

خود در ارد . • حکومت هند لازم نمیدانست باین مطلب اشاره نماید که حکومت هند قرارداد دای راجع به سرحدات افغانستان امضاء نموده هر چند قرار داد مارچ ۱۸۵۵ میرساند که حکومت انگلیس باید حدود متصرفه آن وقت دوست محمد را باید برسمیت بشناسد . وقتی این قرار داد امضاء میگردد قندهار به تصرف دوست محمد نبود . پس رجوع عبد الرحمن به قرار دای که باید ر بزرگتر منعقد گردیده است اگر تحت اللفظ هم تعبیر گردد نمیتواند مغایر شرایطی باشد که از طرف حکومت انگلیس با و پیشنهاد شده (۱)

گورنر جنرال و کونسل او بنا بران تصمیم گرفتند که قرار با عبد الرحمن هنوز هم مرغوبترین راه حل مسئله افغان شمرده می شود . ازینجهت به ستیوارت هدایت داده شد که به مکتوب عبد الرحمن به لپل گرفتن جواب احترام کارانه بدهد و بگوید که حکومت هند معنی تذکر او را از حدود سرحدی که بادوست محمد فیصله شده است درست نفهمیده و بنا بران گمان میکند که سردار مقصد ایشانرا از حفظ حدود سرحدی که در نامه قبلی ذکر شده بد رستی فهمیده است . از سر نو نالد خواهرش شد اصرار کند که امیر بزودی ممکنه جانب کابل حرکت کند . اگر سردار به خواهرش او موافقه نکند ستیوارت میتواند در صورت ایجاب وضع نظام مذاکرات خود را با او قطع نماید در صورت اخیر به ستیوارت هدایت داده شد با افغان ها اصطلاح نماید که مکاتبه با عبد الرحمن قطع گردیده و حکومت انگلیس میخواهد بزود ترین فرصت مساخر خود را از افغانستان بیرون ببرد . افغان ها باید ب — برای خود حکومتی تشکیل دهند و این حکومت اگر مناسب باشد از طرف حکومت انگلیس برسمیت شناخته خواهد شد . اگر راجع به رابطه انگلیس با افغانستان پرسیده شود

ستیوارت باید بگیرد که حکومت هند میخواهد با افغانستان رابطه درستانه داشته باشد و در امور داخلی آن مداخله نکند . اگر یعقوب خان را برای امارت پیشنهاد دهند . جواب آن این خواهد بود که وی در افغانستان نیست و مشکلترین مطلب فعلی در مقابل انگلیس این است که هنگام عقب کشیدن لشکر انگلیس از افغانستان در آن مملکت شورش برپا نگردد (۱)

لیپل گرفتن مطابق هدایات نایب السلطنه بتاريخ ۲ جولای ۱۸۸۰ -- مکتوبی به عبدالرحمن نوشت (۲) پس از ذکر مسایل سرحدات به سردار تاه کید کرد فوراً جانب کابل حرکت نماید و در راه خود از اجتماع مردمان مسلح کوهستان جلوگیری نماید . در این ضمن عبدالرحمن از خان اباد حرکت کرد و تا مکتوب گرفتن باو برسد راه زیادی را پیموده بود و در اوق چشمه توقف داشت . (۳)

رساله دار افضل خان که پس از مراجعت دو عضو هیئت که به عبدالرحمن فرستاده شده بود در خان اباد مانده بود بتاريخ ۲ جولای به کابل رسید . افضل خان شخصاً عقیده داشت که عبدالرحمن از ضعف و احتیاج به پول قنبله علاقمند است با انگلیسها کنار نیاید . تجزیه کنند هار را دوست ندارد اما به عقیده او حتی روی این سده هم بالاخره تسلیم می شود . نماینده کابل به لیپل گرفتن از عبدالرحمن جواب آورد گرفتن همنانکه قبلاً دیدیم از سردار

۱- لواحق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۲۶۷.

۲- اوراق پارلمانی ۱۸۸۱ -- افغانستان نمره (۲۷۷۶) ص ۴۹.

۳- لواحق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۲۶۷.

خواسته بود اجتماعات قبایل را سرحد شمالی در افغانستان شمالی متفرق کند.

عبدالرحمن در جواب خویش از ضعف خود شکایت نموده و انمود ساخته بود که اگر

قبایل بخواهد متفرق شوند دوستان او با دشمن میگردند (۱) ازین جهت حکومت

ہند بہ سر دیو نالد ستورت تکلیف کرد کہ اگر عذر عبد الرحمن معقول باشد اورا از

متفرق ساختن اجتماعات کوهستان معاف دارد (۲) •

وقتی حکومت باین ترتیب مشغول تامل در اوضاع بود وضع عمومی

د افغانستان براي رسيدن به يك توافق اطمینان بخش نسبت به روزهای قبل بیشتر

مساعدة شد (۳) • جواب عبد الرحمن به مکتوب مؤرخ ۲ جولای گریفین بتاريخ ۱۰ -

جولای (۴) مواصلت کرد. در این مکتوب توضیح داده بود که او بکابل پس از مشوره

با مردم افغانستان می تواند پیاید و این کار را می خواهد پس از ورود به گورستان

انجام دهد • تا آنوقت نمیتواند جواب قاطع بدهد • چون تا این وقت حلائی

دشمنی با انگلیس دیده نه می شد سرد و نالند ستیوارت تصمیم گرفت که عبد الرحمن

را نباید مجبور کرد به قبول درخواست های انگلیس عجله کند •

- ۱- اوراق پارلمانی ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۱ (C . ۲۷۶) ص ۴۹
۲- لواحق سري دفتر خارجه جولاي ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۲۷۶
۳- رر رر رر رر رر رر رر ۳۳۰
۴ - اين مکتوب به ۶ جولای ۱۸۸۰ مورخ است و از خنجان نوشته شده *اوراق
پارلمانى ————— یی ۱۸۸۱ نمره مراجعه هـ
(C . ۲۷۶) ص ۵۰- ۴۹

پس از آنکه حکومت هند عبدالرحمن را انتخاب کرد لیبیل گرفتن با تمام قوای خود سعی نمود او را قویتر بسازد . مشك عالم را طرفدار عبدالرحمن ساخت و وسیله او حمایت عصمت الله خان را جلب نمود . اخیر الذکر بین غلزائی های شمال کمال اهمیت را داشت . افضل خان و اسد خان نیز متوجه عبدالرحمن ساخته شد . این دونفر از متنفذین قوم وردك بودند حتی اندری ها ویدانی ها حمایت خود را از عبدالرحمن ابلاغ داشتند بشرط آنکه او نامزد انگلیسی باشد (۱)

عبدالرحمن پس از عبور از هند و کشر بتاريخ ۱۴ جولای به کوهستان رسید و به تم دره چهار میل دورتر از چاریکار (۲) خیام خود را برآورد عده ای از اشخاص که طرفدار منافع انگلیس بود نزد سردار اعزام گردیدند سردار ایشان را به محبت پذیرفت . بتاريخ ۲۰ ماه مذکور عبدالرحمن به چاریکار وارد شد دوران جا نیز رؤسای قبایل و شخصیت های مهم از او پذیرایی نمودند .

ضمناً ستیوارت به حکومت هند پیشنهاد کرد که ورود عبدالرحمن بکابل تا وقتی که ترتیبات او برای بیرون کردن قوای انگلیس از کابل تکمیل نگردد به تعویق افتد . و نیز تذکر داد که به سردار تاحدی کمک مالی بعمل آید تا او بتواند خود را در افغانستان شمالی استقرار بخشد . حکومت لارک ریپن این پیشنهاد ها را قبول نمود . به لارک ریپن اختیار داده شد که عبدالرحمن را علناً امیر کابل بشناسد . در عین حال با و توصیه شد که تصدیق وی از امارت عبدالرحمن اخیر الذکر را مورد پشتیبانی و حمایت سیاسی حکومت انگلیس قرار نگیرد و این معنی

۱- لواحق سری دفتر خارجه اگست ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۸۱ .

۲- لواحق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۱۲ .

را نمیرساند که در استقرار قدرت عبدالرحمن در افغانستان لشکر انگلیس را یاری کمک
میکند .

به سرد و نالد هدایت داده شد به مخالفین عبدالرحمن چشم ترس داده
از اجتماعات آنها جلوگیری نماید (۱) راجع به کمک پولی حکومت هند بخواهش
ستیوارت ولیپل گرفتن (۲) حد اکثر ده لک روپیه را منظور نمود . ولی به عبدالرحمن
باید فهمانده می شد که حکومت انگلیس حاضر نیست کمک هزینه مرتب بپردازد یا همیشه
اورا به اسلحه و مهمات و پول کمک نماید و بعد از آنکه پایتخت بتصرف او می آید
برای نگهداری آن باید متکی بخود و متابع خود باشد (۳)

راجع به مسله قرار رسمی با عبدالرحمن حکومت لاردر پین دلیلی نمیدهد که
از ادامه سیاست اجتناب از عقد قرارداد با او خود داری نماید . راست است
که در جوابها ئیکه به سردار راجع به مسایل مربوط به آینده او از طرف حکومت هند
داده شده بود لیپل گرفتن در نامه ۱۴ جون ۱۸۸۰ خود تصریح نموده بود که
اگر عبدالرحمن بخواهد این مسایل در نوشته رسمی با و تفویض شود باید دعوت
حکومت انگلیس را برای امدن بکابل بپذیرد . ولی این اطمینان حکومت انگلیس را
مجبور نمی سازد قرار رسمی با سردار منعقد سازد .

۱- لواحق سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۹۹۹ و نیز

همان اثر جولای ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۲۶ .

۲- همانجا دسمبر ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۱۰۰۱ .

۳- همانجا جولای ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۲۶ .

مذالك به ملا حظه تعهد قبلى خود به سرد و لاند ستيوارت اختيار داد
 اين اعلاميه رسمى (۱) را صادر نمايد اما صدور آن در صورتى است كه
 عبدالرحمن انرا بخواهد والا فلا • بنا بران مكتوبى (۲) به جنرال ستيوارت
 ارسال داشتند اين مکتوب بايد به عبدالرحمن پسر از انكه به امارت كابل شناخته
 مى شد تسليم داده مى شد • علاوه بر اين لارډ ريبين ميخواست كه در اعطاي
 تخت كابل به عبدالرحمن او تنها بايد بوسميت شناخته شود نه اينكه به تخت
 پادشاهى اعلان گردد مثل اينكه دولت انگليس او را مقرر کرده باشد • براي او اين
 مطلب خيلى مهم بود كه سردار نبايد بطوري تلقى شود كه از طرف انگليس ها (حکومت
 هند) روکار شده است و اينكه آنها تا حد ممكن در سرنوشت اينده او سهم -
 ندارند (۳) اهميت اين امتياز را حكومت هند به لپل گرفتن وقتى به مشاراليه
 اجازه داد درباري براي اعلان امارت عبدالرحمن بحيث امير كابل منعقد سازد
 بخوي خاطر نشان ساخته بود (۴) •

۱- اين اعلاميه قرارداد بين دو دولت نبود بلكه يادداشت غير رسمي بود مبنى بر
 تعهداتي كه از طرف دولت انگليس عبدالرحمن داده مى شد • اين تعهدات
 را دولت انگليس عوض حقوقى كه در افغانستان بايد داشته باشد متقبل مى شد •

۲- لواحق سري دفتر خارجه جولاي ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۲۷ •

۳- لواحق سري دفتر خارجه اگست ۱۸۸۰ نمره مراجعه

• ۳۸۷

۴- همانجا •

در توضیح قراریکه حکومت هند حاضر بود با عبدالرحمن منعقد سازد -
 الفرد لیال اظهار داشت که در شناسایی سردار بحیث امیر کابل نایب السلطنه
 نمیخواهد در امور داخلی قلمرو امیر مداخله نماید و نیز مایل نیست ریزیدنست
 انگلیس در یکی از علاقه های او مقیم شود با وجود جهت فراهم کردن تسهیلات
 عادی برای روابط دوستانه مانند روابطی که بین دو مملکت همجوار موجود است
 بجاست که نماینده مسلمانی از طرف حکومت انگلیس در کابل مقیم شود (۱)۰

راجع به روابط فرمانروایی کابل با قوای خارجی نایب السلطنه و کونسل او
 اعلام میدارد که چون حکومت انگلیس به هیچ قوه ای حق مداخله در داخل خاک
 افغانستان نمیدهد و نیز از انجائیکه از روسیه و ایران هر دو خواسته شده است
 از مداخله در امور افغانستان خودداری نمایند امیر نمیتواند با قوای دیگری
 غیر از انگلیس رابطه داشته باشد • اگر قوه خارجی دیگری سعی کند در امور
 افغانستان مداخله نماید • و این مداخله به حمله غیر منتظر بر قلمرو امیر منتهی
 شود حکومت انگلیس تا حدی که برای خروج آن قوه لازم دیده می شود با و
 (امیر افغانستان) کمک خواهد کرد و آن به شرطی است که امیر به نصایح آنها
 (حکومت انگلیس) در روابط خارجی خود گوش دهد (۲)

در این ضمن ستیوارت و گریفن دعوتی به عبدالرحمن فرستاد و از او خواهش
 نمود که بتاريخ ۲۲ جولای (۳) دُر باری (در کابل) حاضر شود • در این دربار

۱- لواحق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۲۷۰

۲- لواحق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۲۷۰

۳- ۲۲ جولای روز پنجشنبه و شب برات بود و آن روز افغان ها روز مبارکی است •

در حضور جمعیتی از سردارها روسا و مردم کابل (۱) امیراعلان خواهد شد .
 عبدالرحمن به خوشی این دعوت را پذیرفت و از لطفی که شامل حال او شده است .
 سپاسگذاری نمود (۲) .

بروزیکه برای دربار تعیین شده بود عبدالرحمن از طرف نایب السلطنه
 و دولت علیا حضرت رسماً امیر کابل شناخته شد (۳) سرد و نالد سنیوارت جریان
 را با کلماتی چند افتتاح کرد و فایه اجتماع مذکور را شرح داد (۴) گرفتن بعد از
 آن بیانیه ای را که متن آن به کمال احتیاط تهیه شده بود قرائت نمود در ایمن
 بیانیه مقصد حکومت انگلیس توضیح داده شده بود بعد از آن بیانیه مذکور را به
 انگلیسی (۵) و پشتو ترجمه کردند .

روز دیگر خطبه بنام امیر جدید خوانده شد و در حق او دعا کردند
 به همین روز سکه بنام او ضرب کردند به یک طرف سکه " امیر عبدالرحمن ۱۲۹۷ " و
 طرف دیگران " ضرب دارالسلطنه کابل ۱۲۹۷ " حک شده بود . خطبه
 به کمال اشتیاق شنیده شد دعای مردم تا چند دقیقه ادامه داشت (۶) .

- ۱- لواحق سری دفتر خارجه اگست ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۴۰۰ .
- ۲- لواحق سری دفتر خارجه اگست ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۴۰۰ .
- ۳- لواحق سری دفتر خارجه اگست ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۱۲ .
- ۴- لواحق سری دفتر خارجه اگست ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۱۳۵ - ۱۳۶ و ۳۹۵ K. W

۵- متن انگلیسی این بیانیه را در لواحق سری دفتر خارجه اگست ۱۸۸۰ نمره مراجعه

۴۰۲ ببینید .

- ۶- لواحق سری دفتر خارجه اگست ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۳۹۷ .

لیپل گرفتن هنگام تجسره بر مراسم تخت نشینی طی مکتوب نیم رسو به لیال
 می نویسد که (این کار) " موفقیت حتمی " بود (۱) مردمان زیادی از کابل
 و حوالی آن شهر جمع شده بودند . این جمعیت مشتمل بود بر سردارهای بارکزی
 حضرت ها ملاها و عده زیادی از ملوک ها و تجار و افسران و مامورین نظامی .
 اعلان شناسی سردار بخوشی استقبال شد اگرچه در دربار چیزی راجع بان گفته
 نشد . سردار ولی محمد خان ، ابراهیم خان و بعضی سردارهای سر شناس -
 بارکزی متأثر بودند ولی به قول لیپل گرفتن این وضع آنها عجیب نیست زیرا قبلاً
 اراده خود را راجع باینکه بالشکرا انگلیس از کابل بیرون میروند اعلان داشته بودند .

۱- لواحق سری دفتر خارجه اگست ۱۸۸۰ K.W نمره ۳۹۵ .

۲- همانجا .

فصل پنجم

حل مسأله افغانان

در مدت يك ماه يا بيشتري پس از ورود لارډ رېين به سده فرمانروایی روی تخت کابل آمد ولی مسله افغان هنوز حل نگردیده بود . وضع اداره امیر هنوز انتظام نداشت باوجود آنکه مبلغ ده لک رویه باوپرداخته شده بود برای تقویه وضع خویش در کشور خود ثربه پول بیشتری احتیاج داشت معاش عساکر از مدت ها پرداخته نشده بود واضطرابی بین ایشان دیده می شد . تنها از لشکر ترکستان ۱۸ لک رویه مقروض بودند . بعضی از سردارهای مهم بارگرای مانند ولی محمد (ابراهیم خان و حق پسران یحیی خان با او دشمن بودند و از ترس اینکه مبادا براو بشورند عبدالرحمن میخواست قوای انگلیس آنها را از او دور نگذارد . مملکت کاملاً وضع نا آرام داشت و احتمال نیرفت که بانزودی ماحکومت بتواند عایدات مالیاتی زیادی (۱) بدست آرد و نیز ممکن نبود که آنها ایگه (۲) مالیات را در دوران جنگ های قبلی گرفته بودند دوباره بدهند . باشرهمین ضعف عبدالرحمن نمیتوانست پولی را که با آن دستبرد زده شده بود باشر فشار بازور اسلحه دوباره بگیرد (۳) .

ز

- ۱- لواحق سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۱۰۰۶ .
- ۲- ولی محمد همان شخصی است که سالها مالیات اراذی افضل خان و عظیم خان را میگرفت او شخصاً میترسید که هنگام عودت عبدالرحمن خان باید آن پول را بپردانزد لواحق سری دفتر خارجه اگست ۱۸۸۰ K. W. نمره ۳۹۵ .
- ۳- همانجا .

عبدالرحمن در ملاقاتی که در ۳۱ جولای و اول اگست در زمه با لپیل گرفتن بعمل آورد احتیاج مبهم خود را به پول (۱) و اسلحه بیشتر از آنچه چند روز قبل هنگام تخت نشینی (۲) با و وعده داده شده بود اظهار داشت. هر چند با «یادداشت تعهداتی» که لپیل گرفتن انرا در زمه با سپرد قانع بود با وجود ان اصرار داشت قراردادی با حکومت انگلیس منعقد سازد تا باین وسیله بتواند به قبایل از وضع (۳) خود اطمینان دهد. ولی لپیل گرفتن عذر خواست باین دلیل که وضع او هنوز استحکام ندارد و قرارداد وقتی منعقد می شود که امیر خود را بر کابل مسلط سازد و استقرار بخشد (۴).

عبدالرحمن بدوی شبه اقتدار اشغال هرات را از حکومت انگلیس بدست آورده بود ولی در ان جا ایوب خان پسر دم شیر علی بحدی استحکامات تاهسیس کرده بود که دور کردن او از حصار هرات بان زودی مشکل بنظر میرسید. در راه تمام اینها بتاريخ ۲۸ جولای تلگرافی از سطله به حکومت محلی تهران بغداد و خلیج فارس مخابره شد که جنرال ^{روز}مقابل قوای ایوب در نزدیکی کَشک نخود به سختی شکست کرده است (۵) همین روز خبر شکست انگلیس در میوند

۱- لواحق سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۱۰۰۷ و نیز

همانجا دسمبر ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۱۰۰۶.

۲- لواحق سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۱۰۰۱.

۳- لواحق سری دفتر خارجه اگست ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۴۲۱.

۴- همانجا.

۵- لواحق سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۵۵۶.

به جنرال ستیوارت و به کابل مخابره شد در آن جا این تلگراف را به کمال نگرانی و اضطراب دریافت داشتند . جنرال پرمرز که بجای سرد و نالد ستیوارت - قوما ندانی قوای قندهار را برعهده داشت مجبور شد قوای خود را او محسوس بیرون بکشد و آنرا در داخل حصار (۱) جا دعد با نزدیک شدن قوای ایوب خان قسمت بزرگ اشکر شیرعلی از نزد او رفتند مردم قندهار علاقه کمد به فرمانروایی جدید نشان ندادند برعکس با قوای انگلیس که شیرعلی با آنها فعالیت میکرد به سختی دشمن شدند (۲) .

خبر شکست میوند نه تنها در هند ایجاد تاثیر کرد بلکه انگلستان را نیز متأثر ساخت (۳) به مجردي که این خبر به سلسله رسید حکومت هند فرصت را برای نجات دادن سا خلوي قندهار از دست نداد . فرمان اعزام سپاه از راه بولان صادر شد (۴) به اجنت گورنر جنرال خبر دادند که نیروهای امدادی از انگلستان برای کمک در مواقع اضطرار نیز میرسد . خان کلات به قوای انگلیس وعده هر نوع کمک داد .

۱- اوراق پارلمان - سی ۱۸۸۰ - افغانستان

نمره ۳ (۲۷۳۶ C) ص ۲۹ .

۲- لواحق سري دفتر خارج - جنوری ۱۸۸۱

نمره مراجعه ۱۵ .

۳- وایری ستیورت ۳۰ جولای ۱۸۸۱ ، Elsmie ،

کتاب مذکور ص ۳۷۳ .

۴- اوراق پارلمان ۱۸۸۰ - افغانستان نمره ۳ (۲۷۳۶ C) ص ۲۹ .

از این خبر ملکه خوشنودی فراوان خود را اظهار داشت (۱)

معذالك ستیورات و رابرتس عقیده داشتند که قندهاری تواند از کابل

نجات داده شود . ستیورات یکروز بعد از آنکه خبر شکست بروز را گرفت برای -

فرستادن لشکری از راه غزنی (۲) به قندهار ترتیبات گرفت بتاريخ ۳۰ جولای رابرتس

تلگرامی به سمله فرستاد و تاءکید نمود که قوای از کابل به کمک لشکری که در قندهار (۳)

حصاری شده است فرستاده شود . حکومت هند میدانست که اعزام لشکر از راه

بولان وقت بیشتری می خواهد بنابراین متفقاً امر دادند که قوای بزرگی از کابل

تحت رهنمایی - - Sir Fredrick Roberts فرستاده

شود (۴)

عساکر رابرتس توانستند بتاريخ ۸ - اگست از کابل خارج شوند . بروز -

بعد جانب قندهار حرکت نمودند (۵) سفر کابل به قندهار که ۳۲۷ میل فاصله

دارد ۲۳ روز طول کشید و قوای Sir Fredrick Roberts با

صحت و تنومندی کامل به مقصد رسیدند . روز بعد بر دشمن حمله بردند . با اثر

۱- همانجا ص ۳۱

۲- یادداشت ۲۹ جولای Elsmie , کتاب مذکور ص ۳۷۳

۳- رابرتس کتاب مذکور ۲ ص ۴۳۷

۴- تلگرام حامل امر لاردرین بتاريخ ۳ اگست ۱۸۸۰ به کابل رسید رابرتس

کتاب مذکور ۲ ص ۳۳

۵- اوراق پارلمان افغانستان ۳ (۲۷۳۶) ص ۱۱۰ رابرتس

کتاب مذکور ۲ ص ۳۴

مهارت رابرتس و شجاعت لشکر او انگلیس را توانستند با خسارات نسبتاً جزئی
 عساکر ایوب خان را متفرق سازند و توپخانه او را غنیمت شوند (۱) *

بیرون کردن قوای رابرتس از کابل واگذاری سریع مملکت را امر اجباری

ساخت * پس از حرکت قوای انگلیس جانب قندهار نفر کافی برای نگهداری -

استحکامات نزدیک کابل و جنگ در میدان باقی نماند (۲) غیر از این حکومت

انگلیس به تمام مقاصد خود رسیده بود و چیزی جز اینکه کابل را به امیر که طبعاً

علاقه داشت خود را در پایتخت خود مستقر سازد و حکومت خود را تنظیم بخشد

بسیار باقی نمانده بود * ستیورت حس کرد که از نظر سیاسی بیرون کردن

قوای انگلیس در آن وقت بسیار مناسب است و بنابراین از حکومت هند با صراحت

خواهش نمود اجازه دهد این کار عملی گردد زیرا در این وقت قوای اطراف کابل

آرام و مملکت خالی از هرگونه اضطراب است (۳) * لاردرین با ستیورت در -

استفاده از این موقف سیاسی برای بیرون آوردن لشکر انگلیس از افغانستان شمالی

توافق نظر داشت * او میترسید که اگر این کار عملی نگردد ممکن است اوضاع

تخفیر کند و تخلیه کابل بدون مزاحمت و پریشانی جدی غیر ممکن گردد * پس از

حکومت مرکزی جدا^۱ خواهش نمود روی این موضوع جواب فوری بدهد و اصرار داشت

که تخلیه باید بتاريخ ۱۱ یا ۱۲ - اگست صورت گیرد *

۱- تلگرام مؤرخ اول سپتمبر ۱۸۸۰ رابرتس کتاب مذکور ج ۲ ص ۳۷۰ *

۲- لواحق سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۵۷۳ *

۳- همانجا *

۴- همانجا *

اجازه لایحه وزیر خارجه بتاريخ ۶ (۱) مواصلت کرد ستیوارت قبل از آنکه

از کابل حرکت نماید ملاقاتی با عبدالرحمن در نزدیکی شیرپور بچمل آورد (۲) •

همچنین روز افسران انگلیسی اداره امور راجه افغان ها سپردند و تخلیه افغانستان

به انتظام کامل آغاز گردید • جنرال ستیوارت وقوای او بتاريخ ۲۴ - اگست (۳)

به لندی کوتل رسیدند و بتاريخ ۲۹ با ورود به جمرو دهانه خیبر (۴) از -

افغانستان بیرون رفتند •

با ثر عقب نشینی قوای انگلیس از کابل ورود به پایگاه های سرحدی که به

قرار داد کند مک بدست آمده بود این جا ها مجدداً حکم استحکامات حملوی

را پیدا کرد و نگهداری آن بطور دائم باین عنوان موضع قابل ملاحظه گردید •

راجع باین موضوع حکومت لارد رپین یک مزیت داشت وان اینکه بین افسران بزرگ

سیاسی و نظامی اشخاصی بودند که راجع به خیبر و علاقه کرم تجارب شخصی

داشتند و با ثر همین تجربه خویش در قسمت سرحد شمال غربی بهتری -

مردمی بودند که می توانستند به نایب السلطنه مشوره بدهند

۱ - لواحق سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۵۷۴ •

۲ - Elamie اثر قبل الذکر ص ۳۸۳ •

۳ - همانجا ص ۳۸۷ •

۴ - اوراق پارلمانی ۱۸۸۱ افغانستان - نمره ۱ (۲۷۷۶ C)

صص ۸۵ - ۸۰ ، ۸۷ •

124
The first of these is the fact that the
the second is the fact that the
the third is the fact that the

the fourth is the fact that the
the fifth is the fact that the
the sixth is the fact that the
the seventh is the fact that the
the eighth is the fact that the
the ninth is the fact that the
the tenth is the fact that the

the eleventh is the fact that the
the twelfth is the fact that the
the thirteenth is the fact that the
the fourteenth is the fact that the
the fifteenth is the fact that the
the sixteenth is the fact that the
the seventeenth is the fact that the
the eighteenth is the fact that the
the nineteenth is the fact that the
the twentieth is the fact that the

185

ACKU

استقلال افغانستان به خطر افتد می توان با سانی انجارا اشغال کرد • هر
فایده سواق الجیشی که در اشغال قندهار در نظر باشد اشغال آن برضائیت
وحسن نیت افغان ها مفید تر است (۱)

حکومت علیا حضرت بنابر آن فیصله نمود که قندهار را به قلمرو عبدالرحمن
بیارد انصاعقیده داشتند که این راه تنها راه حلی است که با میرموقع میدهد
قدرت خود را بر هرات نافذ سازد • معذالك اگر اتحاد مجدد افغانستان —
تحت فرمان عبدالرحمن غیر ممکن معلوم شود باید تعیین نمایند که تحت چه
شرایطی موقتی یادایی و تحت فرماندهی کدام سرداری باید ترتیبات ایجاد
يك حکومت ملی در افغانستان گرفته شود • بهر صورت به حکومت هند ابلاغ
گردید که باید صریحا بداند که فرمانروایی آینده هر که باشد باید برضای
خودش اتکاء داشته باشد و نیز حکومت هند باید مطلع باشد که حکومت انگلیس
نیخواهد در امور داخلی افغانستان مداخله کند (۲)

راجع به نگهداری پایگاه های جلوي در پیشین وزیر خارجه عقیده دارد
که هرچه دلیلی که علیه اشغال قندهار باشد باندکی تخفیف به طرفداری اشغال
پیشین میباشد • ایشان عقیده ندارند که اشغال این پایگاه ها حکومت هند
را بر افغانستان مسلط می سازد یا اینکه نقطه اهمیت سوق الجیشی خاص دارد
یا اینکه به انشاف تجارت مهم مدتی منتهی میگردد • از طرف دیگر نگهداری آن
حتی بحیث علاقه منتقل قرار داد گندمك الحاق حتمی آن اراضی خواهد بود •

۱- همانجا •

تصرف آن حکومت هند را به سیاست افغانستان گرفتاری سازد و همیشه انگیزه و بهانه برای مداخله در امور داخلی افغانستان باشد اگرچه لزوم اشغال آن نسبت به الحاق قندهار کمتر است (۱)

هرینگتن استدلال میکرد که نگهداری پیشین مستلزم استخدام قوای کافی، و آن به نوبه خود باعث ادامه مشکلات نظامی و مالی میگردد و بالاخره به استخدام لشکر با نظرف سرحد منتهی میگردد. پس به وایسرا اصرار نمود که دو خط سیاست - سیاست پیشرفت و ثبات - را نمیتوان تزهیک ساخت. هرینگتن استنتاج خود را به کلمات زیر شرح میدهد:

دولت علیا حضرت پسر از تاء مل باین نظر رسید که دفاع واقعی هند به قرارگاه های دیگر برای نفوذ یافتن در آسیای مرکزی منوط نیست بلکه به حکومت خود هند انکشاف منابع آن و اکمال تشکیلات نظامی و کفایت لشکران است (۲)

در قسمت روابط با عبدالرحمن حکومت مرکزی حاضر نبود راجع به منفعت آن (روابط) نظر مبالغه آمیز داشته باشد یا جریان امور را در افغانستان بنظر خوشبینی پیشینی کند. اما عقیده داشتند که از سیاستی که اتخاذ شده است نتیجه اطمینان بخش گرفته شود. آنها گمان نمیکردند عبدالرحمن بتواند بدون اشکال تسلط خود را بر افغانستان نافذ سازد. اما امید واری بودند که عبدالرحمن با ثریاقت خود و چهره ای که حکومت با و نشان داده است بتواند

۱- لواحق سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۸۰ نمره مراجعه مراسله وزیر خارجه به

حکومت هند ۳ دسمبر ۱۸۸۰.

۲- اوراق سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۲۵۶. مراسله وزیر دولت

به حکومت ۳ دسمبر ۱۸۸۰.

فرمانروایی مقتدری شود و روابط دوستانه بین مملکتین قائم گردد * مارکوس هرینگتن
اعتقاد کامل داشت که سفارت نماینده محلی هندی می توانند روابط مطلوب را بین
دو مملکت نگه دارند و بنابراین به ازاد بین اصرار کرد که این کار را بجزود ترستن
فرصت صورت دهد (۱) *

در همین وقت ها عبدالرحمن به وزارت خارجه مکتوبی نوشت و در آن خواهر
نمود که مبلغ صد لک رویه با ارگمک شود عبدالرحمن این مبلغ را برای اجرای امور
دولت و نگهداری عسکر در افغانستان لازمی میدانست او اصرار داشت که خرابی
اوضاع افغانستان و ویرانی وضع مادی مملکت بحدی که مبالغ کوچک نمی تواند آنرا
جبران کند * قرار نوشته او ابادی این ویرانی ها به مبالغ هنگفت و لطف و مراحم
دولت علیه انگلیس احتیاج دارد در تقاضای کمک هزینه موعود جز تنظیم امور مملکت
و تقویه اساسات دوستی بین دو دولت متحد منظوری نداشته و نخواهم داشت (۲) *

قبل از آنکه مراسله مورخ ۱۱ نومبر هرینگتن به حکومت هند برسد از ردیپن
به الفرد لیال هدایت داد با عبدالرحمن در موضوع قند ها رباب مذاکره را باز
کند * بتاريخ ۱۸ نومبر ۱۸۸۰ لیال مکتوبی به امیر نوشت و در آن تقاضا کرد
ترتیباتی را که مطابق آن قند ها را باید تحت اداره او گذاشته شود تصریح نماید *
مطابق هدایاتی که در نامه ۲۱ می ۱۸۸۰ وزارت خارجه داده شده بود لازم شد
برای استقرار حکومت محلی در جنوب افغانستان طرق آذم تحت مطالعه گرفته شود *

۱- لواحق سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۲۵۵ * از هرینگتن به ردیپن

۳ دسمبر ۱۸۸۰ *

۲- لواحق سری دفتر خارجه جنوری ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۲۵۹ * از امیر به لیال

۱۱ دسمبر ۱۸۸۰ *

و برای این کار راهی جز اینکه قندهار را تحت ادارهٔ امیر کابل بیارند نیافتند .
 بسبب این ملحوظات برای اینکه باب مذاکره باز شود لازم دیده شد از امیر
 دعوت نمایند تا نمایندگان سیاسی قابل اعتماد به هند بفرستند تا حکومت هند
 مقاصد خود را با ایشان ابلاغ نماید (۱)

در این ضمن عبدالرحمن نامه ای به عنوان لیل نوشت و در آن اظهار داشت
 که از او دعوت شده است حکامی به علاقه های خوست و کلات غلزایی ارسال دارد .
 در این مکتوب عبدالرحمن خان استفسار نموده بود که آیا می تواند برضائیت
 حکومت انگلیس را این کار را انجام دهد . لیل وقتی این مکتوب به هند رسید به
 قندهار رفته بود و در آنجا نبود . هنگام عودت نامه مزبور در هند دریافت داشت .
 از راهور جوایی به امیر فرستاده شد و اعزام حاکم به خوست موافقه شد . اما موضوع
 کلات غلزایی تا مدتی به تحویق افتاد . معذالک از آنجایی که کلات غلزایی در
 زمان سلطنت امیر دوست محمد خان ، هنگامیکه قندهار تحت حکومت بدشاکانم
 اداره می شد بتصرف حکومت کابل بود . لارده پین با امیر نامه ای نوشت و ارسال
 حاکم بائرخوانش قبیله تخی موافقه کرد (۲)

راجع به درخواست امیر در قسمت کمک هزینه حکومت هند به نایب السلطنه
 پشاور هدایت داد آنرا مورد توجه قرار دهد ضمناً باو خاطر نشان ساخت که
 بخاطر داشته باشد که وعده لیل گرفتن به عبدالرحمن در قسمت کمک مالی از
 بیست لک رویه بیشتر نبوده . از این مبلغ نوزده لک تا اواخر اکتوبر پرداخته شد بود .

۱- اوراق پارلمانی ۱۸۸۱ ، افغانستان نمره ۵ (۳۰۹۰) ص ۸۰

۲- اوراق پارلمانی ۱۸۸۱ ، افغانستان نمره ۵ (۳۰۹۰) ص ۱۰۹

به نایب الحکومه پشاور بنا بر آن اختیار داده شد که مبلغ باقیمانده را به نمایندگان معتمد امیر بسپارد. چگونگی پرداخت این پول را بایشان توضیح کند. • لیال - اظهار نظر نمود که حضرت امیر این مبلغ را مرسوم به قرار داد تبلی بداند پول مذکور به درخواستی که به شاه امیر داده است هیچ دخلی ندارد (۱)

در آغاز سال ۱۸۸۱ مسله قندهار بالاخره با ابلاغیه ملکه در افتتاح جلسه پارلمان جنرل براینکه "۱" اشغال قندهار برای ابد باقی نمی ماند فیصله شد. (۲) به جواب نطق خیر خواهانه ملکه بیکنر فیلد در مجلس لرد ها اظهار نظر نمود که هیئت وزراء در تصمیم خود راجع به عقب کشیدن قواء از قندهار خواسته است خطر خود را بدینا اعلام کند. در این تصمیم عجله شده است و نتایج آن بسیار خرابتر ^ک خواهد بود (۳) ارل لیتن (۴) برای جلب توجه مجلس بامور - افغانستان و توضیح فعالیت های خود شریکام نیابت سلطنت هند تخلیه قندهار را به شدت تقبیح نمود و دوست صمیمی و همکارش Vis Count Cranbrook در تقبیح این سیاست با او همراه بود (۵)

مسله نگهداری یا واگذاری قندهار حتی در زمان نیابت سلطنت لاردر لیتن مورد بحث و گفتگو بود. • بتاريخ ۳۰ دسمبر ۱۸۷۸ میجر جنرال هنری گرین اشغال

۱- لواحق سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۱۰۴۸.

۲- هنسرو ۱۸۸۱ سلسله سوم ۲۵۷ ستون چهار.

۳- همانجا ستون ۱۸ ۶ جنوری ۱۸۸۱.

۴- پس از تقاعد لیتن از هند لقب ارل را باو بخشیدند.

۵- هنسرد ۱۸۸۱ سلسله ۳، ۲۵۷، ۱۰ جنوری ۱۸۸۱، ۲۸۴-۳۰۰ و

قندهار را از راه قرار با امیر کابل مانند موضوع گریته (۱) خواهم نمود اما در
 ۱۸- اپریل سال دیگر سرد و نالک ستیوارت با مسئله اشغال قندهار جدا مخالفت
 نمود باین دلیل که قندهار حدود دفاعی ندارد (۲) در انگلستان موضوع واگذاری
 قندهار از طرف - Sir Erskine Perry - عضو انجمن -
 وزارت (۳) خارجه - Secretary Of States Council حمایت
 می شد در حالیکه - Sir Fredrick Roberts - جدا -
 مخالف او بود او در حالیکه عقب کشیدن قوای انگلیس را از خیبر توصیه میکرد اصرار
 داشت که قندهار باید تحت تسلط انگلیس بماند (۴) .

مسئله باز در دوران زمانداری دم گلاذ ستون مطرح شد . سعی کردند
 از راه مقابله کردن دو مکتب فکری (۵) به نتیجه برسند . از جمله اعضای وزارت
 خارجه سر هنری نارمن - Sir Henry Norman - سر ابراهام
 گمری - Sir Robert Montgomery - سر ارسلن پیتری
 - Sir Erskine Perry طرفداری اگذاری بودند در حالیکه

۱- اوراق پارلمانی ۱۸۸۱ - افغانستان نمره ۲ (۲۸۱۱) ص ۲۴-۲۷ .

۲- لواحق سری دفتر خارجه مارچ ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۵۰۱ .

۳- اوراق پارلمانی ۱۸۸۱ - افغانستان نمره ۱ (۲۸۱۱) ص ۲۸-۳۳ .

۴- اوراق پارلمانی ۱۸۸۱ - افغانستان نمره (۲۷۷۶) ص ۶۵-۷۲ .

۵- پیشرفت و ثبات .

سر ویلیم میرویدر^۱ سر هنری راولنس این سیاست را تقبیح می نمود (۱) در کونسل
اجرائیه نایب السلطنه نیز اختلاف نظریین اعضاء موجود بود * ستاکس
تامپسن و Haines طرفدار نگهداری قند هار بود و تامپسن
- Evelyn Daring - از نظریه واگذاری این یایگاه جلوی (۲)
حمایت می نمود * James Gibbs عضو دیگر کونسل اجرائیه
رین اگرچه با سیاست واگذاری مخالف نبود اصرار داشت که مملکت نباید نسبت
بانچه که فعلاً در گوشه و کنار آن موجود است به وضع انارشی گرفتار شود (۳) از
طرف دیگر سرد و نالد استیوارت نظر خود را تغییر داد و با وجود آنکه طرفدار
سیاست الحاق نبود در ۱۸۸۱ با سیاست واگذاری مخالفت کرد باین دلیل
که این کار به عدم توجه به تعهداتی که در زمان حکومت لار د لیتن از طرف حکومت
هند اتخاذ شده است منتهی میگردد * (۴)

- ۱- اوراق پارلمانی افغانستان نمره ۲ (۵۲۸۱۱) ص ۴۷-۶۷ *
 - ۲- لواحق سری دفتر خارجه مارچ ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۶۹، ۷۳، ۷۴ و نیز اوراق
پارلمانی ۱۸۸۱ : افغانستان نمره (۵۲۸۱۱) ص ۶۷-۷۷ * ۸۱-۸۵ *
 - ۳- لواحق سری دفتر خارجه مارچ ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۷۰ *
 - ۴- لواحق سری دفتر خارجه مارچ ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۷۱ *
- استیوارت را اعیاناً راجعه دو یاد داشت قند هار به بی ثباتی متهم میکند * ولی او در
نظرش راجع باینکه اشغال قند هار بدلیل نظامی و سیاسی نامالوب است ثابت بود *
انچه او در نامه دومش از آن تاسف کرد تغیر سریعی بود که در مجری سیاست
سنجیده قبلی رخ داد اگرچه شخصاً آن سیاست را تأیید نه نمود *

علاوه بر اشخاص روشناسی که در آن سال وایسرا وزیر شدند موجود بودند

اشخاص دیگری هم بودند که نظر خود را راجع به سلسله قند هارثیت بردند .

مهمترین آنها عبارت است از کرنل ایست (۱) Colonel East ,

رابرت سندیمن Robert Sandeman (۲) الفرد لیال (۳) ولارد نیپر (۴)

از مگده . سه نفر اول الذکر افرادار واگذاری بودند در حالیکه نیپر افرادار

حزب مقابل بود .

اگرچه از نظر سیاست موضوع قند هار با مراسله مؤرخ ۱۱ نوامبر ۱۸۸۰ و

اعلام محتویات نامه در ابلاغیه ۶ جنوری ۱۸۸۱ ملکه عملاً خاتمه یافت بنابراین

بتاریخ ۳۰ جنوری لرد رین نامه ای به عبدالرحمن نوشت و از وی دولت هند را

در قسمت واگذاری قند هار با میرابلاغ نمود و وعده داد که حاضر است وی را برای -

بدست آوردن این منظور به پول و مهمات جنگی کمک نماید . (۵)

ولی وقتی نوبت تصمیم راجع به علاقه پیشین رسید موضوع باز مورد مداخله

قرار گرفت . در اواخر سال ۱۸۸۰ حکومت مرکزی تصمیم گرفت که پیشین نباید

نگهداری شود باین دلیل که دولت علیا حضرت نه میخواهد با آن طرف سرحد موجود

پایگاه های سوق الجیشی داشته باشد (۶)

۱- اوراق پارلمانی افغانستان نمره ۲۵ (۲۸۱۱) ص ۴۶-۴۷ .

۲- لواحق سري دفتر خارجه ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۹۰ .

۳- اوراق پارلمانی ۱۸۸۱ - افغانستان نمره ۲ (۲۸۱۱) ص ۴۶-۴۷ .

۴- لواحق سري دفتر خارجه جنوري ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۹۰ .

۵- اوراق پارلمانی ۱۸۸۱ - افغانستان نمره (۵) (۳۰۹۰) ص ۳۰۳ .

۶- رك : همین كتاب ص ۱۸۷ .

حکومت هند محذالك اظهار نظر کرد که موقف نظامی و همچنان سیاسی پشین نسبت به موقف حوالی قند هار فرق دارد . و از سبب تداویری که برای بیرون کشیدن او از پشین اتخاذ میگردد باید جداگانه مورد ته قیق قرار گیرد . آنها اظهار داشتند که در ندهار و اراضی آن طرف کوژک بطور عموم سعی آنها برای رویکار کردن یک نوع حکومت به ضروریات سیاسی محدود تابع آن ضروریات میباشد و آن با وضع واگذاری تبلی توأم است . در پشین این ضروریات باین اندازه اجباری نیست از طرف دیگر حکومت در مقابل مردم این علاقه تحداتی دارد (۱)

حکومت لارد رپین بنا بر آن میخواست وزیر خارجه وقت طرز واگذاری پشین را باختیار ایشان بگذارد . ایشان تجویز کردند به افسران سیاسی خود هدایت دهند که هر نوع قرار را ترك بگویند و این مطلب (ترك قرار) به مردم فصحاند شود و نیز تمام ترتیبات آنها برای این کار در آخر تعیین گردد . آنها اظهار نظر می نمودند که ممکن است تا مدت کوتاهی پس از واگذاری قندهار در یکی از نقاط پشین تحت حمایت کویته مقداری از عساکر نگهداری شود (۲) نگهداری این جا برای تأمین قدرت سیاسی است که جهت انجام تدبیری کار را لازم می افتد آنها گمان نمیکردند که این کار مصارف اضافی را بر حکومت تحمیل کند یا حکومت را با مشکلات تازه با افغانستان مواجهه سازد .

رپین با وجود این جدا تصیم گرفته بود که پشین نباید به امیر کابل گذاشته شود . حتی قبل از آنکه لندن رابه نیت اشغال نیابت سلطنت هند ترك

۱- لواحق سری دفتر خارجه قبروری ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۲ .

۲- یادداشت ۹ می ۱۸۸۰ مکاتبه یا وزیر خارجه ۱۸۸۰ جزو ۲ و نیز رجوع کنید

بگوید. اساسات سیاست افغانستان خود را جهت مطالعه و تدقیق وزیر خارجه
 مآرکوس هرنگتن طرح کرد. • سیاست لاردرلین را که مبنی بر تجزیه افغانستان بود
 رد کرد و تصمیم گرفت به فرمانروای کابل اجازه داده شود هرات را اشغال نماید
 قوای انگلیس باید از قندهار بیرون بروند. پشین و سیی را حکومت انگلیس نگهداری
 کند (۲)

در این موازنه بین دو نظرافراطی پیشرفت و ثبات نایب السلطنه با کنترل ایست
 مربوط شق استخبارات حریه ، و Sir A. Alison و Sir G. Wolsely (۳)
 هم عقیده بود. • لاردرلین به وزیر امور خارجه تاءکید نمود که باید ملتفت باشد که
 هرگاه قوا کاملاً به جانب رود سند عقب نشاندۀ شود احتمال دارد در آیندۀ
 عکس العمل تولید کند و برای سیاست پیشرفت خطرناک ثابت شود. • رپن به هرنگتن
 در این موضوعی نویسد: " به کمال جرئت می توانم بگویم که اگر دوباره به
 سند بروند ... ما باید در میدان سیاست پیشرفت دوباره بجنگیم و احتمال قوی
 میرود که این کار بجنگ چهارم افغان منتهی شود در حالیکه اگر محلی که من
 طرفدار اشغال آن هستم اشغال شود ممکن است به حملات بعضی از افغان
 های متعصب که نگهداری قندهار را ترجیح میدهند مجبور شویم مقابله کنیم (۴) •

۱- همانجا •

۲- یادداشت مؤرخ ۹ ۱۸۸۰ مکاتبه با وزیر خارجه ۱۸۸۰ جزو ۲ و نیز رجوع کنید به
 ولف زندگی رپن جزو ۲ ص ۲۰۲ •

۳- اوراق پارلمانی ۱۸۸۱ افغانستان ۲ (۲۸۱۱) ص ۴۶ •

۴- ۲۵ اکتوبر ۱۸۸۰ مکاتبه با وزیر خارجه بنقل از ولف در زندگی رپن ۲ ص ۳۹ •

استدلال رپین را در مورد نگهداری پشین رابرت سندیمین (۱) که در اوایل سال ۱۸۸۱ به انگلستان مسافرت نمود تقویه کرد * تونیج (۲) او بخدی موثر بود که بقول ریگی نالد بریت لارد هر تنگن جز اینکه به رپین اختیار کامل بدهد (۳) نمی توانست کاری بکند * حکومت مرکزی بتاريخ ۲۹ اپریل رها کردن پشین وسیعی را تصویب نمود اگرچه نخواستند نظر خود را راجع به عدم اقتضای نگهداری دایمی این جاها تأخیر دهند (۴) با وجود این چه حکومت مرکزی نظر خود را تأخیر میداد چه نمیداد پشین وسیعی با اختیار امیر کابل گذاشته نمی شد این دو جزو الایتجزي قلمرو انگلیسی در هند باقیماند :

لارد رپین در عین حال به تبلیغات خود مقابل واگذاری قندهار به فرمانروایی کابل ادامه داد * بتاريخ ۳ مار ۱۸۸۱ تصمیی باین شرح در مجلس اعیان پیشنهاد نمود : « در اطلاعی که مقابل این مجلس گذاشته شده است مطلبی موجود نیست که سیاست دولت علیا حضرت را تصدیق کند » بحث در مسئله قندهار تا د و روز در مجلس لرد ها ادامه داشت و پیشنهاد لارد رپین به ۱۶۵ مقابل ۱۲ رأی قبولانده شد (۵) بتاريخ ۲۴ و ۲۵ ماه این مسئله در مجلس عوام مورد مناقشه قرار گرفت در اینجا با ۳۳۶ مقابل ۲۱۶ رأی انرا رد کردند (۶)

۱- در بالا فصل ۱- ص ۲۲-۲۳

۲- اوراق پارلمانی ۱۸۸۱ - افغانستان نمره ۵ (۴۰۹۰) ص ۸۶

۳- ولف کتاب مذکور ۲ ص ۴۴

۴- اوراق پارلمانی ۱۸۸۱ - افغانستان نمره ۵ (۴۰۹۰) ص ۸۶

۵- همانجا ۳۱۱

۶- Hansard ، ۱۸۸۱ سلسله ۳ ، ۲۵۹ ، ۲۰۳۲

وقتی موضوع قندهار باین ترتیب در پارلمان انگلیس مورد بحث بود حکومت هند به استرداد این ایالت با عبدالرحمن داخل مذاکره شد. اوایل فبروری امیر نماینده محترم خود جنرال میر احمد را جهت مذاکره به کلکته فرستاد. جنرال در ۲ فبروری به کلکته رسید و در صحبت خوشتر با نایب السلطنه (۱) عقیده محکم خود را اظهار داشت که امیر کاملاً تصمیم گرفته است لشکر خود را به قندهار بفرستد اما برای این کار مخمات کافی ندارد. از این جا است که به نماینده سیاسی اطلاع دادند که علاوه بر مخماتی که قبلاً به پشاور فرستاده شده است باز هم برای حمل و نقل وسایل اضافی به کابل وسایل ضرورت است (۲).

الار د رپین تصمیم گرفت که لشکر انگلیس باید در اوایل قندهار از آن جاییرون بیروند. مطابق این تلگرافی به کمشنر پشاور صادر کرد تا به امیر اطلاع بدهد که لشکر او تا پانزده اپریل قندهار را اشغال نمایند. عبدالرحمن بتاريخ ۶ مای ۱۸۸۱ به نامه کمشنر پشاور جواب داد و برای ارسال لشکرش به قندهار وقت بیشتری خواست و مشکلات خود را برای این عمل معجل که از طرف کمشنر پیشنهاد شده بود شرح داد (۳).

جنرال میر احمد بتاريخ ۸ مای کلکته را ترک گفت و با خود مکتوبی به امیر همراه داشت. در این مکتوب مطابق هدایت نامه مؤرخ ۳ دسمبر ۱۸۸۰ وزیر خارجه از امیر خواسته شده که نماینده محلی را از طرف حکومت هند قبول نماید (۴).

۱- لواحق سري دفتر خارجه مای ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۳۱ و ۴۶.

۲- همانجا.

۳- اوراق پارلمانی ۱۸۸۱ - افغانستان نمره ۵ (۳۰۹۰) ۷۲.

۴- لواحق سري دفتر خارجه مای ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۲۸.

به جواب نامه ۶ مانج عبدالرحمن لارډ رپين شخصاً تاء کيد نمود که این مطلب را بخاطر داشته باشد که اشغال قند هار بواسطه عداکرت قند هار نباید به تاخیر افتد زیرا در اول لشکر انگلیس باید در وقع قبل از آنکه گرمای هند فرا رسد - حرکت کند ثانیاً تاخیر ممکن است مخالفت منافع خود امیر باشد زیرا اذهان مردم ممکن است تحمیر کند و موقع امر بگذرد (۱)

در این ضمن ایوب خان سفرایی به کرنل سنت جان فرستاد و تاء کيد نمود که قند هار باید باو گذاشته شود و او حاضر است که در عوض آن به حکومت انگلیس کمک نماید (۲) سنت جان با نمایندگان ایوب چند مرتبه ملاقات کرد در جریان این ملاقات ها صریحاً بانها خاطر نشان ساخت که حکومت انگلیس پس از مطالعه دقیق اوضاع عقیده دارد که واگذاری اداره قند هار به منفعت حکومت انگلیس و افغانستان خواهد بود و ازینجا است که از او خواهر شده است بانجا لشکر بفرستد • نمایندگان از این تصمیم اظهار تاسف کردند و پس از اندکی بحث موافقه نمودند - بنابر ۲۳ مانج از ان جا (قند هار) بیرون بروند (۳) •

تمام شواهد یکه در قند هار بدست سنت جان افتاد میرساند که ایوب خان بر مردم خود مسلط نیست • با وجود این مشارالیه (سنت جان) عقیده داشت که واگذاری قند هار به عبدالرحمن خان بدون تصادم صورت نخواهد گرفت • بنظر او تا وقتی ایوب خان بتواند خود را در امرات نگهدارد با عبدالرحمن در موضوع اداره

۱- اسرار پارلمانی ۱۸۸۱ - افغانستان نمره ۵ (۳۰۶۰) ص ۷۲ •

۲- همانجا •

۳- لواحق سري دفتر خارجه اپریل ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۸ •

توانم با این پنج قند پیاده چهار قند سواره را مسلح ساخت و ۱۲ توپ را باد و هزار نفر خاصه وار (۱) آماده کرد همه این ها بیرون شهر کابل خیمه زدند و برای - حرکت جانب قند ها را خود را آماده ساختند (۲) امیر پسر عموش سردار محمد هاشم خان را نایب الحکومه قند ها را مقرر کرد و سردار شمس الدین خان محمد زایی، غلام حیدر خان صاحبزاده قاضی سعد الدین خان و بعضی از اشخاص دیگر را به معاونت او تعیین نمود و جنرال غلام حیدر خان توخو را فرمانده قوای نظامی ساخت (۳) برای تنظیم امور قند ها را عبدالرحمن از نایب السلطنه خواهرش نمود با و از راه اعطای پول و اسلحه کمک نماید (۴) در این هنگام قوای خود را تحت رهنمائی غلام حیدر اعزام داشت و خودش در پایتخت منتظر ورود سپاهیانش در قند ها شد (۵) از راه رسیدن از ترتیباتی که امیر گرفته بود بسیار خوش بود و برای تشویق او علاوه بر مبلغ پنج لک روپیه ای که به هاشم خان داده شده بود مبلغ پنجاه هزار روپیه در ماه با و ی کمک مالی کرد و این کار برای آن بود که عبدالرحمن بتواند اداره خود را بر افغانستان جنوبی مستقر سازد (۶) در مدت يك هفته بیرق انگلستان را

۱- عساکر غیر منظم

۲- لواحق سری دفتر خارجه تاریخ ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۰۸۲

۳- اوراق پارلمانی ۱۸۸۱ - افغانستان نمره ۵ (۳۰۹۰) ص ۷۶

۴- اوراق پارلمانی افغانستان ۱۸۸۱ نمره ۵ (۳۰۹۰) ص ۸۴-۸۵

۵- همانجا ص ۸۵

۶- همانجا ص ۸۶

بافیر ۳۱ (۲) توپ به علامت احترام از حصار نندهار پایان کردند افسران انگلیسی وظایف خود را به مردمان امیر سپردند و سنت جان بتاريخ ۲۱-اپریل ۱۸۸۱ این راپور را بدفتر خارجه در سمله مخابره کرد: «لشکر در نیم میلی بیرون شهر خیمه زده اند و فردا ساعت هشت حرکت خواهند کرد» (۲) تخلیه افغانستان جنوبی بتاريخ ۲۷ اپریل تکمیل شد حرکت ارقند هار بدون خطر بود ترتیبات وسایل نقلیه ومهمات بسنار خوب گرفته شده بود تمام پایگاه های نظامی باختیار افسران امیر گذاشته شد و سنت جان متوقع بود بتاريخ ۲۹-اپریل به کوته برسد (۳) •

همینکه لشکر انگلیس از افغانستان جنوبی بیرون رفت خبر رسید که ایوب خان آماده حرکت جانب قند هار می باشد وسواران بدسته های پنجاه و صد براه افتاده اند • می بیند ایوب خان گفته بود در نظر ندارد بر هیچ کسی جز انگلیس هادریشین حمله برد • قاضی سعد الدین بایک غند جانب گرشک حرکت کرد وخبر رسید که عبدالرحمن از کابل جانب قند هار حرکت کرده است • (۴) •

دیری نگذشت که به سنت جان خبر رسید که چهار غند باد وتوپ از مرات به واشیر رسیده است و در شهر شمرت دارد که سردار ایوب خان به روضه باغ است • واقعیت این خبر هر چه باشد ریزدنت مشخصه عقیده داشت که ایوب از مرات بیرون نمیرود و بتاريخ ۶ جولای ۱۸۸۱ به لیال راپوری فرستاد مبنی بر اینکه مادر

۱- لواحق سری دفتر خارجه می ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۶۱ •

۲- همانجا •

۳- لواحق سری می ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۶۴ •

۴- اوراق پارلمانی افغانستان ۱۸۸۱ نمره ۵ (۴۳۰۹۰) ص ۱۰۶ •

ایوب باو مکتوبی نوشته است رد را این مکتوب در ۲۰ وی (ایوب) ضعیف تر از آن است که بتواند با عبد الرحمن مقابله کند و باید تا وقتی انتظار نکشد تا ترتیبات برانگیختن شورش را بداند و خود در کابل بگیرد (۱) اما دو هفته بعد مجبور شد خبر دهد که ایوب خان بتاريخ ۱۶ جیلاي (۲) به سیه اب ۳۳ میل به طرف غرب خاش رود رسیده است • چند روز بعد ایوب جانب گرشک حرکت کرد در این جا غلام حیدر مقابل او جلو آمد و با • بیگوند ایر در قسمت پایانی گرشک از هلمند عبور نمود و نیز خبر رسید که از طریق باله خانه و بند تیمور حرکت میکند و می خواهد قند هار را در یک حمله ناگهانی بگیرد • ولی در کار نز عطا مقابل او را گرفتند در انجا قوای امیر به سختی شکست کرد (۳)

شکست قوای عبد الرحمن حکومت هند را به تردد دچار ساخت • اگر ایوب مقابل فرمانروای کابل موفق شود مسئله افغان باید دوباره حل گردد • خوشبختانه این اتفاق روی نداد عبد الرحمن شخصا مقابل ایرب پیشرفت او را به تاریخ ۲۲ سپتمبر شکست داد و ولایت قند هار را متصرف شد • ایوب خان که نتوانست قند هار را بگیرد و به هرات گریخت اما چون بانجا رسید دید طرفداران عبد الرحمن شهر را متصرف نمود ماند • بنابراین مجبور شد بایران پناه ببرد • در انجا با اثر ترتیبی که بین حکومت انگلیس و ایران اتفاق شد با و اجازه دادند مقیم شود (۴) •

۱- اوراق پارلمانی (۱۸۸۱-افغانستان نمره ۵ (C ۳۰۶۰) ص ۱۰۶-۱۱۴ •

۲- همانجا ص ۱۱۵ •

۳- همانجا ص ۱۱۷ •

۴- دکتر گوآل می نویسد که حکومت انگلیس ۴۰۰۰ پوند به ایوب خان و پیروان او پرداخت

حکومت ایران متعهد شد ایوب را نگهدارد بطوریکه نتواند به سرحدات افغانستان برسد کتاب مذکور ص ۴۱ - یادداشت موافقتی که بتاريخ ۲۸ مارچ ۱۸۸۴ - از طرف گرنیول به تامسن فرستاده شد مبنی را که به ایوب خان و تابعین او پرداخته می شد ۸۰۰۰ پوند در سال تعیین نمود اوراق پارلمانی ۱۸۸۵ - سیاسی و مطی نمره ۲ (C ۴۳۸۷) ۱۴-۱۵ •

با اتحاد افغانستان مشکلات ارم تمام نشد . تسلط او بر هرات ضعیف بود و هنوز سرحدات افغانستان بدستش تعیین نشده بود . مالیات صورت عادی بخود نگرفته بود و نماینده مسلمانی که بتواند رابط بین دو مملکت اقام سازد هنوز بدربار امیر راه نیافته بود . عبدالرحمن هنوز هم برای قرارداد معینی با حکومت انگلیس رداد و فریاد داشت علاوه براین ها امیر میخواست حدود قدرت او در افغانستان تعیین گردد تا بتواند باد و همسایه قوی خود در صلح و صفا زندگی کند .

لارډ رین بسیار مایل بود در قسمت سرحدات شمالی افغانستان با روسیه توافق نظر پیدا کند . پیشرفت لشکر روسیه بطرف جنوب اراضی آسیای مرکزی برای زمامداران انگلیس اعلام خطر نموده بود بطوریکه دولتن گلاډ یستون با وجود اعتراض شدید ملکه (۱) سعی کرد در موضوع ساحه فعالیت خود روسیه با اخیر الذکر توافق نظر پیدا کند . لارډ هننگن به غرض اداره هر نوع دسیسه در آسیای مرکزی لازم دید این ابلاغیه را صادر نماید : " حکومت فعلی به کمال صراحت اظهار میدارد که استقلال و تمامیت ارضی افغانستان برای وی اهمیت حیاتی دارد ایشان اجازه نمیدهد هیچ يك از قوای خارجی در امور داخلی یا خارجی افغانستان مداخله کنند (۲) ۱۸۸۰

در علاج پیشرفت روسیه نایب السلطنه به هر تنگن پیشنهاد کرد به بهترین راه انعقاد قرارداد با آن مملکت می باشد این قرارداد باید روسیه را متعهد کند

۱- از ملکه به گلید ستون ۲۰ جون ۱۸۸۰ Guedalla

The Queen and Mr. Gladstone - -

۲ ص ۱۰۹

از مداخله در امور افغانستان جلوگیری نماید (۱) کزنسل رپن فیر از تامپسن باین سیاست همراهی بودند (۲) ولی در اعضای حکومت مرکزی Dilke اصلاً با آن موافق نبود (۳) و گرانویل آنرا بحیث فشار طرفداران گلا دستون براند یا افس تقبیح کرد (۴) لارڈ هرتنگن ولارڈ سالزبری در اول طرفداری تقویه ایران از راه قرض بودند و میخواستند ازین راه و از راه های دیگر مملکت را بحیث قوه الظهور در مقابل حمله روس (۵) نگهدارند . اما دلکے آنرا پیشنهاد شکست انگیز خواند (۶) متخصصین وزارت خارجه راجع به سیاست معینی در آسیای مرکزی نتوانستند توافق نظر پیدا کنند (۷) .

در این وقت گرنویل با تونیوف سفیر روس در لندن راجع به سیاست دو مملکت در آسیای مرکزی مذاکره کرد . روسیه رسماً اعتراف نمود که افغانستان را بیرون ساحه نفوذ خود میداند و موافقت کرد که قرارداد ۱۸۷۲-۷۳ (۸) با قرارداد سرحدات افغانستان از جائی که غیر معین مانده است تا سرخس تکمیل کنند (۸)

۱- رپن به هرتنگن ۱۵ اپریل ۱۸۸۲ ولف کتاب مذکور ص ۶۰

۲- ولف کتاب مذکور ص ۶۱ .

۳- گوین Gwynn و تکویل در Sir Charles Dilke

ص ۴۲۹

۴- همانجا .

۵- هرتنگن به رپن ۲۴ فبروری و ۳ مارچ ۱۸۸۲ ولف کتاب مذکور ص ۶۱ .

۶- گوین و تکویل کتاب مذکور ص ۴۳۰ .

۷- همانجا .

۸- در بیان صفحه ۱۴۳-۱۶۷ .

۹- اوراق پارلمانی آسیای مرکزی نمره ۱ (۳۶۳۰) ص ۵۹ .

لارډ هرتنگن متد رجا با رپن هم عقیده شد و در اکتوبر ۱۸۸۲ بیسیه
 گرنیول به طرفداری قرارداد معین با روس (۱) نامه نوشت. گرنیول با نارتبروک
 - Kimberley (۲) و Dilke در این موضوع مشوره نمود اگر چه
 نارتبروک طرفدار قرارداد با روس بود گرنیول به مقام چنین قرارداد با روسیه (۳)
 متقین نبود.

در این ضمن عبدالرحمن به توافق نظر کامل با حکومت انگلیس اشتیاق کامل
 پیدا کرد (۴) قندهار و کابل از دست ایوب خان نجات یافت او میخواست حکومت
 هند سفیر مسلمانی که وجود او را بدربار کابل هر دو مملکت خواستار بودند
 بدربار او بفرستد. بنابراین لفتنت کرنل (دگرمن) سردار محمد افضل خان
 از نیزه داران ۱۱ بنگال بدربار امیر نماینده مقرر شد افضل خان به تاریخ
 ۶ جون ۱۸۸۱ به کابل رسید و به قاضی عبدالقادر خان اخبار نویسنده بدربار
 امیر هدایت داده شد به پشاور برگردد (۴).

ولی کار مهم عبدالرحمن انعقاد قرارداد با حکومت انگلیس و تخمین سزحدات

۱- Wolf ، کتاب مذکور ص ۲۶۳.

۲- در دسمبر ۱۸۸۲ جانشین هرتنگن در اندیا افس گردید.

۳- Mallet در زندگی نارتبروک - Life Of Northbrook

ص ۱۵۸-۱۵۹.

۴- نامه گرنیول به ملکه ۹ فبروری ۱۸۸۳ فیتز موریس زندگی گرنیول^۱ Life Of Granville

ص ۴۱-۲۰.

افغانستان بود . در شرح حال خود شری نویسد (۱)
 « من از ایشان (انگلیسها) خواهر کردم که با استحکام سرحد شمال غربی افغانستان
 توجه کامل داشته باشند » . به افضل خان توضیح داد که دوستی انگلیس را -
 میخواهد و از زود دارد سرحدات او تعیین کرد (۲) او تدابیر روسیه را در آسیای
 مرکزی میدانست بنابراین جدا از نایب السلطنه خواهر نمود سرحدات او را با
 چنین دشمن مقتدری تعیین کند (۳) از تذکری که لاردر پین در نامه اول می ۱۸۸۲
 خوش نموده بود حسن استقبال نمود در این نامه لاردر پین گفته بود حکومت انگلیس
 در صورتی که امیر موافق باشد میخواهد به قرارداد ۱۸۸۰ شکل معین و ثابتی بدهد .
 امیر فرصت را از دست نداد و به نایب السلطنه اطلاع داد که حاضر است با حکومت
 هند قراردادی منعقد سازد البته بشرط اینکه نوعیت این قرارداد را قبلاً برای
 او تعیین کنند . (۴)

امیر هنگامیکه در تلاش قرارداد و تعیین سرحدات سلطنت خود شری بود از
 جغرافیای افغانستان اطلاع کافی نداشت (۵) راجع به قرارداد با عبدالرحمن

۱- ج ۲ ص ۱۲۲

۲- لواحق سری دفتر خارجه اپریل ۱۸۸۳. نمره مراجعه ۳۵۰

۳- لواحق سری دفتر خارجه اپریل ۱۸۸۳. نمره مراجعه ۳۵۱

۴- همانجا .

۵- لواحق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۴ K. W ۱۷۴-۱۸۵ دیورند شکایت

میکند « جای تأسف است که عبدالرحمن خود را با جفر افیای این مملکت آشنا نمی سازد »

رپښ میخواست این قرارداد امضاء شویډ در صورتیکه امیر بخواند اما قرارداد با روس بهتر است زیرا او عقیده داشت که دیری نخواهد گذشت که سرحدات روس و افغانستان یکی بادیگری يك جا خواهند شد (۱) اینکه نایب السلطنه میخواند محتویات قرارداد ۱۸۸۰ را مفصلتر بسازد ازینجهت است که این قرارداد با وجود اینکه در حدود خود مهم است در نوع خود یکطرفه میباشد و باران کاملاً بر انگلیس‌ها می افتد (۲)

اما در صورتیکه سیاست صریح حکومت مرکزی راجع به قرارداد با امیر موصوف موجود نباشد لارډ رپښ نمیتواند بخواند امیر عبدالرحمن خان گوشه دهد (۳) او تنها می تواند محتویات قرارداد ۱۸۸۰ که در یادداشت لپیل گرفتن در همان سال موجود بود تکرار کند و سرحدات افغانستان را مطابق موافقتنامه ۱۸۷۲-۷۳ (۴) تعیین نماید . نایب السلطنه بالاخره به امیر نوشت که این قرارداد حدود سرحدی افغانستان را بین رود امور و هریرود باین ترتیب تعیین میکند :

علاقه های داخلی اقچه، سرپل، میمنه، شبرغان و اندخوی اخیر الذکر پایگاه سرحدی افغانستان بطرف شمال غرب خواهد بود بیابان آن طرف قبایل آزاد ترکمن نیز با افغانستان مربوط است .

۱- لواحق سری دفتر خارجه دسمبر ۱۸۸۴، W، K، ۲، ۳۸۴-۳۹۸.

۲- همانجا .

۳- کایخه نظر خود را تغییر نداده بود فیصله شده بود که بر قرارداد ۱۸۸۰ تفصیلی

علاوه نشود .

۴- لواحق سری دفتر خارجه انگلیس، اپریل ۱۸۸۳، نمره مراجعه ۰۳۷۷.

اگر نایب السلطنه نتوانست امیر را به قرار داد معینی خوش بسازد مقدار زیاد پول بآورد اخت تابانوسیله بتواند انتظام امور را در افغانستان درست کند مبلغ پنج لک رویه بوسیله محمد افضل افغان * وقتی او را بحیث نماینده سیاسی انگلیس مقرر کردند، فرستادند (۱) لاردرین تقاضای پولی امیر را جهت تقویه لشکرش تقدیر نمود (۲) مخصوصاً اینکه این لشکر برای مطیع (۳) کردن سرحدات بالخاصه مرات تشکیل شد (۴) برای این کار مبلغ دوازده لک رویه منظور شد * این مبلغ به حساب ماهانه داده می‌شد و برای معاش عساکر و کارهای دیگر دفاعی سرحدات شمال غرب افغانستان بود (۵) *

به توضیحی که لاردرین از سرحدات افغانستان داده بود امیر واضحاً قانع نبود * اواز نایب السلطنه نقشه ای خواست که در آن خالوط قلمبراه نشان داده شده باشد * اما قراریکه رین به امیر اطلاع داده * این سرحد در هیچ نقشه ای بدرستی نشان داده نشده است (۶) * معذالک موضوع را به حکومت مرکزی ارجاع کرد از عملیات

۱- لواحق سری دفتر خارجه اگست ۱۸۸۲ نمره مراجعه ۲۳۷ *

۲- لواحق سری دفتر خارجه اپریل ۱۸۸۳ نمره مراجعه ۳۵۱ *

۳- همانجا *

۴- اوراق پارلمانی ۱۸۸۴ - آسیای مرکزی نمره ۱ (۳۹۳۰) ص ۸۹ *

۵- همانجا * موضوع کمک هزینه در کونسل مورد بحث قرار گرفت * بیرنگ Baring

گمان می‌گردد این مبلغ زیاد است اما بالاخره منظور به وی داده شد *

۶- لواحق سری دفتر خارجه مانچ ۱۸۸۴ نمره مراجعه ۱۹۵ *

تجاوز کارانه در قسمت های شمال و شمال غرب افغانستان خود داری نماید (۱)
 او میترسید که ببادا حمله امیر ایران و روسیه را برنجاند و این کار حکومت انگلیس
 را در افغانستان بزعمت بیاندازد . در این ضمن مرید ست روسیه افتاد و خبران
 هیجاناتی در هند و انگلستان تولید کرد . بتاريخ ۲۲ فبروری بحثی در مجلس
 غوام صورت گرفت (۲) حکومت هند اصرار داشت که لارڈ کمبرلی موضوعاً با حکومت
 روسیه مذاکره نماید و نیز علاوه نمود که وقت آن رسیده است که کمیسیون مشترکی
 مشتمل بر نمایندگان حکومت انگلیس روس و افغانستان جهت تعیین سرحدات
 افغانستان تعیین گردند . Times تنبلی حکومت را در طرح سیاست
 معینی برای افغانستان تقبیح کرد و اظهار نظر نمود که اگر نتواند چنین سیاستی
 را طرح نماید به مصایب بزرگی گرفتار خواهد شد . (۳) نایب السلطنه با همکارانش
 برای غور بر ترتیباتی که باید در مقابل اشغال مرو بواسطه روسیه
 اتخاذ شود مشوره کرد (۴) ولی این مسایل بحث مفصلی میخواست و مختراست
 برای فصل دیگری گذاشته شود .

۱- همانجا .

۲- هندو - - - Hazard ۱۸۸۴ سلسله ۳ CC LXXXIV

نمره مراجعه ۱۷۵۹-۹۱ .

۳- لواحق سري دفتر خارجه مارچ ۱۸۸۴ نمره مراجعه ۱۹۴ .

۳- ۲۸ می ۱۸۸۴ .

۴- لواحق سري دفتر خارجه دسمبر ۱۸۸۴ ، K. W. ۲۰۰

۳۸۴-۹۸ .

باین ترتیب لارډ رېسین در مدت چهار سال نیابت سلطنت خویش را مجبور بود تمام جنبه های مسئله افغانها مورد بحث قرار دهد و پرورش خود راه حلی برای آن پیدا کند . اگر موق^ع نیافت حدود سرحدی افغانستان را با و^{سی}سیه تعیین کند اما مذاکراتی را مطرح نمود که بالاخره به تعیین حدود ^{حری} سری افغانستان منتهی شد (۱) معذالك از جهات دیگر حل مسئله افغان او بسیار جامع بود او امیری را در کابل روی کار آورد و با کمک نمود قندهار و غرات را متصرف شود . او لشکر انگلیسی را از افغانستان بیرون کشید و نظر تعیین رزیدنت را در کابل رد نمود . در عوض او نماینده سیاسی مسلمانان بدربار امیر مقرر کرد . عبدالرحمن قبول کرد که با قوه ثالثی بدون رضایت حکومت انگلیس رابطه دوستانه تأییم نکند عوض اعطای ^{دین} امتیازات مهم سیاسی با و دوازده لک رویه کمک هزینه داد هشد .

۱ - رېسین عهده نیابت سلطنت را بتاريخ ۱۳ دسمبر ۱۸۸۴ به و فرین سپرد . مصلو^{ما} " نایب الملطنه ها برای پنج سال تعیین میکردند و طبعاً رېسین توقع داشت تا سال ۱۸۸۵ در هند بماند اما عقیده داشت برای او خیلی مصیبت امیز است که محافظه کاران جانشین او را تعیین نمایند . بنظر او برای هند بدتر ازین نیست که بنظر لیتن برگردد . به فرض جلوگیری ازین کار پیشنهاد داد به انگلستان برگردد . و چون آینده کابینه گلاستون در اواخر سال ۱۸۸۴ متزلزل بود پیشنهاد رېسین قبول گردید و د فـ رین جانشین او انتخاب شد .

میگویند لرد رپین در توافق با آنها با ان پیرو سیاست

لرد لارنس - Lord Lawrence بود (۱) لیتن با
رئیس اشراول بیکنزفیلد (۲) عقیده داشت (۳) که سیاست رپین بر اساس لغو
و تحویش اعمال متقدمین خودش مبنی است . عملاً لیبرال ها رویکار شدند قول
دادند سیاست مضر (۴) محافظه کاران حتی تمام کارهایی را که متقدمین ایشان
انجام داده بودند ازین ببرند (۵) ایشان علی الاکثر تابع عقیده گلاستون
گدرمید لیتن اظهار شده بود ، بودند . این اظهاریه به قول جوزف چمبرلین
محتوی تمام عقاید و اساسات لیبرال ها می باشد (۶) . گلاستون حتی
در پاریس به منبر محلی - Novoe Vremya اظهار
داشت که اگر لیبرال ها رویکار بیایند کشور خویش را از خطر رهایی می بخشند
و با این کار نقاط نظر مشترک آنها بیشتر از اختلاف ایشان خواهد بود (۷) .

ابششور پراساد - Bisheshwar Prasad اساسات سیاست

خارجی The Foundations Of Indias Foreign Policy , ۱, ص ۲۳۲ .

۲- همانجا ۶ جنوری ۱۸۸۱ ستون ۱۸-۱۹

۳- هنسرد ، سلسله ۳ ، CCLVII ، ۱۰ جنوری ۱۸۸۱ ستون ۲۸۵ .

۴- The Friend Of India ، ۲۶ سپتمبر ۱۸۷۹ در بالا فصل ۳

ص ۶۷ .

۵- همانجا ۱۴ نومبر ۱۸۷۹ در بالا فصل ۳ ص ۸۳-۸۴ .

۶- The Times ، ۳۱ مارچ ۱۸۸۳ .

۷- The English man ، ۲۴ نومبر ۱۸۷۹ .

ولی عطاء^۵ اعضای کابینه گلاب ستون نیز مانند حزب محافظه کار با هم
 اختلاف نظر داشته‌اند^۶ . اگر لارد سالزبری موقع یافت شکایت کند که لیتن حکومت
 را مجبور کرده است سیاست او را در مورد افغانستان قبول نماید (۱) اگر
 وایسرا دسرایلی ازین جهت حمایت نمود که اختلاف نظری بین او و اول الذکر
 موجود نیست (۲) اگر لیتن کابینه مرکزی را تانع ساخت که آنچه را دسرایلی، پلان
 اصلی خودش (۳) میداند (و ان عبارت از تجزیه افغانستان است) باید قبول
 نماید لیبرال ها هم نمی توانستند راجع به سیاست معینی در قسمت آسیای مرکزی (۴)
 توافق ندارد داشته باشند^۷ . لارد هر تنگن در مسله (۵) افغان مخالف طرز العمل
 رپین بود بالاخره به سیاست دولت دهند موافقت کرد و مارکوس رپین از حکومت مرکزی
 خواست که پلان اصلی او را راجع به ترتیباتی که در افغانستان اتخاذ می شود قبول
 نماید (۶) لارد رپین اصلاً^۸ نمیخواست پشین را جزو دهند برعکس انوی نگهدارد ولی

- ۱- در بالا فصل ۲ ص ۴۲ .
- ۲- همانجا ص ۴۳ .
- ۳- دسرایلی به سالزبری ۹ سپتمبر ۱۸۷۱ بکل کتاب مذکور ۶ ص ۴۸ .
- ۴- در بالا ص ۱۴۱ .
- ۵- هر تنگن به رپین می نویسد : افغانستان موضوعی است که حکومت مرکزی حق دارد
 راجع بان نظری برای خود پیدا کند و از حکومت دهند توقع نداشته باشد سیاست خود را
 تعقیب نماید هر چند این سیاست کاملاً^۹ مورد تأیید حکومت مرکزی نباشد . گویا
 کتاب مذکور ص ۲۸ .
- ۶- در بالا ص ۱۳۵-۱۳۶ .

اجباراً تا به سیاست پیشرفت در مسله سرحد قرار گرفت .

ترتیباتی که لارد رین برای افغانستان اتخاذ نمود ترتیب محافظه کارانه است اگر چه ممکن است این ترتیب با ترتیبی که بنام " کهر لیتنی " معروف است اختلاف فاحش داشته باشد اما لارد لیتن از طرفداران جدی مکتب فارورد پالیسی بود .

مفکوره تجزیه او با وجود آنکه مفکوره جدیدی نبود جزو الایت جزئی فارورد پالیسی شمرده نه می شد . سیاست لارد لیتن با وجود آنکه از طرف متقدمین او روالن و فریریشینی شده بود ، کاملاً مربوط به خودش می باشد . این مفکوره بذات خود کامل بود (۲) و به اعتراف لیتن با رشته هایی که تا حال مشغول بحث آن بودیم (۳) اختلاف فاحش دارد . لارد لیتن البته میخواست استدلال کند که در اثر مرکب کیوناری هدف مهم قرارداد داد گند مک به ناکامی مواجه شده است (۴) ولی فراموش کرده است که حتی بعد از گشتار هیئت کیوناری او از خطوط اساسی قرارداد داد گند مک طرفداری نمود و اظهار نذر نمود که سیاستی که بر انعقاد این قرارداد منتهی گردید در تمام

۱- در بالا ص ۱۳-۱۳۶ .

۲- در بالا فصل ۲ ص ۴۴-۴۵ .

۳- اوراق لیتن لوائج C.R.O لیتن به کرینبورک ۵ نومبر ۱۸۷۹ . لیتن جای دیگری اظهار نظر میکند : " واگذاری هرات بایران تحمل ایرانی در هرات تحت مرشراطی که باشد مخیر سیاست عنعنوی انگلستان و ان سیاستی است که به طرفداری آن تا حال دویار بایران جنگ نموده ایم " اوراق لیتن ، C.R.O ، لیتن به کرینبورک ۱۰ نومبر ۱۸۷۹ .

۴- هنسرد Hansard ، ۱۸۸۱ سلسله ۷۱۱۳ C.C.L ۱۰ جنوری ۱۸۹۲-۹۳ .

مواقع اضطراری، کارمید مد هیچ حادثه، صیبت یاری نمیتواند، از ادامه ایمن سیاست جلوگیری کند. املاً، هیچ سیاستی نمیتواند مانع حوادث غیرمترقبه و ناگهانی گردد بنابراین این سیاست عملاً، باقیمانده است (۱) اگرچه قوانین بین المللی مانع الخای قرارداد داد، گند مک نبود با وجود این حکومت اگر تمام اساساتی را که قرارداد ۱۸۷۹ بران مبنی بود نادیده بگیرد، هند راجع باین حادثه (مرک کیوناری) نظر مبالغه آمیز داشته است. اینکه افغان، باین نظریه اقامت ریزیدنت انگلیسی در کابل مخالف بودند جای شبه نیست. املاً، و بران تقصیر کیوناری، پس از ختم جنگ فلاکت بار (۲) کاری است که با عجله صورت گرفته است (۳) حادثه ۳ سپتمبر پیشینی نه شده بود و بنابراین نمیتوانیم بد رستی بدیمیم که چگونه میتواند بابرهم خوردن يك ماده این قرارداد هدف تمام قرارداد بپرهم بخورد ماده که اقلاً، می توانست تا بحبودی اوضاع افغان ها پس از جنگ دوم افغان به تحویق افتد.

۱ - اوراق لیتن C. K. O لیتن به گرینبروک، نومبر ۱۸۷۹.

۲ - The English man، ۲۴ نومبر ۱۸۷۹.

۳ - نامه سرد و نالد ستیوارت به لیدی ستیوارت ۷ سپتمبر ۱۸۷۹. این

مطلب به کمال سادگی نشان میدهد که مادر اعزام نماینده خود به کابل

از عجله کار گرفته ایم. زیرا این کار قبل از آنکه

قوای امیر خود را کاملاً استقرار

بخشد صورت گرفته است. زندگی

سرد و نالد ستیوارت ص ۲۸۵.

تیوری تجزیه افغانستان به مشکل می تواند تیوری عملی باشد . لیتن با وجود این عقیده داشت که دو عامل این مسله را حتی سازد (۱) اول عدم امکان اعمال نفوذ در افغانستان بوسیله فرمانروای محلی مستقل (۲) دوم اینکه انحلال حکومت یعقوب خان افغانستان را مجزی وی صاحب ساخته است (۳) .

اینکه آیا تسلط انگلیس بر افغانستان بواسطه يك فرمانروای محلی واقعا غیرمیسر است موضوعی است قابل مناقشه . بهر صورت سلطنت کوتاه یعقوب خان دلایل کافی بطرفداری نظر لیتن بدست نمیدهد . این موضوع - بذات خود موضوعی است جداگانه ولی آنچه این جا باعث تعجبها است این است که اگر اعمال نفوذ انگلیس بواسطه فرمانروای محلی غیر ممکن باشد چگونه لیتن می تواند مملکت را پس از تجزیه آن با بیشتر از يك فرمانروا نگهدارد .*

راست است که پس از انحلال حکومت یعقوب خان تامدتی ناامنی و ناارشی در مملکت حکمفرما بود و فرمانروای محلی که بتواند يك حکومت قوی در آن جاتاء سیس کند پیدا نمی شد . اما در حالیکه لیتن خود علی الاکثر مسوول این اوضاع بود هر نوع تصمیم در موضوع تجزیه دایمی افغانستان باین بهانه جزئی که فرمانروای مناسبی وجود ندارد اگر احمقانه نباشد عملی است که در آن به سختی از عجله کار گرفته شده است لیتن باسانی می توانست از نسخه کرینبروک کاربگیرد مبنی بر اینکه اشغال این مملکت بالاخره این محما را حل میکند (۴) .

۱- اوراق لیتن C.R.O. ، لوایح لیتن به کرینبروک ۵ نومبر ۱۸۷۹ .

۲- همانجا .

۳- لواحق سرب دفتر خارجه جنوری ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۵۵۶ .

۴- اوراق لیتن C.R.O. ، لوایح از کرینبروک به لیتن ۱۲ اکتوبر ۱۸۷۹ .

قرار در افغانستان بطوریکه محافظه کاران برای آن سعی می نمود اقدام جدیدی بود و بنا بر آن ایشان می توانستند هر وقت میخواستند قوای انگلیس را از افغانستان بیرون بکشند . و در این حال به مساعی خود برای یافتن فرمانروای مناسب ادامه دهند .

از این دلیل مخالفت با واگذاری هرات رادریکی از نامه های خود به کرنبروک بیان می شد (۱) رابطه شاه با کابینه انگلیس، و ستانه نبود بطوریکه هیچ یکی وزرای کابینه گمان نمی کردند، ترتیبی که ایران اتخاذ می کرد، مضر باشد . حتی موجد این فکوره از سالنری اعتراف کرد که این پروژه خیالی نمیتواند قرار دائمی باشد (۲) .

دلیل اول نیتن علیه قرار با ایران اشکال رسیدن به هرات بود . او عقیده داشت که تا ما عملاً به هرات نرسیم یا نخواهیم بانجا برسیم نمیتوانیم بر هیچ نوع حکومت انجا تسلط داشته باشیم . از اینجهت است که او به تمدید قطار امن به هرات اهمیت زیاد قایل شده بود . (۳) نیتن میدانست که تا وقتی هرات عملاً بدست ایشان باشد، می توانند بر موضوع مسلط باشند و راه حل آن نیز کار دیگران خواهد بود نه کار ایشان .

ثانیاً فکوره خورد کردن پایگاه های روسی را بواسطه گذاشتن هرات بایران بطوریکه مامرانه رد میکند که بی مناسبت نیست که تار او را عیناً در اینجا

اسونیز فصل ۲ ص ۵۲-۵۰

۲- سالزبری به دوفرین ۴ فبروری ۱۸۸۰ خانم سیل Lady Cial

Life Of Salisbury ۲ ۷ ۳۷۶

۳- د. پالا فصل ۲ ص ۸۱-۸۰

نقل کنیم . راجع باین موضوع در اول لیتن اعتراف کرد که " وقتی این موضوع بطور ابحام امیزی به مخیله میاید جلب توجه میکند ولی چون سعی می کنیم بان رفیق شویم از مخیله فراری نماید . برنامه ای برای این کار هنوز موجود نیست که بتواند بخوبی تحت مطالعه قرار گیرد . مسله سرحد هرات اگر فرار به رضای ایران تسد حل شود عده برای مسله جدید بسیار مشکل سرحدی ۴
 ۵. اجماعند نبسود . ایاد ر لغت سیاستین الملی سرحد با جنگ مرادف نیست
 ایانا این مطلب واضح نسبت که اگر ایران یک مرتبه به هرات گذاشته شود هر حصه افغانستان را که یک وقتی تابع هرات بوده ادعا میکند . و اگر علاوه بر هرات با اثر تسلطی که بر این شهر داشته است فراه و تمام سیستان نیز با و گذاشته شود دایا یقینی نیست که ایران قدر تقوی افغان و شاید قوترا از شیرعلی و دوست محمد می شود
 و از ترس خطر این هیولا متشنج خواهد شد (۲)

ثالثاً لیتن می پرسد " کی میتواند ضمانت کند که چنین قدرتی عملاً
 ۱. عوض اینکه قوت الظهر انگلیس باشد پیشرو روسیه در آسیای مرکزی نگردد (۳) اگر
 تجربه ایران بجائی نرسد ناکامی آن برای حکومت انگلیس بسیار سخت تعلم می شود .
 هنگام ادامه مذاکرات با ایران لارد لیتن گمان میکرد ایران میخواهد از انگلستان
 دارای با ارزشی را با بانک نوت های زیادی که بر بانک خیال حواله داده شده
 است بخرد در حالیکه تاسمن سکه دو نیم شلنگی را از هند قرض کرده بود تا آنرا

۱- اوراق لیتن C.R.O. , لوائح لیتن به کرنبروک ۱۰ نومبر ۱۸۷۹

۲- همانجا .

۳- همانجا .

مقابل چهارپنس در تهران و دیچه گذاری نند • لیکن اظهار نظر میکند که این ترتیباتی که بایران در نظر گرفته شده است حکومت هند را بین برهان قاطع و وحدی قرار میدهد • یا باید ایران قوه الظهر انگلیس در مقابل روس در آسیای مرکزی باشد در آن صورت مقاومت ایران را در مقابل خود تحمل نتوانسته پهرات و تهران حمله میبرد و در این صورت انگلستان باید بکار بزرگی دست بزند زیرا ایران از او در مقابل روسیه کمک میخواهد • یا ثانیاً اگر بدون جهت از روسیه خونی نداشته باشد آشتهای او بیشتر از آن می شود که به کبابی که مقابل او گذاشته قانع شود و عوض اینکه بحیث قوه الظهر در مقابل روسیه باشد • ممکن است مقابل ما استعمال شود لیکن نتیجه میگیرد که : « افغانستان هنوز هم بند ای است که بقصر ما است و بند بسیار خوبی است » اما ممکن است سوراخ موشی کوچکی در هرات دریاچه را متوجه ما بسازد (۱)

۱- همراه تمام مسایل افغان تابع نگهبانی امپراطوری هند مقابل حمله خارجی بود (۲) و خطر واقعی هند اگر اصلاً خطری وجود داشته باشد روسیه تلقی می شد • تجزیه افغانستان به ایالات کوچکتر بروسیه موقع میدهد در اب گل السود ماهی بگیرد • اینکه دوستی با افغانستان بعد از جنگ دم افغان و انگلیس میسر نیست گمانی است نادرست • سندیمن صریحاً میگوید مردم افغانستان تا ما میرعقوبخان (۳) را از آن مملکت بیرون نبرده بودیم و مملکت به اشوب داخلی گرفتار نشده بود با ما دشمنی نشان ندادند • عملاً در سیاست تجزیه امید موفقیتی نبود و اگر امیدی

۱- همانجا •

۲- اوراق سری دفتر خارجه جنوری ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۵۵۶ •

۳- اوراق سری دفتر خارجه جنوری ۸۸۱ نمره مراجعه ۹۰ •

هم باشد بسیار خفیف است . بهر صورت سیاست تجزیه خطر ناک بود و حتی موجد
ان انرا سیاست " نامعلوم " خوانند و انرا تابع تغییراتی دانست که معلومات و
تجارب بعدی انرا ایجاب کند (۱) .

از این نقطه نظر بیرون بردن ریزدنت انگلیس از کابل و واگذاری قندهار
دو اقدام مهمی بود که می توانست منافع انگلیس را در افغانستان حفظ کند . با
کنترول سیاست خارجی امیر و تعیین نماینده مسلمان در کابل دیگر لازم نبود امیر
نماینده سیاسی انگلیس را تقاضا کند . لاردر کرنبروک میگوید " نماینده محلی " .
قابل اعتماد نیست (۲) و نمیتواند مورد آزمایش قرار گیرد . در تمام روزنامه چه (۳)
های کابل حتی يك سند هم دیده نمیشود که نماینده مسلمان عمداً اطلاع غلطی
را به استخدام کنندگان خوشتر اطلاع داده باشد . لاردر لیتن به عطا محمد علاوه
بر مبلغ ۱۰۰۰۰۰ روییه انعام يك ساعت وزنجیر با و اهدا کرد و این به پاس -
خدمات صادقانه (۴) بود که قبلاً برای حکومت انجام داده بود افضل خان نیز
باعتراف خود ایشان صادق و با کفایت حکومت انگلیس بوده است . پس وقتی لاردر (۵)
نارتبروک تذکره داد که اتمام خیانت بر نماینده مسلمان کاملاً بی اساس است -
وسی کونت درخواست حرفی بیاید و چون حرف مناسبی پیدا کرده نتوانست خاموش نشست .

- ۱- اوراق سری دفتر خارجه جنوری ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۵۵۶ .
- ۲- هنسرد ۱۸۸۱ سلسله ۳، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۵۹، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۵۸۵، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹، ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۴، ۱۵۹۵، ۱۵۹۶، ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱۵۹۹، ۱۶۰۰، ۱۶۰۱، ۱۶۰۲، ۱۶۰۳، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵، ۱۶۰۶، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸، ۱۶۰۹، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳، ۱۶۱۴، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶، ۱۶۱۷، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹، ۱۶۲۰، ۱۶۲۱، ۱۶۲۲، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴، ۱۶۲۵، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷، ۱۶۲۸، ۱۶۲۹، ۱۶۳۰، ۱۶۳۱، ۱۶۳۲، ۱۶۳۳، ۱۶۳۴، ۱۶۳۵، ۱۶۳۶، ۱۶۳۷، ۱۶۳۸، ۱۶۳۹، ۱۶۴۰، ۱۶۴۱، ۱۶۴۲، ۱۶۴۳، ۱۶۴۴، ۱۶۴۵، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۱۶۴۸، ۱۶۴۹، ۱۶۵۰، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲، ۱۶۵۳، ۱۶۵۴، ۱۶۵۵، ۱۶۵۶، ۱۶۵۷، ۱۶۵۸، ۱۶۵۹، ۱۶۶۰، ۱۶۶۱، ۱۶۶۲، ۱۶۶۳، ۱۶۶۴، ۱۶۶۵، ۱۶۶۶، ۱۶۶۷، ۱۶۶۸، ۱۶۶۹، ۱۶۷۰، ۱۶۷۱، ۱۶۷۲، ۱۶۷۳، ۱۶۷۴، ۱۶۷۵، ۱۶۷۶، ۱۶۷۷، ۱۶۷۸، ۱۶۷۹، ۱۶۸۰، ۱۶۸۱، ۱۶۸۲، ۱۶۸۳، ۱۶۸۴، ۱۶۸۵، ۱۶۸۶، ۱۶۸۷، ۱۶۸۸، ۱۶۸۹، ۱۶۹۰، ۱۶۹۱، ۱۶۹۲، ۱۶۹۳، ۱۶۹۴، ۱۶۹۵، ۱۶۹۶، ۱۶۹۷، ۱۶۹۸، ۱۶۹۹، ۱۷۰۰، ۱۷۰۱، ۱۷۰۲، ۱۷۰۳، ۱۷۰۴، ۱۷۰۵، ۱۷۰۶، ۱۷۰۷، ۱۷۰۸، ۱۷۰۹، ۱۷۱۰، ۱۷۱۱، ۱۷۱۲، ۱۷۱۳، ۱۷۱۴، ۱۷۱۵، ۱۷۱۶، ۱۷۱۷، ۱۷۱۸، ۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۴، ۱۷۲۵، ۱۷۲۶، ۱۷۲۷، ۱۷۲۸، ۱۷۲۹، ۱۷۳۰، ۱۷۳۱، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷۳۴، ۱۷۳۵، ۱۷۳۶، ۱۷۳۷، ۱۷۳۸، ۱۷۳۹، ۱۷۴۰، ۱۷۴۱، ۱۷۴۲، ۱۷۴۳، ۱۷۴۴، ۱۷۴۵، ۱۷۴۶، ۱۷۴۷، ۱۷۴۸، ۱۷۴۹، ۱۷۵۰، ۱۷۵۱، ۱۷۵۲، ۱۷۵۳، ۱۷۵۴، ۱۷۵۵، ۱۷۵۶، ۱۷۵۷، ۱۷۵۸، ۱۷۵۹، ۱۷۶۰، ۱۷۶۱، ۱۷۶۲، ۱۷۶۳، ۱۷۶۴، ۱۷۶۵، ۱۷۶۶، ۱۷۶۷، ۱۷۶۸، ۱۷۶۹، ۱۷۷۰، ۱۷۷۱، ۱۷۷۲، ۱۷۷۳، ۱۷۷۴، ۱۷۷۵، ۱۷۷۶، ۱۷۷۷، ۱۷۷۸، ۱۷۷۹، ۱۷۸۰، ۱۷۸۱، ۱۷۸۲، ۱۷۸۳، ۱۷۸۴، ۱۷۸۵، ۱۷۸۶، ۱۷۸۷، ۱۷۸۸، ۱۷۸۹، ۱۷۹۰، ۱۷۹۱، ۱۷۹۲، ۱۷۹۳، ۱۷۹۴، ۱۷۹۵، ۱۷۹۶، ۱۷۹۷، ۱۷۹۸، ۱۷۹۹، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱، ۱۸۰۲، ۱۸۰۳، ۱۸۰۴، ۱۸۰۵، ۱۸۰۶، ۱۸۰۷، ۱۸۰۸، ۱۸۰۹، ۱۸۱۰، ۱۸۱۱، ۱۸۱۲، ۱۸۱۳، ۱۸۱۴، ۱۸۱۵، ۱۸۱۶، ۱۸۱۷، ۱۸۱۸، ۱۸۱۹، ۱۸۲۰، ۱۸۲۱، ۱۸۲۲، ۱۸۲۳، ۱۸۲۴، ۱۸۲۵، ۱۸۲۶، ۱۸۲۷، ۱۸۲۸، ۱۸۲۹، ۱۸۳۰، ۱۸۳۱، ۱۸۳۲، ۱۸۳۳، ۱۸۳۴، ۱۸۳۵، ۱۸۳۶، ۱۸۳۷، ۱۸۳۸، ۱۸۳۹، ۱۸۴۰، ۱۸۴۱، ۱۸۴۲، ۱۸۴۳، ۱۸۴۴، ۱۸۴۵، ۱۸۴۶، ۱۸۴۷، ۱۸۴۸، ۱۸۴۹، ۱۸۵۰، ۱۸۵۱، ۱۸۵۲، ۱۸۵۳، ۱۸۵۴، ۱۸۵۵، ۱۸۵۶، ۱۸۵۷، ۱۸۵۸، ۱۸۵۹، ۱۸۶۰، ۱۸۶۱، ۱۸۶۲، ۱۸۶۳، ۱۸۶۴، ۱۸۶۵، ۱۸۶۶، ۱۸۶۷، ۱۸۶۸، ۱۸۶۹، ۱۸۷۰، ۱۸۷۱، ۱۸۷۲، ۱۸۷۳، ۱۸۷۴، ۱۸۷۵، ۱۸۷۶، ۱۸۷۷، ۱۸۷۸، ۱۸۷۹، ۱۸۸۰، ۱۸۸۱، ۱۸۸۲، ۱۸۸۳، ۱۸۸۴، ۱۸۸۵، ۱۸۸۶، ۱۸۸۷، ۱۸۸۸، ۱۸۸۹، ۱۸۹۰، ۱۸۹۱، ۱۸۹۲، ۱۸۹۳، ۱۸۹۴، ۱۸۹۵، ۱۸۹۶، ۱۸۹۷، ۱۸۹۸، ۱۸۹۹، ۱۹۰۰، ۱۹۰۱، ۱۹۰۲، ۱۹۰۳، ۱۹۰۴، ۱۹۰۵، ۱۹۰۶، ۱۹۰۷، ۱۹۰۸، ۱۹۰۹، ۱۹۱۰، ۱۹۱۱، ۱۹۱۲، ۱۹۱۳، ۱۹۱۴، ۱۹۱۵، ۱۹۱۶، ۱۹۱۷، ۱۹۱۸، ۱۹۱۹، ۱۹۲۰، ۱۹۲۱، ۱۹۲۲، ۱۹۲۳، ۱۹۲۴، ۱۹۲۵، ۱۹۲۶، ۱۹۲۷، ۱۹۲۸، ۱۹۲۹، ۱۹۳۰، ۱۹۳۱، ۱۹۳۲، ۱۹۳۳، ۱۹۳۴، ۱۹۳۵، ۱۹۳۶، ۱۹۳۷، ۱۹۳۸، ۱۹۳۹، ۱۹۴۰، ۱۹۴۱، ۱۹۴۲، ۱۹۴۳، ۱۹۴۴، ۱۹۴۵، ۱۹۴۶، ۱

حزب محافظه کار معدالك بنابر ملحوظات سوق الجیشی سیاسی و مالی
 با واگذاری قندهار مخالفت کردند . اما با وجودیکه این حزب هنگام اجازه
 اشغال قسمت زیاد اراضی افغانستان دلایلی نزد خود داشت نتوانست ادعای
 خود را ثابت کند و بنابراین وقتی این تصمیم بواسطه اول لیتن عنوان شد کاملاً
 رد گردید . نظر ملت انگلیس تا جائیکه از لوائح مناقشات قندهار معلوم می شود
 بعدی طرفدار واگذاری قندهار است که میتوانیم بگویم لارد رپین با استادگی
 با آن ارزی ملت انگلیس را برآورده است . نظریه اشغال قندهار در انگلستان
 به مشکل برافراشته داشت و حتی محافظه کاران نیز با آن مخالف بودند . لارد رپین
 میگوید : « کمان نمیکم این اشغال عملاً سرحد غربی ما را محکم بسازد (۱)
 اما وقتی لیتن نظر خود را تغییر داد و طرفدار الحاق شد به قول خودش
 با اثر مقتضیاتی بود که در آن وقت فرصت تفصیل آنرا بصورت کامل و موثر نداشت (۲)
 این اقتضای ه لارد لیتن از آن پیشینی می نماید (چه عدم وجود رئیس
 مناسبی بعد از استعفای یعقوب خان باشد چه اتخاذ ترتیبات لازم بایران (۳))
 هرچه باشد در زمان مناقشات قندهار وجود نداشته (۴) »

۱- اوراق پارلمانی ۱۸۸۱- افغانستان نمره (۲۸۱۱ C) ص ۹۰

۲- در بالا فصل ۳ ص ۷۴ تا ۸۱

۳- در واقع خوف از حمله روسیه نبود زیرا لیتن از حمله روسیه بسیار کم می ترسید در واقع
 سیاست لیتن در مورد آسیای وسطی در مبنی بر ترس از روسیه نیست . راجع به پیشرفت روسیه
 در آسیای وسطی این طور اظهار نظر میکند « من عقیده دارم روسیه کاری را می کند
 که در چنین مواقعی خود ما انجام میدیم » . اوراق لیتن C.R.O لوائح لیتن به
 کرینبروک ۳- اگست ۱۸۷۸

۴- لیتن اعتراف میکند که این عارضه ها قبلاً اتفاق نیفتاده بود در بالا فصل ۳

این رئیس که بتواند تمام افغانستان را متحد کند در وجود عبدالرحمن دیده می‌شود مذاکرات با ایران قطع شد. ایوب خان را قوای رابیتس شکست داد و لوری که سنت جان تصدیق کرد دیگر برای قندهاری ها مجال باقی نماند بود. بعد ایوب خان متحد شوند (۱)

تحت این شرایط بحث در موضوع قندهار جز آنکه گریه و حزب چیز دیگری نیست. از بسیاری لحاظ این بحث روی موضوعات فرضی صورت می‌گرفت بطوریکه بیشترین يك مناقشه علمی شباهت می‌رساند. از نظر سیاسی استدلال می‌کردند که واگذاری قندهار به عظمت انگلیس در هند صدمه می‌زند زیرا آنها ممکن است ضعف و ترس و عدم ثبات در هدف تلقی کنند. (۲) ثانیاً حکومت انگلیس نزد مردم محبوبیت پیدا خواهد کرد زیرا قندهاری‌ها (۳) از حکومت بارکزی خسته شده بودند (۴) ثالثاً عبدالرحمن تمایل آشکارا جانب روسیه (۵) دارد و بنابراین لازم است از نزدیکی‌ها بر او نظارت داشته باشیم.

لیبرال‌ها معذالك نتوانستند بفهمند که چگونه وقار انگلیس‌ها یا بیرون رفتن قوای آن مملکت از قندهار صدمه می‌بیند. پس از آنکه انتقام قتل کیوناری

۱- لواحق سری دفتر خارجه اپریل ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۸۵.

۲- لواحق سری دفتر خارجه مارچ ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۶۹. یادداشت ستوکس

Stokes عضو حقوقی کونسل رپن ۳۱ جنوری ۱۸۸۱ ستوکس مقنن بزرگی بود

اما نظر سیاسی او همیشه قابل اعتبار نیست.

۳- همانجا.

۴- لواحق سری دفتر خارجه مارچ ۱۸۸۰ نمره مراجعه ۵۰. یادداشت استیوارت ۱۸-۱۹ اپریل ۷۹.

۵- لواحق سری دفتر خارجه مارچ ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۷۳. یادداشت روبرز تامسون

و مصیبت میوند گرفته شد، بیرون کشیدن وای انگلیس از قند هار چون اطمینان
و تعجب رایین مردم بیداری سازد. در دوران جنگ اول افغان و انگلیس
انگلیسها افغانستان را متصرف شدند اما چون جنگ پایان یافت انگلیسها از
افغانستان بیرون رفتند این کار آنها از نظر خوف نبود بلکه از سیاست معقول
ایشان نشئت میگردد (۱) با قرارداد شد مک محافظه کاران زمین سیاست را انتخاب
کردند. در این دوری این طور اظهار نظر میکند: «چه ضیاع وقایع می تواند
در کار ۱۸۸۱ وجود داشته باشد در حالیکه در ۱۸۷۸ - اعلام داشتیم
که همین کار را باید انجام دهیم (۲) سر هنری نتوانست بفهمد که جبران این
در باره قند هار بیشتر از کابل اظهار شده است در حالیکه بیرون کشیدن قوا از کابل
چنین عواقبی بدنبال نداشت (۳) از طرف دیگر در هند و خارج موقف انگلیس
با این خبر که گرفتاری های انطرف سرحد ایشان را دست و پاچه نساخته است
بیشتر تقویه میگردد (۴)»

اینکه خود قند هاری ها حکومت انگلیس را میخواستند نزد انهایی که با روحیه
افغانها آشنایی دارند قابل قبول نیست. «الفرد ایال» هنری فارمن، فرد ریک رابرتس
و حتی دونالد استیوارت متفقاً عقیده داشتند که قند هاری ها با حکومت انگلیس
مخالف هستند (۵) شورش نظامی لشکر شیرعلی وزد و خورد آنها با قوای انگلیس بدون

۱- هندسرد ۱۸۸۱ - سلسله ۳ ۷۷۷۱۸۳ رستون ۱۱ نطق ارل درین ۳۱ جون ۱۸۸۱ مجلس اعیان *

۲- مجلس اعیان ۳ مارچ ۱۸۸۱ هندسرد همانجا *

۳- یادداشتی راجع به قند هار اوراق پارلمانی ۱۸۸۱ - افغانستان نمره ۲ (۷۲۸۱۱)

ص ۵۱ *

۴- یادداشت ایویلن بیرنک اوراق پارلمانی همانجا ص ۷۰ *

۵- یادداشتی که در صفحه ۳۴ و ۳۳ گذشت *

شبه ثابت میکند که درانی های افغانستان جنوی با انگلیس علاقه ندارند . اگر قندهاری ها از حکومت بارکرائی خسته شده بودند معلوم نیست با کابل ها تنها چه حدی مخالفت داشتند . وقتی عبدالرحمن قوای خود را جهت اشغال قندهار فرستاد قندهاری ها باو مخالفت ^{نکردند} (است است که کابل وقندهارگاهی از هم جدا مانده است ولی معذالك به قول دربی Derby تمام ملت انرا جزو لایتجزی مملکت می شمردند (۱) . از زمان تاسیس سلطنت متحد در افغانستان که بواسطه امیر دوست محمد خان صورت گرفت قبایل افغان خود را ملت واحد میدانستند و تحت فرمانروایی شیرعلی رابطه بین آنها محکمتر گردید . تقاضای مدام قبایل افغان برای برگرداندن امیر یعقوب خان این مطلب را بیشتر ثابت کرد . چون خواهرش آنها مورد قبول واقع نشد مقابل حکومت انگلیس به جهاد دست زدند . و اگر تمام اینها را نادیده بگیریم این ادعا که حکومت انگلیس در افغانستان طرفدار داشته باوجود اعتراف لاردرابرت مبنی بر اینکه هر قدر افغانها به ما می بیند به همان اندازه از مانفرت دارند (۲) جز ادعا چیز دیگری نیست .

راجع به اتهامی که بر عبدالرحمن وارد میکند میگویند با روسیه دسیسه داشته حکومت لاردرابین نظر صریح داشت و آن اینکه دلیل واضح و صریح مقابل امیر وجود ندارد (۳) اما راجع به مضمی (۴) که در نامه رساله دار افضل خان

۱- هنسرد ۱۸۸۱ سلسله ۳ C C L ۱۰۶ سلسله ۱۰۶

۲- اوراق پارلمانی افغانستان نمره ۱ (۲۷۷۶ C) ص ۷۱

۳- در بالا فصل ۴

۴- همانجا ص ۱۱۶

نماینده سیاسی کابل که نزد عبدالرحمن فرستاده شده بود - ندیده می شود
مطالب قابل ^{توجه} نشان دهد و طرفدار روس است و مشغول فعالیت های خصمانه
مقابل حکومت انگلیس می باشد. اعتراضی در مکاتیب متحد المال، نطق های
خصوصی و عمومی عبدالرحمن موجود نیست (۱) برعکس عبدالرحمن با وجود آنکه
قبلاً از طرف حکومت روسیه با او کمک می شد، همیشه میخواست است با انگلیس
متحد تابع باشد. • رابطه بسیار خفیفی که عبدالرحمن با روسیه داشت به یاد
مهمان نوازی های بود که سالیان دراز روسیه در حق او نموده بود (۲) علاوه
بر آن قفلت از دسیسه در کابل از قندهار مطالبی است که با تجزیه انگلیسی
در افغانستان منافات دارد. • تلگرام کیوناری یکروز قبل از حمله مردم بر سفارت
انگلیس صادر شد و این همان حمله ای است که حکومت هند را در افغانستان به
مشکلات زیاد گرفتار ساخت این تلگرام می رساند که از هر طرف خیریت است. •
از نظر مالی قندهار بر حکومت هند بار نخواهد شد زیرا فلاح و زراعت
که تحت فرمان (انگلیس) توسعه خواهد یافت عاید زیادی بار خواهد آورد. • و
چون تجارت بایران و آسیای مرکزی توسعه یابد منفعت مالی آن زیاد و قابل
ملاحظه خواهد بود (۳)

The Times

۱- مقایسه آنچه را که لیل گرین به مدیتر

بتاریخ ۲۶ می ۱۸۸۴ نوشته است: " آنچه راجع به میلان عبدالرحمن

به روسیه گفته شود من قطعاً آنرا باور نمی کنم " .

۲- در بالا فصل چهارم ۱۰۴-۵۰

۳- لواحق سری دفتر خارجه مار ۱۸۸۱ نمره مراجعه ۶۶ یادداشت Stokes .

St . John - پسران آنکه مالیات قند هار بواسطه کنترل سنت جان

تخمین گردید (۱) معلوم شد این ایالت در سال ۶ لک روپیه عواید اضافی دارد .

محافظه کاران عقیده داشتند که می توانند عواید قند هار را بحدی بالا ببرند که

بتواند مصارف اشغال ان جارا پوره کند . ولی مصارف اشغال را سرهنری نارمن

- Sir Henrey Norman ، ۱۴۰۰ ر ۰۰۰ پوند تخمین کرد مبود .

این مبلغ می توانست ساخلوئی را که مشتمل بر پانزده هزار نفر بود نگیرد . سرهنری

یقین نداشت که اراضی اطراف قند هار بتواند در سال ۱۴۰۰ ر ۰۰۰ پوند عاید

داشته باشد (۲) در پارلمان انگلیس روی تخمین سر هنری نارمن که بر مصارف -

عادی لشکر هند مبنی بود علاوه بر ان ۱۰۰ فیصد مصارف حملات اتفاقی را که

از اشغال قند هار برخاسته بود گرفته بودند مناقشه آغاز شد (۳) .

مقابل تخمین سرهنری نارمن محافظه کاران استدلال میکردند که برای

اشغال قند هار بیشتر از ۱۲ یا ۱۳ هزار نفر لازم نیست (۴) وان نیز نباید علاوه

بر قوای هند باشد (۵)

۱- لواحق سري دفتر خارجه مان ۱۸۸۰ نمره مراجعه

۰۲۱۳

۲- اوراق پارلمانی ۱۸۸۱ - افغانستان نمره ۰۲ (۳۸۱۱ C)

ص ۵۴-۵۵

۳- همانجا ص ۵۴

۴- نطق مارکوس سالزبری در دارالعلوم ۲۴ مان ۱۸۸۱ هنسرد ۱۸۸۱ سلسله ۳ ۳۸۱۸

ستون ۱۸۴۸

۵- همانجا

و عوضه ۱۰۰ فیصد تخمین سرهنگری نارمن ۵۰ فیصد برای حملات اتفاقی اشغال -

قندهار کافی خواهد بود (۱) ولی تمام این تخمین ها باتجارب حکومت هند در

افغانستان مخالف است . وقتی ایوب خان از هرات بیرون آمد جنرال پیرمیرز...

دوازده هزار نفر تحت فرمان داشت و اگر قوای قلات غلزائی را ازان تفریق کنیم

۱۱۰۰۰ نفر زیر اثر او باقی می ماند که همه آنها بانظر طرف سرحد قدیم بودند (۲)

ولی همه اینها ناکافی ثابت شد بطوریکه جنرال رابرتس مجبور گردید با هژده هزار (۳)

نفر برای نجات قندهار از کابل حرکت کند . اگر تمام این ها از قسمت قوای هندی

تهیه می شد بدون آن که لشکر هند تجدید قوا شود این کار مملکت را به خطر

داخلی مواجه می ساخت .

سال ۱۸۷۹ - ۸۰ - ۱۸۸۰ - ۸۱

مصارف

مانیات

(نشان می به شمول مصارف و معاشرافسران ۱۱۳۰۰۰)

اراضی ۸۰۰۰۰۰

مفرقه ۷۰۰۰۰۰

۷۰۰۰۰

کلات غلزایی

مجموع ۱۵۰۰۰۰۰

۱ - نطق Stanhope در مجلس عوام ۲۴ مارچ ۱۸۸۱ هجری ۱۲۸۱

سلسله ۳ CC LIX ستون ۱۸۴۸ .

۲ - اوراق پارلمانی ۱۸۸۱ - افغانستان نمره ۲ ۲۸۱۱ ج ۵۳ .

۳ - از انجمن ۸۰۰۰ نفر قوه الظاهر سپاه

بودند . - - The Afghan War ص ۴۶۵

پشت رود وزمیند اور ۲۰۰۰۰۰ ر ۲۰۰۰۰۰ ر کلات غلزایی

فراه ۲۰۰۰۰۰ ر ۵۰۰۰۰۰ ر قندهار

کلات غلزایی ۲۰۰۰۰۰ ر ۲۰۰۰۰۰ ر پشت رود وزمیند اور

جمع ۱۴۵۰۰۰۰ ر

۲۰۵۰۰۰۰ ر

اگر طوری که سالنبری استدلال میکند، قوای که پایگاه های جیکب آباد پشاور و روالپندی رابست دارند به پایگاه های جدید خود در نزدیکی قندهار منتقل شوند جاهای اول الذکر درعلاقه های قبایلی واقع شده بی دفاع خواهد ماند. اینکه ۱۰۰ فیصد مصرف اضافی تخمینی سرهنگری نارمن مبالغه امیز است مورد تأمل می باشد. اما مبلغ بدو ن شبهه غیر از مصرف سنگربندی و قطار آهن است و آن ماده ای است که خود محافظه کاران آنرا برای نگهداری قندهار را زمی می شمردند (۱)

در تخمین باید حد نهایی آن در نظر گرفته شود. محافظه کاران از این موضوع بیخبر نبودند. تمام مصارف جنگ افغان از حد تخمین محافظه کاران بیرون رفته بود. (۲) بطوریکه لیتن مجبور شد بتاريخ ۸-اپریل ۱۸۸۰ این تلگراف را به انگلستان صادر کند. از خزانه مبلغ زیادی برای جنگ بیرون رفته است مبلغی که غیر قابل تخمین است. نتیجه مصارف اشغال چه ۱۴۰۰۰۰۰ پوند باشد. چه کمتر اصلاحات مالی هند را که آن مملکت بان ضرورت مبرم داشت به تعویق انداخت و

۱- یادداشت نیپر به مگدله. اوراک پارلمانی ۱۸۸۱-افغانستان ۲ (۲۸۱۱-۲) (C)

ص ۷۷-۷۹

۲- مکتبه مربوط به تخمین جنگ در افغانستان ۱۸۸۰-۸۱ (۶۵۶۶) ۲۶۱۷ (۲۷۷۲) (C)

وباعت تخمیل مالیات های طاقت فرسا و غیر معمول گردید . و این به نوبت خود نارضایت هایی بین هندیان بارآورد و چون مسله افغان تابع مسله نگهداری قندهار در قسمت های مالی خطرهای بارآورد . چه سرحد وجود داشته باشد چه نداشته باشد تا مردم هند راضی و خوشحال نباشند امپراطوری نمیتواند وجود داشته باشد .

از نظر تجارت نیز قندهار آینده روشن نداشت . راست است که این شهر یکجا از ماریت های مهم آسیای وسطی بود ولی مالیات تجارتی بر مراکز مهم دیگری چون هرات میمنه و بلخ نیز وضع شده بود . علاوه بر آن طوریکه بیرنگ Baring میگوید موازنه تجارت بین قندهار و هند برای قندهار بسیار غایده نداشت به سال

۱۸۷۹-۸۰ شماره نشان داد . اگرچه در سالهای مالی ۱۸۷۷-۷۸ و ۱۸۷۸-۷۹ (۱)

اضافه عواید نشان داد ولی مبلغ نسبت به مصارفی که بواسطه سر هنری نارمن تخمین شده بود ناچیز بود . اداره انگلیس و تمدید قطار آهن این تجارت بدو شبیه انکشاف میداد اما انکشاف ناچه اندازه می توانست میسر شود موضوع بود مورد مناقشه . نگهداری قندهار در اصل واقع تضمین در مقابل یک حادثه اتفاق قریب الوقوع بود اما انعامی که برای آن در نظر گرفته شده بود تاحدی بلند تر از کاری بود که باید انجام می شد .

۱- اوراق پارلمانی ۱۸۸۱- افغانستان ۳ (۲۸۵۲) ص ۱۴۰

۸۰-۷۹	۷۹-۷۸	۷۸-۱۸۷۷
۱۴۳۰۰۰	۱۴۷۸۰۰۰	۱۸۲۹۰۰۰
۲۷۹۲۰۰۰	۱۳۵۰۰۰	۱۳۵۵۰۰۰
		صادرات از هند
		واردات از قندهار

محافظه کاران ادعا داشتند که از نظر سوق الجیشی اشغال قندهار بسیار مهم است راه هرات تنها راهی بود که از آسیای مرکزی به هند میگذشت. در طول این راه گادی و توپهای سنگین می توانست حرکت کند. دیری نخواهد گذشت که روسیه به مرور میرسد و اگر به حد معکوس مقابل آنها نباشد هرات را اشغال خواهند کرد. هرات به ضرر ما فاصله بسیار نزدیکی به قندهار واقع شده (۱) محافظه کاران عقیده داشتند که اگر روسیه به هرات برسد امنیت امپراتوری هند به خطر خواهد افتاد.

برای دفع حمله از هند نگهداری عسکر در قندهار اگر از راه اتحاد با افغانستان هم صورت بگیرد حتمی است. اگر روسیه از افغانستان بگذرد بدون شبهه با افغانها مقابل خواهد شد در آن صورت انگلیس می تواند بحیث متحد افغانها به افغانستان برود. و اگر اتحاد با افغانستان منظور باشد - چه دلیل دیگری بهتر از نگهداری قندهار می تواند انجارا بتصرف روسیه در آن کار ببرد. روسیه نمیخورد. حرکت از هرات به قندهار مشکل است و افغانستان بیشتر از حوایج خود نمی تواند موادی را تهیه کند. در مملکت اکثر قحط سالی اتفاق می افتد. در دوران جنگ اول افغان و انگلیس لشکر سر جان کینی Sir John Keane از نداشتن آذوقه به مضیقه بود درحالیکه جنرال رابرتس در ۱۸۷۶ اشخاص خود را برای تهیه آذوقه به جاهای دور دست فرستاد. پیشرفت با افغانستان لشکر مهاجم را به مشکلات گرفتار میکند و این مشکل با واگذاری قندهار بیشتر میگردد زیرا هر قدر خط ارتباط دورتر باشد مشکلات روسیه بیشتری شود.

علاوه بر این - Sir Henrey, Norman میگوید: اگر روسیه بخواهد جانب هرات پیش بیاورد وجود لشکر انگلیس در قندهار نمی تواند مانع آن شود. جلوگیری از اشغال دلت تنها از راه ارسال لشکر بان شمر میسر است نه اینکه لشکر ما (انگلیس) در قندهار بماند (۱) اشغال قندهار باین ترتیب حکومت هند را متجاوز ساخته به مشکلات زیادی گرفتار میگرد. این کار در ماهیت خود خطرناک بود و به مشکل با اقدامی آریزه زیرا برای جلوگیری از خطری بود که در آینده بعید اتفاق می افتاد و ماهیت انهم بدرستی معلوم نبود.

با وجود این وقتی قندهار را ترک گفتند حکومت لیبرال پشین و سینی رابر خلاف پلان اصلی خود که عبارت است اینکه هیچ يك از پایگاه های نظامی در ورنزدیک سرحد نباید نگهداری شود نگهداشتند (۲) پایگاه های بجلوی که با اثر قرار داد گند مک بدست آمده بود نگهداشته شدند. این پایگاه ها از بسیاری لحاظ سرحد قابل اطمینانی را تشکیل میدهند و با داشتن آن ها می توانیم (انگلیس) هر وقتی بخواهیم بر قندهار دست بگذاریم (۳) لاردر پین نه تنها کنترل سیاست خارجی را بدست آورد و این درست مخالف است با سیاست دولت علیا حضرت جاییگه میگوید: " دولت نباید برای یافتن نفوذ در آسیای میانه با قوای دیگر رقابت کند.

۱- اوراق پارلمانی. تاریخ ۱۸۸۱. نمره مراجعه ۶۹. یادداشت ستوکس.

۲- دربالا ص ۱۳۰.

۳- لواحق سری دفتر خارجه تاریخ ۱۸۸۰. نمره مراجعه ۵۰۱.

فصل ششم

بحران پنجمه

همه شش ماه از نیابت سلطنت لارده رین مانده بود که تمام امور را به جانشینش لارده فرین سپرد و در ماه دسامبر ۱۸۸۶ از کلکته جانب وطن حرکت کرد. وظایف مهم نتیجه گرفتن از مذاکرات سرحدی را که پس از اشغال مرو بواسطه روسها در فبروری ۱۸۸۶ با آن مملکت آغاز گردیده بود نیز بر عهده جانشینش گذاشت. باشر پیشنهاد رین برای تعیین سرحد روسیه و افغانستان باید هیئتی مشترکی تعیین می شد. سرینیر لمدن و جنرال زلی قوی کشنرهای روسیه و انگلستان تعیین گردیدند. اما چون هیئت شایه کار خود آغاز کردند معلوم گردید که وضع سرحدی بسیار خراب است. اراضی قابل بحث بین امووهری رود که خط سرحدی باید بین آن تعیین می شد همیشه مورد تخفیرات پی در پی واقع بود و هر دو طرف روسها و افغانها مالکیت را شرط اصلی تصرف میدانستند و بنا بران بر اساس اشغال بر اراضی مورد بحث ادعا داشتند. پنجمه واحه که در محل تلاقی مرغاب و کشک واقع است بیشتر از جاهای دیگر مورد مناقشه بود. کوماروف - - - Komaroff یکی از جنرال های روسیه در این وقت عساکر افغانستان را که در نزدیکی های پنجمه مقیم ساخته شده بودند عقب زد و تاریخ ۳۰ مارچ ۱۸۸۷ - آن واحه را جبراً اشغال نمود و این کار مشکلات در فرین را بیشتر ساخت.

کار کوماروف مراکز مربوط را تکان داد و مقابل حمله روسیه اعتراضات شدیدی برخاست. جنگ روی مسله پنجمه حتمی شمرده می شد. ۱۱ میلیون پوند خواهر کرد و فوراً این مبلغ با اختیار او گذاشته شد. از جنگ با وجود لایسن اجتناب بعمل آمد. مسله پنجمه را بالاخره به حکمیت گذاشتند و این نقطه برای ابد از دست افغانستان بیرون رفت.

از آن وقت بهران پنجاه را نتیجه حمله ناگهانی روسیه برخاک افغانستان
 میدانند . بتاريخ ۴ ی ۱۸۸۵ لارډ رنیدولف چرچیل در مجلس عوام این طور
 شکایت کرد : روسیه از تعهداتی که در ۱۸۶۹ قبول کرده است همیشه
 تخلف نموده (۱) درین سال شصت و نه گورت چکوف - Go rtchkov به
 کلارندن - Lord Galaranden اطمینان داد که زار، افغانستان
 را کاملاً بیرون از ساحه نفوذ روسیه میداند . (۲) کرنل مایلسون -
 Col . Malleeson وقتی روسیه را به تجاوز از قرارداد ۱۸۷۲-۷۳
 Granville - Gortchkov متهم ساخت . بر نظر لارډ رنیدولف
 Lord Randolph را منعکس می نمود . استدلال شد که این قرارداد
 حدود سرحدی افغانستان را تعیین کرده (۳) و روسیه در مقابل حق و واقعیت
 از خط سرحدی که در ۱۸۷۲-۷۳ بان موافقه نموده تجاوز کرده است (۴) ارتزارند
 در اپریل ۱۸۸۲ در مجلس عوام اظهار نظر کرد که De Giers تصریح
 نموده است . که سرحد افغانستان از خواجه صالح به سرحد ایران در نزدیکی
 های سرخس منتهی میگردد و آن خطی است دورتر از شمال بنجده . Hamilton
 وقتی عمل روسیه را تجاوز از قرارداد ۱ مای ۱۸۸۵ (۵) خواند در اعتراض

۱- نطق در مجلس عوام هسرد ۱۸۸۵ سلسله ۳ جلد CCXCVII

ستون ۱۵۲۴-۴۱ .

۲- همانجا ستون ۱۵۴۷ .

۳- همانجا ستون ۱۵۷۲ .

۴- Malleeson مسله روسیه - افغان و حمله هند .

۵- همانجا ستون ۱۷۴ .

خود بیشتر شنیده النحن بود مطابق این قرار داد رسمیت وعده نموده بود که
به پنجاه یا علاوه های دیگر افغانستان حمله نماید *

کاپیتان گارد سواران در تاریخ ۴ مه ۱۸۸۵

گارد ستون با روسیه در افغانستان حمله نمودند *

وعده زیادی از مطبوعات انگلیس سرانجام تحت فرمان پادشاه افغانستان را بروسیه ،

باو نسب میدادند . از آنکه صلح را همین شد . محافظه کاران انرا صلح بی عزتی

دید ناپس خواندند . صلح که به قیمت تران بدست آمده بود (۱) شب ۴ می

راهی را که گارد ستون ۲۷ - اپریل پیشنهاد نموده بود . محافظه کاران رد

کردند . * انروز مقابل نطق اتشین او چیز گفته نی شد این نطق را در تاریخ -

خطابه های پارلمانی یکی از بهترین نمونه های نوع خود شریک اند اما وقتی

با این تصمیم مخالفت شد این مخالفت نام ملت نبود * گارد ستون را به دودلی

وتردد هم اختار * گفته می شد * اود یک هفته افتخاراتی را در مقابل روس

نصیب خوردن سازد وعده دیگر انرا کاملاً * بروسیه بی سپارد * (۲)

محافظه کاران نمونه بسیار خوب شکست پارلمانی عفته قبل را کشف کردند * ولارد

رندلف Lord Randolph باکمال زرنگی انرا در مجلس عوام وطن پرستی

عالی خواند * و باین صورت انرا تاحدی ترمیم کرد * (۳)

۱- نطق بیانی هنری دوروز ، Baron Henrey De Worms ، ۱۱ می ۱۸۸۵

H. C. Mansard ، ۱۸۸۵ - سلسله ۲ ، CCXCVII ، ستون ۱۵۹۴ *

۲- نطق Edward Stanhope ، ۴ می ۱۸۸۵ ، H.C. Mansard ، ۱۸۸۵ - سلسله ۲

CCXCVII ، ستون ۱۵۹۹ *

۳- همانجا ۱۵۲۴-۱۵۲۵ *

يك هفته بعد محافظه كاران يك قدم جلوتر رفتند بتاريخ ۱۱ می پیشنهاد خصمانه ای را تقدیم مجلس نمودند این پیشنهاد عملاً به رای منفی منتهی گردید .
 لارڊ جان ما ملتن با پیشنهاد ممتی در مجلس عوام گلاډ استون را به تخلف از قول خود شرمندگام ساخت (۱) او است دلال میکرد که بتاريخ ۲۷- اپریل گلاډ استون مقابل روسیه تقاضای جبران داشت . اما اکنون طرز عملی را که بوسیله آن رای ۱۱۰۰۰۰۰۰۰ پوند بدست آمده است تغییر داده . چپلین در انتقاد جلوتر رفت و پیشنهاد کرد که انگلستان با روسیه عوض صلح باید جنگ نماید (۲)

مطبوعات مهم انگلیس نیز نظریاتی مشابه این نظریه ها اظهار کردند تا میز که در اظهار نظر اندکی محافظه کار بود حکومت لیبرال را مورد انتقاد قرار داد و آنها را فاقد ثبات پیشینی و قدرت خواند (۳) روزنامه مزبور می نویسد - حکومت مسله افغان را بسیار خراب ساخته است (۴) این روزنامه به آینده صلح با روسیه شبه ناک بود و این کار را تخلف از رای مطبوعات اروپائی (۵) و مردم انگلستان میدانست (۶) شاید فکر جنگ با روسیه راست نیاید اما این افشاه

۱- هانسرد ۱۸۸۵ سلسله ۳ CCXCVII ستون ۱۷۱-۸۵

۲- Hansard - ۱۸۸۵ سلسله ۳ CCXCVIII

ستون ۱۲۰

۳- سرمقاله ۸ می ۱۸۸۵

۴- سرمقاله ۷ می ۱۸۸۵

۵- سرمقاله ۸ می ۱۸۸۵

۶- همانجا ۲ می ۱۸۸۵

نه تنها در انگلستان بلکه در اروپا نیز شهرت داشت که گلاستون بروسیه
تسلیم شده است و این ترتیب جنگ را به تعویق انداخته نه اینکه آنرا دفع
کند . راپور نامه نگاران خارجی تایمز یومیه نشان میداد که قسمت بزرگ مطبوعات
اروپائی کابینه Gladstone را انتقاد نمایند و به آینده صلح
شبه دارند (۱) حتی مطبوعات هندی با این نظر هم فکر شدند. *Hindo Patriot*
یکی از جراید مهم هفته وار آنوقت کلکته گلاستون را در دو مقاله همیش انتقاد
کرد (۲) نتیجه این مخالفت عمومی این شد که افکار عمومی در انتخابات عمومی
۱۸۸۵ با لیبرال ها مخالف گردید . راست است که حکومت
بواسطه - Beach Amendment از اقتدار افتاد و افکار
عمومی انگلستان را مسئله ایرلند و Crimes Act تشکیل میداد
وجود آن مسئله آسیای وسطی در تعیین سر نوشت کابینه لیبرال نتوانست کاری
بکند .

پس می توانیم باین عقیده برسیم که گلاستون مسؤول اشتباه در مسئله
پنجده بوده و حتماً هم همینطور هست زیرا *Lumsden* و *Lieutenant A.C. Yate*
دو عضو مهم کمیسیون سرحدی گلاستون را در این بحران ملامت خواندند .
سرپتر لمدن می نویسد : « کار فلاکت بار کشک هر قدر قابل تأسف باشد مسؤول
آن افسران انگلیسی هئیت نیست بلکه مسؤول آن اشخاصی است که این وضع
را بوجود آورده است (۳) »

- اسر جوع کید به Times شماره های می ۱۸۸۵ .
- ۲- عنوان این مقاله ها عبارت است از: تسلیم *The Surrender* صلح
نتایج آن - *The Peace and its Consequences* .
- ۳- نامه مؤرخ ۹ اکتوبر ۱۸۸۸ به مدیر در تایمز ۱۱- اکتوبر .

یت Lieutenant Yate می نویسد : حقیقت این است که
ملا متی سیاست پیچیده و گول زننده متوجه حکومت لیبرال است که در آن وقت
اقتدار را بدست داشتند (۱) .

معذالك اين مسله قابل تعمق است كه ايا روسيه واقعا براراضى
افغانستان متجاوز بوده و گلا دستون عدم ثبات وضع نشان داده است و اگر
اینطور نباشد روش روسیه و گلا دستون قابل تقبیح نیست . عملاء هر نوع پیشرفت
روسیه در آسیای مرکزی به نوع خود تجاوز شده می شود . روسیه تا سرحد
افغانستان تعیین گردد اعسته سیاست پیشرفت را تعقیب می نمود . یقیناً
در سال ۱۸۶۹ افغانستان را بیرون ساحه نفوذ خود میدانست (۲) بسال
۱۸۷۲-۷۳ سرحدات افغانستان را طوری که انگلیسها آنها تعیین نموده بودند
قبول کرد . (۳) وقتی لیبرال هادر حوالی سال های اخیر قرن نوزده بر سر اقتدار
بودند روسیه موافقت کرد در تعیین سرحدات افغانستان اشتراك مساعی
بنماید و متعهد شد کمشنر خود را برای ملاقات با کمیسون انگلیسی به سرخس
بفرستد (۴) . معذالك روسیه زلی نوی را اجازه نداد با Sir Peter Lumsden

۱- ۴۴۴۳ England and Rusia Face to Face in Asia ; P

۲- نامه - Gortchkov بر Baron Brunnow , مؤرخ ۷ ماچ ۱۸۶۹ .

اوراق پارلمانی ۱۸۷۳ - آسیای مرکزی نمره ۲ (۷۰۴) ص ۳۰ .

۳- لواحق سری دفتر خارجه ماچ ۱۸۷۳ نمره مراجعه ۲۸۸ .

۴- نامه M . De Giers به Thornton , مؤرخ ۱۸ جون ۱۸۸۴ .

اوراق پارلمانی ۱۸۸۵ - آسیای مرکزی نمره ۲ (۴۳۷۸) ص ۵۲ .

وقتی موخر الذکر مامور تعیین سرحد افغانستان گردید، ملاقات کند . در عوض
بیشتر بطرف جنوب پیشرفت و بل خاتون و ذوالفقار را اشغال نمود و بعد از آن -
جانب کوشک جلورفت به اینهمه اکفا نکرد و بتاريخ ۱۶ مارچ ۱۸۸۵ به انگلستان
اطمینان داد که نه میخواهد جانب پنجاه پیشبرود (۱) . معذالك در مدت دو
هفته افغان هارا از انجا بیرون کردند . افغان ها باین عقیده که این جاز
خود ایشان است به سختی از آن دفاع می نمودند .

کابینه لیبرال از طرف دیگر تصریح کرده بود که پنجاه داخل خاک افغانستان
است و واضحاً از اثر تشویق همین هابود که عبدالرحمن معتقد شد که این جا باو
تعلق دارد . عبدالرحمن در شرح حال (۲) خود پنجاه را جزو قلمرو خودش
دانسته و میگوید به نسبت حفظ صلح این جا را ترك گفته است . در حقیقت
گلادستون مطابق قرار داد ۱۸۸۰ مجبور بود امیر را از حمله خارجی حفظ کند
و روی همین منظور بود که بتاريخ ۲۷ - اپریل رای اعتبار خواست . در آن روز به
مجلس عوام فشار آورد که نقض قرار داد ۱۶ مارچ ۱۸۸۵ درین است (۳) .
معذالك هنگام اتخاذ تصمیم نتوانست توضیحاتی خود را بخوبی بجایش برساند
و مسله پنجاه را به حکمت گذاشت . نتیجه آن این شد که واخه پنجاه بکلی
از تصرف افغانستان بیرون رفت .

۱- لواحق سری دفتر خارجه ، F ، سپتمبر ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۲۶۵ .

۲- ج ۲ ص ۱۵۱-۱۵۲ .

۳- Hansard - ۱۸۸۵ سلسله CCXC VII

بعد از مطالعه دقیق مکاتبات به پلوماسی بین انگلستان و روسیه معلوم
 میگردد که مذاکرات تعیین سرحد شمال غربی افغانستان جبری طبیعی و منطقی
 خود را پیبوده است * درست معلوم نیست که واحه پنججده به افغانستان مربوط است
 یا خیر و اگر با افغانستان هم مربوط باشد مناسب نیست صوابت جبهه کشک را بر
 عهده روسیه یا حتی گلاب ستون بگذاریم * در حقیقت کران پنججده نتیجه تصادفات
 طولانی بود که بین دو قوای اروپایی روی مسایل مستملکات امپریالیستی در آسیای
 مرکزی صورت گرفته بود * و این را جز سیر منطقی حوادث نمی توانیم چیز دیگری
 بدانیم *

تاریخ مذاکرات بین انگلستان و روسیه در موضوع ساحه مستقل بین طرأضی
 متصرفه و امپراطوری ایشان در شرق به سال ۱۸۶۸-۶۹ میلادی میرسد * پس
 از سقوط سمرقند در ۱۸۶۸ لاردرلارنس نایب السلطنه آن وقت انگلیس از حکومت
 میکی خه اشتر کرد که با روسیه به "فاهمه" برسد (۱) تا این که بین
 آن دو امپراطوری تصادم واقع نگردد * اگر چه در دوران نیابت سلطنت او اوضاعی
 صورت نگیرد این صله وقتی لاردرلارنس Mayo روی کار آمد دوباره مطرح شد
 باشریشتنهاد لارنس یک سلسله مکاتبات طولانی بین حکومت های روسیه
 صورت گرفت و بالاخره به موافقه که بنام کلارندن گرتچکوف معروف است منتهی
 گردید اما همین نوع فاهمه ای نتوانست صورت بگیرد تا آنکه لاردرلارندن درگذشت
 ولارد گرنولز Lord Granvilles بجای او وزیر امور خارجه
 شد *

۱- اوراق پارلمانی ۱۸۷۸ - افغانستان نمرة (۳۰۹۰۷) ص ۶۱ یادداشت

بسال ۱۸۶۹ لارډ كلارنډن توصيه كرد كه علاقه بيطرفي بايضا بين مستملكات انگلستان و روسيه موجود باشد و اين علاقه سرحد مستملكات ملكين مذكور شمرد ميشود. هر دو قوه بان احترام داشته باشند (۱) بنا بران شهزاده Gortchkoff به حكومت انگليس اطمينان مثبت داد كه افغانستان بطور مطلق بيرون ساحل روسيه نفوذ روسيه پنداشته خواهد شد (۲) پس از مواصلايت اين مکتوب لارډ كلارنډن از وضع دوستانه روسيه به انگلستان اظهار تشكر كرد اما مشتبّه بود از اينكه ايا افغانستان مي تواند شرايط و موافق حكومت بيطرف را بين دو قوه بطور دلخواه تامين كند (۳)

ديوك ارگيل و همكاران او در كونسيل هند نظر قاطع داشتند كه افغانستان

نمی تواند شرايط حكومت بيطرفی را كه منظور دو مملكت است تامين نمايد زيرا

سرحدات افغانستان بد رستی تعیین نشده است و اگر قواي روسی بجانب ان

سرحدات پیشبرود دیریا زود بین روسیه و روسای قبایل جنگ بر میخیزد و در انصورت

روسیه اگر مایل هم نباشد باید از ترتیباتی كه تا انوقت اتخاذ نموده است

دست بكشد • بنا بران پیشنهاد نمودند كه اموي عليا جنوب بخارا بايد خط

سرحدی قرار داده شود كه هیچ يك از قوا اجازه نداشته باشند از انجمله

عبور نمایند •

وقتی از حكومت لارډ میو خواهش شد كه نظر خود را درباره علاقه

بيطرف اظهار دارد نايب السلطنه و كونسيل او در حاليكه پیشنهاد لارډ كلارنډن

را راجع به مفاهمه صريح و واضح با حكومت روسيه تائيد می نمودند اين نظريه را تقبیح

کردند زیرا به معنی دقیق از نظر اینکه غیر ممکن است اساسات روابط بین
انگلستان روسیه و قبایل سرحدی را وضع نمود . استدلال آنها این بود که
قرار داد بیطرفی با حکومت های سرحدی بر اساس قرار داد های که با بلجیم
موجود است قبایل را تشویق می کند به دزدی و حمله دست بزنند پس بهترین راه این
است که روسیه و انگلستان تعهد کنند تا قرار داد تصویب شده وجود نداشته
باشد در منافع یک دیگر مداخله ننمایند (۱) پس از تبادل این تدارکات لازم کلارندن
با شجراده Gortchikov در ماه سپتمبر در هیدلبرگ ملاقات نمود . این
جا مسله ساحه بیطرف دوباره مطرح بحث قرار گرفت . کلارندن اصرار داشت که
بین اراضی متصرفه روسیه و انگلیس رود امو باید خط سرحدی شناخته شود . او
اشاره نمود که قسمتی از اراضی جنوب رود امو را امیر بخارا ادعا نموده است و این
ترتیب افغانستان باید ساحه بیطرف شناخته شود .

مباحثات هیدلبرگ مغذ لك بی نتیجه است زیرا سرحدات افغانستان
طوری که کلارندن اظهار نظر میکند بدستی تعیین نشده بود (۲)
Douglas Forsyth یکی از مامورین ملکی بنگال بنابر آن مامور گردید و راجع
باین مسله با مامورین روس مذاکره نماید Forsyth در سنت پتسبورگ
چند بار با امپراطور و وزرای مهم او ملاقات نمود در نتیجه فیصله شد که انگلستان
وروسیه هر دو در ساحه های مربوط از نفوذ خود کاریگیرند و صلح را در آسیای میانه
حفظ نمایند و افغانستان شامل اراضی اینداشته خواهد شد که در آن وقت عملاً تحت

۱- شعبه خارجه ۱۸۶۹ S. I. ۶۳

۲- همانجا .

اداره شیرعلی بوده . علاوه بر این تعیین حدود واقعی متصرفات شیرعلی،

جنرل کوفمن - Koufmann (۱) نایب الحکومه روسی

ترکستان مامور گردید تحقیقاتی در محل واقعه بنماید .

حکومت لارده میو در حالیکه بر اساس این قرار را قبول نموده بود ادعا

داشت که متصرفات شیرعلی با متصرفات پدرش دوست محمد (۲) مطابق است .

نامه ای را که محتوی این پیغام بود سفیر روسیه در ست پتسبورگ به حکومت

روسیه تقدیم کرد . اما شهمزاده Gortchikov به این عقیده -

نایب السلطنه که اراضی متصرفه شیرعلی با متصرفات پدرش برابر بوده موافقت

نداشت و این اساس را که اراضی که عملاً در تحت تصرف شیرعلی بوده باید

حدود افغانستان پنداشته شود، رد کرد (۳)

منطق "گرچه کوف" غیر قابل تردید است . در افغانستان جانشینی

وجود نداشت و در آن جاحق زور پنداشته می شد . از نظر تیوری موضوع جانشینی

در افغانستان تابع رسوم آن جا می باشد . امیر زمان مرگش یکی از وارث های

خود را باین وظیفه تعیین می نماید . عملاً پس از مرگ هر امیری جنگ جانشینی

بر میخیزد الا که نیست این جنگ بین فرزندان امیر متوفی بر پا گردد هرگز برای جانشینی

بجایه ای داشته باشد در این جنگ شرکت می نماید و چون اساس قانونی

یا مؤسسه حقوقی برای تعیین وارث تخت افغانستان وجود نداشته باشد نه انگلستان

۱- دفتر خارجه ۱۸۶۹ S. H ۱۲۰ و نیز اوراق بیبری دفتر خارجه جون ۱۸۸۲

نمره مراجعه ۵۴۰

۲- دفتر خارجه ۱۸۷۰ S. H ۲۰۵

۳- اوراق پارلمانی ۱۸۷۳ - سیای مرکزی نمره ۲ (۷۰۴) ص ۵۶

می تواند حق مالکیت را به تخت افغانستان تعیین نماید نه روسیه . این اساس را انگلستان قبل از ۱۸۶۱ تعقیب نموده بود . لارنس شیرعلی را در ۱۸۶۴ امیر افغانستان شناخت اما وقتی افضل خان شیرعلی را دو سال بعد از کابل دور کرد اولی امیر کابل و دومی فرمانروای هرات و قندهار شناخته شد . دیری نگذشت که افضل خان قندهار را متصرف شد . حکومت انگلیس کاری را که واقع شده بود قبول کرد و شیرعلی را تنها حاکم هرات شناخت .

طرداران شیرعلی لارنس از اینکه امیر مزبور را پس از مرگ دوست محمد خان در جریان جنگ های (۱) زیان آور داخلی پادشاه افغانستان شناخته است ملامت میکردند . ولی ایشان فراموش نموده بودند که وصیت شیرعلی اگر چه بر بارگزاری هانافذ است ولی را نزد انگلیس ها مستحق سلطنت نمی سازد تا اینکه رؤسای قبایل و مردم افغانستان وصیت امیر متوفی را قبول نمایند . به مقایسه برادرانش شیرعلی البته فرمانروای قانونی شمرده می شود اما دوست محمد خودش جزیکه فاصی چیز دیگری نیست و تا وقتی یکی از سد وزائی ها ادعای سلطنت داشته باشد لارنس نمی تواند غیر از آنکه دست بسته بنشیند کاری بکند . اگر برسمیت شناختن Dalhousie امیر دوست محمد خان را بحیث مؤسس خانواده بارگرائی در مقابل خانواده سد وزائی موجه باشد برسمیت شناختن شیرعلی نیز بواسطه لارنس در اول بحیث امیر افغانستان و بعد بحیث امیر جاهائیکه او می تواند انرا بزور شمشیر نگهدارد باید صحیح باشد . همه این ها از یک سیاست مدام نشئت میکند و آن عبارت است موافقت به حقایق معلوم حقایق که از

- فیصله کشور مسایه در معاملات خودش و فروش خودش نشئت کرده (۱) •
- یادداشت کوفمن نه انگلستان راضی توانست تشویق کند نه شیرعلی خان را •
- در ۲۹ نومبر ۱۸۷۲ کوفمن خبر داد که حکم امیر بر بدخشان نافذ نیست در حالیکه تسلط او بر شهرهای اقچه، سرپل، میمنه، شبرغان و اندخوی نیز مشتبّه است (۲)
- این راپور واضحاً بعد از وقتی رسید که کوفمن مامور شده بود اطلاعات مربوط به سرحدات شمالی و شمال غربی افغانستان جمع کند • در این ضمن Granville
- اراضی را برای شیرعلی ادعا کرد و سفیر انگلستان در سنت پتسبورگ طی نامه‌ای در ۱۷-اکتوبر ۱۸۷۲ آنچه را حکومت علیسا حضرت در آن وقت قلمرو افغانستان میدانست تعیین نمود (۳) •
- ۱- بدخشان با علاقه مربوطان و اخان از سرگل (Woods Loks) به طرف شرق تا محل تلاقی رود کوکچه با آمو (پنجاه) این قسمت در طول خط امتداد خود سرحد شمال افغانستان را تشکیل میدهد •
- ۲- ترکستان افغانی که مشتمل است بر علاقه‌های قندز، خلم و یلخ، سرحد شمالی این قسمت رود آمو از محل تلاقی کوکچه تا بندر خواجه صالح خواهد بود •
- خواجه صالح که بر راه بخارا و یلخ واقع است در این قسمت شامل است پایا نتر از خواجه صالح امیر افغان نه میتواند جائیزا به ساحل جنوب آمو ادعا کند (۴) •

۱- Wyllie ، مقالاتی در سیاست خارجی هند ص ۱۱۸-۱۱۹

Essayson the External Policy Of India

۲- یادداشت‌های سری دفتر خارجه مارچ ۱۸۷۳ نمره مراجعه ۲۹-۳۰

۳- لواحق سری دفتر خارجه ۱۸۷۳ نمره مراجعه ۱۶۰ •

۴- املائی این جاد را اسناد مختلف روسی و انگلیسی بصورت مختلف آمده •

۳- علاقه های داخلی آنچه سریل میمنه شبرقان واندخوی (جای اخیرالذکر آخرین متصرفه افغانستان به طرف شمال غربی خوانده بود) بیابان اندلرفسی که به قبایل ازاد ترکمن متعلق است.

۴- سرحد غربی افغانستان بین علاقه های مرات وایالت ایرانی خراسان معلوم است و لا نم نیست در این جا تعیین شود.

شهمزاده گرتچکوف سرحداتی را که در مراسله گرنیول تعیین شده بود در اول قبول نمود. • بتاريخ ۷ دسمبر ۱۸۷۲ به کونت برونو Count Brunnow سفیر روسیه در لندن هدایت داد باطلاع وزارت خارجه انگلیس برساند که :
 « هیچ علاقه ای را نباید زیر نظر بگیریم مگر اینکه قبلا تحت اثر دوست محمد بوده و هنوز هم بتصرف شیرعلی بسا شد (۱) • اوج شیرعلی را بریدخشان قبول نداشت و حتی به حاکمیت او بر شهرهای آنچه سریل میمنه شبرقان واندخوی مشتبّه بود معذالک حکومت روسیه موافقه کرد که به احترام خواهرش دولت علیا حضرت ملکه انگلیس « اساسی تملک واقعی » را تاجائی که به « علاقه های داخلی » مربوط است نادیده بگیرد • و موافقه نمود که آن جاها را شامل قلمرو افغانستان بداند (۲)

اما Granville با توقف در این جا قانع نبود و نمیخواست سرحدات

امیر پناور معین و محدود برسمیت شناخته شود • او بدخشان را برای شیرعلی ادها میکرد و ادرا داشت که روسیه سرحدات افغانستان را طوریکه در نامه ۱۷- اکتوبر

۱- یادداشت سری دفتر خارجه مانچ ۱۸۷۳ نمره مراجعه ۲۸.

۲- همانجا •

او تعیین شده است برسمیت بشناسد. روسیه پس از اندکی تأمل راضی شد و سرحدی را که انگلستان تعیین نموده بود قبول کرد (۱)

باین ترتیب مکاتباتی که چهار سال قبل بواسطه کلارندن آغاز شده بود پایان یافت. واضحاً روسیه تحدید حدود افغانستان را قبول کرد همان افغانستانی که روسیه بیرون ساحه نفوذ خود میدانست. دیرنگذشت که مناقشه روی حدود قراردادی که با مضامین رسیده بود برخاست. رابرت میشل Robert Mitchell وقتی اظهار نظر کرد که این مقاصد توسعه و

استقرار نفوذ روسیه را در آسیای مرکزی محدود ساخته است نظر خوشینانه (۲) داشت. اما گلاستون خودش را جع باین قرارداد تصور باطلی نداشت و در مجلس عوام اظهار داشت: «این (قرارداد) قول منفی در حصه روسیه دارد (۳). این قرارداد به قول گلاستون (قولی که Gortchikov نیز با او هم عقیده است) مربوط به نفوذ اخلاقی است که این در مملکت در شرق دارد (۴).

لارډ ریندلف Lord Randolph Churchill در مجلس عوام می گفت (۱۱ می ۱۸۸۵) که قرارداد ۱۸۷۳-۱۸۷۲ بر تعیین سرحدات افغانستان تأثیر داشته (۵).

۱- لواحق سری دفتر خارجه مارچ ۱۸۷۳ نمره مراجعه ۲۸۸.

۲- لواحق سری دفتر خارجه مارچ ۱۸۷۳ نمره مراجعه ۳۳.

۳- ۲۲-۱۸۷۳ Hansard ۱۸۷۳ سلسله ۳ CCXV

ستون ۸۷۶-۸۷۷.

۴- لواحق سری دفتر خارجه جون ۱۸۸۲ نمره مراجعه ۵۴.

۵- Hansard ۱۸۸۵ سلسله ۳ CCXCVIII نمره مراجعه ۱۰۷۲.

این مطالب بسیار قابل بحث است زیرا در قرارداد دوجای واضح قرار نداده می شود . در اول گرنیول بصورت واضح نگفته است که مربوطات واقعی هرات کدام جاها شمرده می شود . اگر قرارداد ۱۸۷۲-۷۳ در حصه روسیه منفی باشد در حصه انگلستان تاجائیکه گلا دستون اعتراف می کند مثبت است (۱) انگلستان مسوولیت تعیین سرحدات افغانستان را برعهده خود گرفته بود باین حساب وظیفه او بود که انرا واضحاً بیان کند . بسال ۱۸۷۲-۷۳ سرحدات افغانستان عملاً بدرستی معلوم نبود زیرا همچنانکه میوبآن اشاره نموده است همیشه تخیر می یافت (۲) علاوه بران اگرچه روسیه اساس مالکیت اصلی را در مورد علاقه های داخلی ترک کرد اما در مورد علاقه های دیگر از این اساس صریحاً

منصرف نشد .

ایا ساحه نفوذ شیرعلی بر مرطوبات شمالی مرات بین سالهای ۱۸۷۲-۷۳ چه بوده ؟
 باین سوال ساسب و بجای نمی توانیم جواب قطعی بدهیم . نفوذ حکم
 امیر بآن اراضی دوردست واقعاء شبه ناک بود . چون دوست محمد اندکی
 بعد از آنکه شهر مرآت را از دست ایرار بیرون آورد در گذشت و نمیتوانست نفوذ
 خود را بر ترگمن هائی که در مناطق مرغاب و کشک سکونت داشتند توسعه دهد .
 ازین قبایل سلیک ها که در آن وقت سلورها را از پنجاه دوره درده بودند
 از همه محترم بود . آنها به استقلال خویش سخت علاقه داشتند و هیچ قدرتی
 راه جز زور نمی شناختند . هیچ قدرتی نمی توانست آنها را مطیع بسازد جز آنکه
 قویتر از ایشان باشد و زور مطلق آنها تحت اداره خود در آمد . اینگونه

شیرعلی قبل از ۱۸۷۳ توانسته است قدرت خود را بر سریک ها نافذ بسازد -
بعید بنظر میرسد *

پنجسال بعد از مرگ دوست محمد افغانستان را جنگ جانشینی برپا داد و تا سال ۱۸۶۹ وقتی شیرعلی عبدالرحمن را شکست داد و ادعای خود را به تخت سلطنت ثابت نمود این جنگ برادر کشی ادامه داشت. با وجود این تا مدتی بعد از تخت نشینی شیرعلی روی تخت ثابت نبود. با منابع و مهمات قلیل و افسران غیر معتمد او خود را جز اینکه بنام امیر باشد پیزدیگری نمی یافت. جنگ های دوره سلطنت دوست محمد با جنگ های بعد از مرگ او یک جاشد و بار این جنگها بر منابع مالی افغانستان افتاد. خزانه افغانستان خالی شد و امیر نمی توانست دوباره آنها پر کند زیرا جمع مالیات به اقل درجه خود رسیده بود بطوریکه تنها ۶۶ لک رویه از تمام ایالات افغانستان جمع شد (۱). شیرعلی نمی توانست معاش عساکر خود را بپردازد و لشکر افغانستان که بیشتر لشکر اجیر بودند زیر قوس فغان می کردند *

علاوه بر این رنجش در مملکت به شدت حکمفرما بود اضطرابی در بلخ و قندهار وجود داشت و این پیش آمده ها مشکلات امیر را بیشتری ساخت. بدتر از همه اینها پسر خود شریعوب خان که امیر او را نایب الحکومه هرات مقرر نموده بود تا سال ۱۸۷۴ همیشه برای او تولید زحمت می نمود. یعقوب خان بعد از آنکه دید نمیتواند خود را وارث تاج و تخت بسازد مقابل پدر برخاست (۲). و چون

۱- Tate, Afghanistan, p 168

در کابل ناکام گردید از آنجا فرار نمود و در اپریل ۱۸۷۱ بجانب هرات پیشرفت هرات به غدر و بیوفائی اشغال گردید . معذالك در آن جا یعقوب خان خود را فرمانروای بنام یافت نه واقعی . تمام قدرت بدست اشخاصی بود که به کمک ایشان یعقوب خان شهر را اشغال کرده بود . یعقوب خان پس از آنکه با این همه مشکلات گرفتار گردید دوباره با پدراشتی نمود و دوباره به هرات به همان رتبه قبلی بحیث نایب الحکومه مقرر شد (۱) .

اشتی پدر و پسر بسیار صمیمانه بود (۲) و راپورهای دسیسه یعقوب خان تا سال ۱۸۷۴ وقتی هرات بدست امیر افتاد بحیث منبع خطر دائمی بحساب میامد . در مقابل همه این تعجیبات شیرعلی با منابع قلیل و لشکر ناراضی توانست تاج و تخت را نگهدارد اما نمی توانست این قدرت را بانطرف پارو یا میزوس یا حتی شهر هرات (۳)

۱- راپور اداری پنجاب ۱۸۷۱-۷۲ ص ۳۳-۳۶ .

۲- همانجا ص ۳۶ .

۳- اصل این مشاجره را حتی پرو فیسر زمیری مربوط پوهنتون بوداپست که در نظر خوشتر بیشتر ارتداد انگلیس است اعتراف نموده است . استاد مزبور در ۱۸۷۳ بر اساس تجربه شخصی این طور میگوید : « این جا بر شاخه غربی کوه های پارو یا میزوس با بیابان غیر قابل عبوری روبرو هستیم و نیز قبایل ترکمن ، کره ، الیکلی سربك ، وسلور که در آن جا ها گشت و گذار دارند در مقابل ما ساکت در مقابل این قبایل افغانستان نمی تواند مقابله کند این قبایل را تنها عقاب سیاه روسیه می تواند ترساند ص ۳۸۷ . Central Asia and The Anglo-Russian Frontier Question .

نافذ سازد . پس جای تعجب نیست که سړیک ها که بین سالهای ۱۸۶۹-۷۲ قلعہ ای پنجدہ برای دفاع خویش ساخته بودند عملاً از استقلال کامل بهره ور باشند .

پس می توانیم بگوئیم که حدود موافقہ ۱۸۷۲-۷۳ غیر معین بوده و بنا بران این موافقہ نامکمل است . معذالک همین موافقہ در کابینه دوم گلا دستون اساس مذاکرات قرار گرفت . نقطه مهم قابل ذکر در این جا این است که : اگر گلا دستون در اوایل سالهای هشتاد لوح پاکي نداشته باشد در این ناراحتی ها واضطراب ها بسیار مسؤول است . موافقہ اول که منبع مشکلات شمرده می شد در دوره حکومت اول صورت گرفت . حتی در این صورت هم هرگاه گلا دستون را مسؤول قرارداد ۱۸۷۲-۷۳ بشماریم این کار جز نتیجه واقعی وقایع عصر چیز دیگری نبوده نقض مهم این قرارداد بند چهارم آن است . سرحدات هرات بد رستی تعیین نشده بود و این کار به مشکلات بعدی منتهی گردید و بالاخره در ۱۸۸۵ بحرآن پنجدہ را به میان آورد . اما درست معلوم نیست که تعیین حدود سرحدی مضافات هرات آن وقت به قرینه وضع غیر معین سیاسی و نژاد شناسی آسیای مرکزی آن وقت بد رستی میسر بوده یا نه . با وجود متحدی که برای بدست آوردن تخت و تاج در مقابل مخالفین جدی می جنگید و نمی توانست قدرت خود را در دورترین نقاط سلطنتش نافذ سازد با معلومات بسیار کمی که راجع به اراضی غیر قابل عبور برای خارجی ها در حالیکه قبایل سرکش در آن سکونت دارند موجود بود . تعیین حدود سرحدی افغانستان برای انگلیس اگر محال نباشد کاری است بسیار مشکل . با این اوضاع و احوال موافقہ ۱۸۷۲-۷۳ بهترین قراری بوده است می توانسته است بان اوضاع و احوال بدست بیاید . Mitchel حق داشت که بگوید : اقدام دیگری جز برسمیت شناختن حدود سلطنت امیر برای استقرار

حکومت وی و تاهمین مصالح انگلیس در داخل خاک افغانستان میسر نبود (۱) شاید
 گلا دستون گمان میکرد که اگر چند سالی صلح برقرار گردد کمک هزینه ای به
 افغانستان داده شود شیرعلی بتواند قدرت خود را بر مضافات سلطنت خود
 نافذ سازد و ترکمن ها از راه اداره جدی و موثر حل نماید . اینکه این ارزو جز
 برای مدت کوتاهی بعد از قرارداد ۱۸۷۲-۷۳ برآورده نشد بیشتر به نسبت
 سیاست غیر عادلانه لاردر لیتن و بی پروایی گلا دستون به خواسته های امیر بود .
 اینکه بگویم وقتی لاردر میو نخواست قرار معینی با میرامضا کند اشتباه سیاسی
 کرده است بیشتر از آنکه گمان چیز دیگری نیست . اما حوصله خود بینی و تکبر
 لیتن فیراز لخنزر بزرگ سیاسی چیز دیگری نیست . اگر لیتن سیاست لیبرال
 عدم مداخله در افغانستان را تعقیب می نمود و به کمک خویش به امیر ادامه میداد
 شاید شیرعلی می توانست حکومت قوی را که بدون آن تسلط بر قبایل سرکس ترکمن
 غیر میسر بود . تاهمین نماید . در واقع لاردر سالزبری صریحاً اعتراف کرد که
 سرحدات امیر غیر معین است و بنابراین لیتن را اعزام نمودند و با و هدایت دادند
 که ارامه را در سرحدات افغانستان از راه حمایت امیر (۲) بدون آنکه در امور
 داخلی مملکت او مداخله شود پیشبرد . اما لیتن چون اینکه دست شیرعلی را قوی
 بسازد سیاست عدم اعتماد و تحریک را در پیش گرفت . این سیاست در اول زمان
 انگلیس را بی ابرو ساخت .

-
- ۱- لخواحق سری دفتر خارجه گمان ۱۸۷۳ نمره مراجعه ۰۳۳
 ۲- هدايات به لیتن مراسله مؤرخ ۲۸ فبروري ۱۸۷۶ وزارت خارجه اوراق پارلمانی
 ۱۸۷۸ - سیاسي مرکزي نمره ۱ (۲۱۶۴ C) ص ۰۲۰

مذاکرات با روسیه برای تعیین قطعی سرحدات افغانستان بعد از آنکه
 گلاب ستون برای دومین بار صدراعظم شده، باز آغاز گردید . در این ضمن خیوه
 بدست روسیه افتاد و جنرال لومکین به تفحصات خوش در طول رودخانه اترک ادامه
 داد . این جریانات برای مقامات اندوانگلیسی "خطر و ناراحتی" ایجاد نمود . حکومت
 لاردرنارتبروک توجه وزرای ملکه را به فعالیت های روسیه در آسیای مرکزی معطوف -
 ساخت (۱) بنابراین وزارت خارجه انگلیس موضوع را با وزارت خارجه روسیه مطرح نمود .
 نتیجه این مباحثات سیاسی این شد که شهزاده گرتچکوف حق آزادی عمل کامل را
 برای روسیه در آسیای مرکزی بخاطر سپرد این حق تا وقتی اعمال میگردد که روسیه
 از مداخله در امور داخلی افغانستان خودداری نماید . او حتی مدعی بود که
 مرو از احاطه ای که حدود افغانستان شناخته شده است دور است (۲) و تشکیلات
 خان نشین های مرکزی و طرز اسکان آنها به ما اجازه نمیدهد که ترتیبات و اقدامات
 قلمی خود را قبلاً اعلام نمائیم . این اقدامات عبارت از کارهایی است که
 روسیه در نظر دارد برای استقرار صلح و امنیت مستملکات آسیای مرکزی خود بعمل
 آورد . گرتچکوف تصدیق کرد که باین مذاکرات فورسیت و کابینه امپراطوری تصمیم
 گرفته شده است که تنها افغانستان باید ناحیه بین بین را بین متصرفات آسیای
 انگلستان و روسیه تشکیل دهد (۳) .

۱- اوراق پارلمانی . آسیای مرکزی نمره ۱ (۲۱۶۴) ص ۲۰ .

۲- همانجا .

۳- همانجا ص ۳۵ .

این تصریح در سیاست روسیه حکومت انگلیس را مجبور کرد در اقداماتی که به نظرایشان برای سلاطین ارض افغانستان لازمی دیده می شود از آزادی عمل کامل را ادعا کنند (۱) . آنها تذکر دادند که نوع مکاتبات بین قورسیت و کابینه امپراطوری هر چه باشد جزو هدایات قبلی در آغاز مجدد مسئله بیطرف نبوده این مفکوره در دوره مکاتبات کلارندن در اپریل ۱۸۶۹ ترک شده بود (۲) .

حکومت روسیه از طرف دیگر خوش بود که بشنود حکومت انگلیس مباحثات مربوط به منطقه بین بین را منقضی شده میداند . زار شخصاً آنها را عملی خواند و موافقه داشت باینکه که مسایل سرحدی افغانستان با حفظ حقوق هر دو طرف طوری خواهد که هر دو طرف تا اراضی متصرفه خود از آزادی عمل داشته باشند (۳) .

پس از انقضای مذاکرات ساحه بیطرف لزم مرزگزاری واضح سرحدات افغانستان بخوبی واضح بود . لاردر گرنیول نقص قرار داد سابق را درک کرده بود و بنابراین میخواست راجع به وضع دو مملکت در آسیای مرکزی توافق نظر بیشتری پیدا شود (۴) .

اوایل سال ۱۸۸۲ مذاکرات بین دو مملکت آغاز گردید M. de Giers پیشنهاد کرد که بر موافقتنامه ۱۸۷۲-۷۳ باید ممتنعی علاوه کرد و مطابق آن خط مرزی از خواجه صالح به حوالی سرخس در کنار هریرود بگذرد و روسیه اجازه داده شود نفوذ خویش را به اراضی شمالی افغانستان و ایران قایم سازد با این معالک روسیه سعی خواهد کرد روابط تجارتی قایم کند باین امید که مردم با فکار مدتی

۱- همانجا ص ۶۰

۲- همانجا ص ۵۰

۳- همانجا ص ۶۹

۴- اوراق پارلمانی ۱۸۶۴ - آسیای مرکزی نمره ۱ (۳۹۳۰) ص ۵۰

اشنایی پیدا کنند (۱) •

Granville پیشنهاد روسیه را فوراً قبول نکرد و موضوع را به شعبه هند

و حکومت هند اطلاع داد • لارډ رېن همیشه باین عقیده بود که انگلستان باید بنا

روسیه قرارداد منطقی منعقد سازد مبنی بر اینکه روسیه نباید در امور داخله یا

خارجی افغانستان مداخله نماید (۲) در غیر این صورت روابط انگلستان با افغانستان

روابط مخفی نخواهد داشت • اما این نظریات را حکومت مرکزی قبول نمیکرد • اگرچه

باین سفارش دولت هند که با روسیه باید باب مذاکرات مستقیم باز شود ارزش کافی

قابل بودند • بالاخره باین نتیجه رسیدند که چنین مذاکراتی فعلاً مصلحت

نیست (۳) مکاتبات انگلستان با سنت پترز برگ قطع گردید و روابط بین دو مملکت به

وضع سالهای ۱۸۷۲-۷۳ برگشت •

• ارتزارنک در مجلس عوام اظهار نمود که روسیه در ۱۸۷۲ موافقت نمود ه

است که خط سرحدی افغانستان را از خواجه صالح تا سرخس تعیین نماید • اما از

قول خود برگشت زیرا بعد ها نخواست پیجده را داخل حدود افغانستان بسازد (۴)

اینکه این اظهار اساس درست ندارد واضح است • پیشنهاد ۱۸۸۲ روسیه

پیشنهاد ۱۸۸۲ روسیه

۱- همانجا ص ۱۴ •

۲- اوراق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۳ نکره مراجعه ۸۰ •

۳- لواحق سرق دفتر خارجه ۱۸۸۳ نکره

مراجعه ۷۶ •

۴- ۱۱۱ م ۱۸۸۵ هجری ۲۸۸۵ سلسله ۳

CCXCVIII ستون ۲۰۸ •

در نوع خود واضح نبود و چون گرنیول آنرا قبول نکرد بمرور زمان ارزش خود را از دست داد. علاوه بر آن در ماه ۱۸۸۲ Zinovieff (۱) تنه کسر داد که ممکن است برای روسیه لازم بیافتد. سرحدات خود را بجنوب سرختر تعیین نماید و آن اوضاع اتنوگرافی در آسیای مرکزی بدستی معلوم نیست تا نقشه برای این اراضی تکمیل نه شود. (۲) نه میتوانیم سرحد مجوزه بدهام سمت باید بگذرد. اینکه روسیه نگذاشت پنجاه داخل حدود افغانستان بیاید ازینجهت بود که اطلاعات بیشتر از سروی اراضی بعد ها بدست آمد. اوضاع اتنوگرافی اراضی مورد مناقشه بین اکسوس و هریز رود روشن گردید و در آن صورت روسیه نمیتوانست ارزش ادعای افغانستان را بر پنجاه نادیده بگیرد. روسیه همیشه ادعا داشت که باید در تعیین روابط خویش با قبایل ازاد ترکمن در افغانستان شمالی ازاد گذاشته شود. (۳) مساحت اراضی افغانستان شمالی در سال ۱۸۸۲-۸۳ بدستی روشن نبود. (۴) نه انگلستان (۳) راجع به سرحدات شمالی افغانستان نظر درست داشت و نه عبدالرحمن (۴) حتی تا سال ۱۸۸۲ امیر نتوانست مملکت را از ناآرامی بعد از جنگ دوم افغان و انگلیس بیرون آورد و صلح را در آن تاه مین نماید. (۵) در آسیای مرکزی اوضاع اتنوگرافی مورد تغیرات فاحش قرار داشت مخصوصاً اینکه ترکمن های فارتگر همیشه میخواستند از اضطرابات اراضی مجاور استفاده کنند و منافع جدید حتی

- ۱- وزیر مختار روسیه در تیران.
- ۲- اوراق سری دفتر خارجه ماه ۱۸۸۴ نمره مراجعه ۱۴۲.
- ۳- اوراق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۳ نمره مراجعه ۶۹-۱۰۷ و نیز اوراق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۳ نمره مراجعه ۹۱-۹۳.
- ۴- اوراق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۳ نمره مراجعه ۸۰.

اراضی جدید بدست آرند . باشر تمام با امپریالزم روسی و روابط ایالتی در آسیای مرکزی قبایل بیابان گرد همیشه در حالت حرکت بودند و جای شبه نیست که این قبایل برای عبدالرحمن خان وقتی وی انتظام اداره کشور و تحصیل کمک مالی از انگلستان باشد ایجاد مزاحمت می نمودند (۱) علاوه بر این تقاضای روسیه راجع باینکه قبایل ازاد ترکمن از افغانستان جدا شود و بالاخره تحت نفوذ این مملکت (یعنی روسیه) درآید بی مناسبت هم نیست زیرا روسیه با قبایل ترکمن آسیای مرکزی همین رابطه سیاسی را دارد که انگلستان قبایل شمال غرب هند را می باشد . واضحاً روسیه در آسیای مرکزی وظیفه مدنی دارد همچنانکه انگلستان در شرق این وظیفه را ادعا میکند و چون تجاوز روسیه با اساسات قبول شده دیپلوماسی غرب انوقت موافق بود انگلستان قانوناً نمی توانست در مقابل آن اعتراضی کند . اگر لاردر رپن نتوانست اجازه حکومت مرکزی برای مفاهمه مستقیم با روسیه فراهم کند نتوانست مبلغ ۱۲ لک رویه کمک هزینه برای امیر بدست آورد . این کمک هزینه بر اساس سال بود برای این بود که امیر به کمک آن بتواند نفوذ خود را بر افغانستان قایل کند (۲) ولی عبدالرحمن خان نه تنها کمک پولی میخواست بلکه از نایب السلطنه خواست که نقشه ای برای او بفرستد که در آن سرحدات شمال غربی مملکت او نشان داده شده باشد (۳) . اخبار فعالیت های روسی در طول سرحدات شمالی افغانستان او را رنج میداد (۴) بنابراین نایب السلطنه التجا کرد او را سرحد دار خرد خرواند و تذکر داد که حکومت هند (۵) و افغانستان بین خود شان منافعت

- ۱- همانجا و نیز رجوع کنید به اوراق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۳ نمره مراجعه ۷۷-۷۸ و نیز اوراق سری دفتر خارجه مارچ ۱۸۸۴ نمره مراجعه ۱۱۶ .
- ۲- اوراق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۳ نمره مراجعه ۷۵-۷۶ .
- ۳- اوراق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۳ نمره مراجعه ۸۲ .
- ۴- همانجا .
- ۵- اوراق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۳ نمره مراجعه ۷۷ .

مشترك دارد / دارد رپين بخويى مى فهميد كه بنا بر حوادث اجتناب ناشدنى امير
 نتوانسته است شهر مهم سرحدى افغانستان را تحت اطاعت درآرد بطوريكه
 اوضاع براى نگهدارى افغانستان بطور عموم مساعد شود . (۱) اما متأسف بود از
 اينكه به نسبت نقص نقشه هاى انگليسى نمیتواند نقشه اى را بفرستد كه دران سرحد^ت
 مملكت امير بخويى نشان داده شده باشد . معذالك تذكر داد كه اگر امير بخواهد
 كرنل ستيوارت را بان طرف خواهند فرستاد تا سرحدات شمالى افغانستان را معاينه
 نمايد (۲)

در اين ضمن سروي كننده گان روسى به كار خود در ارض مورد مناقشه
 طول رود خانه اكسوس شروع كردند و زمين هاى مذكور را مورد معاينه و جستجو
 قرار دادند . ديرى نگذشت كه مروبده ست روسيه افتاد (فبروري ۱۸۸۴) (۳) سقوط
 مرو قلب روسو فولست (كسانيك) از روسيه پيمانك بودند (هاى انگليس را به لرزه
 انداخت . اشغال قوري اين علاقه حكومت انگليس را متعجب ساخت و كرنبول طى
 بحثى با بيرون مونهم Baron Morenhiem ، - سفير روسيه در لندن
 اظهار ناز نمود با نكه روسيه از ادي عمل خود را راجع به مرو هيچوقتى از دست
 نداده است اودرست نمى فهميد چه تخيزى در اوضاع انجا اورا به اين اقدام مجبور
 نمود (۴)

۱- اوراق سري دفتر خارجه جولاي ۱۸۸۳ نمره مراجعه ۷۸ .

۲- لواحق سري دفتر خارجه جولاي ۱۸۸۳ نمره مراجعه ۶۱-۹۴ .

۳- اوراق پارلماني اسياي مرتري نمره (۳۹۳۰) ص ۱۱۹ .

۴- اوراق سري دفتر خارجه ۴ دسمبر ۱۸۸۴ نمره مراجعه ۸۴ .

برهند نایب السلطنه و کونسل او اقداماتی را که بآشغال مرو باید بعمل
میآمد تحت مطالعه گرفتند (۱) سرد و نالد ستیورت فرمانده قوای هند اظہار
نظر نمود که روسیه بعد ازین مروجتی خواسته باشد میتواند سلامت ارضی افغانستان
را تجدید کند و ما را مجبور نماید تعهداتی را که راجع بان مملکت قبول نموده ایم
اجراء نمائیم. و تا وقتی که امیر افغانستان راضی باشد در سیاست خارجی ما او را
هدایت نمائیم. مقابل حمله با اسلحه و چیزهای دیگر یا او کمک خواهیم نمود. در این
تعهد بجای تردید نیست مجاورت روسیه ایجاب میکند که سرحدات افغانستان
بد رستی تعیین شود (۲).

راجع به ماهیت معاهداتی که در ۱۸۸۰ بین لیل گرفتن و عبدالرحمن
انقاد یافته نایب السلطنه با نظریات فرمانده قوای موافق نیست. موصوف علاوه
نمود که امیر مزبور به هیچ صورتی در سیاست خارجی خود را مقید توصیه انگلیس نمیداند
باین ترتیب این تعهد کا ملا. یک طرفی است (۳) او می گفت فعالیت های تجاوزکارانه
فعلی عبدالرحمن در طول سرحدات شمالی افغانستان مخالف توصیه انگلیس است و چون
بارتعهد ۱۸۸۰ کا ملا. برعهده ما بود ماحق داریم تعهدات خود را جبهه
تعمیر نمائیم. (۴)

راجع به تعیین سرحدات افغانستان ازین آیین با فرمانده قول توافق انزال داشت
و به حکومت مرکزی سفارش نمود که از روسیه باید دعوت شود تا به تعیین کمیسیون

۱- اوراق سری دفتر خارجه^ک دسمبر ۱۸۸۴ نمره مراجعه ۳۸۴-۱۸ ۲۰۶۷ ۰۲

۲- همانجا.

۳- همانجا.

۴- همانجا.

مرکب از نماینده انگلیس روسیه و نماینده افغانستان موافقه نماید . این کمیسیون مختلط برای این است که سرحدات افغانستان را در محل خودش تعیین کند (۱) مطابق این از Sir Edward Thornton سفیر انگلیس در روسیه خواهر شد تصریح کند که پیشنهاد انگلیس را راجع به کمیسیون سرحدی روسیه چگونه استقبال خواهد کرد (۲) این پیشنهاد مورد قبول واقع شد اما طرفین تا مدتی نمی توانستند نقطه آغاز خط سرحدی را تعیین نمایند M. de Giers عقیده داشت که چون خواجه الح نقطه یی است که طرفین در ۱۸۷۲-۷۳ روی آن موافقه نموده اند کمیسیون باید فعالیت های خود را از همان نقطه آغاز کند و بطرف غرب بیايد اما گرنیول اصرار داشت که سرخس باید نقطه آغاز باشد (۳) و در آنجا کمشنرهای دو حکومت بتاريخ اول اکتوبر ۱۸۸۴ با هم بیند (۴) .

در این وقت راجع به مالکیت پنجاه واحه ای که در محل تلاقی رود مرغاب و کشک واقع است اختلاف نظر پیدا شد . در جون ۱۸۸۴ شهرت پیدا کرد که امیر در نظر دارد پنجاه را بنور اشغال نماید (۵) .

۱- اوراق سري دفتر خارجه انگلیس می ۱۸۸۴ نمره مراجعه ۸۶ .

۲- همانجا .

۳- اوراق سري دفتر خارجه انگلیس سپتمبر ۱۸۸۴ نمره مراجعه ۶۱ .

۴- اوراق سري دفتر خارجه انگلیس اگست ۱۸۸۴ نمره مراجعه ۶۵ .

۵- این افواه را مقاله ای در تایمز ۹ جون ۱۸۸۴ تائید نمود (لواحق سري

دفتر خارجه انگلیس اگست ۱۸۸۴ نمره مراجعه ۷۶) .

روشنیه به حکومت انگلیس و نمایان دارا اسرار از این کار می که استدلالات او این
 بود که ترکمن ها این علاقه ها فعلی تان کاری ندارند . این بیان از تبسول
 مجادل انگلیس اداورید . عقده داشت که پنجاه داخل حدود افغانستان است
 و این دلیل امیر حسن دارد . انرا اشتغال تعاید * (۱) *
 اما در ادعای انگلیس راپوری بود که از گرفتن مسئولیت (۲) رسیده بود
 کرنل مزبور مخصوصاً برای اخذ اطلاعات مربوط به پنجاه و سرحدات شمالی
 افغانستان بین هری رود و مرغاب استخدام شده بود . راپورین چیزهای دیگری
 میخواست این مطلب را ثابت کند که پنجاه یکی از علاقه های بادغیس داخل
 سرحدات افغانستان است . از شصت سال باینطرف قبایل مختلف ترکمن امیر سري
 سلسله و سزیکه در آن جا سکونت داشته اند . بین سالهای ۱۸۵۷ ترکمن های
 امیر سري چون پنجاه و بیرون رفتند و بوطن خود در کاره های رود امیر گشتند .
 سزیری نگاشت که ترکمن های سزیکه تگزها آنها را از مرو بیرون کرده بود بولتان
 و پنجاه را اشتغال نمودند . بنابر آن سزرها پنجاه را ترک گفتند و در آن
 وقتی که ستیوارات به حوالی پنجاه سفر کرد ۲۰۰ خانواده سز در آن جا موجود
 بود و در تناره های کشک زندگی داشتند .
 ستیوارات اظهار نظر میکند که سزیک ها و سزرها همیشه گفته اند که در اراضی
 افغان سکونت دارند و همیشه به نوعی از انواع به حکومت افغان مالیه داده اند .
 هر وقت در افغانستان آشوب برپا بوده آنها مالیه کم داده اند و حتی چند سالی
 هم مالیه نداده اند . هر وقت حکومت افغانستان قوی بود این مردم مرتبه مالیت داد ماند .

۱- لواحق سري دفتر خارجه انگلیس اگست ۱۸۸۴ شماره مراجعہ ۲۹۱ - ۲۹۲

۲- اوراق سري دفتر خارجه انگلیس جولای ۱۸۸۴ - شماره مراجعہ ۱۷۹ - ۱۸۰

نایب، نایب الحکومه هرات اکرام بین آنها مقیم بوده • ستیوارت فهرست نواب نایب الحکومه هرات را از شیرعلی با نظرف داد و علاوه نمود که سال قبل عثمان خان نایب بود و سلروسروک موافقه نمودند که نسبت به سال های قبل مالیه بیشتری پردازند، سرحد واقعی افغانستان را در قسمت مرفاب ستیوارت قلمبرین میدانست و آن تپه پایرتگاهی است که به فاصله ۱۲ یا ۱۳ میل بجنوب امام بخش واقع شده •

دربر تو بعضی شواهد را بر کرل ستیوارت به نتایج حتی منقشی گردید • در اول ماه خنذ اطلاع کرل ستیوارت قابل اعتماد نبوده یکی از دو نفر اطلاع دهنده مهم او رئیس قبیله تکه خان است و یکی دیگران پیرمرد مروی که مدتی در خدمت نایب الحکومه خیره ای مرو بوده این نایب الحکومه اندکی قبل از آنکه تکه روستایی مرو را بدست بیاورد بواسطه ترکمن های سروک به قتل رسید • اکنون که سلیک ها بواسطه سلیک ها از پنجاه رانده شدند واضحاً قبیله اخیر الذکر را دوست نداشتند • از راپور - Condie Stephen (۱) معلوم می شود که سلیک ها با سلیک ها دشمن بودند و هر یکی ازین دو قبیله بر دیگری حمله می نمودند (۲) • بنابراین واضح است که رئیس سلیک بر ضد قبیله رقیب خود شهادت میدهند • همچنین مروی پیرمرد با سلیک ها دشمن بودند زیرا رئیس او را این قبیله بقتل رسانده بود ثانیاً معلوم نیست که سلیک ها اصلاً • به فرمانروایی افغان رضایت داده باشند آنها به استقلال خود بیشتر علاقه داشتند و در اوقات مختلفی حملاتی به افغانستان و ایران انجام داده اند • باعتراف خود ستیوارت

۱- سکرتر دوم وزارت مختاری در ایران •

۲- اوراق سری دفتر خارجه انگلیس می ۱۸۸۳ نمره مراجعه ۲۶۲ •

ترکمن ها با افغانستان وقتی این مملکت ضعیف بوده مالیه نداده اند . بین سالهای ۱۸۶۹ - ۷۲ هرات به اشوب داخلی بی سوخت و بنا بران سړیک ها ممکن است از پرداخت مالیات خودداری نموده باشند این مطلب را حقیقت دیگری ثابت میکند و آن اینکه در همین وقت یعنی بین سالهای ۱۸۶۹ - ۷۲ حصار خود را در پنجاه آباد کردند (۱) و آن بدون شبهه به غرض دفاع از خود و قبیله خود شان بوده .

بنا بران بدرستی نه می توانیم بگوئیم که در زمان عقد قرارداد یعنی سالهای ۱۸۷۲ - ۷۳ شیرعلی توانسته باشد بر پنجاه تسلط خود را قائم کند . مخصوصاً که در آن وقت اطلاق کلمه امیر بر او بدرستی معلوم نبود . نایب شیرعلی در پنجاه که ستیوارت از آن صحبت میکند باید بعد از سال ۱۸۷۳ تعیین شده باشد . ستیوارت میگوید که نایب عبدالرحمن در پنجاه بسال ۱۸۸۳ - عثمان خان پوک سړیک ها و سله ها از هروقت دیگری با و بیشتر مالیه میدادند . اما این را پور با راپور Ronald Thompson اختلاف دارد . مشارالیه در ۹ مانج ۱۸۸۳ به گرنیول اطلاع داد که سړیک ها خود را تحت اداره خان خیره در آورده اند (۲) . آنچه بیشتر از این مهم است این است که ستیوارت خودش اعتراف نمود که عثمان خان مجبور بود به هرات برگردد زیرا دید که ترکمن های سړیک پنجاه تابع امر او نبودند و قسمتی از مالیاتی را که برزعه ایشان بود بوی پرداخته بود (۳) اگر بسال ۱۸۸۳ پنجاه در قلمرو افغانستان بوده باشد چگونه می تواند عبدالرحمن در همان سال از قلمرو سلطنتش بیخبر باشد و حدود آنرا به شمال هروی رود نداند (۴) اگر سړیک ها به عبدالرحمن مرتب مالیه دادند

۱- رجوع کنید به راپور ستیوارت .

۲- اوراق پارلمانی آسیای مرکزی نمره ۱ (۳۹۳۰ C) ص ۷۵ .

۳- اوراق سری دفتر خاجه انگلیس می ۱۸۸۴ نمره مراجعه ۲۸ .

۴- اوراق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۴ نمره مراجعه ۱۷ - ۱۸۵ K.W.

باشند / چرا به نایب السلطنه شکایت نمود که مالیاتی از آنها نرسیده است (۱)
 ثالثاً راپورستیوارت را راجع به پنجاه اثار معاصرش تأیید نمیکنند * او
 میگوید پنجاه از صد سال باینطرف یا بیشتر زیر اثر افغان ها بوده قبلاً * قبایل
 هزاره در آن جا اقامت داشتند ۶۰ سال پیشتر امیر سري هائیکه به هرات مالیه
 میدادند این جا را اشغال کردند ۲۷ سال قبل این قبیله آن جا را ترك گفته
 بوطن خود در کناره های امورفتند ولی بر اساس راپور جنرال امیر احمد خان که
 مدتی در پنجاه اقامت داشته و نیز قول ایت که بحیث مسیون هرات به پنجاه رفته
 بود F. de Laessoe (۲) میگوید : تاریخ نشان نداده است

- ۱- اوراق پارلمانی ۱۸۸۵ آسیای مرکزی نمره ۴ (۴۴۴۸۹) ص ۱ یکمی
 از شواهد مستبر رابطه افغان ها با پنجاه اطلاعاتی است که بواسطه عزیز
 الدین نامی فراهم شده است * عزیز الدین بین سالهای ۱۸۸۴ - ۸۵ در ساحه
 وسیعی از آسیای مرکزی سیاحت کرد اطلاعات کاملی راجع به جا هایی که سفر
 کرده بود جمع نمود * راپوری را که به لمرت کمشنر ولیس کلکتہ راجع به بادغیس
 و پنجاه تقدیم کرد نشان میدهد که رابطه سرب ها با افغان ها قبل از سال ۱۸۷۸
 هر چه باشد قید اطاعت امیر را برهم زدند و از آن تاریخ بنجد با افغان ها
 قطع علاقه نمودند * ترکمن های آسیای مرکزی نمیخواستند تحت اداره افغان ها
 باشند و اگر به قول عزیز الدین بتوانیم باور کنیم ترکمن ها بهتر میدانند تابع شیطان
 باشند تا اینکه تابع افغان (اوراق سري دفتر خارجه انگلیس اگست ۱۸۸۷ نمره مراجعه
 ۳۹۲ ص ۷۷) و این مطابق است با قول دیگری که میرساند در جون ۱۸۸۴ سرب ها
 در عشق آباد به زار حلف وفاداری یاد کرده اند و آن در حضور یونس دند و کف کورسه کف
 نایب الحکومه قفقاز بود (اوراق سري دفتر خارجه انگلیس جولای ۱۸۸۴ نمره مراجعه ۱۵۹ - ۶۰)
 ۲- متخصص امور خارجه *

که اینجا (پنجده تا تقریباً سال ۱۷۹۵ ایرانی بود - و در اوایل قرن نوزده تحت اداره خیوه درآمد در دسمبر ۱۸۳۱ هنگامی که Abbot با نجا سفر نمیشود پنجده را بدست یمت ها یافت . این جا قسمتی از علاقه مرور را تشکیل میداد و نایب الحکومه خیوی مرور را نایی داشت و این علاقه مبلغ ۳۰۰۰۰ روپیه را در سال به حکومت خیوه مالیه میداد (۱).

بالاخره اینکه در تعیین سرحد شمالی افغانستان ستیوارت میگوید این سرحد از قلعه برن Kela Brun میگذرد بعضی از شواهد مصرخوده را نادیده گرفته است شرح او از این سرحد با تعریفی که کرنل مگرگور نمود هاست اختلاف دارد مگرگور مزبور افسر پیاده لشکر انگلیس بود . این شخص خطی از پنج های نظارت رادیده است که روی تپه طولانی به شمال هرات آباد شده بود (۲) کرنل عقیده دارد که این برج ها را برای تخمین سرحد ساخته بودند . قول ستیوارت راجع باینکه قلعه برن بر سرحد شمال غربی افغانستان واقع است واضحاً مبني بر شایعه است (۳) زیرا خود ستیوارت بان جا سفر ننموده بود . در را پور خود بعضی

۱- اوراق سری دفتر خارجه انگلیس جولای ۱۸۸۴ نمره مراجعه ۱۷۴-۱۸۵، Vol. ۲، اصل حقیقت این است که پنجده و اراضی مجاوران که دران در اوقات مختلف قبایل مختلف ترکمن سکونت داشته اند گاهی تحت نفوذ افغانستان بود و گاهی تحت نفوذ خیوه . اما هر وقتی هم ترکمن ها توانسته استقلال خود را بدست آورده اند .

۲- Narrative Of a Journey Through The Provinces Of

Khurassan and On The North West Frontier Of Afghanistan
in 1875, Vol 1, p 241 .

۳- ستیوارت این خبر ها را از مخبرین خود بدست آورده است . رجوع کنید به راپور او .

بین های تجارت را می ارد ولی بیان او در این قسمت مبهم است و صریحاً نگفته است که این بین ها را در کجا دیده . برعکس تنها معیار دفاعی که از آن صحبت میکند - استقرار پیاده نظام منظم افغانی در حصار بالا مرغاب می باشد . حتی قلعه پنجاه نورا سربك ها ساختند نه افغان ها . اگر سرحد شمالی افغانستان واقعاً از قلعه برن بگذرد چرا آخرش پایگاه افغانی که در بالا مرغاب واقع است این قدر بجنوب سرحد واقعی که ستیوارت آنرا تصرف کرده است واقع باشد .

پروفسور ارمنوس و مبری - Prof. Arminius Vambary استاد

پوهنتون بوداپست یکی از اشخاص ذی صلاح علمی بر مسئله آسیای مرکزی می باشد سعی دارد ادعای افغانستان را بر پنجاه از مشاهدات افسر جرمن - روسی دکتر ریگل پیدا کند . دکتر مزبور پنجاه را در جون ۱۸۸۴ بتصرف عساکر افغانستان دیده بود . پروفسور و مبری می نویسد پنجاه در جون ۱۸۸۴ بتصرف افغان ها بود و برخلاف آنچه جرارد روسی جرمنی و فرانسوی گمان میکنند سعی دارند اظهار نمایند انگلیس ها و سرپرستار مسدن افغان ها را مجبور نموده اند پنجاه را اشغال - کنند (۱) پروفسور و مبری شاید میدانست که همین اشغال پنجاه در جون ۱۸۸۴ به واسطه افغان ها بود که مکاتبات رسمی روسیه آنرا دلیل ناکامی مذاکرات سرحدی میدانند . وقتی آوازه حمله احتمالی افغان ها بر پنجاه رسید و تایمز Times در شماره ۶ جون ۱۸۸۴ (۲) لزوم این حمله را تشویق نمود روسیه فوراً بان اعتراض کرد و ملا و تاه به اولیای امور انگلیسی خاطر نشان ساخت که بهتر است باین علاقسه چنین حملات صورت نگیرد و مسئله مالکیت پنجاه را به کمیسیون مجوزه (۳) بگذارند .

اسنامه به مدیر روزنامه تایمز ۲۱ مارچ ۱۸۸۵ .

۲- اوراق سری دفتر خارجه انگلیس اگست ۱۸۸۴ نمره مراجعه ۷۶-۷۷ .

۳- اوراق سری دفتر خارجه اگست ۱۸۸۴ نمره مراجعه ۹۱ .

زیرا که این علاقه اگر مستقل هم نباشد قابل بحث و مورد دعوا است انگلستان تا فیصله کمشنرها سعی کند آن جا بیطرف بماند اما انگلستان در عوض این سعی کرد امیر را در اشغال پنجاه حق بجانب بداند و این ترتیب محیط شك و شبه را ایجاد نمود و این کار احتمال فیصله سریع و دوستانه را ضعیف ساخت *

هنگامی که تایمز امیر را تشویق می نمود پنجاه را اشغال کند Mitchell

از سنت پترزبورگ راپور داد که سرک ها به زار حلف وفاداری یاد نموده اند (۱) از این تاریخ بعد تا جدال پنجاه بین افغان ها و روس ها روی اشغال اراضی زد و خورد دوام داشت * روسها شروع کردند باینکه در اراضی مورد دعوی بین رود امو و هریرود پیشبروند * M. de Giers خواهش نمود که قبیله سرک و ترکمن کلا، که از یولتن روی مرغاب بجنوب پست های سرحدی اقامت دارند باید تحت نفوذ اولیای امور روسیه گذاشته شوند و این اساس جزو هدایتی باشد که به کمشنرهای (۲) سرحدی داده می شود * اما گرنیول نمی خواست هدایاتی را بدهد که باو سرک ها یا علاقه های را که امیر ادعا دارد دشمن بسازد *

روسیه که از اشغال پنجاه بواسطه افغان ها وعدم موافقه گرنیول باینکه سرک تحت نفوذ آن مملکت بیاید پل خاتون را اشغال نمود و بجانب کشک پیشرفت بعد از آن قزل تپه را اشغال نمود و بجانب پل خشتی بالا تر کشک پیشرفت * افغان ها که به اشغال پنجاه قانع نبودند بطرف شمال پیشرفتند و سرری را در مجرای علیای مرغاب اشغال کردند *

۱- اوراق سری دفتر خارجه انگلیس July ۱۸۸۴ نمره مراجعه ۱۵۹ - ۱۶۰

۲- اوراق سری دفتر خارجه انگلیس اکتوبر ۱۸۸۴ نمره مراجعه ۷۴

طرفداران نظر روسی را منبر بر اینکه اشغال نظامی پنجاه بواسطه

امیرفسخ مفاصمه است و آن بروسیه حق میدهد پل خاتون را اشغال نماید و به جانب پل خشی پیشبرود روزنامه Times تحت عنوان داستان مذاکره ما با روسیه پاسخ داده شد (۱) این روزنامه می نویسد: «ولی آنها این حقیقت را اصلاً ندیده گرفته اند که روسیه پس از آنکه از این اشغال خبر شد کمشنر خود را مقرر نمود و در اجرای تحدید سرحدات قدمهای عملی برداشت. راست است که روسیه در جون ۱۸۸۴ در اول راجع به موضوع پنجاه اعتراض نمود (۲) ولی بعدها موافقت کرد Genral Zelanoy کمشنر خود را بفرستد

کمشنر موصوف جهت ملاقات با Sir Peter Lumsden بتاريخ ۱-

اکتوبر به سرخس فرستاده شد اما پروتست بر اساس مقاله ای بود که در Times ۹ جون نشر شده بود و اشغال پنجاه را بواسطه افغان ها مجاز میدانست. و چون روسیه موافقه کرد کمشنر خود را جهت ملاقات با کمشنر انگلیسی به سرخس بفرستد این کار بشرطی بود که حکومت انگلیس نگذارد اولیای امور افغانستان بر سرحدات روسیه حمله کند زیرا این کار (حمله بر سرحدات) مساعی صلح امیز طرفین را برای حل مسله سرحدات افغانستان برهم میزند. علاوه بر آن روسیه تصریح نمود که از وظایف کمشنرها این است که واضح بسازند که کدام یک از قبایل ترکمن تابع افغان ها نباشند و تعیین خطوط سرحدی افغانستان با اوضاع جغرافیایی و اتنوگرافی این مناطق سرحدی مطابق باشد. این مطلب را روسیه مجدداً تکرار کرد تا آنکه در اوایل سپتمبر ۱۸۸۴ خبر شد که تمام مذاکرات

دوستانه اویچائی نرسیده است . از این جا بود که بعد از این مجبور گردید
وضع خود را در موضوع سرحدی بطور کلی تغیر دهد (۱)

با وجود این روسیه به حل مسئله امت میزاین مهله امیدوار بود و پیشنهاد
جدیدی تقدیم نمود سعی شده بود این پیشنهاد با اوضاع جدیدی که با اثر اشغال
پنججده بواسطه افغان ها بمیان آمده بود مطابق آید . روسیه به سفیر انگلیس
در سنت پترزبورگ پیشنهادی تقدیم کرد مبنی بر اینکه راجع به ساحه عملیات کمشنر
های دودولت مفاهمه قبلی بعمل آید (۲) و اضاها برای اینکه حوالی پنججده نیز
تحت نظارت باشد (که مشکل بود این کار از جای دوردستی مانند سرخس اجرا
شود) - تواما پیشنهاد کرد که محلی بجنوب سرخس مانند پل خاتون نقطه آغاز
کمشن سرحدی پنداشته شود (۳) و برای اینکه افغان ها بر محل مورد مناقشه حمله
نمایند (حمله افغان ها بر این اراضی شاید ازینجهت بود که بران ادعا کرده
بتواند زیرا در غیران صورت گمان میکردند اراضی مذکور از دست آنها بیرون
برود) . روسیه سعی کرد جنبش افغان ها را محدود بسازد برای این کار باید
منطقه تعیین شود که تا فیصله کمشنرها بیطرف بماند . اگر انگلستان این پیشنهاد
را قبول می نمود و تعهد میکرد که بمجرد رسیدن پروتست روسیه لشکر افغانستان
را از پنججده بیرون بکشد شاید مشکلاتی که بعدها بوقوع میپوست اصلا واقع نمی شد .

۱- اوراق سری دفتر خارجه انگلیس اگست ۱۸۸۴ نمره مراجعه ۷۷ ۶۹ ۶۹۶

همانجا ۴ سپتمبر ۱۸۸۴ نمره مراجعه ۵۶۱ همانجا می ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۵۹۷

سپتمبر ۱۸۸۵ ۱۰۵۲ - ۶۲ Fr App

۲- اوراق پارلمانی ۱۸۸۵ - آسیای مرکزی نمره ۲ (۴۳۸۷) ص ۹۳-۹۴

۳- همانجا ص ۸۹-۹۰

اما انگلستان نه روی منطقه مجوزه عملیات تصمیم فوری گرفت و نه موافقه نمود که کار تجدید سرحدات از پل خاتون اجرا شود (۱) از طرف دیگر Granville ملاقات کمیسون را پنج هفته به تعویق انداخت (تا اواخر هفته اول نومبر) (۲) زیرا برای Sir Peter Lumsden ممکن نبود قبل از آن تاریخ به سرخس برسد. روسیه از این تعویق حسن استقبال نمود زیرا جنرال زولوتوی در آن وقت مریض بود و چون جنرال نمی توانست با اشخاص خود قبل از دسمبر آماده کار شود (باین نسبت که هوای سرد آسیای مرکزی برای صحت او مضر بود) ملاقات کمیسون را تا آخر جنوری ۱۸۸۵ معطل نمود (۳).

ماه اکتوبر گذشت ولی پیشنهاد قابل قبول برای تعدیل اختلافات دولت از طرف دولت انگلستان نیامد. در عوض طوریکه علی خانوف می گوید افغان ها به جانب شمال غرب پنجاه پیشرفتند و غوریان و کُریزی را اشغال نمودند برای اینکه مقابل افغان ها تدابیر احتیاطی اتخاذ شده بتواند روسیه بجانب پل خاتون پیشرفت (۴) لمسدن شکایت دارد که معطلی در ملاقات کمشنر های سرحدی - تحریکات بیشتری را بین ترکمن های آسیای مرکزی تولید کرد (۵) علت ناکامی مذاکرات سرحدی را گاهی بروسیه نسبت میدهند و میگویند روسیه جنرال زولوتوی را به ملاقات سر پیترو لمسدن به سرخس نه فرستاد (۶)

۱- همانجا ص ۹۰.

۲- همانجا ص ۸۴.

۳- اوراق سری دفتر خارجه ماچ ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۴۰.

۴- اوراق پارلمانی ۱۸۸۵ آسیای مرکزی نمره ۲ (۴۳۸۷ C) ص ۱۰۲.

۵- همانجا ص ۱۰۳.

۶- - - Life Of Granville, Fitzmaurice ص ۴۲-۲۱.

جنرال زلی نوی در موقع مناسب مرتضی شد و بنابراین می توانیم بگویم که مرتضی او بیشتریک مرتضی دیلو قاسی بود (۱) ملاحظاتی مقابل این دلیل موجود است. اگر انگلستان سریتزرا به وقتی که خود شرف مناسب میدید فرستاد روسیه هم حق دارد هر وقت بخواهد نماینده سیاسی خود را بفرستد علاوه بر آن اعزام زلی نوی پس از آنکه روسیه شنید که افغان ها پنجاه را اشغال نموده اند مورد نداشت. بالاخره تمام مسئله آسیای مرکزی باین مسئله منوط شد و تا وقتی که وضع تحدید سرحدات به قراریکه روسیه پیشنهاد کرده بود بد رستی مورد بحث قرار نمیگرفت و روی ان موافقه بعمل نمی آمد. ملاقات با کمیسیون انگلیسی در سرخس معنی نداشت خلاصه پس از ماه سپتمبر ۱۸۸۴ مسئله سرحدی رنگ تازه بخود گرفت. اشغال پنجاه بواسطه افغان ها محیط دوستانه را برهم زد و دیگر مسئله مرتضی زلی نوی چه واقعی باشد چه سیاسی در بین نبود. مسئله واقعی در این مرحله مسئله اساسات بود. پس از سپتمبر ۱۸۸۴ موضوع سرحدی بدو چیز منوط شد: یکی آنکه آیا کار کمیسیون باید به منطقه عملیات (منطقه ای که حرکت کمشنرها در آن آزاد باشد) محدود گردد. • ثانیاً آیا کار تحدید سرحدات باید با وضع اتنوگرافیک آسیای مرکزی متناسب ساخته شود. انگلستان راجع به مسئله اول به ثانی پیش می آمد اما مسئله دوم را فوراً رد کرد. انگلستان در حالیکه این اساحه را از روی الیاس قبول نمود کلاً تعیین حدود انرا به کمشنرها گذاشت (۲).

۱- همانجا ۴۲۱.

۲- اوراق سری دفتر خارجه ۳۷ ماچ ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۴.

اما روسیه اصرار داشت که موافقه قبلی باید بین ملکین روی اساسات عمومی موجود باشد اگرچه این موافقه به هیچ صورتی سمت نهائی خط سرحدی را تأخیر ندهد (۱) تعیین این ساحه قراریکه روسیه ادعا میکند برای این بود که از مشاجره آینده بین دو کشور روی موضوع ساحه علاقه ای که باید سروی کنند جلوگیری نماید (۲) این اختلاف نظر ممکن است اضطرابی بین قبایل ترکمن تولید کند و کار تعیین سرحدات را به تعویق بیندازد .

تعیین این ساحه از طرف روسیه که جنرال زینوی آنرا ترتیب کرده بود بتاريخ ۲۶/۱۴/۱۸۸۴ نومبر به انگلستان تسلیم داده شد (۳) خط شمالی از محل روی ساحل راست هررود میگذشت و این جادریست مقابل بود با دولت آباد . این خط از مغای در نزدیکی امام بخش عبور می نمود و به خواجه صالح منتهی می شد . خواجه صالح به کنار رود امر واقع است . خط جنوبی از محل دیگری بر روی هررود آغاز می شد این جا بطرف جنوب دروتر از دولفقار واقع بود . این خط مسیر طبیعی سلسله کوهها و جریان رود قیصار را در شمال هرات تحقیق نموده (این همان جایی است که مگرگوار برج های نظارت را دیده) و به خواجه صالح منتهی می شود . مجری هررود را سرحد جنوبی نشان داده سرحد شمالی آن حومه صیمنه وکند خوی است .

انگلستان وقت زیادی را گرفت تا آنکه یادداشت روسیه را مطالعه کرد و در ۱۳ مان ۱۸۸۵ یادداشت متقابلی راجع به ساحه ای تقدیم نمود . علت این تاخیر معلوم است . معلومات انگلستان راجع به بیابان های انطرف پاروایمیزوس

۱- همانجا .

۲- اوراق سری دفتر خارجه ۴ جنوری ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۱۳۶ .

۳- اوراق سری دفتر خارجه ۴ جنوری ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۱۴۰ .

کامل نبود و به کمک این معلومات نمی توانست منطقه ای را تعیین کند • علاوه بران رابطه ان مملکت با قبایل آسیای مرکزی دوستانه نبود و بنا بران از وضع انها در مقابل خود شریک داشت و جرئت نمیکرد تصمیم فوری بگیرد مبادا در دام - سیاسی که روسیه برای او چیده است بیفتد • در دسمبر ۱۸۸۴ سرحد شمالی را طوریکه روسیه تعیین نموده بود قبول نمود (۱) اما با مشکلی روبرو گردید زیرا نه خط جنوبی را قبول کرده بود و نه خودش خطی را پیشنهاد نموده بود - بنا بران محتاط تر شد و سازتاء مل زیاد پیشنهاد خود را راجع باین نوع منطقه تقدیم نمود •

منطقه ای را که انگلستان تعیین نموده است باین ترتیب است ••

•• حدود شمالی این منطقه خط مستیقی خواهد بود که شیرتپه به سرسزی میرود و از انجا به طول حومه اباد میمنه و اندخوی میگذرد و به خواجه صالح منتهی می شود حدود جنوبی خطی است که از نقطه ای در کنار هررود بفاصله شش میل بجنوب ذوالفقار آغاز شده به کاریز الیاس و کاریز سم به جویبار Yegri guenar منتهی میگردد از انجا به Tohenibid -

میرود و در طول سلسله جبال به ساحل راست کوشک در حوض خان منتهی میگردد از انجا به نقطه^ی به شمال مروچاق واقع است میگذرد و از انجا از پهلوی ارتفاعاتی که بین وادی قیصار و سنگلک واقع است به خواجه صالح منتهی می شود • (۲)

۱- اوراق سری دفتر خارجه ۴۴ فبروری ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۲۳۷ •

۲- اوراق پارلمانی آسیای مرکزی نمره ۲ (۴۳۸۷ C) ص ۱۷۰ •

در حالیکه پیشنهادی متقابل باین ترتیب برای ساحه معینی جریان داشت انگلستان از روسیه خواهر کرد از پل خاتون عقب برود و در عوض وعده داد که از افغان ها خواهر نماید از سریزی بیرون بروند (۱) روسیه این پیشنهاد را رد کرد زیرا محل مورد اختلاف پنجاه بود نه سریزی روسیه ادعا داشت که پل خاتون و پنجاه خارج قلمرو افغانستان است و چون اشغال پنجاه بواسطه افغان ها سربك ها را عصبانی ساخته و روسیه بایشان وعده داده است که از آن ها حمایت نمود اقامت او در پل خاتون لازمی دیده می شود *

ساحه ای را که روسیه تعیین نموده بود با ساحه تعیین شده انگلستان اختلاف داشت * ساحه ای را که روسیه تعیین نموده بود وسیعتر و جان دارتر و جامعتر از ساحه ای بود که انگلستان تعیین نموده بود اختلاف نظر راجع به خط شمالی می توانست حل شود و بنا بر آن مفاهمه متوجه سرحد جنوبی شد * مخالفت در موضوع ساحه از یک نظر خیلی دلچسپ است * بتاريخ ۱۶ جنوری ۱۸۸۵ M. de Giers به حکومت انگلیس اطلاع داد که اگر موضوع تعیین ساحه بجایی نرسد دولتین سعی خواهد کرد راجع به تعیین خط سرحدی ساحه فعالیت خویش به موافقه برسند * این خط در همین نامه تعیین گردید و روسیه انرا به شرطی قبول داشت که واحه پنجاه داخل ساحه نفوذ روسیه گردد (۲) این خط درست همان خطی بود که مطابق تجویز گرنیول در نامه ۱۳ مای سرحد جنوبی ساحه انگلیس را تشکیل میداد * ولی چون گرنیول - نخواست حق روسیه را بر پنجاه قبول کند De Giers تحدیدی کانگلیس را جع به ساحه نفوذ و عملیات پیشنهاد کرده بود قبول ننمود (۳)

۱- اوراق سری دفتر خارجه ۴ دسمبر ۱۸۸۴ نمره مراجعه ۳۴۵ *

۲- اوراق سری دفتر خارجه ۴ می ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۵۹۷-۹۸ *

۳- اوراق سری دفتر خارجه ۴ سپتمبر ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۳۶ *

اختلاف بالا خره روی مسله اتنوگرافیک تمرکز پیدا کرد * روسیه ادعا کرد که پنجاه منطقه مستقلی است و چون ترکمن های سریک در آن جا اقامت دارند و اقوام همین قبیله در پولتان تابع اولیای امور روسی شده اند (M. De Giers) در یادداشت ۱۶ جنوری خوش نوشت که واحه پنجاه باید در ساحه عملیات روسیه شامل ساخته شود * انگلستان از طرف دیگر (با تاراحتی) ادعا داشت که پنجاه با افغانستان متعلق است و بنابراین نمی تواند از آن مملکت جدا شود * این نظر را کرنیول بجواب نامه ۱۶ جنوری دوباره تکرار کرد که پنجاه از علاقه های هرات است و قانوناً تحت حکومت عبدالرحمن خان می باشد اگرچه ترکمن های سریک در آن جا اقامت دارند اما این مطلب در نقاط دیگر آسیا نیز موجود می باشد که یک قبیله بدو طرف خط زندگی میکنند (۲)

M. de Giers طی یادداشت مؤرخ ۱۵ ر ۲۷ مای پاسخ داد که بسال ۱۸۷۲-۷۳ وازان تاریخ بعد پنجاه بیرون قلمرو افغانستان بوده و قبایل ترکمن آن علاقه همیشه ازادی کامل داشته اند (۳)

باین ترتیب مذاکرات سرحدی متوقف شد و برخلاف عقیده عمومی نه روسیه را می توانیم مسؤول آن بدانیم و نه انگلستان را * موقف روسیه در این جا چیز تکرار مطالب چیز دیگری نیست * ساحه پیشنهاد شده اودر جزئیات مطابق با

۱- واقعیت این ادعا را اخبار نویس هرات تأیید کرد که مشارالیه بتاريخ ۱۸ می ۱۸۸۴ نوشت : « سرک ها قبیله وحشی و سرسختی اند که مشکل است هنگام تعیین خط سرحدی با افغان ها موافقه کنند » * اوراق سری دفتر خارجه انگلیس جولای ۱۸۸۴ نمره مراجعه ۱۲ *

۲- اوراق سری دفتر خارجه سپتمبر ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۳۶۰ *

۳- اوراق سری دفتر خارجه سپتمبر ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۳۶۰ *

مشاهدات خود انگلیس ها بود . چون خط شمالی محل اختلاف نبود می توانیم
 آن مسله را نادیده بگیریم . راجع به خط جنوبی لازم نیست از انتهای شرقی
 آن / خواجه صالح و حومه مینه و اندخوی در طول رود سنگلک و قیصار چیزی -
 گفته شود . مطابق راپور کرنل ستیوارت بالا مرقاب آخرین نظام قراول افغانی بطرف
 شمال می باشد در حالیکه در سواحل کشک به قول همین شخص قبایل ترکمن -
 سکونت دارند رابطه آنها با افغان ها دوستانه نیست . به شهادت کرنل مگرنگور
 سلسله جبالی که به شمال هرات واقع است سرحد افغانستان را در آن قسمت تشکیل
 میدهد . اینکه علاقه شمال این خط را روسیه داخل سرحد شمالی افغانستان
 شمرده و M. De Giers آنرا در مراسله ۱۶ جنوری خویش ذکر کرده است
 ازینجهت است که مملکت مزبور از روهایی قانونی قبایل جمشیدی و هزاره و فیروزکوهی
 را در نظر داشته این مردم بین بالا مرقاب و مروچاق زندگی داشتند (۱) اینکه
 روسیه نخواست حدود جنوبی این ساحه را مطابق پیشنهاد انگلستان قبول کند
 درست مطابق الفاظی بود که در آن پیشنهادات خود را تقدیم داشته بود . و
 چون این پیشنهاد مشروط باین بود که انگلستان پنجاه را مستقل بشناسد روسیه
 حق داشت پیشنهاد انگلیس را برای منطقه ای که در آن حق روسیه اعتراف نشده
 است رد کند .

پیشنهاد انگلیس نیز از واقعیت اوضاع دور نبود . خط جنوبی پیشنهاد شده
 او خطی است که روسیه دریادداشت ۱۶ جنوری خود خط سرحد شمالی افغانستان
 شناخته است . (۲)

۱- رجوع کنید به راپور کرنل ستیوارت .

۲- همانجا ص ۱۸۶ .

پدر بنار انگلیس، اراضی که بجنوب این خط واقع است از نظر منطبق به امیرتومان دارد .
 • البتة منادات شمال این خط محل اختلاف است بدوریکه به تنهایی خود ان ساحه مناسب عملیات را تشکیل میدهد .
 • در حقیقت اختلاف نظار بین روسیه و انگلستان بسیار جزئی بود در حالیکه روسیه الفاظ پیشنهاد را بدقت مراعات می نمود انگلستان سعی داشت انرا در پرتو روح ان تعبیر کند .

راجع به مسله اتنوگرافیک مطابق قرارداد ۱۸۷۲-۷۳ - امیرنه می توانست ادعایی بر پنجاه داشته باشد و چون سرک های پولتان تحت حمایت روسیه نبودند امیر می توانست برای حفظ امنیت قلمرو خودش بر سرک های پنجاه تسلط خود را قایم کند .
 • حتی انگلستان با آنکه حق استیلا را بر پنجاه برای امیر ادعا داشت ضعف این ادعا را وقتی گرنیول دریادداشت ۱۳ مای ۱۸۸۵ خواست حدود قرارداد ۱۸۷۲-۷۳ را وسیعتر بسیازد اعتراف نمود .
 • وی اظهار داشت که روسیه موافقت نموده است اساس استیلاي واقعی را حتی در مورد ملحقات غیر محین هرات نا دیده بگیرد (۱) این کار را روسیه نکرده بود و Der Giers در جواب خودش به اشتباه گرنیول اشاره نمود (۲) .

معدالك باید بگویم که روسیه در ان اواخر روی مسله شمول پنجاه در ساحه عملیات خودش اصرار داشت وان در حقیقت مخالف بود با تجویز خودش مبنی

۱- در بالاد ۱۷۶

۲- اوراق سری دفتر خارجه ۳ سپتمبر ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۳۶۰

برای اینکه مسئله مالکیت آن جا را باید کمشنر هادر خود محل تعیین نمایند • و این بالاخره هدف کمشنر سرحدی را ازین میبرد زیرا مطالبی را راجع به اراضی مورد اختلاف نه می توانستند قبل از تحقیق و بحث لازم فیصله کنند • اما اشغال پنجاه بواسطه افغان ها ماهیت مسئله سرحدی را تخریب داد بطوریکه روسیه به موافقت های قبلی خود مقید نماند • علاوه بر این غایه کمیشن تنها این نه بود که مسئله پنجاه را فیصله کند بلکه منظور آن این بود که حدود ساحه ارضی وسیع را مطابق اوضاع زمان تعیین نماید • اگر روسیه پنجاه را برای خود ادعا میکرد باین نسبت بود که آن را از افغانستان کاملاً جدا میدانست • شاید می توانست مسئله پنجاه را به کمیسون سرحدی بگذارد بشرطی که انگلستان آنرا در عوض بیرون کشیدن قوای افغانی از پاسگاه های جلوی آنها قبول می نمود • معذالک هیچ یک از این راه ها در آن وقت عملی نبود • تردید و بی اعتمادی فضا را تیره ساخته بود و هیچ یک از مذاکره کنندگان حاضر نبود تغییر در موقف خود وارد سازند تا مبادا جریان مذاکره به ضرر ایشان تمام شود •

برای گلاب ستون اگر ادعای افغانستان را روی پنجاه رد میکرد در سال های اول دوره دوم اداری او اشتباه بزرگ سیاسی شمرده می شد راست است که پس از آنکه ایرانی ها هرات را اشغال کردند پنجاه از دست افغان ها بیرون رفت و جز از مدت کوتاهی در دوران جنگ دوم انگلیس ترکمن های پنجاه بعد از فتح مجدد هرات بدست امیر دوست محمد خان استقلال داشتند باوجود این ، این علاقه که جزو هرات است در دوره های مختلف تاریخ جزوی از خاک افغانستان را تشکیل داده است • مستمر از این وقتی گلاب ستون ادعا کرد که تسلط پنجاه حق قانونی امیر است نمی تواند از ادعای خود برگردد و بگذارد حق امیر بر قدر هم مشکوک باشد به طاق نسیم گذاشته شود •

در حقیقت مذاکرات طولانی بین انگلستان روی این مسئله مشکل به شکل نزاع سیاسی و جنگ اعصاب در آمد. در این نزاع عصر و زمان عنصر مهم شمرده می شد و یک موقف قوی توأم با مهارت و احتیاط ممکن بود نتیجه مطلوب را بدست بیارد. ولی بالاخره همین عصر و زمان با کمی مهارت شکست را در ۱۸۸۵ نصیب گلاستون ساخت. اگر بعد از ۱۸۷۳ - انگلیس می توانست در افغانستان سیستم اداری بسیار قوی تاسیس کند و این سیستم اداری قدرت می داشت نفوذ خود را بر پنجاه و ملحقات دیگر هرات نافذ سازد. با اینکه مرودیر سقوط میکرد و عبدالرحمن می توانست سربیکرها را تحت نفوذ خود درآورد شاید از بهر آن ۱۸۸۵ جلوگیری بعمل میامد. * لفتی ننتایت - Lieutenant Yate در این اظهار نظر خود خیلی حق بجانب است که می گوید: «اگر حکومت انگلیس پیشنهاد روسیه را قبول می کرد و کمیسونی برای تعیین سرحدات روسیه و افغانستان مقرر می نمود، احتمال قوی داشت که در حالیکه هنوز مرودیر سقوط نکرده بود روس ها بران دست نیافته بودند سرحد مفید تری بدست متحد با امپراتور افغان (۱) * ولی اشکال واقعی انگلیس ۱۸۸۲ این بود که امپراتور ایالات در دست مملکت خود تسلط واقعی نداشت و پیشنهاد روسیه به تقسیم اتنوگرافیک اراض مورد اختلاف مبنی بود: * در حقیقت اشکال انگلیس در این بود که عنصر معمولی را چون سربیکرها در نظر داشته باشند و روسیه از این فرصت استفاده نمود. و بالاخره تمایل فکری معمول همین قبیله که عبدالرحمن خان را مجبور کرد پنجاه را به روس ها بگذارد (۲).

۱- England and Russia Face to Face in Asia , P 430 .

۲- اوراق پارلمانی ۱۸۸۵ - آسیای مرکزی - شماره (۴۳۸۹ C) ص ۱۰۰

حقیقت واقعہ این است کہ گلاب ستون بہ فعالیت سیاسی بزرگی دست زدہ بود فعالیتی کہ موفقیت ان ممکن بود اورا مورد تحسین ملت انگلیس قرار دہد اما اگر ناکام می شد سزاوار دشنام و ملامتی میگردد اما بالاخرہ ناکام شد و نتیجہ سر گلاب ستون اگر بتوانم انرا تقصیر حساب کنیم این بود کہ نتوانست پنجدہ را برای امیر ننگدارد . باوجود این اگر پتر لمسدن می توانست مہارت و احتیاطی از خود نشان دہد گلاب ستون امیدوار بود پنجدہ بدست امیر بیفتد . اشخاصی کہ در کمیسون سرحدی شامل بودند گفتند کہ اگر انگلستان ثبات بیشتری نشان میداد روسیہ باوجود آنکہ جانب پل خاتون و قزل تپہ پیشرفتہ بود / جرئت نمیکرد از زور کاریگیرد . مسلہ سرحدی افغانستان بہ منفعت انگلیس و متحد او حل میگردد .

مذاکرہ برای یک ساحہ بجائی نکشید ولی انگلستان بتاريخ ۱۶ می ۱۸۸۵ از جانب روسیہ اطمینانیہ یافت مبنی براینکہ " قوای روسی از پایگاہی کہ ہم اکنون بتصرف ایشان است جلو نخواهند رفت بشرط اینکہ افغان ہا از سمت خود پیش نیایند / یا حملہ نکنند . یادلیل دیگری برای پیشرفت ایشان چون بحران پنجدہ موجود نباشد (۱) همین " پیمان خطیر " بود کہ محافظہ کاران گفتند کہ روسیہ در پیشرفت بر پنجدہ تجاوز کردہ است . ولی وقایع بین ۱۶ تا ۳۰ مای داستان دیگری را بیان می کند . راست است کہ پیشرفت روسیہ بر قزل تپہ و بل خشتی تشنجی را در آسیای مرکزی تولید کرد کہ بحران پنجدہ دورہ نہایی ان می باشد و تا وقتی این مطلب صحیح باشد روسیہ باید بہ مسولیت خود در نزاع ۳۰ مای - اعتراف داشتہ باشد . ولی تشنجی کہ پیدا شد نتیجہ اشغال پنجدہ بواسطہ افغان ہا میباشد کہ برای ان انگلستان و امیر مسولیت مساوی دارند . ولی در تاریخ

دپلوماسی بسیار دیده شده است که تشنج بذات خود بسزد و خورد مفتعی نه می شود .
 پسرسله مسوالت قبیح ۳۰ ماچ به جواب این سوال تعلق میگیرد . وقتی در ۱۶ ماچ
 ۱۸۸۵ روس ها در آسیای مرکزی مقابل هم ایستادند کی ، کی را تحریک کرده بود .
 وقایعی که بین ۱۶ ماچ و ۳۰ ماچ اتفاق افتاد بواسطه جنرال روسی
 بخوبی شرح شده . مشارالیه راپوری در Official Messenger
 سنت پتسبورگ در ۱۲ می ۱۸۸۵ انتشار داد (۱) این راپور بطور مختصر اینطور
 می گوید : بتاريخ ۱۷ ماچ ۱۸۸۵ که به تعبیر روسیه تاریخ موافقه بین دو کابینه
 است لشکر روسی قزل تپه را اشغال کردند . وان تپه ای است به ساحل جنوب کشک
 در آن روز بعضی از سپاهیان روسی ساحل چپ کشک را تا پل داش کپری (پل خشتی)
 پاسر دادند و در آن جا از افغان ها رادر حال پاس دادن دیدند . بتاريخ ۲۲ ماچ
 در حالیکه دسته ای از روس ها برای تحقیقات مقدماتی آمده بود دیدند پاسداران
 شواره افغانی با ۵۰ نفر پیاده مشغول حفر خندق دفاعی هستند متعاقباً تعداد
 کافی سپاهیان افغانی در آن جا جاداده شد و استحکاماتی هم ساخته شد جناح
 روسی بساحل چپ رود خانه کوماروف Komarof و بتاريخ ۲۶ مساج
 کپتان پراسلوف را فرستاد تا تحقیقات مقدماتی در ساحل رود خانه مرفاب بعمل
 آرد و روز دیگر تعداد سپاهیان را بیشتر ساخت تا تحقیقاتی هم در ساحل چپ
 رود کشک بعمل آید . بجواب این احتیاط مقدماتی افغان ها قوای خود را بساحل
 چپ مرفاب بیشتر ساختند . و انرا به دو تولی رساندند این سپاهیان بیشتر رفتند و به
 يك سنگ پرتاب قوای روسی رسیدند .

محققانه کرنل زکرجفسکی Colonel Zakrejefsky مربوط

لشکر روسی بتاريخ ۲۶ مانچ با Coptian Yate که در پنجاه میانجی گری بین افغان ها و روسها را برعهده داشت ملاقات نمود این ملاقات ملاقاتی بود بستیاری روسی : زکرجفسکی مذکور در دوران مذاکرات به بت اراده صلح - خواهانه روسیه را ابلاغ کرد و از پایگاههای نظامی افغانی واستحکامات حربی ان شکایت نمود . بعد از این خواهرش کماروف رسید و از کپتان یت جده خواهش نمود که پایگاه های جلوی افغانی را عقب بکشد . ولی افغانها عوض اینکه قوای خود را عقب بکشند روسیه را تهدید نمودند و در مقابل او کلمات ناسزا - استعمال کردند این وضع خطرناک را نگذاشتند پیشبرود کوماروف مکتوبی به فرمانده قوای افغانی فرستاد و از او خواهرش کرد سواحل چپ رود گوشک را تخلیه کند . برای یافتن چاره اخیری کرنیل زکرجفسکی بار دیگر با کپتان یت ملاقات نمود در دوران این ملاقات اظهار داشت که بیرون بردن افغان ها از ساحل چپ گوشک میسر نیست زیرا ان ها هنگام موافقه بین دو کابینه در ان جا مقیم بودند . زکرجفسکی بلا فاصله اظهار نمود که در ان صورت روسیه نیز همین حق را بساحل چپ همین رود خانه دارد زیرا پاسداران ان به همان تاریخ تا پل خشتی پاس داده اند . اما چون مانع بیطرف باید بین پایگاههای روسیه و افغانستان حتی بنظر میرسید زکرجفسکی اصرار داشت که افغان ها باید ساحل چپ گوشک را تا پل داش (۱) کپر تخلیه کنند . مشار الیه اطمینان داد که اگر این کار را افغان ها انجام دهند به کار کمیسون سرحدی صدمه نمیرسد .

افغان ها معذالك از بیرون رفتن از ان جا خود داری نمودند باوجود این که ماروف
 میخواست این مسله از راه صلح حل گردد بنابران یادداشت شخصی به
 نایب سالار فرستاد ولی این یادداشت او نیز بجائی نرسید . بالاخره
 عدم موفقیت در مذاکره به تشنج منتهی شد باوجود این که ماروف میخواست
 به حمله آغاز کند .
 ولی وقتی افغان ها برای عقب زدن روس ها فیر کردند
 روس ها به حمله متقابل دست زدند . و افغان ها از ساحل چپ کشك بیرون رفتند .
 Pall mall Gazette (۱) گفت بحث عنوان برتره جنرال که ماروف نشر
 نمود از اقدامات جنرال مزبور طرفداری نمود . که بر تو معلوماتی که از منابع
 انگلیسی بیانات پال مال گزیت صحیح بنظر میرسد . بطور مختصر این جریده
 میخواست بگوید که اقدامات که ماروف با قرارداد ۱۸۸۵ مطابق بوده و در واقع
 افغان ها با جنبش ها و فعالیت های خود در طول رود خانه کشك بحران ۳۰
 ماهی (۲) را بوجود آوردند .

اما لفتننت یث A. C. Yat سعی کرد از افغان ها و همچنین کیسون
 سرحدی انگلیسی دفاع نماید و این عمل او بر اساس مفاهمه ای بود که با یث
 بعمل آورده بود . دلیل یث معذالك بسیار ضعیف بود و هنوز اینکه از انگلیس
 دفاع نماید روسیه را تبرئه میکرد و اقیعات بسیار جزئی که برای این واقعه کمتر تاثیر
 دارد می شود نادیده گرفته شود . در این جا کافی است مسائل بسیار مهم را -
 تحلیل نمائیم تا به کمک ان بتوانیم بگوئیم در این کار حرکت کی بوده و این حرکت از

۱- اوراق سری دفتر خارجه ۲ سپتمبر ۱۸۸۵ شماره مراجعه ۱۰۵۲-۶۲ K.W.

از کجا صورت گرفته است :

یت می نویسد : " جنرال کماروف میگوید من مطابق امر برای اشغال داشتن کپری پیشترتم از این جا معلوم می شود که حکومت روسیه با وهدایت داده است که ان جارا بزور اشغال نماید و در این کار از راپور غلطی مبنی بر اینکه پایگاه جلوی روسیه قبلا * داش کپری را بتصرف داشته (۱) استفاده شده * نباید فراموش کرد که این راپور حکومت انگلیس معتبر دانسته بود * این اتهام واضحاً انحراف است و لا زم به تفسیر ندارد جز اینکه انرا تکرار آنچه کماروف در راپور خود گفته است یدانیم * کماروف می نویسد بتاريخ ۲۴ مارچ قطعه ماشپ را در دوشان گذرانید و روز بعد دو ورست بجانب پایگاه خود در قزل تپه پیشرفت این جا چهار یا پنج ورست از پایگاه های افغانی دور است (۲) ایادرتوضیح کماروف مبنی موجود است که برساند که وی مطابق هدایت برای اشغال داش کپری پیشرفته است *

ل

یت بعد از ان در تفسیر قو کماروف مطالبی نوشت (۳) کماروف در این جابه اضطراب وی حرمی که بین ترکمن ها به نسبت پردیاری او در سمت توهین افغانها موجود بوده اشاره نموده * یت میگوید این اعتراف راپوری را که از افسران انگلیسی پنجاه راجع به نا ارامی که در ان وقت ها بین تکسهای مرو و سروک های یلطان موجود بود تأیید میکند * ظاهراً او جرئت نکرد قوای خود را تقسیم کند در حقیقت کاری که وی بان مشغول بود کاری بود بسیار مشکل مسله اصلاً فتح یا مصیبت بزرگ بود *

۱- یت همانجا ص ۴۱۵-۱۶

۲- The Times - ۱۳ می ۱۸۸۵ و نیز اوراق سری دفتر خارجه

۳- سپتمبر ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۸۱۰

۳- یت کتاب مذکور ص ۴۱۹-۲۰

زیرا اگر تحمل تنها جنرال روسی تک‌ها و سرب‌ها را به بی‌اختیاری تحریک کند اگر موضوع شکست یا عقب نشینی به میان آید چه خواهد شد . شاید در اول کماروف نمیخواست دست به اسلحه بزند او گمان میکرد شورش بین سرب‌های پنجاه - برمیخیزد و از این جا بهانه‌ای برای مداخله بدست روس‌ها می‌افتد یا ممکن است افسرهای انگلیسی یا افغانی خود مجبور شوند آنجا را ترک گویند . اما چون دید که افغان‌ها و انگلیس به عزم خود راسخ و مغلوب ناشدنی هستند و سرب‌ها علاوه بر اینکه از کم و طرفداری نمیکنند از افسران انگلیسی خواهر نموده اند به ایشان اجازه داده شود مقابل روس‌ها داخل پیکار شوند و علاوه بر همه اینها تبعه ترکمنی زار به حکومت متبوعه خود بی‌اعتنا شد از این جا وی مجبور گردید فوراً دست به اسلحه ببرد و ترتیبات بسیار جدی اتخاذ نماید (۱) این جا باز پیچیدگی و تحریف دیگری دیده می‌شود که از آن با وجودیکه هوش و استادی - افسران انگلیسی روشن است عدم صراحت قوای روسی را نشان میدهد . اضطراب موجود بین قبایل ترکمن مقابل روسیه نبود این اضطراب هکس الحظی بود مقابل استحفاظی که قوای افغانی در مقابل عساکر روسی نشان میدادند و کماروف مطلقاً به فرض حفظ صلح آنرا تحمل مینمود . هتک حرمت خان‌های ترکمن به نسبت تحملی بود که کماروف مقابل افغان‌ها و روس‌ها داشت و این وسیله میخواست صلح را حفظ کند و از جنگ مقابل افغان‌ها اجتناب بعمل آید . این اوصاف را ترکمن‌ها نمی‌شناختند و آنرا علامه بزدلی دانستند . افغان‌ها هم روسه جنرال روسی را بخوبی درک نکردند و برخلاف منافع ملی خویش به بحرانی دست

زدند . حتی - Sir Peter Lumsden - روحیه تکبرآمیز

افغان‌ها را میدانست . مدت‌ها پس از بحران ۱۸۸۵ طی نامه به مدیر Times اینطور اظهار نمود (۲) که جسارت افغان‌ها بود که در حقیقت باعث تصادم ما با

روس ها کردند • اینکه کماروف خواست به مسئله پنجاه خاتمه دهد موضوع خوف از جبهه خودش نبود و اینکه خواست افغان ها کشت را ترک بگویند برای این بود که در نظر داشت مشکلاتی را که به تصادم افغان ها منتهی میگردد مرتفع سازد •

راجع به مکتوب شخصی که کماروف به نایب سالار نوشته است — اظهار نظر میکند : تا جائیکه من معلومات دارم اگرچه مکتوب را ندیده ام مکتوب شخصی جنرال کماروف تحدید امیز بود • او نمیخواست روسیه مراعاتی بنماید اما همیشه توقع داشت انگلیس و افغان ها در حق او مراعات هایی بنماید • مطابق قرارداد ۱۷ مای نه برای افغان ها میسر بود چنین مراعاتی صورت بگیرد و نه برای انگلیس ها (۱) در احتمال کماروف است انحراف خود را مقابل آن افسر روسی بوضاحت نشان داده است • مکتوب مورد بحث تنها تقاضای کماروف را که از افغان ها شده است نشان میدهد این تقاضا عبارت بود از بیرون کشیدن پاسداران افغانی از ساحل چپ کشت • مفهوم آن از این قرار است :

ما با شما دوست هستیم و نمیخواهیم جنگ صورت بگیرد اما مردم تورانمیکند دارند و میخواهند جنگ کنند • بهتر است قوای خود را از جاها بکشید ما مامور نگهداری آن هستیم بیرون بکشید (۲) •

بجواب ادعای کماروف که او نمیخواست به حمله آغاز کند — است میگوید •

حمله را فی شروع کرد^۱ ایلا کسی که قوای خود را تا پنجصد یار فاصله به پایگاه های دشمن میرساند و در آن جا قبل از آنکه حمله خود را صورت بدهد برای تمهیل کارهای خود انتظار میکشد . یا کسی که در قرارگاه خود آرام نشسته و وقتی به حمله دست میزند که در حمله مقابل برای او شکست باقی نمی ماند (۱) واضحاً یست راجع باین گفته که ماروف که حمله ۳۰ مان از طرف افغان ها صورت گرفت یست پیزی نمیکود و انرا تکذیب نمیکند . با وجود این جنرال روسی را به یاد الفاظ و کلمات خود میگیرد . اما این ادعای یست که که ماروف قوای خود را تا پنجصد یار بقوای مقابل رسانید و قوای مقابل به کلی آرام بود در مقابل حقایق که موجود است جز تحریفی که خاصه یست میباشد و در دستا سر کتاب او دیده شده است چیز دیگری نیست . اینکه روس ها در ۱۷ مان قزل تپه را بدست داشتند یست راجع با آن تردیدی ندارد (۲) از آن تاریخ تا ۳۰ مان روس ها دوریکه که ماروف برآستی گفته است حتی یکی از پایگاه های جلویی خود را یا نادر قزل تپه پیشنهاد ندادند . از طرف دیگر افغان ها بساحل کشك استحکاماتی تا سه سیم نمودند و روز بروز این استحکامات را قویتر می ساختند تا آن جا را اگر بروز اسلحه هم باشد نگذرانند . چگونه می توانیم در اینصورت روس را به حمله متهم سازیم . بجواب ادعای که ماروف که میگوید وی پایگاه های خود را بانطرف قزل تپه نبرده است . یست انرا تناقض خواند زیرا به قبول یست روس ها در مجری سفلی کشك (بتاريخ ۱۷) تا پل خشتی پاس میدادند . این نیست سعی کنیم این استدلال را رد نمائیم . جای تعجب است که چگونه

۱- یست . کتاب مذکور ص ۴۲۰

۲- همانجا ص ۴۲۱

یست که خود در مرد نظامی است باز دید مقدماتی را با پایگاه جلوی فرق نمیکند !
 آنچه یست راجع بروس ها میگوید می تواند در مورد خود افغان ها
 تطبیق شود . ایشان در پنجاه یارده قرارگاه های دشمن خود پیشرفتند و در
 آن جا برای اكمال ترتیبات خویش انتظار کشیدند . برای حمله نهایی آمادگی
 نمودند . افغان ها از پایگاه های اصلی خود در پنجاه میل ها دور بودند و
 حتی از خیام خویش در اقطبه که آده می کردند در ۱۷ مایچ بتصرف ایشان در
 آده يك میل بطرف روسیه در ساحل چپ كشك پیشرفتند . حتی اگر گمان کنیم
 که افغان ها در ۱۷ مایچ به ساحل چپ كشك بودند عده زیادی از آن ها در
 مجری سفلی رود كشك پاس میدادند . اگر این کار بانها حق دهد که گوشه
 غربی پل خشتی را بتصرف داشته باشند بدین منطلق اورنگ زگر جفسکی ادعا
 میکند روسها حق پیدا می کنند همین نقطه را ادعا نمایند . برای خوشی روسها
 و حفظ صلح افغان ها باید بساحل رود كشك عقب می نشستند مخصوصا آنکه
 زگر جفسکی به یست اطمینان داد که عقب نشستن قوای افغانی بر تخیل
 سرحدات تازه نیر نخواهد کرد . ولی باثر غرور خون آنها برخلاف توصیه
 استنتاج های نمودند و بر عکس قول پتر لمسن یا لغتیت (۱) منظر حمله
 نشستند (۱) بلکه برای آن آمادگی کردند و چون قوای خود را مکمل یافتند بروسها
 حمله بردند .

با وجود همه اینها سوال دیگری می ماند که باید جواب داده شود . و
 آن اینکه آیا تنها افغان ها ملات گشتند یا واقعا برخلاف توصیه که بانها
 شده بولم نتیجه گرفتند . احساسات افغان ها درست برخلاف این بود قاضی
 سعدالدین علنا اظهار داشت که انگلیس ها حق ندارند افغان ها را تحريك

کنند که در مقابل روسها بجنگند و بعد از تحریک نه با آنها در جنگ کمک
می نمایند و نه تفنگ برای جنگ میدهند (۱) نایب سالار که در پنجاه فره‌مان
میداد گفت: «خوشوقت از اینکه باروسها در پنجاه جنگ کردیم زیرا هم
اکنون می فهمیم که دشمن ما کی و دوست ما کیست (۲) چگونه می توانست افغانها
بر خلاف توصیه عمل کنند در حالیکه کپتان یست چون دلال حتی تا چند
ساعت قبل از شروع جنگ فعالیت می نمود . لفتنانت یست که احوال برادرش را -
می نویسد می گوید : کپتان گمان میکرد وظیفه او و عساکر افغانی این است
که مقابل روسها مقاومت نمایند (۳) اگر کپتان یست واقعه وظیفه خود میدانست
که باروسها جنگ کند چرا افغان هارا ملامت می کنند . اینکه کپتان یست
بر خلاف امر کار کرده است هیچگاهی در حق او گفته نشده . از طرف دیگر
Sir Peter Lumsden بسیار اشتباه کرده است که بگریسان
امور را بدست کپتان جوانی گذاشته . اگر لumsden عوض اینکه وقش را در گلران
ضایع کند در پنجاه می بهد بحران ۳۰ ماچ اصلاح اتفاق نمی افتاد . این
بود نظریه کمیسون انگلیسی و حتی لفتنانت یست
هولدر می نویسد اگر کمیسون به کمال شجاعت در پنجاه موقع میگرفت و اعلان میکرد
که ما به کار تحدید سرحدات دست میزنیم چه اتفاق می افتاد . همیشه مردم
پس از حدوث واقعه هوشیاری شوند اما این مطلب باید در این مورد گفته شود
که عده زیادی از مردم در همان وقت عقیده داشتند که هیچ چیزی اتفاق نمی افتاد .

۱- یست . کتاب مذکور ص ۳۳۹ .

۲- همانجا ص ۱۶۹ .

۳- همانجا ص ۴۴۳ .

در پرتو معلوماتی که بوسیله افسران روسی و افغانی بدست آمده است می توانیم بگوئیم که اگر مرکز فرماندهی کمیسون انگلیسی عوض گلران به پنجده میرفت هیچ واقعه ای اتفاق نمی افتاد . قوای انگلیسی نمی خواستند بر قوای متحد افغانی و انگلیسی حمله بنمایند . (۱)

از نظر حقیقت و واقعیت غیر عادی آنه است که بار واقعه ۳۰ مای را تنها بر عهده افغان ها بگذاریم . افغان ها ازینجهت در پنجده بودند که انگلیس ها میخواستند ایشان در آن جا باشند و اگر افغان ها سعی نمودند از پنجده دفاع نمایند این کار آنها به نفع انگلیس ها بود (۲) اشتباه افغان ها هر چه باشد افغان ها شجاعانه جنگیدند و اگر موفق نشدند ازینجهت بود که انگلستان نتوانست آنها را هنگام ضرورت کمک کند .

جنگ پنجده نزدیک بود جنگ بین روسیه و انگلستان را تسریع کند . Gladstone یازده میون پوند خواهر کرد و نزدیک بود رای کماپی کند . مسله جنگ مصیبت بار بین دو مملکت را زحمت دیپلمات ها زرنگی دفرین و بالا تراز همه ذکاوت عبدالرحمن خان رفع کرد . از حسن تصادف هنگام بحران پنجده عبدالرحمن در راولپنڈی نزد دوفرین بود و در آن جا اظهار نمود که حاضر است برای اجتناب از جنگ با روسیه قربانی های بنماید (۳) مسله پنجده بنا بر آن به حکم گذاشته شد (۴)

۱- - Indian Borderland ص ۱۲۷-۲۸۰

۲- اینکه افغان ها حق داشتند موضوع را فاش کنند بواسطه دیورند اعتراف شد ماست .

۳- اوراق سری دفتر خارجه ۴ جولای ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۳۰۶ .

۴- اوراق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۱۸۷ .

عدم اعتنای امیر به نگهداری پنجاه جایی که در تاج التواخیج اثر مربوط به خودش میداند (۱) ضربه مهم سیاسی است. نه می توانیم بگوئیم که امیر از ضیاع پنجاه متأثر نشد بلکه میدانست که افغانستان بین دو آسیا سنگ گذاشته شده است. و خرابی جنگ پس از ۱۸۷۸-۸۰ موجودیت او را بخطر میاندازد.

بنابران به نایب السلطنه در راولپنڈی اظهار داشت که وی به دره های مرو چاق گلران و دولفقار ارزش بیشتری قایل است و اگر خط سرحدی از شمال این جاها بگذرد و مورد تأیید حکومت انگلیس قرار گیرد وی اعتراض نخواهد داشت (۲) با وجود ادعایی که بر پنجاه داشت امیر بدستی متیقن نبود که این جا با و متعلق باشد و اینکه مایل بوده است از ادعای خود بر پنجاه بگذرد از اینجا معلوم می شود که هیچوقت بر وفاداری سرک ها اعتماد نداشت (۳)

صلحی که باین ترتیب بدست گلادستون حاصل شد صلح ناشرافتمندانه و صلح خوانده شد که باقیمت گداف بدست آمده بود. اما ایا امیر بر راستی در مقابل فایده مثبت سرحدات معین که بواسطه آن توانست حکومت قوی و مستحکم را در افغانستان تاسیس کند چیز بزرگی را از دست داده بود (۴) خطر روسیه که متقدمین او را چون کا بوسی بخوف انداخته بود از بین رفت و راه برای ایجاد حکومت قوی و متحد در افغانستان باز شد. پیشرفت روسیه در آسیای مرکزی متوقف شد تقاضای پیم انگلیس برای سرحدی که حدود آن بدستی تعیین شده

۱- ج ۲ ص ۱۵۰

۲- اوراق سری دفتر خارجه ۴ جولای ۱۸۸۵. نمره مراجعه ۱۲۵-۲۰۷.

۳- همانجا.

۴- همانجا.

بود بالاخره برآورده شد . تاجائیکه به آبرو مربوط است نمیتوانیم بگوئیم موقوف
انگلیس به سختی صدمه ندیده است . راست است که تجدید گلاستون در مورد
اینکه امیر را مطابق قرارداد ۱۸۸۰ باید حمایت نماید مشروط و احتمالی بود نه
قطعی اما این نکته هم راست است که حکومت او امیر را تشویق کرد پنجاه را
از خود بداند و امیر حق داشت به ترتیبی هستمقابل حمله خارجی را نگذارد .
ممکن است گلاستون در مذاکرات سرحدی تحت تاثیر Sir Peter Lumsden
آمده باشد اما بالاخره ناکامی انگلیس در نگهداری پنجاه برنده کابینه
گلاستون افتاد .

صدر اعظم در دفاع از خود میگوید وضع سیاسی روز با اجازه نداد با
روسیه رابطه خود را قطع کند . جنگ کردن برای پنجاه یا هر نقطه سرحدی —
دیگری غیر از هرات طوریکه هولچ بجا میگوید جز حماقت مطلق چیز دیگری
نیست (۱) انگلیس در آن وقت مشغولیت های زیادی داشت و نمیتوانست با
یکی از قوای اروپایی داخل پیسکار شود . علاوه بر این چنین جنگی ممکن بود
به بحران اروپایی منتهی گردد . در مانچ ۱۸۸۵ ابرهای تهدید کننده در —
فضای سیاسی انگلستان ظاهر شد (۲) مردم انگلستان عقیده داشتند که برخورد
روسیه اگر نتیجه تشویق بسمارک نباشد انقلاب مورد تأیید او قرار گرفته است (۳)
در همین وقت روابط انگلستان با فرانسه دوستانه نبود . آیا محافظه کاران
طوریکه چپلیسن تذکر داد جنگ میخواستند این سوال قابل تحقق است اما

۱- Holdich ، کتاب مذکور ص ۱۲۸ .

۲- Langer ، در اتحادیه های اروپا و دشمنی ها European Alliances

and Alignments . ص ۳۰۸ .

۳- فز موریس Fitzmaurice کتاب مذکور ص ۴۲ و نیز Langer همانجا ص ۳۱ .

قدر مسلم این است که پیشوایان آنها چون Lord Randolph Churchill و - - - Marquis Salisbury بواسطه احساسات وطنخواهی تحریک نمی شدند (خاموشی Sir Stafford Northcote مقابل موفقیت کلادستون در مجلس عوام احساسات حزبی Lord Randolph را تکان داد بطوریکه مخالفت متحدی مقابل لیبرال ها تشکیل کردند * بتاريخ ۲۸ - اپریل ۱۸۸۵ به - Marquis Salisbury اینطور نوشت " من راجع به هیچ چیزی جز واقعه شب گذشته در مجلس عوام فکری نمی کنم * زیرا عصر زمان موقف گذشته او را با حمله عادی و پیش بینی نا شده ای که انجام داد بالا برد * این حمله نسبت به واقعه پارلمانی که بخاطر من نیست پیشتر به ضرر ما تمام شده است * این کار به سال ۱۸۸۰ زیاد ارزش نداشت ولی اکنون ششماه از انتخابات عمومی مانده است و واقعه ای که لیبرال ها را بالا میبرد و ما را عقب بزند به ضرر ما تمام می شود * اگر قدمهای متین و محکمی برداشته نشود واقعه شب گذشته تکرار میگردد (۱) * طی همین نامه می نویسد : از روی قلبی من این است که این بازی بصورت کامل و روشن علمی انجام شود * و حزب محافظه کار در پارلمان دیگر قوی باشد * (۲) تمام فعالیت های آنها - خاموشی نارتکوت در ۲۷ اپریل و همچنین افراط لاردرندلف و پیروان او در دوره ای صورت گرفت که سالزبری آنها دوره وطنخواهی مجلل نامید (۳)

۱- Life Of Lord Randolph Churchill Winton Churchill

ج ۱ ص ۳۸۳-۳۸۴ *

۲- همانجا ص ۳۸۵ *

۳- همانجا ص ۳۸۳ *

برای رسیدن به همین منظور بود که به ما ملتن هدایت داده شد جنبش‌های

خصمانه ۱۱ می ۱۸۸۵ را آرام کند :

« این مجلس که آمادگی خود را برای اعطای وسایلی که برای دفاع از

امپراطوری لازم اظهار داشته است عقیده دارد که قبل از فور برای این ماده

باید اطلاعات کافی راجع به سیاست دولت علیا حضرت راجع به هدف مصرف

مبلغی که روی آن رای خواسته می شود بدست آرد (۱)

ارزوی محافظه کاران معذالك بسیار اختلاف داشت و روی این موضوع -

لاردر رندلف این قدر جرئت داشت که بجهانه نکند . او میگفت منظور از این

جنبش این است که جرمان مذاکرات دقیق و انتقادی را از دست صدراعظم و

مشاورین فعلی سلطنتی بیرون بیاوریم (۲) . این بود انگیزه ای که حقه بازی

های دیپلماتی محافظه کاران در مجلس عوام ازان الهام میگرفت معذالك

تا همتی ایشان را نگهبان افتخارات و منافع ملی میدانستند .

۱ - - - Hansard , ۱۸۸۵ , CCXC VII , سلسله ۳ ,

ستون ۱۷۱۰

۲ - همانجا ستون ۲۴۲۰

فصل هفتم

تعیین حدود سرحدی روسیه

افغانستان

پس از آنکه تصمیم گرفته شد که مسئله پنجاه به قضاوت دولت دوستی (۱) بگذارند مذاکرات برای تعیین سرحدات شمالی افغانستان به لندن منتقل شد (۲) به پترلسدن هدایت داده شد که به انگلستان برگردد و کار کمیسون را به کرنل رجوی بگذارد. به پیروی از سیاست عنعنوی انگلیسی گلا دستون سعی کرد از راهای عملی پیشرفت روسیه را در آسیای مرکزی متوقف سازد و افغانستان را بحیث پناه گاه در مقابل آن استعمال کند. برای اینکه امیر در افغانستان تقویه شود دو فرین با کمک بیشتری از راه پول و مهمات نمود (۳) و Kimberly و Granville بروسیه فشار آورد که سرحدات شمالی افغانستان را تعیین کند (۴). پنجاه به بیطرف گذاشته شد و افغان ها روس ها را از ورود از آن جامع کردند (۵).

مذاکرات در ذوالفقار روی مفاهمه عمومی مبنی بر اینکه پنجاه باید با ذوالفقار مبادله شود تمرکز یافت. اما این جا بجای محمول بود که نتوانستند معنی مشترکی برای ذوالفقار پیدا کنند. هیچ يك از طرفین پیشنهاد طرف مقابل نمیکرد بنابراین این قرار داد نتوانست موثر واقع شود. جنرال واکر

-
- ۱- پادشاه دنمارک را دعوت نمودند که این کار را برعهده بگیرد. اوراق سری دفتر خارجه انگلیس اکتوبر ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۵۳۲-۳۷۰.
 - ۲- اوراق پارلمانی ۱۸۸۵ - آسیای مرکزی نمره ۵ (۴۴۱۸) ص ۴۰-۴۱.
 - ۳- اوراق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۴۷۵ و نیز اوراق سری دفتر خارجه اکتوبر ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۶۷۹.
 - ۴- اوراق پارلمانی آسیای مرکزی نمره ۴ (۴۴۳۸۹) ص ۵.
 - ۵- اوراق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۳۱۸.

نقشه انگلیسی از آسیای مرکزی ترتیب داده بود در آن جا نام ذوالفقار را به اشتباه به ساحل چپ هریرود گذاشته بودند این جا بیرون این علاقه اتفاق افتاد روی این موضوع مناقشه ای صورت گرفت و بعد ها موضوع مناتبات بین روسیه و انگلیس گردید (۱) مطابق این نقشه M. de Giers در حالیکه به اساسات عمومی مبادله پنجاه برای ذوالفقار موافقه داشت بتاريخ ۱۶-اپریل ۱۸۸۵ خط سرحدی را طرح کرد (۲) این مطلب را بالاخره دریادداشتی جادادند و بتاريخ ۲۱ می به ارل گرنیول ابلاغ نمود (۳) *

- ۱- اوراق سر دفتر خارجه ۴ اکتوبر ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۵۵۴
 - ۲- اوراق پارلمانی ۱۸۸۵ آسیای مرکزی ۴ (۴۳۸۹ ص ۶)
 - ۳- همانجا ص ۳۳-۳۴
- در این یادداشت خط روسی باین ترتیب طرح شده بود :
- سرحد از هریرود اندکی به شمال نقطه‌ای که در نقشه انگلیس دره ذوالفقار داده شده است آغاز میگردد . و از آن جا نوك ارتفاعاتی را که در سرحد وادی هریرود در قسمت شرقی و غربی واقع است تعقیب نموده از اقل ریاط و سوماکرز میگذرد و به جانب اسلام Islim میرود از آن جا از ساحل راست آگری گویک عبوری نماید و اسلام را بیرون قلعرو افغانستان میگذارد . از این جا قله تپه هائیرا که به ساحل راست آگری گویک واقع است تعقیب می نماید و چمن بید را بیرون سرحد افغانستان گذاشته به همین ترتیب قله تپه هائیرا که بساحل راست کَشک تا حوض خان واقع است تعقیب می نماید . از حوض خان به نقطه ای که به شمال مروچان واقع است - امتداد می یابد امتداد آن به ترتیبی است که تا حد ممکن اراضی مزروعی و چراگاه های سربك را بداخل روسیه میارد . با به کار انداختن همین اساس سرحد شرقی مرقاب در منطقه ای کشیده خواهد شد که بین ارتفاعاتی که در نقشه های روسی نشان داده شده است (و بطرف شمال و غرب وادی های قیصار و سنگلك واقع شده است) میگذرد اراضی مزروعی میمنه و اندخوی جزو افغانستان خواهد بود .
- بقیه پاروقی در صفحه بعدی

اما حکومت انگلیس به پیشنهاد روسیه اعتراض نمود باین دلیل که امیران دره ذوالفقار محرم خواهد شد و این دره را ثایب السلطنه هند با وضمانت نموده است (۱) راجع به پروژه روسیه تخیراتی را خواهرش نمودند (۲) یکی از منظرهای این خواهرش این بود که افغان ها بر دره مزبور تسلط داشته باشند این پیشنهادات را روسیه رد کرد زیرا مطابق تذکر انها خط انگلیسی یکی از راه های مهم مواصلات (راه اق رباط) (۳) را در داخل سرحد خودایشان قطع میکند .

پاورقی صفحه قبل .

این خط به خواجه صلح منتهی خواهد شد . یادداشت علاوه میکند که اگر کابینه لندن توسعه چراگاه های افغانی را در نزدیکی میمنه و اندخوی و هم چنین حدود ذوالفقار نخواهد حکومت روسیه باین کار موافقه دارد بشرط آنکه مروچاق بانها گذاشته شود و سرحد به شمال بالا مرغاب تعیین گردد . (جای دیگری به همین نام یاد شده و در لوائج انگلیسی اسلام و بعضا اسلیم (با اول) آمده و به کنار

۰۶۷۹

اکسیر واقع است) .
۱- اوراق سری دفتر خارجه جولای ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۳۴۵ و همان اوراق اکتوبر ۱۸۸۵ مراجعه

۲- اوراق پارلمانی ۱۸۸۵ - آسیای مرکزی نمره ۴ (۴۴۳۸۹) ص ۳۵-۳۶ .
در پروژه حکومت انگلیسی تغییرات اتی را خواهرش نمودند :

« این خط به ترتیبی باید در ارتفاعات سرحد ذوالفقار را تحقیق نماید که افغان ها بر هر دو گوشه دره مورد بحث مسلط باشند اینکه مروچاق میمنه و اندخوی باید تحت تصرف افغانها باشد مطابق پیشنهاد ۱۶ جنوری ۱۸۸۵ روسی موافقه ۱۸۷۲-۷۳ است .

۳- اوراق پارلمانی ۱۸۸۵ - آسیای مرکزی نمره ۴ (۴۴۳۸۹) ص ۴۰ .

با وجود این اشکال حکومتین موافقه کردند که کار تصفیه اختلاف را به
 کمیسون سرحدی بگذارند . اما اجرای این پلان بذات خود غیر ممکن
 بود مگر اینکه طریقین موافقه کنند يك دیگر را بین راه ببینند . زیرا در حالیکه
 روسیه مدعی بود در مورد تقاضای افغانستان درباره دره ذوالفقار تخلف
 نشود (۱) گرنیول به ملاقات کمیسون سرحدی به شرطی موافقه کرد که اساس
 مفاهمه بین طرفین موافقه ۱۶-۱۷ آوریل ۱۸۸۵ (۲) باشد . مطابق این موافقه
 روسیه قبول نموده بود که پنجاه را با ذوالفقار تبدیل کند .

در همین مرحله بحرانی مذاکرات، کابینه گلاستون سقوط کرد و محافظه کاران
 زمام امور را بدست گرفتند . با روی کار آمدن کابینه جدید M. de Giers
 عقیده داشت که مذاکرات سرحدی از نقطه ای که در حکومت سابق گذاشته شده
 بود ادامه یابد (۳) اما مسله سرحدی (۴) نمی تواند پیدا شود . لارڈ سالزبری
 پس از آنکه با نظریه نایب السلطنه کونسل او (۵) کرنل رجوی ماموری که در اصل
 محل کار میکرد تقویه شد خواست ضیاع پنجاه را با بدست آوردن ذوالفقار
 واق رباط جبران کند اما روسیه از تخیر قرارى که راجع به تحدید دره ذوالفقار
 خودداری نمود مگر اینکه تحقیقات محل نشان دهد که حدود دره میتواند

۱- اوراق سری دفتر خارجه F شماره ۱۸۸۵ جولای ۵۰۰۰

۲- اوراق پارلمانی آسیای مرکزی شماره ۴ (C ۴۳۸۹) ص ۴۵۰

۳- همانجا ص ۴۸-۴۹

۴- اوراق سری دفتر خارجه F شماره ۵۱۵ اکتبر ۱۸۸۵

۵- همان اسناد F جولای ۱۸۸۵ شماره ۴۹۸

باشد حمایت کامل خواهد نمود (۱) حکومت انگلیس فیصله نمود که هر نوع سعی علیه مرات سبب جنگ پنداشته خواهد شد (۲)

با وجود آنکه ابرهای تیره جنگ در حالت تجمع بود افق روشنی هم در -

اسمان سیاست هویدا بود • در ۱۵ - جولای M. Staal نزد

Marquis Of Salisbury رفت تا تأثیر خود را بر قطع مذاکرات سرحدی

افغانستان اظهار کند سالتزبری در حالیکه پیشنهاد روسیه را مبنی بر اینکه مسله

تحدید سرحدات قبل از آنکه مفاهمه راجع به مسله ذوالفقار صورت گیرد به

کمیسون سرحدی گذاشته شود رد کرد به سفیر روسیه تذکر داد که او به خواست

حکومت روسیه برای سروي اراضی قابل مناقشه به مشاور یافتن راه حلی اعتراضی

ندارد • علاوه بر آن به سفیر روسیه اطمینان داد که در صورت لزوم چنین سروي

از طرف حکومت انگلیس نیز صورت خواهد گرفت • سروي انگلیس مستقل خواهد بود

و به فعالیت های روسیه دخلی نخواهد داشت (۳) همین ماده بود که راه را برای

فیصله اطمینان بخشی بین مملکتین باز کرد •

حکومت سنت پترزبورگ که با خواست فیصله صلح امیر جان تازه یافت

و عده داد که آن قسمت دره ذوالفقار را که از سلسله اولی ارتفاعات هریرود

میگذرد بگذارد • M. de Giers علاوه بر آن به حکومت انگلیس

اطمینان داد که اگر لازم باشد روسیه از توسعه سرحدات افغانستان به جانب

شرق معانعت نخواهد نمود • (۴) بر این اساس در اواخر اگست روسیه پیشنهاد

۱- اوراق سري دفتر خارجه ۴ اگست ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۳۰۱-۲ •

۲- همانجا •

۳- اوراق سري دفتر خارجه ۴ اکتوبر ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۵۱۵ •

۴- اوراق سري دفتر خارجه ۴ اکتوبر ۱۸۸۵ نمره مراجعه ۵۵۴ •

تازه ای تقدیم داشت. وزارت خارجه انگلیس موافقه کرد که پیشنهاد تازه را قبول نماید بشرط آنکه خط سرحدی در هیچ جایی به هزار زرسی ارتفاعات دره ذوالفقار نرسد (۱) روسیه این تخیر را قبول نمود. و پروتوکولی بتاريخ ۱۰ دسمبر ۱۸۸۵ بین مملکتین با امضاء رسید (۲).

مطابق شرایط پروتوکول دسمبر کمشنرهای سرحدی کرنل رجوی از طرف انگلستان و کرنل Kuhlberg از طرف روسیه بتاريخ ۱۰ نومبر ۱۸۸۵ در ذوالفقار ملاقات نمودند. تا چند ماهی تعیین سرحدات افغانستان به استیجاب ادامه داشت اما در مارچ ۱۸۸۶ سوء تفاهمی راجع به تعیین (۳) - خواجه صالح قرارداد ۱۸۷۲ - ۷۳ پیدا شد. در این قرار داد این جا پایگاه خواجه صالح ذکر شده بود و حکومت انگلیس موافقه نمود که امیر در پایان این پایگاه بجانب چپ رود امو هیچ جایی مقابل حق امیر بخارا ادعا نخواهد نمود روسیه تعریف انگلیس را در مورد سرحدات افغانستان قبول کرد تا آنکه سیزده سال بعد تحت معاینه آمد. در آن وقت دیدند که سرحدات افغانی را با بخارا افسران افغانی و بخارایی ده سال قبل تعیین نموده بودند و ان با تعریف انگلیسی مطابق نبود و اصلاً پایگاه می بنام خواجه صالح وجود - نداشت (۴) موضوع مورد بحث را یک چیز دیگر مشکل ساخت و آن اینکه پنجاه در مکاتبه های که به قرارداد ۱۸۷۲ - ۷۳ بصورت های مختلف آمده بودند

۱- اوراق پارلمانی ۱۸۸۵ - سیاسی مرکزی نمره ۴ (۵۴۳۸۹) ص ۶۹.

۲- اوراق سری دفتر خارجه ۴ جولای ۱۸۸۶ نمره مراجعه ۵۵۲.

۳- اوراق پارلمانی ۱۸۸۷ - سیاسی مرکزی نمره ۲ (۵۲۳۵) ص ۳۷.

۴- اوراق سری دفتر خارجه ۴ فروری ۱۸۸۷ نمره مراجعه ۳۴۱ A.

بصورت قلعه، جسر، قریه، قریه ها، پایگاه، نسله.

از مساعی اشتی دهنده M. de Giers و Earl Rosebury (۱)

معدالک باید سپاسگذار بود که نگذاشتند مذاکرات قطع شود. با وجود اختلاف نظری که بین کمشنر های انگلیسی و روسی موجود بود کار تعیین سرحدات ادامه داشت و سرحد بین هر دو و دو کچی دوستانه فیصله شد. معدالک کار تعیین سرحد الی دو کچی ----- با اثر مداخله امیر متوقف میگردد خود بینی و تهدید آنها گاهی انگلیس را هم به وضع توهین آمیزی گرفتاری ساخت. و چون در آن وقت احتمال میرفت در افغانستان شورش برپا شود که در آن صورت بیرون رفتن کمیشن انگلیسی از افغانستان غیر ممکن می شود حکومت انگلیس به مشوره کرنل رجوی بوسیله Sir Robert Morier - - - - - سفیر انگلیس در سنت پترزبورگ با حکومت روسیه ترتیبی را اتخاذ نمود که مطابق آن کمیشن سرحدی باید منحل گردد و خط سرحدی بین دو کچی و امو بر اساس حکومتی (۲) حل شود کمیسون انگلیس بتاريخ ۱۵ سپتمبر از امو بیرون رفتند و کرنل رجوی پس از اقامت کوتاهی در کابل و مشاوره به لندن برگشت.

بعد از این بین حکومت های انگلیس و روسیه مکاتبه آغاز گردید این مکاتبه برای این بود که آیا مذاکره در لندن صورت بگیرد یا سنت پترزبورگ. با اثر خواهش حکومت روسیه (۳) شمر اخیر الذکر را ترجیح دادند و Sir West Ridgway

۱- همانجا ص ۵۵۰

۲- اوراق سری دفتر خارجه F جولای ۱۸۸۶ نمره مراجعه ۶۲۴

۳- F جون ۱۸۸۷ نمره مراجعه ۳۶۷

با مامورین خوش‌بتاریخ ۱۱-۱۸۸۷ به سنت پترزبورگ وارد شد (۱)
 مسله^۲ خواجه صالح باردیگر بین ملکین مطرح گردید • دوفرین (۲)
 ورجوی (۳) راجع به خم اب (۴) جداء از امیر طرفداری نمودند • حکومت روسی
 يك مرتبه انرا قبول و بار دیگر رد کرد (۵) مسله ای که باید حل میگردید عبارت
 بود از اینکه سرحد بین دو کچی وامو باید یا تاخم اب میرسید یا اسلم یا
 زیارت خواجه صالح • دوجای اخیرالذکر به فاصله ۱۴ و ۱۲ میل برود خانه
 نسبت به خم اب نزدیک تر بود (۶) بین کمشنرهای انگلیسی و روسی در معنی
 کلمه خواجه صالح قرارداد ۱۸۷۲-۷۳ اختلاف نظر پیدا شد • پس از-
 تحقیقات روی رود و طرفین بدو استنتاج مختلف رسید • روسیه
 مدعی بود که خواجه صالح عبارت است از يك زیارت یا هپره در حالیکه
 انگلستان ادعا داشت که این پایگاه در محلی که اسلم نامیده می شود واقع
 است • تقاضای دیگر روسیه مسله را مشکلتر ساخت و آن اینکه این قرارگاه
 عبارت از عمارتی که رباط طاهر محمد خان نام دارد و فاصله چند میل

۱- اوراق سری دفتر خارجه ۴ جون ۱۸۸۷ نمره مراجعه ۴۶۳ •

۲- در در در در ۴ جولای ۱۸۸۶ نمره مراجعه ۶۰۲ •

۳- در در در ۴ در ۱۸۸۶ در در ۵۷۰ •

۴- اوراق پارلمانی ۱۸۸۷ - آسیای مرکزی نمره ۲ ۵۲۳۵ ص ۱۰۳ •

۵- همانجا ص ۱۴۵ •

۶- اوراق سری دفتر خارجه فبروری ۱۸۸۷ نمره مراجعه ۳۴۱ •

پایانتر از رود امرواق شده (۱)

پس از آنکه مذاکرات در پشت پرده بورک آغاز گردید، مذاکسه عبلا * روی مطالب
اتی تمرکز یافت؛ مطابق پروتوکول لندن مؤرخ ۱۰ سپتامبر ۱۸۸۵ حق روسیه
بر آبانی پنجاهه تأیید شد اما تا این وقت نمی دانستند که سرک ما زراعت
خود را با تاراف وادی کشک و کاشان توسعه داده بودند * و با وجودیکه در پنجاهه
مقیم بودند، کانال حافی در این جا (کشک و کاشان) حفر نموده و اراضی در این
جا ادعا داشتند * پروتوکول بنابرین سرحد بین هریرود و میرقاب را دوری تعیین
نمود که سرک ما را از این اراضی محروم بسازد * و چون مذاکرات آغاز شد روسیه
این جا ما را عود غم ای که اتفاقاً ما را برای خود ادعا می نمودند ادعا کرد (۲)
هدایاتی (۳) که رجوعی بنا این ما به حاجه سمت پتق بورک حرکت نکرد *

۱- اوراق پارلمانی ۱۸۸۷ - آسیای مرکزی، شماره ۲ (۵۲۳۵) ص ۳۰۳ و ۴۰۵ او

اوراق سری دفتر خارجه ۴ اگست ۱۸۸۷، شماره مراجعه ۲۰۲
حکم کپتان پیکوک Captian Peacock مربوط کمیسیون انگلیسی

مسله را مشکلتر ساخت * مشامدات او دلائل میگوید به اینکه وقتی مذاکرات
۱۸۶۸-۷۳ - آغاز شد معبر خواجه صالح در اسلام بود اما وقتی قرار داد ۷۳-۱۸۷۲

منعقد می شد این معبر را تا نزدیک زیارت رسانده بودند، اوراق پارلمانی ۱۸۸۷ -

آسیای مرکزی، شماره ۲ (۵۲۳۵) ص ۲۵۲-۲۵۳ - اوراق پارلمانی

۲- اوراق پارلمانی آسیای مرکزی، شماره ۲ (۵۲۳۵) ص ۷۵۷ و ۷۵۸

۳- اوراق سری دفتر خارجه ۴ جون ۱۸۸۷، شماره مراجعه ۴۵۰ و نیز اوراق سری

دفتر خارجه فبروری ۱۸۸۷، شماره مراجعه ۳۱۴-۴۳۰

عبارت بود از مقاومت در مقابل هر نوع سعی که خط سرحدی دو کچی را مورد سوال قرار دهد مگر اینکه موقع ایجاب کند که اشتباهات جزوی سروي نادیده گرفته شود با مراعات های جزئی که تسمیلاتی در مورد مسلهء خم اب فراهم کند ثانیاً راجع به قسمت های باقیمانده سرحد او باید اصرار داشته باشد که خم اب داخل سرحدات افغانستان بیاید .

خودش قانع بود که مراعات های در مورد رود های کوشك ، کاشان . - مرغاب در مقابل اشغال کلی خم اب بواسطه افغان ها تسمیلاتی برای حل مسله سرحدی فراهم خواهد کرد . (۱) کرنل رجوی مذاکرات را بر این اساس - آغاز نمود ولی موافقتی راجع به اندازه و ماهیت این مراعات هایین آند و بعمل نیامد . اخیر الذکر خط سرحدی را تقاضای نمود که مطابق آن چهل دختران و مروچاق بیرون احاطه افغانستان بماند (۲) رجوی شکایت داشت که روس ها ۱۱۰۰ میل مربع را ادعا دارد در حالیکه وی میخواهد هشت میل مربع را با اختیار ایشان بگذارد . (۳) رجوی بنا بر آن سعی کرد زینوویو را وادارد که تقاضای خوشر را تخفیف دهد و چون این کار میسر نشد موضوع را بحکومت مرکزی اطلاع داد (۴) .

- ۱- اوراق سري دفتر خارجه^۴ اگست ۱۸۸۷ نمره مراجعه ۱-۳۲ .
- ۲- اوراق پارلمانی ۱۸۸۷ - آسیای مرکزی نمره ۲ (۵۲۳۵) ص ۳۴۱-۴۲ .
- ۳- اوراق سري دفتر خارجه^۴ اگست ۱۸۸۷ نمره مراجعه ۴ .
- ۴- اوراق پارلمان ————— ۱۸۸۷ - آسیای مرکزی
نمره ۲ (۵۲۳۵) ص ۳۳۷ .

خوشبختانه درست در همان موقعی که مذاکرات می‌خواهد به‌عمرانی شود زار (۱) علاقه صمیمی به کنار آمدن با انگلستان نشان داد نتیجه آن این شد در جلسه دیگر زینوویو موافقه نمود که تقاضای روسیه را تخفیف دهد بشرطیکه حکومت انگلیس مسئله اعطای اراضی را به سربك‌ها در نظر داشته باشد •

رجوی روی این قرار می‌خواست مصالحه بعمل آید و آنرا به حکومت مرکزی در لندن (۲) جهت استصواب رأی تلگراف کردند • سالزبری مسئله را به مشوره نایب السلطنه به‌تویق انداخت و از اظهار رای خودداری نمود • از طرف دیگر از رجوی خواهرش نمود جهت بحث بیشتری در اطراف موضوع مذاکرات سرحدی به انگلستان برگردد (۳) •

تا این وقت اوضاع در افغانستان بسیار تغییر کرده بود شورش در مقابل امیر برخاسته و آینده امیر در مقابل شورشیان وضع روشنی نداشت • این اوضاع فیصله سریع موضوع سرحدی را ایجاد میکرد • رجوی را بنا بر این با هدایتی که باید بروسیه کنار آید دوباره به سنت پترزبورگ فرستادند از او خواهرش شده بود در اول سعی کند مفاهمه‌ای بر اساس واگذاری کشك، کاشان و مرقاب بعمل آید بدون آنکه چهل دختران انتقال داده شود • و اگر این کار

۱- زار رجوی را بتاريخ ۱۳ می ۱۸۸۷ بحضور خود پذیرفت • اوراق سری دفتر

خارجه ۴ اکتوبر ۱۸۸۷ نمره مراجعه ۱۰۷ •

۲- ۲۴ می ۱۸۸۷ - اوراق پارلمانی ۱۸۸۷ - آسیای مرکزی نمره ۲ (۵۲۳۵) C

۳- همانجا ص ۳۶۲ •

بجای نکشد و باید اعتباراتی برای روسیه در کنار امقایل شود • و اگر این ترتیب هم به ناکامی روبرو شود رجوعی باید بگوید که حکومت انگلیس حاضر است موضوع را به میانگیری قوای دولت بیطرفی بگذارد • (۱)

ولی هیچ يك از این پیشنهاد ها قبول نه شد بطوریکه بازگمان میکردند • مذاکرات سرحدی متوقف شود • رجوعی انرا رد کرد و مصالحه دیگری را پیشنهاد کرد این مصالحه بر این اساس مبنی بود که کالونی های افغانی در قره تپه و چهل دختران از جاهای خود نباید تکان داده شود (۲) پس از اندکی تأمل روسیه تسلیم شد و موضوع سرحد مرقاب حل گردید •

راجع به سرحد رود امو باز اختلافاتی بین نمایندگان دو دولت پیدا شد • روسیه واگذاری های را تقاضای نمود که عملاً به مخروم ساختن خم آب از د و - چراگاه مممش با چا های مهمی که بین دو کچی و امواقع است منتهی می باشند • این اشکال با اثر مداخله - Sir Robert Morier حل شد او به دیگر de Giers ضرورت فیصله دوستانه را خاطر نشان ساخت • وی تذکر داد که انگلستان قبلاً در وادی های کشوکاشان واگذاری های قابل ملاحظه ای را قایل شده است و اکنون نوبت روسیه است که به سرحد معقولی روی رود امو موافقه کند (۳) •

۱- اوراق سری دفتر خارجه ۴ اگست ۱۸۸۷ نمره مراجعه ۱-۳۲ و نیز اوراق

دفتر خارجه ۴ جولای ۱۸۸۷ نمره مراجعه ۲۰ •

۲- اوراق پارلمانی ۱۸۸۷ - سیای مرکزی نمره ۲ (۵۲۳۵) ص ۳۶۵ •

۳- اوراق سری دفتر خارجه اکتوبر ۱۸۸۷ نمره مراجعه ۱۰۷ •

مشوره عاقلانه سفیر انگلیس کار خود را کرد و روسیه موافقه کرد به افغان ها اجازه دهد که چراگاه های خم آب و تمام آماشی را که طول سرحدات افغانستان برای چرا لازم است بگذارد . در موس انگلستان حاضر است چنانچه امام نظام را بروسیه بگذارد (۱) در ۲۲ جولای ۱۸۸۷ فیضیه بعمل آمد (۲)

راجع به این فیصله رجوع اظهار نظر کرد که سرحدی که تعیین شده است از لحاظ سوق الجیشی ، سیاسی ، و استوگرافی سرحد خوبی نیست (۳) این گفته راست است . اما تحت شرایطی که این سرحد تعیین شده نمی توانست سرحد بهتری تعیین شود . رجوع خودش اعتراف میکرد که آید اراضی را بتصرف آورد که قبلاً در اختیار او نبود . باین ترتیب سرحدات افغانستان شمال آسیای یک پول مالیه کم تر نفرت به یا اگر زمین که قبلاً افغان ها انرا داشته باشند از دست او بیرون رفت . (۴)

فیصله ای که باین ترتیب با کابینه دو الزامی صورت گرفت با پیشنهاداتی که گلا دستون در عهد زمانداری خود موده بود مطابق بود . با وجود تغییرات سرحدی که در حکومت انگلستان آن وقت رخ داد از لحاظ سیاست آسیای مرکزی وحدتی در حکومت انگلیس دیده می شد . تحدید سرحدات افغانستان ضرورتی بود که حزب لیبرال و محافظه کار به یک نوع انرا درک میکرد . تعیین حدود سرحدات دیگر افغانستان مسله مصرپنداشته می شد و چون تکمیل گردید متع فیصله

۱- اوراق پارلمانی - آسیای مرکزی نمره ۲ (۵۲۳۵) ص ۳۶۷ .

۲- همانجا ص ۳۷-۷۳ .

۳- اوراق سری دفتر خارجه ۳ اکتوبر ۱۸۸۷ نمره مراجعه ۱۰۷ .

۴- هاخا

۲۲ جولای ۱۸۸۷ شمرده شد • رجوی خودش به بد گمانی اظهار نظر

کرده بود که فیصله او دیر نخواهد پائید اما تا جائیکه معلوم شد پیشگویی او

مبنی بر اینکه مطابق قانون طبیعی جاذبه دو امپراتوری بزرگ باید همسر حد

باشد (۱) بر سنک خاره پیمان قانونی بین دو ملت متمدن از هم فروریخت •

۱- اوراق سری دفتر خارجه ۴ اکتوبر ۱۸۸۷ نمره مراجعه ۱۰۷ • زار نیوز

به همین نظریه بود • جرچیل • کتاب مذکور ۲ ص ۳۴ •

Approximate Length Of North- West

Frontier Line

From	To	Distance: Miles	Remarks
Kohalla	Torbela On Indus	236	Hazara Frontier
Torbela	Swat River	118	Yusufzai //
Swat River	Kabul River	19	Mohmund //
Kabul River	Khyber Pass	14	Afridi //
Khyber Pass	Kohat Pass, north end	22	
Kohat Pass	Ditte, south end	88	
Ditte,	Billund Khey1	78	
Billund Khey1	Kurram Rd., Bannu	54	Boundary Between Pathan & Baluch Tribes .
Kurram River	Tank Zam	72	
Tank Zam	Korah Pass	96	
Korah Pass	Sukki Surwar Pass	92	Sind boundary
Sukki Surwar	Kasmore	108	
Kasmore	Jacobabad	96	
Jacobabad	Karachi	335	
Total		1,428	

Abstract

Hazara Frontier 236 Miles,
 Pathan // 561 miles,
 Baluch // 631 miles.
 Total : 1,428 miles .

Of These 997 miles Were
 Under the Government Of
 Punjab & 431 under that
 Of Sind .

A SELECT BIBLIORAPHY

A. ORIGINAL SOURCES (UNPUBLISHED)

1. COMMONWEALTH RELATIONS OFFICE , LONDON .

Memorandum by Sir James Outram, dated Calcutta, the 8th February , 1854 .

Minute by Lord Canning dated the 6th February, 1857.

LYTTON PAPERS :

Lytton to Salisbury , July 2, 1877 .

Lytton to Salisbury , July 16 , 1877.

Lytton to Cranbrook, August 3, 1878 .

Lytton to Layard , December 24 , 1878 .

Lytton to Cranbrook , January 10, 1879 .

Lytton to Cranbrook , January 30, 1879 .

Cranbrook to Lytton , October 12, 1879 .

lytton to Cranbrook, November 5, 1879 .

Lytton to Cranbrook, November 10, 1879.

2. NATIONAL ARCHIVES OF INDIA :

Foreign & Political Department Proceedings & consultations .

Of these the most important are the Secret and secret Supplement Consultations as well as the Despatches from the Secretary of State to the Governor-General & from the Governor-General to the Secretary of State . They are the most Valuable Source materials for the Subject. There are many despatches among the Lytton Papers which are merely duplicate copies of documents

Preserved in the National Archives of India .The letters from Lord Lytton's Private Collection which have been used in the Present work were, however, not available in the Indian Archives.

B. ORIGINAL SOURCES (PUBLISHED):

1. Aitchison, C.U.-Treaties, Engagements & Sanads, Vols XI & XII, 1909.

2. Temperley, H. & Benson, L.M. (ed). Foundations of British Foreign Policy from Pitt (1792) to Salisbury. 1938 .

— A. Century of Diplomatic Blue Books, 1814-1914. 1938.

3. INDIA GOVERNMENT RECORDS:

• Note on the North-West Frontier by Sir Andrew Clarke, Desember, 1877.

Report showing the relations of the British Government

With the tribes on the North-West Frontier by - Richard Temple, 1856.

Selections from Punjab Government Records, Confidential Series, No. A.I., 1872.

4. PUNJAB ADMINISTRATION REPORTS. . (1849-50) to (1899-1900)

5. PARLIAMENTARY PAPERS

1873. Correspondence with Russia respecting Central Asia .(C . 699) .

Central Asia No. 2, (704).

1877. Beluchistan No 2, (C. 1808).

1878. Afghanistan No 1, (I. 907) .

Afghanistan No 2, (C. 2191) .

Central Asia No 1, (C, 2164) .

1879. Afghanistan No 3, (C.2250) .

Afghanistan No 6, (C.2362) .

Afghanistan No 7, (C. 2401) .

Afghanistan No __, (C. 2402) .

Central Asia & Quette, (73) .

1880. Afghanistan No 1, (C. 2457) .

Afghanistan No 2, (C, 2690) .

Afghanistan No 3, (C.2736) .

Military Commission at Kabul- Statement of
Cases , (C. 2523) .

1880-81. War Estimates (C.2560, C.2617, C.2772) .

1881. Afghanistan No 1, (C.2776) .

Afghanistan No 2, (C. 2811) .

Afghanistan No 3, (C. 2852) .

Afghanistan No 4, (C. 2865) .

Afghanistan No 5, (C. 3090) .

1884. Central Asia No 1, (C. 3930) .

1885. Central Asia No 2, (C. 4387) .

Central Asia No 3, (C. 4388) .

Central Asia No 4, (C. 4389) .

Central Asia No 5, (C. 4418) .

1887. Central Asia No 1, (C. 5114) .

Central Asia No 2, (C. 5235) .

1902. East India (North-West Frontier), LXXI, (Cd.1177).

C. NEWSPAPERS. I

The Times .

The Englishman .

The Friend of India .

The Hindoo Patriot .

D . CONTEMPORARY & ALMOST CONTEMPORARY WORKS .

Afghan War , Causes of , Afghan Sub-Committee, 1879.

Argyll, The Duke of, The Eastern Question, Vol. II, 1879.

+ Bell, M.S. The Defence of India & its Imperial Aspects .
1890 .

Bellew, H.W. Afghanistan & the Afghans. 1879 .

- An Inquiry into the Ethnography of Afghanistan . 1891 .

- North-West Frontier & Afghanistan. 1879 .

- The Races of Afghanistan. 1880 .

Diddulph, C.E. Our Western Frontier of India , 1879 .

Boulger , D.C. England & Russia in Central Asia , 2 Vols
1879 .

- Central Asian Questions. 1885 .

Cotton, S. Nine Years on the North-West Frontier of
India (1854-63) . 1868 .

D.B. Our Afghan Policy & the Occupation Of Candahar.
1880 .

Dacosta, J.A. A Scientific Frontier. 1891 .

Eastwick, W.J. Lord Lytton & The Afghan War . 1879 .

Edwards, H.S. Russian Projects Against India . 1885.

Goldsmid, F.J. Central Asia , & its Question. 1873 .

Green, W.H.R. The Retention of Candahar. 1881 .

+ Griffin, L. Our North- west Frontier. 1881 .

Hansard. Especially the Volumes of 1868, 1873, 1877, 1881,
1884, 1885, and 1890 .

Hellwald, F. The Russians in Central Asia . 1874 .

Hensman, H . The Afghan War (1879-80). 1881 .

Lansdell, H. Russian Central Asia . " Vols. 1885 .

Macgregor, C.M. Narrative of a Journey through the
Province of Khorassan & on the North-West Frontier
Of Afghanistan in 1875, 2 Vols .1879.

— The Defence of India : A Strategical Study.1884.

Malleson, G.B. History of Afghanistan. 1879 .

— Russo-Afghan Question & the Invasion of India .
1885 .

Marvin, C. The Russian Advance Towards India , 1882 .

— Russian at Merw & Herat . 1883 .

— Shall Russia Have Penjdsh ? 1885 .

Oliver, E.E. Across the Border of Pathan & Beloch.1890.

Paget, W.H. and Mason ,A.H.Record of the Expeditions -
against the N.W. Frontier Tribes since the Annexation
of the Punjab. 1885 .

Pelly, L. Views & Opinions of General Jhon Jacob. 1858.

Popowski, J. The Rival Powers in Central Asia .1893 .

Raverty, H.G. Muscovite Proceedings on the Afghan Front-
ier .1885.

Rawlinson, H. England & Russia in the East . 1875 .

Richardson, C.F. Cabinet of Lord Beaconsfield in its
Relations with Afghanistan . 1880.

Roberts, F.S. Forty-One Years in India . 1897 .

Romanovski, M. Note on the Central Asiatic Question.
1870.

Terentyeff, M.A. Russia & England in Central Asia .
2 Vols. 1876.

Vambéry, A. Central Asia & the Anglo-Russian Frontier
Questions 1874 .

The Coming Struggle for India . 1885 .
Wyllie, J.W.S. Essays on the External Policy of India .
1875 .

Yate, A.C. England & Russia Face to Face in Asia . 1885.
Yate, C.E. Northern Afghanistan. 1888.

+ These Were Printed for Private Circulation only .

E . SELECT SECONDARY WORKS 1

Adye, J.M. Indian Frontier Policy. 1897..

Afghan War , The Second, Official Account. 1907.

+ Aitchison, C. Lord Lawrence & the Reconstruction of
Indian Under the Crown . 1894 .

Allan, J.G. The Strategic Principles of Lord Lytton's
Afghan Policy. 1937 .

An Indian Officer, Russia's March towards India , 2 vols
1894 .

+ Balfour, B. Lord Lytton's Indian Administration. 1899.

— Personal & Literary of the Earl of Lytton
Vol II. 1906 .

Barton, W. India's North-West Frontier. 1939 .

+ Boulger, D.C. The Life of Gordon , Vol.II. 1896 .

Bruce, R.I. The Forward Policy & its Results. 1900.

+ Buckle, G.E. The Life of Disraeli, vols, V & VI. 1920.

Cambridge History of British Foreign Policy; vol.III.
1923.

Cambridge History of India, vol, VI, 1932..

+ Cecil, G. Life of Marquis of Salisbury, vols.II,
and III.IV. 1921-22 .

- Churchill, W. Lord Randolph Churchill; 2 vols. 1906.
 Colquhoun, A.R. Russia against India. 1900.
 Davies, C.C. The Problem of the North-West Frontier.
 1932 .
- + Elsmie, G. R. (ED) The Life of Sir Donald Stewart .
 1903 .
- Enriquez, C.M.D. The Pathan Borderland . 1921 .
- + Fitzmaurice, E. The Life Of Lord Granville, Vol. II. 1905.
 Fraser-Tytler, W.K. Afghanistan. 1950 .
- Gopal, S. The Viceroyalty of Lord Ripon . 1953 .
- Greaves, V.L. Persia & the Defence of India . 1959 .
- Guedalla, P. The Queen & Mr. Gladstone, 2 vols. 1933.
- + Gwynn, S. & Tuckwell, G.M. The Life of Sir Charles Dilke.
 2 vols . 1917 .
- Hamilton, A. Afghanistan . 1906 .
- Hanna, H.B. Backwards or Forward . 1896 .
- India's Scientific Frontier . 1895 .
- Second Afghan War, 3 Vols, 1904 .
- Holdich, T.H. The Indian Borderland . 1901.
 -- The Gates of India . 1910 .
- + Khan, S.M. (ED) The Life Of Abdur Rahman Amir Of
 Afghanistan , 2 Vols , 1900 .
- Krausse, A. Russia in Asia . 1899.
- Langer, W.L. European Alliances & Alignments : 1931 .
- Lauterpacht, H. Recognition in International Law.
 1948 .
- Lee-Warner, W. "India & Afghanistan" (1815-69). Cam-
 Bridge Modern History , Vol. XI :

-- The Life of the Marquis of Dalkousie . 2 Vols.

1904 .

+ Lyall, A. The Life Of the Marquis of Dufferin & Ava ,
Vol. II. 1905 .

Lyons , I.G. Afghanistan : the Duffer State . 1910 .

+ Macgregor Lady (Ed) The Life & Opinions Of Charles -
Macgregor , 2 Vols . 1888 .

+ Mallet, B . The Earl Of Northbrook, 1900 .

+ Martineau, J The Life Of Sir Bartle Frere, 2 Vols . 1895 .

+ Morley, J Life Of Gladstone, Vols II. & III, 1904 .

Noyce, F. England , India & Afghanistan. 1902 .

Oppenheim, L. International Law, Vol, I . 1955 .

Prosad, Bisheswar. The Foundations of India's Foreign
Policy, Vol. I . 1955 .

+ Shand, A.I. General John Jacob 1900

Skrine, F.H. The Expansion of Russia , 1815-1900. 1915.

Smith, B. Life of Lord Lawrence, Vol . II. 1901 .

Sykes, P. A History of Afghanistan, Vol II . 1940

-- A History of Persia , Vol . II . 1930 .

Tate, G.P. The Kingdom of Afghanistan. 1911 .

Thornton, A.P. British Policy in Persia , (1858-1890)

English Historical Review , IXIX (October, 1954),

PP. 554-79; (January, 1955) , PP. 55-71 .

+ Thornton, T.H. The Life & Work of Sir Robert Sandeman
. 1895 .

+ Wolf, L. The Life Of the First Marquess Of Ripon, Vol.
II. 1921 .

+ These are of Special importance being based largely



Upon Contemporary evidences. The authors acquaintance with the lives & works of these men make the sources particularly interesting .

ACKU
B
4-36
MIR
6153

ACKU